



مجله کاشان‌شناسی مقالات پژوهشی مربوط به تاریخ، فرهنگ، ادبیات، هنر، معماری تاریخی، جغرافیای تاریخی و مشاهیر منطقه کاشان شامل شهرستان‌های کاشان، نطنز و آران و بیدگل را منتشر می‌کند.

#### شیوه‌نامه درج منابع و استناد

- درج مشخصات منابع متن و تصاویر، براساس شیوه‌نامه ایران (تهیه‌شده توسط پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران) است.
- این شیوه‌نامه در وبگاه نشریه موجود و قابل بارگیری است.
- در متن مقاله به‌صورت: نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، صفحه.
- در فهرست منابع پایان مقاله به‌صورت:  
- کتاب‌ها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، نام مترجم یا مصحح، محل نشر، ناشر.  
- مقاله‌ها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان مقاله، نام مجله، دوره (شماره مجله): شماره صفحه  
ابتدا - شماره صفحه انتها.
- مقاله اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان مقاله، عنوان مجله علمی، دوره ش. نشانی الکترونیکی مقاله (دسترسی در تاریخ)

#### ضوابط و راهنمای تدوین مقالات

- مقاله ارسالی قبلاً در جایی چاپ یا ارائه نشده باشد.
- مقاله مبتنی بر تحقیق و شامل مطالب نو و ابتکاری می‌باشد.
- چاپ مقالات و تقدیم و تأخر آن با بررسی و تأیید هیئت تحریریه تعیین می‌گردد.
- هیئت تحریریه در ویرایش مطالب و یکسان‌سازی مقاله آزاد است و مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود.
- مقاله‌های مندرج صرفاً مبنی بر آرای نویسندگان است.
- مقاله‌ها پس از داوری تخصصی و احراز شرایط در مجله چاپ می‌شوند.
- مقاله باید در محیط Word تایپ و از طریق سامانه «کاشان‌شناسی» به‌صورت الکترونیک ارسال شود.
- چکیده فارسی و انگلیسی مقاله حداکثر در ۳۰۰ واژه بیايد.
- ذکر کلید واژه‌های مقاله (حداکثر ۵ واژه) الزامی است.
- نویسندگان برای مطالعه راهنمای تدوین مقالات به سامانه sh-kashan.kashanu.ac.ir مراجعه کنند.



- ۳ تحلیل و بررسی پیشینه مجموعه تاریخی-فرهنگی خواجه تاج‌الدین در محله مسجد آقابرگ کاشان  
رضا شجری، الهام عربشاهی کاشی، عباسعلی فراهتی
- ۵۳ بررسی تاریخی نقش ابوالرضا راوندی در روایت نهج البلاغه  
محمود صادقی علوی
- ۷۱ بررسی نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به ارتکاب جرم در بین جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه کاشان)  
سعید قماش، نسربین قدمی
- ۹۹ طراحی مدل شایستگی‌های کارآفرینانه: زنجیره تأمین صنعت فرش ماشینی شهرستان کاشان: رویکرد آمیخته پوریا منصوری، اسماعیل مزروعی نصرآبادی، زهرا صادقی آرانی
- ۱۲۹ شناسایی و اولویت‌بندی راهبردهای توسعه مدیریت شهری عدالت‌محور با تأکید بر شهر کاشان  
مرتضی والی‌زاده، علیرضا شیروانی، ماشاالله ولیخانی
- ۱۵۹ جایگاه باغچه و حوض آب در حیاط مرکزی و تأثیر آن‌ها در تأمین روشنایی خانه‌های منتخب تاریخی-قاجاری کاشان  
ارسلان آزادی‌فر، علی عمرانی‌پور، فرشید مصباح
- ۱۸۹ بررسی مفهوم عشق در مثنوی طاق‌دیس از دیدگاه روان‌شناسی مثبت‌نگر  
سعیده نعمت‌اللهی، تقی اژه‌ای

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

دوره ۱۷، شماره ۲ (پیاپی ۳۳)، صفحات: ۵۲-۳

مقاله علمی پژوهشی

## تحلیل و بررسی پیشینه مجموعه تاریخی - فرهنگی خواجه تاج‌الدین در محله مسجد آقابزرگ کاشان

رضا شجری\*

الهام عربشاهی کاشی\*\*

عباسعلی فراهتی\*\*\*

### چکیده

کاشان از مهم‌ترین شهرهای فرهنگی و تاریخی ایران با آثار فاخر فرهنگی و بناهای مهم مذهبی فراوان است که برخی از آن‌ها در حال حاضر از بین رفته و اثری از آن‌ها در دست نیست. مجموعه تاریخی و فرهنگی خواجه تاج‌الدین از بناهای بسیار مهم کاشان در جوار مسجد آقابزرگ بوده که آثار اولیه آن مربوط به دوران سلجوقی ولی سقف‌های آن متعلق به دوره ایلخانان مغول است. این مجموعه شامل مسجد، مدرسه، مناره، آب‌انبار، خانقاه، حمام، گذر، زورخانه، کاروانسرا و بقعه‌ای بوده که اکنون تنها دو گنبد آجری قرینه یکدیگر و بخش‌های کوچک دیگری از آن باقی مانده است. خواجه تاج‌الدین شیروانی و دو برادر دیگرش، خواجه عمادالدین محمود و خواجه زین‌الدین، از چهره‌های معتبر دوران آق‌قویونلو در قرن نهم، بناهای مهمی مانند این بقعه و مسجد میرعماد و... را در کاشان ساخته یا بازسازی کرده‌اند. بقعه خواجه تاج‌الدین قرن‌ها در شمار یکی از پایگاه‌های علمی فرهنگی در پرورش علما و دانشمندان اسلامی نقش مهمی داشته است. این پژوهش کوشیده است تا با روش تفسیری تاریخی و با استناد به پژوهش‌ها و مطالعات میدانی و رجوع به اسناد و مدارک و نیز قرائن تاریخی، به بررسی این مجموعه به‌عنوان بخشی از پیشینه غنی فرهنگی کاشان در دوران گذشته بپردازد، زیرا درباره آن، اطلاعات چندانی وجود ندارد؛ درحالی‌که نه تنها از حیث قدمت بلکه از نظر شهرت و اعتبار نیز در عصر خود، بسیار اهمیت داشته است. نتایج نشان داد که این مجموعه تاریخی با قدمتی نزدیک به هفتصد سال دارای زیارتگاه، مدرسه علمیه، آب‌انبار، خانقاه، حمام، گذر و... بوده و در دوره‌های مختلف بازسازی شده و مشخصات معماری عصر ایلخانی، صفوی و قاجار را در آن می‌توان دید. همچنین اشعار و آثار نقاشی و خطاطی و سنگ‌نوشته‌های آن نیز از ارزش تاریخی و فرهنگی ویژه‌ای برخوردار است. به عبارت دیگر، این پژوهش سعی کرده است تا بخشی از تاریخ کهن کاشان را احیا کند.

کلیدواژه‌ها: تاریخ کاشان، محله مسجد آقابزرگ، مجموعه خواجه تاج‌الدین، مدارس علمیه، موقوفات.

\* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول)،  
rshajari@yahoo.co.uk

\*\* دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان (مدرس حوزه و دانشگاه)، گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان،  
e.arabshahi@yahoo.com

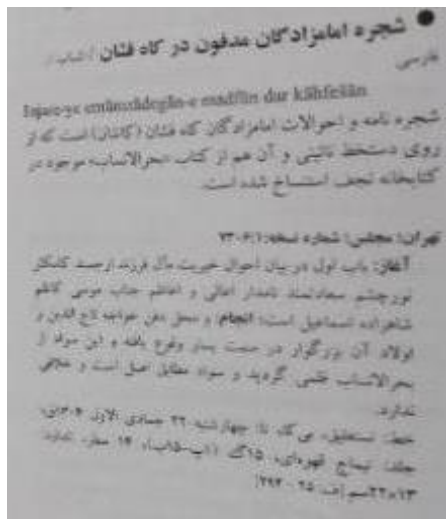
\*\*\* دانشیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، farahati@yahoo.kashanu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲



## ۱. مقدمه

کاشان<sup>۱</sup> با پیشینه غنی فرهنگی تاریخی و تمدنی هفت‌هزارساله، نقش سترگی در توسعه فکری، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایران دارد. آثار باشکوه تاریخی و فرهنگی این شهر همچون تپه‌های سیلک، باغ تاریخی فین، آتشکده‌ها و ابنیه‌های تاریخی و نیز علما و دانشمندان برخاسته از آن مانند غیاث‌الدین جمشید کاشانی، کمال‌الملک، محتشم کاشانی و بزرگانی از خاندان فیض، نراقی، نطنزی و... گواهی بر این ادعاست. قدمت مجموعه خواجه تاج‌الدین براساس کتیبه نصب‌شده از سوی اداره میراث فرهنگی جلوی در مجموعه، مربوط به عصر سلجوقی و ایلخانی (مغول) بوده و با توجه به شجره‌امامزادگان مدفون در این بقعه به استناد نسخه مجلس با شماره ۷۳۰۶/۱ که از روی دستخط نائینی و آن‌هم از کتاب بحر الانساب موجود در کتابخانه نجف استنساخ شده، قدمت بنای نخستین این مکان را می‌توان مربوط به قرون اولیه هجری دانست؛ هرچند آثاری از مشخصات معماری قرون اولیه در بنا دیده نمی‌شود.



تصویر ۱: صفحه اول نسخه از کتابخانه مجلس شورای اسلامی و اطلاعات کتاب‌شناسی نسخه مجلس

اما با توجه به اینکه، منابع و مستندات مکتوب چندانی درباره قدمت این مجموعه باقی نمانده و برخی از منابع هم در شمار منابع معتبر و دست‌اول نبوده، نگارندگان ناگزیر، به همین مقدار اندک از مستندات بسنده کرده و کوشیده‌اند با انجام تحقیقات میدانی و استفاده از اسناد شفاهی<sup>۲</sup> - اسنادی که سینه‌به‌سینه از گذشته تاکنون نقل شده است - و استفاده از نظر کارشناسان میراث فرهنگی از جمله تجربه‌ترین معمار سستی کاشان، استاد حلی، قدمت مجموعه را تعیین و تأیید کنند. این مجموعه،



## تحلیل و بررسی پیشینه مجموعه تاریخی- فرهنگی خواجه تاج الدین...، رضا شجری و همکاران

10.22052/KASHAN.2025.255438.1124

قرن‌ها در شمار یک پایگاه علمی و فرهنگی و هم‌اکنون نیز به‌عنوان یک مجموعه توریستی در کنار مجموعه تاریخی فرهنگی محمد صالح بیک<sup>۳</sup> و مسجد آقابزرگ فعالیت داشته و در حال حاضر، شماری از اجزای آن از جمله بقعه مبارکه، حمام و آب‌انبار باقی مانده و بقیه بر اثر گذر زمان و وقوع برخی بلایای طبیعی مانند زلزله سال ۱۱۹۲ق از بین رفته است. موقعیت جغرافیایی و نیز فضای خاص فرهنگی مذهبی حاکم بر شهر سبب شده مردمان آن به ساخت ابنیه مذهبی و فرهنگی اهتمام ویژه‌ای بورزند؛ چنان‌که کاشان از عصر سلجوقی در زمینه ساخت مدارس و انجام فعالیت‌های فرهنگی، شهره عام و خاص بوده است. اما متأسفانه به‌جز ویرانگری‌های مربوط به دو دهه نخست هجری، حمله ملک سلجوق در سال ۵۳۲، حمله مغولان در قرن هفتم همراه با تخریب مدارس و سوزاندن کتاب‌ها و وقوع بلایای طبیعی مانند زلزله‌های قرن ۱۰ و ۱۱، می‌توان گفت که بیشتر ابنیه تاریخی و فرهنگی به‌طور کلی ویران شده یا فقط بخش‌هایی از آن‌ها باقی مانده است (برای توضیح بیشتر ر.ک: راوندی قاسانی، ۱۳۳۴ش: ۲۳۱؛ پهلوان‌زاده، ۱۳۹۱: ۶۶؛ زرگری، ۱۳۸۸: ۴۹-۵۰؛ روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۱۴۶، میرمحمدصادق، ۱۳۸۴: ۸۸-۱۱۵؛ صادقی، ۱۳۸۶: ۱۱۶-۱۱۷).

از دوره صفویه با انتقال پایتخت به اصفهان، بالتبع کاشان هم رونق بیشتری یافت و عمارت‌های زیادی در آن ساخته شد. این اهمیت در دوره قاجار بیشتر به‌دلیل نفوذ برخی سیاستمداران و هنرمندان کاشان در دربار ادامه داشت، به‌طوری‌که بناهای قاجاری هنوز استواری و زیبایی خویش را حفظ کرده است و هر سال بسیاری از گردشگران داخلی و خارجی از آن‌ها بازدید می‌کنند. در واقع در این شهر، بناهای تاریخی فراوانی با کارکرد علمی و مذهبی در سده‌های گذشته ساخته شده که همگی کانون پرورش علمای سترگ اسلامی بوده است. وجود مدارس فراوان در کاشان نشان می‌دهد که این شهر به ساخت مدارس اهتمام ویژه‌ای داشته و بنابر روایت راوندی صاحب‌راحت /الصدور، برخی از وزراء، دبیران، مستوفیان و حاجبان پادشاهان بزرگ سلجوقی یا صاحب‌منصبان سلجوقی همانند انوشیروان بن خالد بن محمد کاشانی و سید ابوالرضا حسنی راوندی (صاحب دیوان اشعار راوندی و مفتخر به داشتن چهار مدرسه) از مردم کاشان یا تربیت‌یافتگان آن سامان بودند (برای توضیح بیشتر ر.ک: صاحبی نخجوانی، ۱۳۵۷: ۳۰۱؛ نراقی، ۱۳۶۵: ۵۴). بنابراین پیشینه غنی فرهنگی کاشان نشان می‌دهد که مدارس علمیه فراوانی داشته است که متأسفانه برخی از آن‌ها به مرور زمان، بر اثر حوادث طبیعی یا ایجاد مستحذات امروزی از بین رفته‌اند. چنان‌که رازی در /التقص آورده است: «...و کاشان بحمدلله والمنة، منور و مشهور بوده و همیشه هست به زینت اسلام و نور شریعت و قواعد آن. از مسجد جامع و دیگر مساجد با آلت و عدت و مدارس بزرگ چون



صفویه، مجدیه و عزیزیه و...» (رازی، ۱۳۳۱: ۱۶۹). همچنین از آثار مهم ابوطاهر صفی‌الدین اسماعیل کاشی -از کارگزاران خواجه نظام‌الملک، -مدرسه صفویه کاشان محل درس و بحث و موعظه سید ابوالرضای راوندی بوده که به گفته نویسندگان عصر وی از همه مدارس روی زمین بزرگ‌تر و عالی‌تر بوده است (نراقی، ۱۳۶۵: ۵۶؛ نیز ر.ک: همان: ۵۸-۶۱؛ سادات‌بیدگلی، ۱۳۹۵: ۳۵-۴۶). مدارس مانند شرفیه، صفیه (صفویه)، معینیه، مجدیه، عزیزیه، دارالسیاده غزانیه، سید لطیف (مدرسه خان)، فتحانیه، عمادیه، خواجه تاج‌الدین، حسینی، امامزاده حبیب بن موسی کاظم (ع)، سعید، مسجد گذر بابا ولی، میانچال (آیت‌الله مدنی)، رزاقیه، محمدصالح بیک، ترک‌آباد، شاه (سلطانی یا امام خمینی<sup>(ره)</sup> کنونی)، مصطفویه (درب یلان)، آقابزرگ، آیت‌الله سید علی یشربی، آیت‌الله اعتمادی و امامیه در شمار مهم‌ترین مدارس کاشان از سال‌های ۴۶۵ق تا ۱۴۲۳ق هستند که مدرسه رزاقیه، محمدصالح بیک، سلطانی و آقابزرگ در شمار مدارس علمیه کاشان در دوره قاجارند (عاطفی، ۱۳۹۲: ۱۵۶-۱۶۵؛ نیز ر.ک: سادات‌بیدگلی، ۱۳۹۵: ۴۴-۴۵؛ سلمانی آرانی، ۱۳۷۵: ۹۹-۱۰۲؛ نراقی، ۱۳۶۴: ۸۸؛ فراهتی، ۱۳۸۲: ۲۱۰). مجموعه خواجه تاج‌الدین<sup>۴</sup> از مراکز مهم علمی، مذهبی، تاریخی و فرهنگی با جاذبه گردشگری فراوان در مجاورت مسجد و مدرسه آقابزرگ - یکی از قطب‌های مهم علمی و یکی از باشکوه‌ترین بناهای اسلامی کاشان - قرار دارد (نراقی، ۱۳۸۲: ۱۸۵-۱۸۶؛ قزوینی، ۱۳۹۰: ۴؛ استادی، ۱۳۸۲: ۴۱۹). هرچند این مجموعه نتوانسته است شهرت مسجد و مدرسه آقابزرگ را پیدا کند، به روایت اسناد تاریخی قدمت آن بیش از مسجد و مدرسه آقابزرگ بوده و ساخت این بنا مربوط به دوره ایلخانی است و در گذشته کارکردهای علمی و فرهنگی خاص خود را داشته است. شایان ذکر است ابنیه تاریخی کاشان به‌ویژه مساجد و بناهای متبرکه در ادوار مختلف تاریخی از جمله صفویه و قاجاریه، همواره توجه مورخان و سیاحان ایرانی و خارجی را جلب کرده و در سفرنامه‌های خود اطلاعات مفیدی را ارائه داده‌اند؛ چنان‌که دو گوینو به شرح بازدید خود از مدرسه سلطانی و مختصات آموزشی آن پرداخته است یا شاردن درباره مساجد و ابنیه تاریخی و تعداد آن در کاشان سخن رانده است (برای توضیح بیشتر ر.ک: کنت دو گوینو، ۱۳۶۷: ۲۴۳؛ شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۸۳).<sup>۵</sup>

درخصوص این مجموعه هم با وجود شمار فراوانی از گردشگران خارجی، ولی متأسفانه تاکنون به‌طور شایسته، توصیف نشده و چه‌بسا از چشم بسیاری از اهالی ادب و فرهنگ کاشان نیز پوشیده مانده است؛ ازاین‌رو در پژوهش حاضر، به بررسی مختصات و ابعاد گوناگون این مجموعه پرداخته شده است.



## ۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش مستقلی درباره تاریخیه این مجموعه انجام نگرفته است؛ البته به صورت پراکنده در برخی از آثار مانند نسخه مجلس استنساخ شده از روی بحر/الانساب و زیلوهای<sup>۶</sup> به‌جامانده از دوره قاجار اشاراتی به این مجموعه تاریخی شده است. در تاریخ کاشان از کلاتر ضرابی (۱۳۵۶)، به‌طور مجمل به شرح سه تن از اعیان وزرای جهان‌شاه اشاره شده که خواجه عمادالدین محمود، خواجه زین‌الدین و خواجه تاج‌الدین در مسیر سفر حج، مدتی در کاشان توطن کردند. عمادالدین مسجد عمادی، خواجه زین‌الدین، منار زین‌الدین و خواجه تاج‌الدین هم مقبره و مسجد و دو گنبد رفیع و مناره بر سر مزار یکی از امامزادگان و چند تن از قاضیان شریعت بنا کرد. عاطفی در کتاب هم‌نو/ با قاسمیان (۱۳۹۲) نیز به‌طور مختصر راجع به بانی مدرسه و آثار باقی‌مانده از مجموعه به‌طور مختصر نکاتی بیان کرده است. در کتاب مختصر جغرافیای کاشان از ملک‌المورخین کاشانی (۱۳۷۸) هم به نام بقعه خواجه تاج‌الدین و آب‌انبار آن اشاره کرده است. در کتاب دانشنامه بزرگ اسلامی نیز به نام مسجد و مدرسه خواجه تاج‌الدین و برخی مختصات معماری مسجد و محله آقابزرگ اشاره شده است. همچنین در کتاب‌های بیست‌ویک گفتار درباره نسخه‌های خطی (جعفریان، ۱۳۹۸ الف)، دو رساله در شجره امامزادگان مدفون در کاشان (همو، ۱۳۹۸ ب)، کاشان مهد تمدن و هنر (خانی آرانی، ۱۳۹۰)، جاذبه‌های گردشگری در کاشان (حمیدی‌نژاد، ۱۳۸۵) و دانستنی‌های تاریخی کاشان و مناطق اکوتوریسم (ریاضی، ۱۳۸۶) هم به‌طور مجمل فقط به نام این مسجد، مدرسه، بانیان و اندکی مختصات معماری آن اشاره شده است؛ اما تاکنون پژوهشی مستقل در معرفی این مجموعه و اجزای آن انجام نشده است.

## ۳. بررسی قدمت مجموعه خواجه تاج‌الدین و معرفی بانیان

همان‌طور که اشاره شد، براساس اسناد و مدارک موجود از جمله کتاب تاریخ کاشان و نیز اطلاعات کتاب نراقی و نیز نظریات کارشناسان و خبرگان معماری سستی همچون استاد حلی و کارشناسان میراث‌فرهنگی و نیز کتیبه نصب‌شده از سوی اداره میراث‌فرهنگی جلوی در مجموعه و نیز زیلوهای به‌جامانده در مسجد آقابزرگ - که روی آن به مجموعه خواجه تاج‌الدین به‌عنوان آدرسی اجلی و اعرف از مسجد آقابزرگ اشاره کرده - می‌توان تاریخ تقریبی بنا را حدس زد (ر.ک: تصویر ۶ تا ۱۲).

نراقی براساس آثار موجود، قدمت مجموعه را بیش از هفتصد سال و مربوط به دوران سلجوقی دانسته که سقف‌های آن متعلق به دوره ایلخانان مغول<sup>۷</sup> است (برای توضیح بیشتر ر.ک: نراقی،



۱۳۸۲: ۱۳۰). شایان ذکر است بعد از دایر شدن نخستین مدارس اسلامی، مدارس متعددی در ایران بر اثر حوادث طبیعی، سیاسی، جنگ با بیگانگان یا فوت بانی و از دست رفتن تمکن مالی وی از بین رفته و نام و نشانی از آن‌ها در دست نیست (برای توضیح بیشتر درباره مدارس ر.ک: درخشان، ۱۳۹۶: ۵۰-۵۱).

خوشبختانه با وجود بلایای طبیعی مانند زلزله سخت سال ۱۱۹۲، آسیب چندانی به بنای اصلی این مجموعه وارد نشده و فقط گلدسته خود را از دست داده و کارکردهای اصلی خود را حفظ کرده است؛ هرچند امروز، نشانی از مدرسه، مسجد و مناره نیست، براساس بخش‌های برجای‌مانده می‌توان مختصات کلی مجموعه را توصیف کرد. این مجموعه براساس شواهد میدانی، همراه با پژوهش‌های میدانی و گفت‌وگو با معمرین محلی و متون تاریخی باقی‌مانده به صورت جسته‌وگریخته شامل مسجد، مدرسه، مناره، آب‌انبار،<sup>۸</sup> خانقاه و بقعه‌ای بوده که امروزه تنها دو گنبد آجری قرینه بقعه و خانقاه آن باقی مانده است. بقعه‌ای که بعد از ویرانی به دلیل عدم مرمت، به جای نام مؤسس و بانی به نام فرد تجدید بناکننده، خواجه تاج‌الدین مشهور است. البته از بانیان نخستین مجموعه، هیچ اطلاعی در دست نیست، اما براساس گزارش‌های تاریخی مثل کتاب *تاریخ کاشان*، خواجه تاج‌الدین اهل شیروان خراسان و وزیر جهان‌شاه قراقویونلو و از چهره‌های معتبر این دوره در قرن نهم بوده که با وساطت امام‌جمعه کاشان بناهای مهمی همچون بقعه و خانقاه خواجه تاج‌الدین را در این شهر ساخته است. براساس مشاهدات عینی،<sup>۹</sup> این مجموعه دارای دو گنبد آجری بسیار زیباست که در زیر گنبد شرقی آن حاج ملا محمدحسن قطب معروف به عبد علی‌شاه و تعدادی از وابستگان او و در گنبد غربی آن دو تن از نوادگان امام موسی کاظم (ع) به نام‌های اسحاق و ابوطالب مدفون‌اند. از آنجاکه امروزه نشانی از خانقاه در آن یافت نمی‌شود، می‌توان حدس زد بنایی را که گنبد شرقی بر آن بنا شده، همان خانقاه بوده و وجود مقبره ملا محمدحسن یکی از اقطاب متصوفه در این مکان و همچنین گزارش‌های شفاهی نیز این حدس را تقویت می‌کند.

به روایت تاریخ کاشان، سه تن از اعیان وزرای جهان‌شاه خواجه عمادالدین محمود، خواجه زین‌الدین و خواجه تاج‌الدین از منصب خود عزلت گزیده و راهی سفر حج شدند. در راه با جد اعلای سلسله علیه میرزا نصرالله امام‌جمعه کاشان مرحوم شیخ منصور از فحول علما آشنا شدند و در کاشان توطن کردند. عمادالدین مسجد عمادی را احداث کرد و تولیت، امامت جمعه و جماعت آن را به شیخ منصور مزبور و اولادش داد و خواجه زین‌الدین، منار زین‌الدین را ساخت و خواجه تاج‌الدین در سر مقبره یکی از امامزادگان و چند تن از قاضیان شریعت پیغمبر آخرالزمان که در



### تحلیل و بررسی پیشینه مجموعه تاریخی- فرهنگی خواجه تاج الدین...، رضا شجری و همکاران

سلسله ابوذر غفاری بوده‌اند، دو گنبد رفیع و مناره و مسجدی منبع به نام خود بنا نهاده است (کلاتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۲۹۴-۲۹۵؛ نیز ر.ک: نراقی، ۱۳۸۲: ۱۳۰-۱۳۱). ظاهراً هم‌جواری بقعه و اجزای آن مانند خانقاه با مدفن دو امامزاده در آبادانی آن تأثیر بسزایی داشته است. براساس پژوهش‌های میدانی و گفت‌وگو با معمرین محلی در اواخر دوره قاجار، مجدداً این بنا مورد بی‌توجهی و در آستانه تخریب قرار می‌گیرد، ولی با همت علما و عرفای شهر به‌ویژه ملا محمدحسن نطنزی، رونق خویش را بازیافته است. براساس سندی متعلق به سال ۱۳۰۴ق ذکر شده که تولیت مدرسه مخروبه خواجه تاج‌الدین از حاکم شرع کاشان، حاج ملا محمدحسین نطنزی کاشانی (متوفی ۱۳۲۲ق) استفتا کرده است تا با تعیین تولیت، از خرابی بیشتر بقعه جلوگیری کند. در نامه مذکور آمده که در دویست سال قبل که در کاشان، مدارس جدید نبوده، این مدرسه دایر بوده و الحال مخروبه‌ای بیشتر از آن باقی نمانده و موقوفات آن را تمام مردم ضبط کرده و از حیز انتفاع به‌کلی افتاده و جنین مدرسه هم دو بقعه است که اولی مربوط به دو امامزاده لازم‌التعظیم و دومی مربوط به خانقاه و مدفن حاجی ملا محمدحسن بوده که این دو بقعه نیز منهدم و مخروب شده است (عاطفی، ۱۳۸۸: ۳۷-۴۱). در ذیل، تصویر متن این استفتا به نقل از کتاب *فقیه ریاضیدان*<sup>۱</sup> زندگی‌نامه حاج ملا محمدحسین نطنزی کاشانی نشان داده می‌شود:



تصویر ۲: سند استفتا از حاکم شرع کاشان برای مدرسه خواجه تاج‌الدین



### ۳-۱. مشخصات معماری مسجد و مدرسه خواجه تاج‌الدین

یکی از مباحث مهمی که باید بدان توجه شود، این است که ایران در هنر معماری نسبت به ملل دیگر برتری دارد و در همه ادوار عامل پیشرفت و تکامل هنر بوده است (تاج‌بخش، ۱۳۸۱: ۱۰). معماری مجموعه خواجه تاج‌الدین در شمار یکی از نمونه‌های اعلای معماری ایرانی است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، براساس نظر کارشناسان و خبرگان میراث‌فرهنگی از جمله استاد علی‌اکبر حلی، سبک معماری بقعه با توجه به آثار به‌جامانده در مجموعه، بیشتر ترکیبی از ویژگی‌های دوره‌های مختلف معماری اعم از ایلخانی و صفوی و قاجار است. ایشان معماری کل بقعه از جمله سقف‌های قرینه گنبدی‌شکل را مربوط به دوره مغول و سقف محوطه مربوط به آرامگاه امامزادگان را از نوع معماری اواخر پهلوی اول دانسته و قسمت رواق و چهار صفحه و نقاشی‌ها را مربوط به دوران صفویه دانسته‌اند. نماها و تزیینات حال حاضر مجموعه بیشتر گویای ویژگی‌های معماری دوره قاجار است؛ اما براساس اجتهاد عقلی و اذعان معماران و مهندسان کنونی در بازدید از مجموعه ذکر شده که تزیینات شاخص معماری آن شامل مقرنس‌های پیرامون زیر گنبدخانه و همچنین نقاشی‌های نفیس آن تا حدودی شبیه معماری عصر مغول است. براساس نحوه طراحی بنا پس از طی جلوخان و هشتی کوچک ورودی و همچنین دالان به صحن مسقف رسیده که در پیرامون آن صفیه‌هایی با سقف‌های طاق و تویزه شکل گرفته و سپس بقعه مذکور در جبهه جنوب غربی صحن نمایان می‌شود. طاق‌نمای داخلی بقعه به پهنای ۵۶ سانتی‌متر با طاق جناغی است. بالای طاق‌نمای بیرونی که تقریباً دوسوم بلندی بنا را گرفته، طاق‌نمای کوچک‌تری قرار دارد. بالای هر زاویه بنا، گوشواری با سه آجر مثلثی زده‌اند و سقف را که گنبدی عرقچینی است بر بالای گوشوارها و طاق‌نماهای کوچک هشت‌گانه بنا کرده‌اند. در ورودی در ضلع شمال شرقی است و هریک دارای طاق‌نمای جداگانه است. داخل بنا سفیدکاری است و بر گچ دیوار با قلم و مرکب یادگاری‌های قدیمی فراوانی نگاشته شده که بیشتر آن‌ها خراب شده است. سبک معماری اسلامی مجموعه، دنباله سبکی است که «ماده سنگین و بی‌شکل با حکاکی طرح‌های تزیینی زخرفی و اسلیمی و حجاری به اشکال مقرنس و مشبک، سبکی شبیه اشیای ماورای طبیعی می‌دهد و بدین وسیله نور بر هزار جهت تابیده و سنگ و گچ را مبدل به یک جوهر قیمتی می‌سازد» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷۸). در معماری اسلامی عصر صفوی نیز به‌ویژه عناصری مانند گنبد و کوشک تا تزییناتی چون کاشی‌کاری و گچ‌بری و مقرنس به‌وفور دیده می‌شود (محمدی خبازان، ۱۳۹۵: ۷۶؛ برای توضیح بیشتر ر.ک: شوازی، ۱۳۸۱: ۱۹۱؛ رضوی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۴۶۷-۴۶۸).



با استناد به نظر کارشناسان خبره اداره میراث فرهنگی از جمله استاد علی اکبر حلی، درخصوص معماری مجموعه ذکر شده است که معماری بقعه، به طور کامل، یکنواخت و مربوط به یک زمان است. به اعتقاد ایشان، دیوارهای گنبد با قوس های اطراف آن و خود عرقچین سقف گنبد در یک زمان ساخته شده و معماری آن از نوع معماری مغولی است. قوس ها از نوع تیزه دار شش قسمتی یا شاخ بزی است که البته در دوره های مختلف استفاده شده؛ اما این قوس ها دقیقاً مربوط به معماری دوره مغولی است. زیر قوس ها درون صغه ها هم رسمی بندی دیده می شود که رسمی بندی شیوه ای از کاربندی است که بر اثر تقاطع چند قوس روی ترنبه ها و پاباریک ها به وجود آمده و هدف از آن در معماری سنتی ایران، تزئین پوشش بناها برای تقسیم سطح سردرب، زیرگنبد، ایوان ها و... به اشکالی مانند شمس، ترنج پاباریک و هفتی است که در مراحل بعدی با تزئیناتی مانند کاشی هفت رنگ، کاشی معرق یا آجر پوشیده می شود. رسمی بندی از اصول اربعه معماری آن زمان بوده است.<sup>۱۱</sup>

داخل صغه ها رسمی بندی است؛ البته در واقع همان نیم کار رسمی بندی است که اگر هشت صغه اطراف زیر گنبد که به صورت هشت ضلعی بوده قرینه شود، تمام رسمی محسوب می شود. با توجه به اینکه اصول اربعه معماری اسلامی شامل رسمی بندی، یزدی بندی، مقرنس و گره سازی<sup>۱۲</sup> است که رسمی بندی و مقرنس، داخل سقف صغه ها است؛ اما هیچ اثری از یزدی بندی و گره سازی در آن دیده نمی شود؛ در حالی که در سقف تیمچه امین الدوله و سقف ایوان خانه عامری ها و نیز در خانه عباسی ها، آثاری از یزدی بندی وجود دارد. مقرنس نیز در مرکز گنبد این مجموعه وجود دارد که اوج هنر تزئینات معماری ایران است. مرکز گنبد یا عرق چین داخل گنبد یک مقرنس پرکار بسیار زیباست که همگی مربوط به دوره ایلخانی و عصر مغول است.

پلان یا سطح بقعه، مربع شکل و کنج های آن تیز است. قسمت بالاتر، روی پلان مربع، قوس ها، صغه های زیر گنبد را پوشانده و با اجرای قوس ها، زمینه مربع را به هشت ضلعی بدل کرده است. وجود سقف هشت ضلعی بیانگر همان معماری پتکین یا پیش آمدگی تدریجی است. مربع را با اجرای قوس های پتکین در گوشه ها به هشت ضلعی بدل کرده و هشت ضلعی را با اجرای مقرنس به دایره بدل کرده و عرقچین سقف دایره شده است و در مرکز گنبد، کتیبه هایی را طراحی کرده؛ یعنی در شمس مقرنس یا قطار بندی، کتیبه سازی شده و مطالبی در آن نوشته شده در حالی که به شکل هندسی دایره بدل شده است.



تصویر ۳: نمای داخلی سقف بقعه خواجه تاج‌الدین

برای تشریح و تبیین بیشتر، برشی از تصویر بزرگ‌نمایی شده سقف این قسمت در اینجا نشان داده می‌شود:



تصویر ۴: برش بزرگ‌نمایی شده از تصویر داخلی سقف بقعه خواجه تاج‌الدین

طبق نظر کارشناسان خبره اداره میراث‌فرهنگی درباره گنبدخانه ضریح ذکر شده که صفه‌های این گنبد هم مثل همان گنبد قبلی، ایلخانی است اما تغییراتی دارد؛ همان پلان مربعی‌شکل که در قسمت بالا به هشت‌ضلعی بدل شده است. در گنبد قبلی، داخل صفه‌ها رسمی‌بندی شده، اما اینجا دارای مقرنس و پرکارتر است؛ یعنی صفه‌های زیر گنبد را مقرنس کرده و روی صفه‌ها دوباره ساق ایجاد کرده درحالی‌که گنبد قبلی ساق نداشت و عرقچین صاف روی صفه‌ها آمده و داخل ساق، شبکه‌های فیروزه‌ای و جعفری را اجرا کرده، سپس عرقچین مقرنس‌کاری شده گنبد را روی آن اجرا کرده و وسط عرقچین کار ساده شده و درحقیقت معماری آن تنوع دارد؛ ولی قوس‌ها دقیقاً تیزه‌دار شش‌قسمتی شاخ بزی است که دنباله همان معماری ایلخانی یا مغولی است.



تصویر ۵: نمای داخلی سقف بالای امامزادگان (ع)

در عکس ذیل، یک رواق چهارصفه دیده می‌شود که یک طاق در وسط و چهار صفه اطراف آن است. دو صفه در ورودی بقعه یا گنبدخانه‌ها و مقصوره‌ها واقع شده و دو صفه هم مربوط به صفه نشیمن است. داخل یک صفه، آرامگاهی بنا شده که با توجه به نوع معماری آن، به نظر می‌رسد در اواخر پهلوی اول ساخته و الحاق شده باشد و گنبدخانه آن هم با توجه به نقاشی‌های آن، مربوط به عصر صفویه است. سقف وسط چهار صفه را رسمی‌بندی کرده، سپس سقف صفه‌ها را به صورت چشمه‌پوش و واریخته اجرا کرده، چهار طرف عرق‌چین گنبد، چهار تا تویزه دارد. داخل صفه‌ها را چشمه‌پوش کرده و نقاشی داخل آن هرچند تخریب شده، به‌زیبایی، باقی‌مانده آن را تثبیت کرده است.



تصویر ۶: رواق چهارصفه و نمای داخلی سقف آن

درهای ورودی دو بقعه و منبر نیز مربوط به دوران صفویه است. ساختمان آرامگاه مربوط به دو امامزاده نیز مربوط به زمان اواخر پهلوی اول است که به بخش زیارت الحاق شده است. این معماری جایگزین معماری قبلی شده و از نوع معماری ساده است و درها الحاقی بوده و مربوط به دوره ایلخانی نیست و درحقیقت درها را برای ورود به حرم ملحق شده است.<sup>۱۳</sup>



تصویر ۷: نمای داخلی بقعه خواجه تاج‌الدین و معماری عصر قاجار

دو گنبد موجود در بیرون مجموعه به صورت قرینه یکدیگر و هر دو دارای ساق و استوانه بوده که رینگ روی آن به زیبایی اجرا شده و در عین اینکه از بیرون قرینه و دارای ساق بوده، از داخل چون نوع کاربندی مقرنس تغییر کرده است. در گنبد اولی، ساق کمتر دیده شده و در دومی ساق بهتر دیده می‌شود. گنبدها آجری ساده ایلخانی و بسیار زیباست. به گفته استیرلن هم در عصر تیموری، گنبدها بیشتر اشکال ساده هندسی و نوشته‌های تودرتو بر روی دیوارهای منحنی داشت و اغلب سطوح مزین به کاشی‌های لعاب‌دار بود (استیرلن، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۲۸).



تصویر ۸: نمای بیرونی دو گنبد مغولی مجموعه خواجه تاج‌الدین



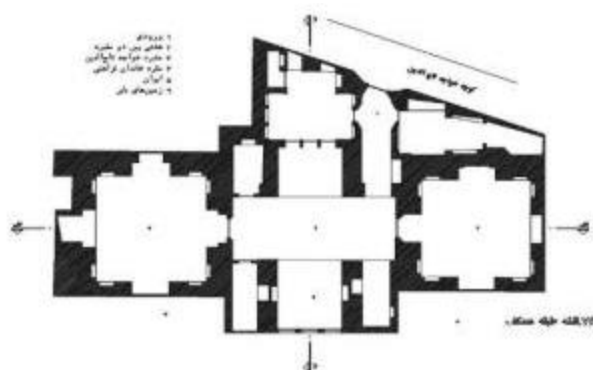
### تحلیل و بررسی پیشینه مجموعه تاریخی- فرهنگی خواجه تاج‌الدین...، رضا شجری و همکاران

چینش اجزای تشکیل دهنده مجموعه تاریخی فرهنگی خواجه تاج‌الدین شبیه اجزای مسجد جامع نطنز از بناهای مشهور تاریخی مربوط به دوران الحیاتو خداپنده و پسرش ابوسعید بهادرخان (دوره ایلخانی) است که متشکل از مسجد، خانقاه، مقبره شیخ نورالدین عبدالصمد نطنزی و مناره است. البته بقعه شیخ عبدالصمد، گنبدی هشت وجهی مخروطی شکل دوجداره با دو پوسته است که تزیینات جداره بیرونی را آجر و کاشی‌های فیروزه‌ای رنگ و جداره داخلی را مقرنس کاری گچی بی نظیری تشکیل می دهد. بافت مجموعه خواجه تاج‌الدین شبیه توره یا مساجد مقبره‌ای نیز هست. قدیمی ترین توره متعلق به دوره سلجوقیان با گنبدهای اغلب مخروطی شکل یا کندویی است و در اطراف آن، چند قبر مربوط به شخصیت‌های مقدس به صورت سنگ فرش یا لوحه سنگی است. ضمایم عمده این معابد یا توره‌ها هم مدرسه و مهمان سراسن (شوازی، ۱۳۸۱: ۱۸۱-۱۸۲).



تصویر ۹: نمای داخلی سقف واقع در مسجد جامع نطنز

در تصویر ذیل، برای توصیف بهتر مختصات معماری مجموعه خواجه تاج‌الدین نقشه کلی مجموعه نشان داده می شود:



تصویر ۱۰: نقشه طبقه همکف بقعه خواجه تاج‌الدین که در میراث فرهنگی کاشان موجود است.

براساس یادداشت‌های شیلا بلر و جان‌تاتان بلوم در مقاله «مغول‌های دوره اسلامی؛ از حمله مغولان تا ایلخانان» بناهای مربوط به صوفیه در قرن‌های ۱۱ و ۱۲ شباهت زیادی باهم دارند و معمولاً «در قسمت مرکزی یک تالار گنبددار با طاقچه‌هایی روی محور آن و اتاق‌های مسکونی در گوشه‌های ساختمان قرار داشتند. قسمت دروازه به شکل ورودی بناهای یادبود شکل گرفته‌اند. خانقاه اغلب به گونه‌ای متصل به مقبره یک شخص مورد تکریم مؤمنان بود، به طوری که تبدیل به یک زیارتگاه می‌شد؛ چنان که می‌توان از سه کنج مسجد ورامین در دوره مغولی و اسلامی یاد کرد» (هستین و دلیوس، ۱۳۸۸: ۳۰۲ و ۳۵۳).

نوع خاص معماری مجموعه خواجه تاج‌الدین تاحد زیادی منطبق با نوشته‌های بلر و بلوم بوده؛ چنان که وجود تالار گنبددار با طاقچه‌هایی روی محور آن و قسمت دروازه با بنای ورودی آن مؤید این مطلب است.

در هنر معماری عصر صفویه، پوشش عمارت‌ها با کاشی‌های کوچک و لعاب درخشان است. در دوره سلجوقیان هم تنها بخشی از عمارت‌ها، کاشی‌های پخته شیرین‌رنگ تند دارد و نقوش برجسته و کنده‌کاری‌های سقف برگرفته از شیوه‌های معماری این عصر است.<sup>۱۴</sup> یکی دیگر از ظرافت‌های این نمونه از معماری استفاده از سه کنج‌هاست. «سه کنج‌ها برای پل زدن گوشه‌های اتاق مربع‌شکل به کار می‌روند و پایه‌ای برای نگهداری گنبد بالا هستند. از حدود ده قرن پیش مشخص شده بود چون پشت سه کنج هیچ فشاری را تحمل نمی‌کند، برای هرگونه کار تزئینی مناسب بوده و چون پشت سه کنج با مقرنس‌هایی پر شده که نشان‌دهنده تعدادی طاقچه گچ‌بری است و هیچ وزنی را تحمل نمی‌کند، نگهدارنده بصری گنبد است (همان: ۳۵۳). طرح و فرم و جزئیات آثار ساختمانی عصر مغول همانند روش‌های دوره سلجوقی است و در هر دو دوره سلجوقی و مغول، بناهای مذهبی چون مساجد، مدارس، زیارتگاه‌ها و مقبره‌ها بر بناهای غیرمذهبی مرجح بوده است از این رو از خانه‌های معمولی با مصالح کم‌دوام، اثری نیست و اغلب بناهای این دوره مانند مسجدجامع کاشان استحکام زیادی دارد؛ چنان که بنای خواجه تاج‌الدین نیز در طی قرون گذشته در برابر بلایای طبیعی استوار بر جای بماند. در دوره سلجوقی، معماری در مرحله تحول بود و در دوره مغول تلفیق اشکال ساختمانی و تزئینی موجود مورد توجه قرار گرفت؛ به نحوی که معماری سلجوقی شکل ابتدایی روش مغول است. در دوره مغول به خطوط عمودی و ظرافت فرم‌ها اهمیت بیشتری داده شد و قدرت ساختمانی بنا از دیوارها به جرزها و گوشه‌ها منتقل گردید. نوع و فرم گنبد ادامه یافت و گوشوار برای تسهیل تعبیه آن مورد توجه بود، ولی مقرنس که در دوره سلجوقی بیشتر در



## تحلیل و بررسی پیشینه مجموعه تاریخی - فرهنگی خواجه تاج الدین...، رضا شجری و همکاران

خارج بنا به کار می‌رفت، به داخل منتقل گردید و گوشوارها نیز جنبه تزئینی یافت (همان: ۲۳۰). با مشاهده نوع معماری بقعه خواجه تاج الدین می‌توان گفت که این بنا به شیوه معماری عصر مغول، نه تنها به خطوط عمودی و فرم‌ها اهمیت بیشتری داده، بلکه مقرنس نیز به داخل بنا انتقال یافته و جنبه تزئینی در بنا افزایش یافته است. برای مثال، قبور برجسته دو امامزاده در گنبد غربی بقعه با کاشی معرق زیبایی پوشیده شده و داخل صندوق چوبی مشبکی است. بقعه مزبور، مانند بنای خانقاه، براساس طرح چهارگوش و پوشش گنبدی<sup>۱۵</sup> کم‌خیز، بنا شده است. این دو بنا، توسط رواق بزرگ صفه‌داری به یکدیگر وصل می‌شوند. در میان سقف آجرچینی این بقعه، ترنج گردی با کاشی‌های معرق عهد مغول - نظیر کاشی‌های روی قبر امامزادگان - ساخته شده است. پیرامون ترنج، آجرکاری‌هایی به شیوه رسمی‌بندی و سپس تزئینات مقرنس انجام گرفته است. گنبد شرقی هم در آغاز به‌منظور خانقاه ساخته شده و سقف این گنبد دارای ترنج کاشی‌کاری معرق زیبایی از عهد مغول است و نوشته‌های اطراف آن پس از فوت ملا محمدحسن نطنزی در سال ۱۳۰۲ق اضافه شده است (حمیدی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۱۴-۱۱۵؛ نیز ر.ک: خانی آرانی، ۱۳۹۰: ۱۵۸؛ ریاضی، ۱۳۸۶: ۵۰). البته در تزئینات معماری دوره ایوبیان و سلسله‌های محلی اتابک‌ها مانند ایوان قلعه در بغداد نیز سقف مشبک با تزئینات کاشی‌کاری به چشم می‌خورد که القاگر سقف چوبی در ذهن است. تکنیک ترکیب ساروج و تزئینات کاشی‌کاری احتمالاً در اینجا به اوج خود می‌رسد (بلوم و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۴). ازسویی، طرح هندسی نقش سقف از نظر پیچیدگی و محاسبه طرح‌اندازی و دشواری اجرا در سطحی مقعر، بیانگر یکی از شاهکارهای معماری اسلامی در کاشان است که از نبوغ سرشار معماران آن حکایت دارد (حاجی‌زاده و رحیمی، ۱۳۹۹: ۳۹). البته با توجه به اینکه مقرنس، یکی از عناصر تزئینی معماری ایرانی است که در ساختمان‌های سرزمین اسلامی از اسپانیا



تا آسیای مرکزی دیده می‌شود و بخش داخلی سقف این اثر به شکل شانه عسل یا یک استالاکتیت (مقرنس‌کاری) است و سقف بسیاری از مقبره‌ها مانند مقبره هشت ضلعی ست زیاده در بغداد (۱۲۲۵م-۱۱۷۹) به شکل گنبد مقرنسی است (هتستین و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۸-۷۹). در این بقعه نیز می‌توان به این ویژگی بارز معماری اسلامی پی برد.

تصویر ۱۱: نمای مقرنس‌کاری های داخلی سقف بقعه خواجه تاج الدین

البته نقل شده است که گنبد شرقی قرینۀ بقعۀ خواجه تاج‌الدین در آغاز برای خانقاه بنا شده، ولی از دوران صفویه به بعد به واسطۀ توجه نکردن به این گونه ابنیه عموماً از رونق افتاده و از خانقاه‌های متعدد کاشان در عهد مغول<sup>۱۶</sup> اثری باقی نمانده است، جز این گنبد که به واسطۀ وضع ساختمانی مستحکم آن پایدار مانده است. در اوایل قرن حاضر، جسد حاج ملا محمدحسن نظری یکی از عرفای بزرگ را در آنجا به خاک سپردند و در محوطۀ داخلی سقف این گنبد تعمیراتی به عمل آورده که تزیینات گوناگون آن نمونه فنون معماری عصر خود است. در زیر سقف این گنبد بر روی امامزادگان از قدیم ترنج گردی با کاشی‌کاری معرق بسیار زیبایی از عهد مغول بوده که هنگام تعمیر، اطراف آن را سه ردیف کتیبه‌های گچ‌بری و آئینه‌کاری خوش‌طرحی ساخته است. غزل عرفانی ذیل از حاج ملا محمدحسن قطب است که با خط نسخ و نستعلیق به صورت برجسته گچ‌بری کرده‌اند و در فواصل ابیات نیز اسماء‌الله گنج‌انیده شده با تاریخ ۱۳۰۲ق (نراقی، ۱۳۸۲: ۱۳۱-۱۳۲).

|                                      |                                        |
|--------------------------------------|----------------------------------------|
| مژده ای هم‌نفسان کوی مغان است اینجا  | رخ متابید که خلوت‌گه جان است اینجا     |
| همه اسرار دو کون از شرفات ملکوت      | تا نظرگاه جهان فاش و عیان است اینجا    |
| هله هشدار که کورانه نه بگذاری پای    | کز ازل منظر صاحب‌نظران است اینجا       |
| محنت و رنج جهان را همه پا بر سر نه   | که سلامت‌گه رندان جهان است اینجا       |
| ...ساقی ار عبد علی توبه ز مستوری کرد | مصلحت بود و دو صد برتر از آن است اینجا |

(همان: ۱۳۳)

### ۲-۳. معرفی مدفونین بقعۀ خواجه تاج‌الدین

#### ۱-۲-۳. اسحاق و ابوطالب نوادگان امام موسی کاظم(ع)

مهاجرت سادات حسنی و حسینی در زمان حکومت خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس به نقاط امن ایران از جمله علویان است. به تدریج آرامگاه بزرگان و سادات علوی به عنوان نماد تمایلات سیاسی و مذهبی شیعیان کاربرد یافته و نقش عمده‌ای در زندگی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه ایفا کرده است (مؤمن بالله و احمدزاده، ۱۳۹۳: ۴۲۵-۴۲۸). اسحاق و ابوطالب دو تن از نوادگان امام موسی کاظم(ع) نیز در شمار همین مهاجران هستند که در گنبد غربی بقعۀ خواجه تاج‌الدین مدفون‌اند (برای توضیح بیشتر درباره فرزندان حمزه ر.ک: فقیه محمدی جلالی مشهور به بحرالعلوم، ۱۳۸۹: ۶۶).

## ۳-۲-۲. خواجه تاج‌الدین

براساس وقف‌نامه چاپ‌شده در کتاب‌نامه کاشان، مدفن خواجه تاج‌الدین هم در همین بقعه بوده؛ چنان‌که در متن وقف‌نامه آمده: «در سمت یسار بقعه‌ای است که مکان دفن خواجه تاج‌الدین رحمه الله و متابع آن و اقارب آن شیخ الاسلام است تا بر کرده مسلمین و قاطبه موثقین آن ولا مکشوف باشد و در زمان متوکل عباسی علیه اللعنه که بقعه‌های اولاد ابوتراب را منهدم نمود، سلسله غفاریان متوطن کاه‌فشان چندان زر به کارگزاران آن ملعون به رسم پیشکش دادند که آن بقعه شریف را خراب نمودند و آن بقعه شریف از ظلم و عدوان مسلم ماند...» (عاطفی، ۱۳۹۰: ۴۱-۴۲). البته در عصر صفوی و قاجار و نیز پیش از آن، دفن واقف مدرسه در صحن ورودی آن امری متداول بوده است، به گونه‌ای که بدن امیرمبارزالدین محمد (۷۲۳-۷۵۹)، بنیان‌گذار سلسله آل مظفر در مدرسه مظفریه از موقوفات وی به خاک سپرده شد (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴: ۲۰۹). متأسفانه هم‌اکنون اثری از مزار خواجه تاج‌الدین در بقعه نیست.

## ۳-۲-۳. حاجی ملا محمدحسن نطنزی (قطب)

قطب از اجله علمای عرفا و شاعران بوده که ملقب به عبدعلی شاه فرزند حاج ملا احمد نطنزی و نوه دختری حاج ملا احمد فاضل نراقی متولد سال ۱۲۳۲ق و متوفای ۱۳۰۲ق در کاشان است. نزد پدر، شاگردان جد مادری و حاج سید محمدتقی مجتهد پشت‌مشهدی از رؤسای سلسله اویسی، تلمذ کرده و در فقه و اصول به درجه اجتهاد رسید. آخوند ملا محمد جوشقانی کاشانی از شاگردان اوست. مزار وی در بقعه خواجه تاج‌الدین بوده و از دیوان اشعار او سه نسخه خطی در دست است (اعظم واقفی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۶۸-۱۷۱؛ نیز ر.ک: عبد علی‌شاه، ۱۳۷۸: هفت؛ کلانتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۳۰۲-۳۰۴؛ فرخیار، بی‌تا: ۱۷۹-۱۸۰؛ سمیعی، ۱۳۶۳: ۲۴۳-۲۴۴). دیوان اشعار (۴۰۰ بیت)؛ چاپ کتاب شرح فصوص الحکم قیصری به سال ۱۲۹۹ق؛ تلخیص مرصاد العباد فی کشف سرّ الایجاد و شرح حدیث رأس الجالوت از اقدامات و آثار اوست (عاطفی، ۱۳۹۲: ۱۹۴؛ نیز ر.ک: مزرعتی، ۱۳۸۸: ۱۳-۱۵؛ جمشیدی، ۱۳۹۲: ۲۸؛ عاطفی، ۱۴۰۳: ۳۷ و ۸۱۹). محمدابراهیم معارفی (متوفی ۱۳۱۶ق) از خطاطان معروف کاشان از دیگر مدفونین در بقعه خواجه تاج‌الدین است (برای توضیح بیشتر ر.ک: نراقی، ۱۳۸۲: ۱۳۴؛ عاطفی، ۱۴۰۳: ۷۹؛ حنطه‌ای، ۱۴۰۱: ۴۶).

## ۳-۲-۴. محمدقطب متخلص به خادم

مدفن عالم و عارف والامقام آقا محمد قطب متخلص به خادم (۱۲۶۳-۱۳۳۶ق) فرزند حاج محمدحسن نطنزی کاشانی هم در بقعه خواجه تاج‌الدین است.



### ۳-۳. موقوفات خواجه تاج‌الدین

از دلایل اهمیت این بقاع، موقوفات فراوان آن است؛ چنان‌که به روایت بحر الانساب آمده است: «...و نصف از اصل میاه و قناتین قریه کره من محال جهرود من توابع دارالایمان قم را میرزا ابوالمعالی وقف بر آن بقعه منوره نمایند و میرزا محمدباقر رحمه الله سی‌ودو سهم از سهام معین قنات علی‌آباد شهره مسمی به فین را وقف بر آن بقعه شریف فرمودند که صرف روشنایی و شمع و مخارج خدام آن آستان شریف نمایند و دو دانگ قریه صفی‌آباد من محال مزدقان من توابع ساوج را میرزا محمدباقر وقف بر بقعه والد خود کرد که منافع آن صرف خرابی و روشنایی و خرج خادم بقعه والد مشارالیه نمایند و آن بقعه واقع است. در سمت یمین مدرسه مزبوره در اواخر عمارت آن مکان و در دهلیز مدرسه مزبوره در سمت یسار بقعه‌ای است که مکان دفن خواجه تاج‌الدین رحمه الله و متابع آن و اقارب آن شیخ‌الاسلام است تا برکرده مسلمین و قاطبه موثقین آن ولا مکشوف باشد و در زمان متوکل عباسی علیه اللعنه که بقعه‌های اولاد ابوتراب را منهدم نمود سلسله غفاریان متوطن کاه‌فشان چندان زر به کارگزاران آن ملعون به رسم پیشکش دادند که آن بقعه شریف را خراب نمودند و آن بقعه شریف از ظلم و عدوان مسلم ماند و میرزا ولی‌الدین غفاری رحمه الله یک درب مزرعه موسومه به ناجی‌آباد که در یک‌فرسنگی شهر کاه‌فشان است وقف بر جناب خامس آل عبا سرکار فیض آثار ابی‌عبدالله الحسین علیه‌السلام روحی فداه کردند که منافع آن مزرعه صرف تعزیه‌داری و مرثیه‌خوانی جناب ابی‌عبدالله الحسین علیه‌السلام روحی فداه در آن بقعه پاک نمایند و هرروزه عزای آن حضرت را در آن بقعه شریف برپای نمایند و در هر شب پنج من به وزن، شانزده عباسی برنج در آن بقعه شریف طبخ نموده تا شیعیان و گریه‌کنندگان به مصرف برسانند و روح واقف را بعد از مراسم تعزیت به فاتحه یاد و شاد نمایند؛ پس بر متوطنین شهر کاه فشان در دهلیز مدرسه خواجه تاج‌الدین رحمه الله سمت یمین واقع است و محل دفن خواجه تاج‌الدین و اولاد آن بزرگوار در سمت یسار وقوع یافته است و این سواد از بحر الانساب قلمی گردیده است و سواد مطابق اصل است و خلاقی ندارد از روی سواد به تاریخ سه‌شنبه بیست‌وهفتم شهر شعبان ۱۲۶۰ در طهران...» (عاطفی، ۱۳۹۰: ۴۱-۴۲).

با اندکی تأمل در متن وقف‌نامه، این مکان در عصر خویش از رونق بسیاری برخوردار بوده و بخشی از موقوفات مربوط به مخارج خدام بقعه بوده است: «...صرف روشنایی و شمع و مخارج خدام آن آستان شریف نمایند» (همان: ۴۱). همچنین با استناد به متن وقف‌نامه، این بقعه در قرون اولیه هجری هم وجود داشته است؛ چنان‌که در متن وقف‌نامه آمده است که سلسله غفاریان با دادن



## تحلیل و بررسی پیشینه مجموعه تاریخی- فرهنگی خواجه تاج‌الدین...، رضا شجری و همکاران

زر فراوان به کارگزاران متوکل عباسی کوشیدند از تخریب قبر اولاد ابوتراب جلوگیری کنند. ازسویی، کارکرد مذهبی این بقعه در دوره عباسی شهره عام و خاص بوده؛ چنان‌که هر روز در آن به‌طور مداوم عزاداری و مراسم روضه‌خوانی برپا بوده و متن وقف‌نامه مؤید این مسئله است.

### ۴. دیگر اجزای مجموعه خواجه تاج‌الدین

#### ۴-۱. خانقاه

ساختار شهری و معماری کاشان به‌ویژه در قرون ۸ و ۹ هجری قمری بنابر تعالیم شیعی-صوفی بنا شده؛ چنان‌که مساجد و خانقاه‌ها در کنار هم ایجاد شده و مجموعه‌ای واحد برای مذهب تشیع و تصوف بوده که از اصل وحدت وجود ابن عربی سرچشمه گرفته و بزرگ‌ترین شارح آن عبدالرزاق کاشانی بوده است. قریب به اتفاق خانقاه‌های قرون ۷ تا ۱۰ کاشان در کنار مساجد و مدارس بزرگ بنا شده که خانقاه مسجد عمادی و نیز خانقاه بقعه خواجه تاج‌الدین<sup>۱۷</sup> در این زمره است. قرار گرفتن مدرسه، مسجد و خانقاه و مجموعه‌های خدماتی و بازار در کنار هم بعدها در مکتب اصفهان به‌خوبی نمایان شد که همگی از اندیشه‌های شیعه-صوفی عالمانی همچون عبدالرزاق و کاشان سرچشمه گرفته است (برای توضیح بیشتر ر.ک: حاجی‌زاده و رحیمی، ۱۳۹۹: ۲۹-۳۹). به عبارت دیگر، در ادوار پیشین، رباط‌ها و خانقاه‌های کنار مدارس به امور دانشجویان و نیازمندان و پناه دادن به این طبقات نیز توجه ویژه‌ای داشت (غنیمه، ۱۳۶۴: ۳۴۲).

#### ۴-۲. مناره زین‌الدین

این بنا هم توسط برادر خواجه تاج‌الدین ساخته شده و از مقابل مجموعه خواجه تاج‌الدین می‌توان مناره را هم مشاهده کرد و درحقیقت بخشی از تاریخچه مسجد و محله آقابزرگ را به خود اختصاص داده است. نراقی نام این مناره را در شمار آثار به‌جامانده از دوره مغول تا پهلوی آورده است که خواجه زین‌الدین دیگر برادر خواجه تاج‌الدین آن را در نزدیکی مجموعه همراه با خانقاهی ساخته است. این مناره بر اثر زلزله‌های شدید سابق، اندکی انحراف پیدا کرده است؛ اما بالاخره بعد از ۱۵۰ سال خمیدگی (بر اثر زلزله ۱۱۹۲) هنوز پابرجا مانده و در سال ۱۳۱۰ش به دستور فرمانداری و شهرداری کاشان بیش از نصف ارتفاع آن فرو ریخته و کوتاه شد (نراقی، ۱۳۸۲: ۱۹۵-۱۹۶).

#### ۴-۳. گذر حاجی علی‌نقی

گذر حاجی علی‌نقی یکی از گذرها یا بازارچه‌های مسقفی است که در مرکز یکی از محلات

قدیمی کاشان قرار گرفته و دارای تعدادی دکان، مسجد و آب‌انبار است (برای توضیح بیشتر درباره گذرها ر.ک: ریاضی، ۱۳۸۶: ۸۰؛ طاهباز و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۸؛ شجری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶۹). شماری از این گذرها مانند گذر محمدصالح بیک، ترک‌آباد، دروازه فین، قاضی اسدالله و گذر محله کلهر، به‌طور کلی از بین رفته و گذر چهارسو و آب‌انبار خان و درب یلان هم غیرمسکونی و ویران شده است. گذر قدیمی حاجی علی‌نقی هنوز در امتداد مدرسه و زیارت خواجه تاج‌الدین پابرجاست. براساس مصاحبه‌های میدانی و اسناد شفاهی و آثار باقی‌مانده از این مجموعه تاریخی و فرهنگی می‌توان گفت که مجموعه وابسته به این گذر شامل مسجد (خواجه تاج‌الدین و مسجد حاج ملا محمدحسین مجتهد نطنزی)، مدرسه خواجه تاج‌الدین، کاروان‌سرا، زورخانه، آب‌انبار، گرمابه (تون)، زیارتگاه و آرامستان (خواجه تاج‌الدین)، تکیه عمو رحیم مقابل حمام ملاها، مغازه‌های عطاری، قصابی، بقالی، دو مغازه نانوايي، سلمانی، زورخانه و منزل علمایی مانند «ملا محمدحسین مجتهد نطنزی» حاکم شرع کاشان، «ملا محمدباقر نطنزی»، «میرزا محمدحسین نراقی» والد حسن نراقی، «میرزا حسن نراقی»، «ملا مهدی نراقی» - روبه‌روی آب‌انبار نزدیک دربند مخبر - «ابوتراب نطنزی»، «صدرالعلمای کاشانی» - واقع در دربند<sup>۱۸</sup> مخبر - «ملا مهدی دوم نراقی مشهور به آقابرگ» - نرسیده به زیارت خواجه تاج‌الدین و «استاد محمد فراهتی» - فرزند صدرالعلماست.

#### ۴-۴. گرمابه ملاقطب

حمام ملاقطب، از ابنیه سده دهم (۹۶۶ق) در نزدیکی مدرسه و مسجد آقابرگ است (نراقی، ۱۳۸۲: ۲۱۵). این گرمابه هم‌اکنون متروک مانده است.

#### ۴-۵. آب‌انبار

آب‌انبارها با ارزش تاریخی و فرهنگی، یکی از عناصر زیرساختی مهم در بافت شهری بوده که به‌طور پراکنده در مرکز محلات و راسته بازارها استقرار دارد که اغلب دارای دو بادگیر و از نظر معماری به یکدیگر شبیه‌اند (عطارها، ۱۳۸۵: ۱۸۷-۱۸۹؛ نیز ر.ک: حمیدی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۳۸؛ نراقی، ۱۳۸۲: ۲۱۷-۲۱۸؛ کلاتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۱۰۱). درحقیقت، معماری آب‌انبار مجموعه خواجه تاج‌الدین هم بسیار شبیه معماری آب‌انبار مجموعه محمدصالح بیک است با این تفاوت که آب‌انبار مجموعه خواجه تاج‌الدین هم‌اکنون هیچ کارکردی ندارد.

#### ۵. معرفی استادان و دانش‌آموختگان مدرسه خواجه تاج‌الدین

با برپایی جنبش مدارس خصوصی و پس از آن مدارس دولتی نظامیه، مدرّس ازسوی وزیر یا خلیفه یا سلطان یا واقف تعیین می‌شد که عهده‌دار امور مدرسه بود و این افراد معمولاً کسانی را



### تحلیل و بررسی پیشینه مجموعه تاریخی- فرهنگی خواجه تاج‌الدین...، رضا شجری و همکاران

برای منصب شریف مدرسی برمی‌گزیدند که دارای شهرت چشمگیر علمی و شایستگی باشند (غنیمه، ۱۳۶۴: ۳۲۰). در این مدرسه هم خاندان‌های بزرگ کاشانی مانند نطنزی و نراقی به تحصیل و تدریس پرداخته‌اند. ایشان در زمینه علوم عقلی و نقلی تبحر فراوانی داشته‌اند. در این مدرسه، علوم نقلی (تفسیر، فقه، اخلاق، رجال و دانش حدیث)، علوم عقلی (منطق، طبیعیات، الهیات فلسفه، ریاضیات به عنوان پایه علوم نقلی در مواردی مانند تعیین قبله، حساب کردن ارث، خمس، زکات) و علوم پایه (ادبیات عربی، معانی و بیان و...) تدریس می‌شده است. متولیان مدرسه هم علمای بزرگ همین خاندان‌ها بوده‌اند که این مسئله نشان می‌دهد این مجموعه تاریخی در عصر خود و حتی دوران‌های بعدی در شمار یکی از قطب‌های فعال فرهنگی بوده است؛ چون یکی از اجزای این مجموعه تاریخی مدرسه علمیه بوده و این مکان محل رفت‌وآمد استادان بزرگ و کانونی برای پرورش شاگردان فرهیخته بوده است؛ استادان و شاگردانی که اسامی آن‌ها بعد از جست‌وجو و تحقیق در اینجا گردآوری شده نشان می‌دهد که این محله و مجموعه فرهنگی از حیث علمی چه رتبه‌ای داشته و نقش پررنگ آن در عرصه تعلیم و تربیت برای آیندگان مشخص می‌گردد. مهم‌ترین استادان و مدرسان این مدرسه عبارت‌اند از:

جدول ۱: فهرست اسامی و مشخصات استادان مدرسه علمیه خواجه تاج‌الدین

| ردیف | استادان مدرسه                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   | ردیف | استادان مدرسه                                                                                                                                                                                                                                                                                              |
|------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱    | ملا محسن فیض کاشانی: از فقها، مفسران و محدثان عهد صفوی (شریف کاشانی، ۱۴۱۴ق: ۱۰؛ نیز ر.ک: نراقی، ۱۳۶۵: ۱۶۳؛ نصرآبادی، ۱۳۱۷: ۱۵۵؛ براتی، ۱۳۸۷: ۵). علم‌الهدی، محمدباقر مجلسی، لطف‌الله شیرازی، عبدالغفور بن شاه مرتضی، شیخ حر عاملی و... در زمره شاگردان فیض‌اند (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۳۸۷: ۹-۱۲؛ نقیعی، ۱۳۸۷: ۶-۱۴ و ۸۸؛ سبجانی صدر، ۱۳۹۸: ۱۴-۲۹). که احتمالاً همگی از دانش‌آموختگان این مدرسه‌اند. | ۷    | حاجی میرعبدالغنی مجتهد کلهری و نوادگانش: ایشان از علما و سادات عالی‌رتبه کاشان و جد اعلاي آقا سید محمدرضا کلهری در عصر صفویه است که دارای مسجد جماعت و مسند قضاوت بوده‌اند (کلاتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۳۱۶-۳۱۲).                                                                                                   |
| ۲    | ملا مهدی نراقی: از علمای کامل فاضل در عهد فتحعلی‌شاه قاجار بوده (کلاتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۲۸۰-۲۸۱؛ نیز ر.ک: نراقی، ۱۳۶۵: ۱۶۶؛ ملک‌المورخین کاشانی، ۱۳۷۸: ۳۵). این خاندان، مروج علوم معقول در کاشان‌اند (مطهری، ۱۳۶۲: ۵۹۸ و ۴۴۷) در دوره زندیه، منزل و مسجد انفرادی ایشان، جنب دربند مخبر مسجد آقابزرگ و در مجاورت گذر محمدصالح بیک                                                                    | ۸    | ملا محمدحسن نطنزی: وی ملقب به قطب (۱۲۳۲ق-۱۳۰۲ق) فرزند دوم ملا احمد نطنزی است که پیوسته در حال مجاهده نفس بود (کلاتر ضرابی، ۱۳۷۸: ۳۰۲-۳۰۴؛ نیز ر.ک: سپهری، ۱۳۹۱: ۲۵۲؛ سمیعی، ۱۳۶۳: ۲۴۳-۲۴۴). نزد پدر، شاگردان جد مادری خود فاضل نراقی و سید محمدتقی پشت‌مشهدی، تحصیل کرد. در فقه و اصول به درجه اجتهاد رسید |



| ۳ | بوده است.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           | (عاطفی، ۱۳۹۲: ۱۹۴).                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     |
|---|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۳ | ملا احمد فاضل نراقی: وی مدرس مدرسه سلطانی و صاحب تصانیف عدیده در علوم منقوله و معقوله است (کلاتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۲۸۲). شاگردانش: شیخ مرتضی انصاری، سید محمدتقی پشت‌مشهدی، ملا احمد نطنزی، میرزا ابوالقاسم نراقی، ملا مهدی آقابزرگ، حاج ملا محمد نراقی، میرزا ابوتراب نطنزی و... بوده‌اند (نطنزی کاشانی، ۱۳۸۸: ۱۸۶). منزل ایشان در نزدیکی مدرسه بوده است.                                               | ۹<br>ملا محمدحسین مجتهد کاشانی: ایشان (۱۳۳۵ق-۱۳۲۲ق) فرزند سوم ملا احمد نطنزی، مدرس مدرسه سلطانی و از مراجع بزرگ دینی بودند (اعظم واقفی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۷۲-۱۷۵؛ نیز رک: نراقی، ۱۳۸۲: ۱۸۰؛ استادی، ۱۳۸۲: ۳۹۹؛ فرخیار، بی‌تا: ۱۸۰؛ عاطفی، ۱۳۹۱: ۷-۹؛ جمشیدی، ۱۳۹۲: ۲۶-۲۷؛ عاطفی، ۱۳۹۹: ۴۰-۹۸). ایشان ملقب به حجت‌الاسلام بودند و در فقه و ریاضیات ید طولی داشتند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۱۵؛ کلاتر ضرابی، ۱۳۷۸: ۳۰۴-۳۰۵). |
| ۴ | حاج ملا احمد نطنزی: وی فرزند میرزا علینقی بن مسیح بن محمدحسین پشت‌مشهدی کاشانی و داماد ملا احمد نراقی بود. وی حاکم شرع و مدرس مدرسه سلطانی در عهد قاجار بوده است (اخوان مهدوی، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۶؛ نیز رک: اعظم واقفی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۶۴-۱۶۷؛ رضوی کاشانی، ۱۳۸۵ق: ۱۷۰).                                                                                                                                       | ۱۰<br>آقا میر مظفر حسینی (ره) و شجر ایشان: وی از فضلا و علمای کاشان بوده‌اند که وطنشان خراسان بوده، ولی در زمان نادرشاه افشار به کاشان آمده‌اند. سرسلسله ایشان مرحوم آقا میر مظفر حسینی (ره) است (کلاتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۳۰۸-۳۱۲).                                                                                                                                                                                          |
| ۵ | حاجی ملا مهدی ملقب به آقابزرگ: پنجمین فرزند ملا مهدی نراقی، مشهور به آقای بزرگ عالمی عامل و فاضلی کامل که هفت صنو داشته ملا محمدعلی مجتهد، میرزا محمدحسن و دیگر صنوان وی علام فهام حاجی میرزا محمد زید فضله و میرزا احمد و میرزا زین‌العابدین و میرزا ابوالقاسم و آقاجعفر (کلاتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۲۸۵-۲۸۶). منزل مسکونی ایشان، رویه‌روی بقعه خواجه تاج‌الدین است که در حال حاضر به پارکینگ بدل شده است. | ۱۱<br>فرزندان مرحوم ملا مهدی نراقی: حاجی ملا احمد، ملا اباذر، میرزا ابوالقاسم، ملا ابوالحسن و حاجی ملا مهدی ملقب به آقابزرگ همگی از فرزندان ملا مهدی نراقی‌اند (کلاتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۲۸۲) که به‌جز ملا احمد که مدرس مدرسه سلطانی بوده؛ برادران بزرگ‌تر ایشان مانند میرزا ابوالقاسم و ملا مهدی ملقب به آقابزرگ و ملا اباذر در شمار مدرسان این مدرسه بوده؛ اما حاج ملا احمد از دانش‌آموختگان بوده است.                      |
| ۶ | میرزا ابوتراب نطنزی: فرزند ملا احمد نطنزی از عالمان فرهیخته در علوم معقول و منقول، اعجوبه‌ای در حفظ و ادب و ریاضیدانی ماهر بود (آقابزرگ تهرانی، بی‌تا، ج ۱۰: ۲۷؛ نیز رک: شریف کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۷۳-۱۷۴). منزلشان هم در «انتهای دربند مخبر» محله مسجد آقابزرگ در نزدیکی مدرسه است.                                                                                                                      | ۱۲<br>حاج ملا ابوالقاسم کاشانی ترکابادی: وی از شاگردان ممتاز میرزا ابوالقاسم قمی و مجتهدی زاهد بودند. قبر وی جنب مقبره فیض است. فرزندشان هم از علمای فاضل و شاگردان شیخ مرتضی (ره) بود (شریف کاشانی، ۱۴۱۴ق: ۹۷).                                                                                                                                                                                                        |

## ۶. بررسی اشعار و نگاره‌های ثبت‌شده در مجموعه خواجه تاج‌الدین

هدف نگارندگان از گردآوری مطالب مذکور، آن بوده تا نقش ادبی و هنری این مجموعه تاریخی را نیز برای خوانندگان خود تبیین کند. چون بررسی اجزای مجموعه نشان می‌دهد که استنادات ادبی و هنری آن نیز حائز اهمیت است.

### ۶-۱. اشعار حکاکی‌شده بر روی سنگ قبر ملا محمدحسن نطنزی

در کتیبه بالای لوح سنگ قبر نوشته شده: «فقیه نبیه و حکیم متأله شاعر توانا و عارف بزرگ رهنمای جویندگان شریعت و قطب پویندگان طریقت مولانا حاج محمدحسن قطب کاشانی فرزند مولانا قاضی احمد نطنزی کاشانی متوفی ۱۲۵۷ق نوه دختر مولانا احمد فاضل نراقی متولد ۱۲۳۲ق وفات یکشنبه ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۰۲». شعر روی سنگ قبر بدین شرح است:

|                            |                             |
|----------------------------|-----------------------------|
| فخر اقطاب و قدوه امکان     | حاج ملا حسن وحید زمان       |
| آن‌که آینه ضمیرش بود       | متجلی ز جلوه جانان          |
| بود چون فیض و بوعلی و جنید | شهره در فقه و حکمت و عرفان  |
| از ربیع دوم چو نیمه گذشت   | تن رها کرد و شد به عالم جان |
| سال هجری هزار و سیصد و دو  | باد عبد علی بیاغ جنان       |
| عاطفی با عنایت مطلع        | کرد تاریخ دیگری عنوان       |
| قطب ابرار و قدوه امکان     | حاج ملاحسن فرید جهان        |

- دو ارتفاع عرضی سنگ قبر

### بسم الله الرحمن الرحيم

|                                   |                                  |
|-----------------------------------|----------------------------------|
| بدان یازده گوهر بحر تمکین         | که ظاهر شدستند از درج زهرا       |
| که مگذار ما را به خود یک دم ای شه | که خریدیم و مفلوک و ناچیز و رسوا |

- دو ارتفاع طولی سنگ قبر

|                              |                                  |
|------------------------------|----------------------------------|
| نداریم جز درگه تو پناهی      | نکردیم جز تو بر هرکس تولا        |
| ولای علی جستم از بدو فطرت    | نه از راه طاعت نه تقلید آبا      |
| به آثار نقلی به برهان عقلی   | به اطوار قلبی به ارشاد مولا      |
| شد از بندگی حلقه در گوش جانم | که در عبد علی خواندم آن پیر دانا |
| سرآغاز هر دفتر و سفر و طغرا  | بود نام حی قدیم توانا            |

|                             |                              |
|-----------------------------|------------------------------|
| محمد که بود از ازل اصل فطرت | از آن شد بدو در ابد ختم ابنا |
| تویی مالک ملک هر دو گیتی    | تویی صاحب شأن انا خلقنا      |
| الا ای کمین چادرت روح قدسی  | که دارد به درباری تو مباحا   |



تصویر ۱۲: سنگ قبر ملا محمدحسن نطنزی

#### ۲-۶. سنگ‌نوشته مزار فرزند ملا محمدحسن نطنزی

|                             |                                |
|-----------------------------|--------------------------------|
| عارف وارسته محمد که بود     | پدر حسن زبده دور زمان          |
| خادم دل‌باخته شرع و دین     | سالک حق پاکدلی نکته‌دان        |
| بار سفر بست و به عقبی شتافت | زد به فلک خیمه از این خاکدان   |
| از کرم و لطف جهان‌آفرین     | شاد روانش به جنان جاودان       |
| ماه وفاتش رقم عاطفی         | بود به شعبان و چنین شد بیان    |
| رفته ز دور قمری چهار سال    | «پور حسن گشت مقیم جنان» ۱۳۳۶ ق |

#### ۳-۶. نقاشی و نگاره‌های دیوار بقعه خواجه تاج‌الدین

یکی دیگر از نگاره‌های این مجموعه، نقاشی بسیار زیبا بر فراز دیوار روبه‌روی مزار امامزادگان (ع) است.



تصویر ۱۳: یکی از دیوارهای داخلی مجموعه خواجه تاج‌الدین



## تحلیل و بررسی پیشینه مجموعه تاریخی- فرهنگی خواجه تاج‌الدین...، رضا شجری و همکاران

ذیل عکس فوق ذکر شده که افراد ایستاده به ترتیب از راست به چپ عبارت‌اند از: «سلمان فارسی»، «بلال حبشی»، «نامعلوم»، «جبرائیل»، «ابوذر غفاری» و افراد نشسته نیز به ترتیب عبارت‌اند از: پیامبر(ص)، طرف راست ایشان امام حسن(ع)، طرف چپ ایشان امام حسین(ع).  
شایان ذکر است کلاه افراد نشسته و دو نفر طرفین آن از نوع سلجوقی است، ولی کلاه افراد ایستاده از نوع مغولی است. تمام افراد در عکس از صحابه پیامبر(ص) هستند. تصویر در سال ۱۳۷۶ مطابق ۱۹۹۶م تعمیر شده و به نظر باستان‌شناسان، این عکس مربوط به دوره صفویه یا قاجار است.

### ۷. نتیجه‌گیری

کاشان با پیشینه غنی فرهنگی و تاریخی خود، آثار و ابنیه بسیار فاخری را به نام خود ثبت کرده که متأسفانه بر اثر گذر زمان و بلایای طبیعی بیشتر آن‌ها از بین رفته است. یکی از این ابنیه مهم تاریخی، مجموعه خواجه تاج‌الدین در جوار مسجد آقابزرگ بوده که براساس نظر برخی از کارشناسان میراث‌فرهنگی، آثار اولیه آن مربوط به دوران سلجوقی ولی سقف‌های آن متعلق به دوره ایلخانان است. این مجموعه شامل مسجد، مدرسه، مناره، آب‌انبار، خانقاه، حمام، گذر، زورخانه، کاروان‌سرا و بقعه‌ای بوده که اکنون تنها دو گنبد آجری قرینه یکدیگر و بخش‌های کوچک دیگری از آن باقی مانده است. خاندان‌های بزرگ کاشانی مانند فیض، نراقی، نطنزی و... در شمار استادان و دانش‌آموختگان مدرسه خواجه تاج‌الدین بوده‌اند؛ از این رو کاشان همواره مهد علمای و دانشمندان بزرگی بوده که با معرفی آن‌ها می‌توان زمینه آشنایی بیشتر نسل آتی را با موارث علمی، فرهنگی و تاریخی فراهم کرد. از مهم‌ترین کارکردهای مجموعه، شناخت مختصات و سبک معماری ابنیه تاریخی کاشان و ویژگی‌های عصر سلجوقی و مغول است هرچند براساس شجره‌نامه دو امامزاده مدفون در این بقعه و متن وقف‌نامه به دست آمده از کتاب بحر الانساب براساس نسخه مجلس، می‌توان معماری اولیه بنا را متعلق به قرن‌های آغازین هجری نیز دانست؛ اما در حال حاضر اثری از این نوع معماری در مجموعه نیست. البته مجموعه دارای کارکردهای علمی، فرهنگی، اقتصادی، بهداشتی- درمانی، رفاهی و تفریحی نیز بوده و هست. از این رو، نگارندگان کوشیدند تا با استفاده از شواهد و قراین تاریخی و نیز پژوهش‌های میدانی و استفاده از نقشه‌ها و عکس‌های هوایی و اسناد کتابخانه‌ای، اطلاعات کامل این مجموعه را ثبت کنند تا این میراث ارزشمند تاریخی و فرهنگی برای نسل آتی هم حفظ گردد و آیندگان غنای علمی فرهنگی این خطه را فراموش نکنند.



۱: سند مربوط به بقعه خواجه تاج الدین: صورت مخارج بقعه عبد علیشاه (۱۳۰۲-۱۳۳۲ق)

همراه با اسامی استادان بنا و عمله‌ها و دستمزد آن‌ها و مصالح و مقدار آن



۲: سقف و دیوارهای بقعه خواجه تاج الدین



۳: زیارت نامه امامزاده اسحاق و ابوطالب (ع)



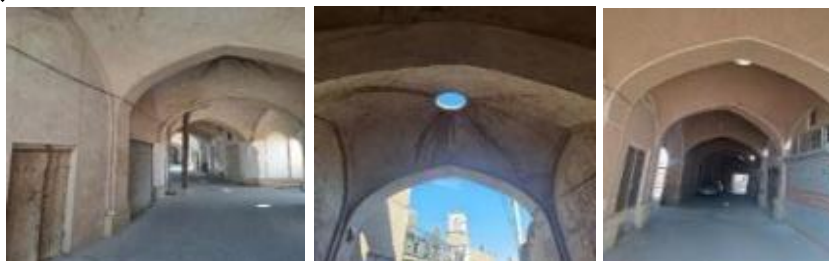
۴: درهای چوبی مجموعه خواجه تاج‌الدین



۵: نقاشی‌های دیوار داخلی بقعه خواجه تاج‌الدین



تحلیل و بررسی پیشینه مجموعه تاریخی - فرهنگی خواجه تاج الدین...، رضا شجری و همکاران



۶: به ترتیب از راست به چپ: نمای داخلی گذر علی نقی خان، نمای سقف و داخل گذر حاج تقی خان در مجاورت مجموعه خواجه تاج الدین



۷: نمای بیرونی آب انبار و حمام ملاها در مجاورت مسجد آقابزرگ و مجموعه خواجه تاج الدین



۸: دو گنبد مجموعه خواجه تاج الدین و نمای فعلی مسجد خواجه تاج الدین

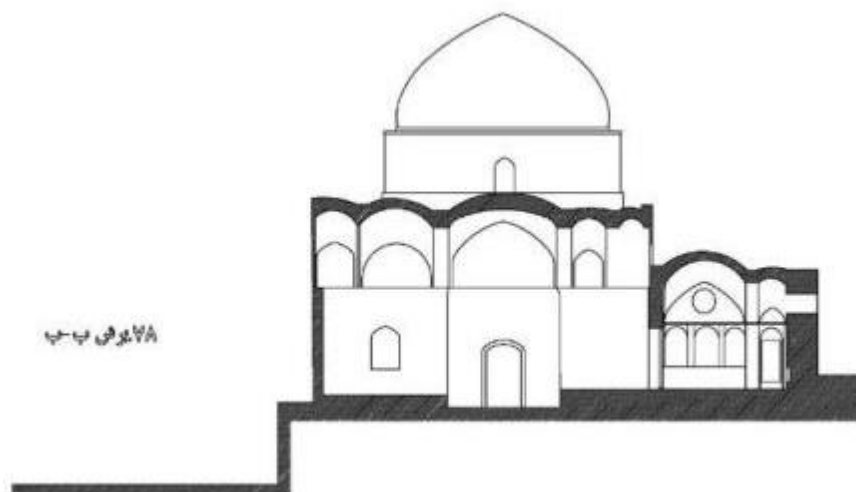
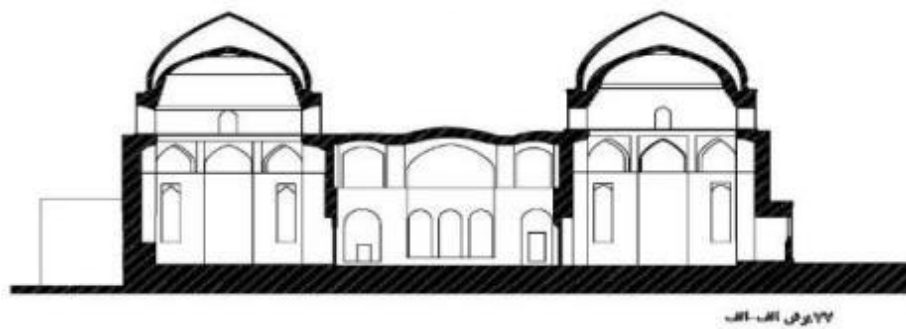


۹: گنبدهای مجموعه خواجه تاج‌الدین از زوایای گوناگون (از صحن مسجد آقابرگ و کوچه پشت بقعه)



۱۰: نگاره‌های سقف بقعه خواجه تاج‌الدین





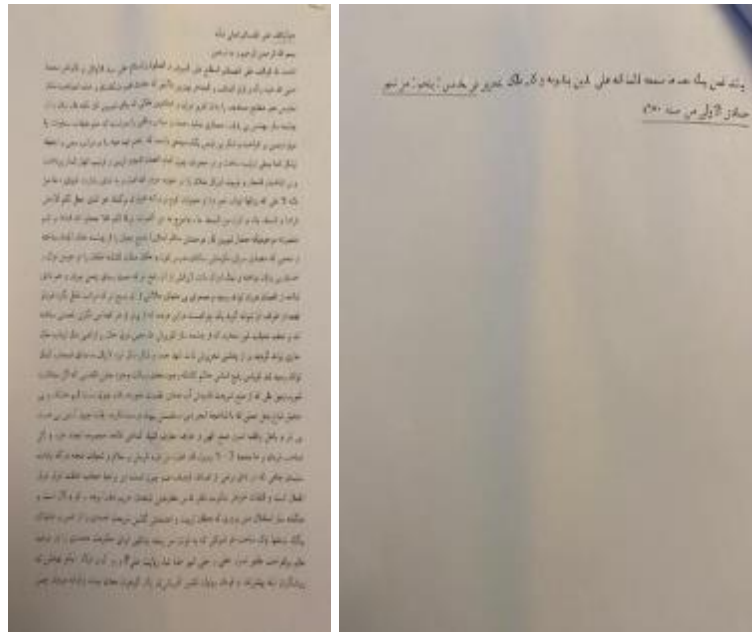
۱۲: برش‌های تصویری بقعه‌ خواجه تاج‌الدین



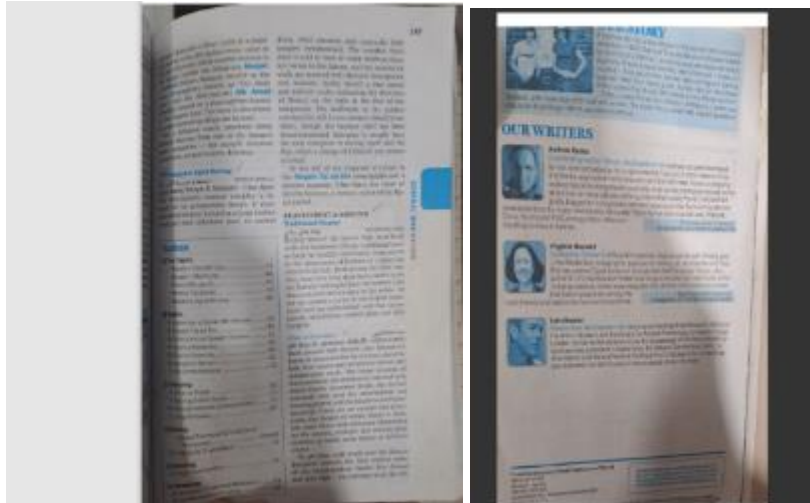
۱۳: زیلوهای قدیمی به جامانده در مسجد آقابزرگ با تصریح  
به آدرس بقعه خواجه تاج الدین با قدمت حدود دو قرن



۱۴: تصویر عبد علی شاه

[illegible]

برمبنای موقوفه که مستشار بر مسجد و مدرسه می‌باشد و مسجد و وقف به لغت عربی جزای شد و امامی القول  
چنین خبرنامه بشکوه واقف تمامی املاک موقوفه را از اید خود استخراج نمود و به تصرف من یوتوب من یوتوب  
دادند و رعایت لایقین و سایر شرایط و ملاک موقوفه استیضاح من حسب الشرح معقول و معمر  
شد و تزلزل املاک موقوفه موقوفه را جناب آقا زاده ملا محمد علی و جناب میر الحاج حاجی محمد  
قرار شده برهنه که ایشان معین نمایند و هکذا هر که متولی در هر عصری که باشد نامی به جهت خود  
معین نماید یا لیکن یا علم یقین جناب آقا زاده و حاجی محمد علی تولیت را از حق و انضمام و اتفی ذکر  
الاحوال خود هر یک قرار شد تسلیم بعد تسلیم و طبق به تقریر ای املاک ذکر اولاد آقا زاده و آقا  
شد که هر سال متاع خاصه موقوفه را شرح و منازج ضروری آن و تسهیلات تهرانی آنها و بعد آن  
تضع من خبر ... با تصویب و نظارت میرالقاسم محمد علی زاده الحروف اربع و تقسیم بر دهان و  
ولایت و مرمت بنایی و ترمیمی و شمع و چراغ و فرش مسجد و غیر مصالحی که ضرورت شود و در اولاد  
از علوه هر که سیر به نظارت موقوفه تعیین نمایند یا علم یقین نظارت موقوفه باشد و اهل ذکور اولاد  
خود قرار شد و یا تقریر ای املاک اولاد ثابت ای حق الله قرار شد لیکن اولاد منتر از متاع من بعد آن  
بعد منازج ضروری املاک موقوفه درازند که حق التولیه و حق الظاهر هر چند هر که باشد ۱۲۵۰ ساله

۱۶: صفحه معرفی ویرجینیا مکس ویل و گزارش وی از خواجه تاج‌الدین در کتاب *Welcome to Iran*

### پی‌نوشت‌ها

۱. برای توضیح بیشتر درباره کاشان رک: ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۱۴؛ ابواسحاق، ۱۳۷۳: ۲۰۴ و ۲۰۹؛ ابن‌خردادبه، ۱۳۷۰: ۱۹؛ یعقوبی، ۱۳۴۷: ۵۰؛ رستگار، ۱۳۸۴: ۱۲۹-۱۳۱؛ ناشناس، ۱۴۰۳ق: ۱۴۳؛ راوندی، ۱۳۸۶: ۵۲؛ تشکری، بی‌تا: ۳۲-۳۳).

۲. قبل از نگارش این پژوهش درباره گذر محمد صالح بیک و محله گریچه و نیز مجموعه خواجه تاج‌الدین و گذرهای متصل با حدود صد نفر از افراد مطلع و معمر محلی گفت‌وگو و مصاحبه حضوری و تلفنی شده که در اینجا به شماری از این اسامی اشاره می‌شود. متأسفانه پنج نفر از ایشان هم‌اکنون دیگر در قید حیات نیستند ولی خوشبختانه اطلاعات آن‌ها را طی دو سال گذشته ثبت و ضبط کرده و سپس با استناد به منابع کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی اقدام به نگارش این پژوهش کرده‌ایم. مصاحبه با افرادی مانند آیت‌الله امامی کاشانی قبل از رحلت، حجت الاسلام و المسلمین آقایان اسماعیل پور مدیرکل اوقاف استان بوشهر، حافظیان (رئیس اسبق اداره اوقاف شهرستان کاشان)، یوسفی (ریاست محترم مرکز خدمات حوزه علمیه کاشان) و حاج آقا هادی‌زاده.

آقایان: دکتر عباسعلی فراهتی عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان، دکتر عبدالحسین مهندس، دکتر حسین فرخ‌یار، حسین حنطه‌ای (رئیس اسبق اداره آموزش و پرورش کاشان)، مهندس سرمدیان (رئیس اداره میراث فرهنگی)، مهندس زیارتی (کارشناس اداره میراث فرهنگی)، دکتر سید علی اکبر آرزوگر، دکتر زرگر. آقایان: حسن عاطفی، افشین عاطفی، فتاحی، حاج جواد دوست، علی محمد دوست، علی واصل بحق، محمود سمسار، محمود صانع، حسین نوری، علی شبخوان، سید محمود تقریری، اسدالله امینیان، مهندس زیارتی،

مهندس رضایی، مهندس حلی، مهندس متولی، حسین انجیری، غلامرضا عباسی، احمد شهبازیان، مهندس حسین خیران، علی صنعتکار، احمد علاقه‌مند، ایرج دربان، محمود صفایی‌نژاد، رحمت کیانی، محسن زاهدی، عباس صباغیان، ماشاءالله عربشاهی، عباس عربشاهی، ابوالفضل عربشاهی.

خانم‌ها: فاطمه انجیری، افضل اسلامی، انسیه حاجی غفاری، منیره حاجی غفاری، فخرالملوک حجت‌زاده، فاطمه صفایی‌نژاد (۱۳۰۴)، طاهره فراهتی، فاضله سادات اجتهد، خانم ظاهری همسر مرحوم شیرینکار، خانم ساروخانی در اداره میراث‌فرهنگی کاشان.

۳. برای توضیح بیشتر ر.ک: شجری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۲.

۴. این بنا با قدمتی بیش از هفتصد سال در بهمن ۱۳۳۴ش به شماره ۴۰۰ در دفتر آثار ملی و تاریخی کشور به ثبت رسیده است.

۵. البته باید ذکر شود که در کتاب *Wealcom to Iran* از «بیر (Bear) مقاله‌ای از (ویرجینیا مکس ویل) چاپ شده که در آن شرح گزارش خانم ویرجینیا از محله‌های تاریخی کاشان از جمله مسجد آقابزرگ و مجموعه خواجه تاج‌الدین ذکر شده است (Bear, 2003: 147).

۶. درخصوص مشخصات و تصویر زیلوها ر.ک: تصویر ۱۳ در بخش پایانی این پژوهش.

۷. این ادعا براساس اسناد و مدارک موجود از جمله *تاریخ کاشان* از کلانتر ضرابی و نیز اطلاعات کتاب حسن نراقی در متن ذکر شد و از مستندات موجود برای تقویت احتمال تاریخ تقریبی بنا استفاده شده است. همچنین از نظریات کارشناسان و خبرگان معماری‌های سنتی همچون مهندس حلی و کارشناسان میراث فرهنگی نیز استفاده شد. البته باید ذکر شود که حسن نراقی با دو واسطه به مرحوم آقابزرگ (ملا مهدی دوم مشهور به آقابزرگ) صاحب مسجد آقابزرگ می‌رسد. حسن نراقی فرزند آیت‌الله حاج میرزا محمدحسین نراقی بوده و حاج میرزا محمدحسین نراقی فرزند حاج میرزا محمدعلی نراقی بوده و این حاج میرزا محمد علی نراقی فرزند ملا مهدی دوم یا آقابزرگ کاشانی بوده‌اند. کسی که مسجد آقابزرگ به نام ایشان است. ایشان به‌عنوان کسی که خودش و اجدادش از بدو تولد در این محله بوده و زادگاه اصلی ایشان محسوب می‌شده، دارای اطلاعات ارزشمند تاریخی در این حیطه هستند و همان‌طور که مستحضرد، آثار ارزشمند ایشان بارها در مقالات و مکتوبات علمی مورد استناد واقع شده است. البته درباره توان علمی ایشان هم باید گفت که آقای دکتر حیدری مسئول کاشان‌پژوهی دانشگاه کاشان کتاب *جستارهایی در تاریخ* را که حاصل گردآوری اسناد و اطلاعات مربوط به مرحوم حسن نراقی (برگرفته از مجله فرهنگ و هنر) است، نوشته‌اند.

۸. ملک‌المورخین در کتاب خود به بقعه خواجه تاج‌الدین و آب‌انبار آن اشاره کرده است (ر.ک: ملک‌المورخین، ۱۳۷۸: ۲۱).



### تحلیل و بررسی پیشینه مجموعه تاریخی - فرهنگی خواجه تاج الدین...، رضا شجری و همکاران

10.22052/KASHAN.2025.255438.1124

۹. شواهد عینی حاکی از آن است که در مجموعه قبر حاج ملام حمدحسن قطب و تعدادی از وابستگان اوست و در تاریخ کاشان هم ذکر شد این مقبره توسط خواجه تاج الدین بر سر یک امامزاده و جمعی از قاضیان شریعت ساخته شده است (ص ۲۹۴-۲۹۵).

۱۰. عاطفی، ۱۳۹۹: ۹۸.

11. <https://www.eavartravel.com/en/blog/2019/123/130462/elements-of-persian-architecture>

۱۲. ر.ک: حلی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۶۲. البته ۱۹۰ سال پیش یک اصل کاسه سازی توسط استاد جعفرخان کاشی - رستم معماران ایران - به اصول اربعه معماری افزوده شد؛ چنان که سپهسالار از استاد جعفرخان کاشی می خواهد در مدرسه سپهسالار - مدرسه شهید مطهری فعلی با مدیریت آیت الله امامی کاشانی رحمه الله علیه - به سقف هشت ضلعی چیزی اضافه کند. وی هم هفت کاسه از رسمی بندی منشعب کرده و در سقف اضافه می کند و این گونه اصول اربعه معماری را به اصول خمسة معماری تغییر می دهد که البته این نوع معماری بیشتر مربوط به اواخر دوره قاجار است.

۱۳. مجموعه اطلاعات این قسمت براساس نظر کارشناس اداره میراث فرهنگی - استاد سید علی اکبر حلی - بعد از بازدید از مجموعه است که از طریق فایل صوتی در اختیار نگارندگان قرار گرفته است.

۱۴. برای توضیح بیشتر درباره کاشی های دوره سلجوقی ر.ک: مهرپویا، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۱۶۲؛ درباره تزیینات و کاشی های طاق نصرت ها در دوره تیموری ر.ک: استیرلن، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۲۸.

۱۵. شکل و طرز تعبیه گنبد به این معنی که نمای گنبدهای سلجوقی و مغول چون قوس شکسته ولی گنبدهای صفوی پیازی شکل و دوشی است (هتستین و دیوس، ۱۳۸۸: ۲۳۰).

۱۶. برای توضیح بیشتر درباره وضع خانقاه ها در عهد مغول ر.ک: راشد محصل و حسین زاده هروی، ۱۳۹۰: ۶۰.

۱۷. البته نگارندگان معتقدند با توجه به اینکه بازار متصوفه در عصر صفویه و قاجار بسیار کساد بوده و فقط حسن نراقی و برخی از نویسندگان معاصر به تبع وی، از خانقاه یاد کرده اند، بسیار بعید است که خانقاه توانسته باشد در جوار مسجد آقابزرگ و با وجود علمای خاندان نظری و نراقی، فعالیت کند؛ از این رو به احتمال زیاد این خانقاه کارکردهای مربوط به امور خانقاه ها را نداشته است.

۱۸. خانوارهایی که باهم خویشاوندند، در خانه هایی که در یک کوچه بن بست قرار دارند مستقر می شوند و محل (در بند) را ایجاد می کنند و مجموعه این قوم و خویش ها محلات را شکل می دهند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶۳).



## منابع

- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۹۷۹م). *طبقات اعلام الشيعة: الكرام البررة في القرن الثالث بعد العشرة*. طبعه الثانية. مشهد: نشر دارالمرتضى.
- ابن حوقل، محمد بن علی. (۱۳۶۶). *سفرنامه ابن حوقل: ایران در صورت الارض*. به اهتمام جعفر شعار. چ ۲. تهران: امیرکبیر.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله. (۱۳۷۰). *المسالك و الممالك*. ترجمه حسین قره‌چانلو. تهران: مترجم.
- ابواسحاق اصطخری، ابراهیم. (۱۳۷۳ش). *مسالك و ممالك*. ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمد افشار.
- اخوان مهدوی، محمود. (۱۳۸۷). *شرح اصول اقلیدس (مقاله دهم) حاج ملا محمد حسین نطنزی کاشانی*. با مقدمه افشین عاطفی. قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- استادی، رضا. (۱۳۸۲). *شرح احوال و آثار ملا مهدی نراقی و ملا احمد نراقی و خاندان ایشان*. کاشان: کنگره بزرگداشت ملا مهدی نراقی و ملا احمد نراقی.
- استیرلن، هانری. (۱۳۸۴). *هنر معماری در عصر صفوی: میدان امام، مسجد امام، مسجد شیخ لطف الله*. ترجمه منصور فلاح‌نژاد. به کوشش دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد. تهران: رسانش، ۱۱۴-۱۳۵.
- اعظم واقفی، سید حسین. (۱۳۸۱). *میراث فرهنگی نطنز (ج ۲)*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- براتی، محمدرضا. (۱۳۸۷). *مبانی عرفانی در دیوان اشعار فیض کاشانی*. مجله تخصصی مرکز پژوهشی کاشان‌شناسی دانشگاه کاشان، ۴ (۴ و ۵)، ۲۷-۵.
- بلوم، جان‌تان؛ بلر، شیلا، جی. دوری، کارل؛ استینگهاوسن، ریچارد، و گرابر، اولگ. (۱۳۸۸). *تجلی معنا در هنر اسلامی*. ترجمه اکرم قیطاسی. تهران: سوره مهر.
- پهلوان‌زاده، لیلا. (۱۳۹۱). *اصفهان دارالعلم شرق در دوران صفویه*. فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۴ (۳)، ۶۳-۸۶.
- تاج‌بخش، احمد. (۱۳۸۱). *تاریخ مختصر تمدن و فرهنگ ایران قبل از اسلام*. تهران: مؤسسه انتشارات یادواره کتاب.
- تشکری، علی. (بی‌تا). *ستارگان فروزان: شرح حال شماری از امامزادگان*. به اهتمام حبیب‌الله سلمانی آرانی. آران و بیدگل: کنگره ملی محققان آرانی.



#### تحلیل و بررسی پیشینه مجموعه تاریخی- فرهنگی خواجه تاج الدین...، رضا شجری و همکاران

جعفریان، رسول. (۱۳۹۸ الف). بیست و یک گفتار درباره نسخه های خطی. دفتر پانزدهم. بنیادگذاران نخستین ایرج افشار و محمدتقی دانش پژوه. قم: مورخ با همکاری کتابخانه دانشگاه تهران.

جعفریان، رسول. (۱۳۹۸ ب). دو رساله در شجره امامزادگان مدفون در کاشان. برگرفته از کتاب بیست و یک گفتار درباره نسخه های خطی، دفتر پانزدهم. بنیادگذاران نخستین ایرج افشار و محمدتقی دانش پژوه. قم: مورخ.

جمشیدی، حسین. (۱۳۹۲). طایر قدسی: شرحی بر احوال فقیه فرزانه حکیم مثاله و عارف ربانی علامه آخوند ملا محمد کاشانی. کاشان: محتشم.

حاجی زاده، مطهره و رحیمی، عبدالرفیع. (۱۳۹۹). تأثیر اندیشه های شیعی- صوفی بر معماری شهری کاشان (از دوره ایلخانی تا آغاز صفویه). دوفصلنامه/ اندیشه معماری، ۴ (۷)، ۲۹-۴۳.

حلی، سید اکبر. (۱۳۶۵). گره ها و قوس ها در معماری اسلامی. قم: چاپخانه مهر.

حمیدی نژاد، محمد. (۱۳۸۵). جاذبه های گردشگری کاشان. ترجمه عطیه مقدسیان. قم: نجم الهدی.

حنطه ای، حسین. (۱۴۰۱). راز ماندگاری یک دبیرستان: پیشینه و تاریخ دبیرستان ماندگار امام خمینی رحمه الله علیه کاشان. ج ۱. کاشان: ارمغان ادب.

خانی آرانی، فاطمه. (۱۳۹۰). کاشان مهد تمدن و هنر. کاشان: همگام با هستی.

درخشان، محمد. (۱۳۹۶). مدارس عصر صفوی. فصلنامه تاریخ نو، ۷ (۱۹)، ۴۹-۸۱.

رازی، عبدالجلیل. (۱۳۳۱). النقض: بعضی مطالب النواصب فی نقض «بعض فضایح الروافض». مقدمه و تصحیح سید جلال الدین حسینی ارموی. تهران: سپهر.

راشد محصل، محمدرضا و حسین زاده هروی، فاطمه. (۱۳۹۰). ریشه یابی دگرگونی های فکری و رفتاری تصوف مکتبی تا قرن نهم هجری قمری. کهن نامه ادب پارسی، ۲ (۲)، ۵۵-۶۹.

راوندی قاسانی، ابی الرضا. (۱۳۳۴ ش). دیوان السید الامام ضیاء الدین ابی الرضا الحسنی الراوندی القاسانی. تصحیح سید جلال الدین ارموی محدث. طبعه الاولى. بی جا: مطبعة المجلس.

راوندی، محمد بن علی بن سلیمان. (۱۳۸۶). راحة الصدور و آية السرور فی تاریخ آل سلجوق. تصحیح محمد اقبال. تهران: اساطیر.

رستگار، پرویز. (۱۳۸۴). کاشان و محدثان کاشان. مجله تخصصی مرکز کاشان شناسی دانشگاه کاشان، ۱ (۱)، ۱۲۸-۱۴۱.

رضوی کاشانی، سید محمد حسین. (۱۳۸۵ ق). العندیل فی تمیز الصحیح من العلیل. تهران: مطبعة شركة طبع الكتاب.



رضوی، نیلوفر. (۱۳۸۴). معماری، مسجد، موسیقی نور. برگرفته از مجموعه هنر و معماری مساجد، جلد اول. به کوشش دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی، هنری مساجد. تهران: رسالت. ص ۴۴۷-۴۷۰.

روح‌الامینی، محمود. (۱۳۸۴). از گلاب کاشان تا گل‌های کاشان. مجله تخصصی مرکز کاشان‌شناسی دانشگاه کاشان، ۱ (۱)، ۱۴۳-۱۵۲.

ریاضی (پروانه)، زهرا. (۱۳۸۶). دانستنی‌های تاریخی کاشان و مناطق اکوتوریسم. کاشان: مرسل.

زرگری، رحمت‌الله. (۱۳۸۸). کاشان از نگاه سیاحان. آبادان: پرسش.

سادات‌بیدگلی، سید محمود. (۱۳۹۵). تاریخ فرهنگ کاشان از تأسیس اداره معارف تا ۱۳۵۷ ش.

تهران: سازمان اسناد کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

سبحانی صدر، حمید. (۱۳۹۸). حدیث فیض: سیری در زندگی، اندیشه و آثار ملامحسن فیض کاشانی. قم: واژه‌پرداز اندیشه.

سپهری، حسن. (۱۳۹۱). علما و دانشمندان کاشان از قرن دوم هجری تاکنون. بی‌جا: سوره تماشا.

سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۶۴). تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون. تهران: آگاه.

سلمانی آرانی، حبیب‌الله. (۱۳۷۵). سیمای کاشان (کانون فضیلت). قم: بشیر.

سمیعی، کیوان. (۱۳۶۳). زندگانی سردار کابلی. گیلان: کتاب‌فروشی زوار.

شاردن، ژان. (۱۳۷۲). سفرنامه شاردن. ترجمه اقبال یغمایی. تهران: توس.

شجری، رضا؛ فراهتی، عباسعلی و عربشاهی کاشی، الهام. (۱۴۰۰). بررسی تاریخیچه محله گریچه و

مجموعه محمدصالح بیگ و تحلیل کارکرد فرهنگی آن در منطقه کاشان. جستارهای تاریخی،

۱۲ (۲)، ۱۵۱-۱۸۹.

شریف کاشانی، ملا حبیب‌الله. (۱۴۱۴ق). لباب الانقلاب فی ألقاب الأَطِیاب. ج ۲. قم: مجمع متوسلین بآل محمد(ص).

شوازی، آگوست. (۱۳۸۱). تاریخ معماری. ترجمه لطیف ابوالقاسمی. تهران: دانشگاه تهران.

صاحبی نخجوانی، هندوشاه بن سنجر بن عبدالله. (۱۳۵۷). تجارب السلف. به تصحیح و اهتمام

عباس اقبال. تهران: کتابخانه طهوری.

صادقی، مصطفی. (۱۳۸۶). کاشان در مسیر تشیع. قم: شیعه‌شناسی.

طاهباز، منصوره؛ جلیلیان، شهربانو و موسوی، فاطمه. (۱۳۹۱). آموزه‌هایی از معماری اقلیمی

گذرهای کاشان. دوفصلنامه مطالعات معماری ایرانی، شماره ۱، ۵۹-۸۳.

- طباطبایی، ملک. (۱۳۹۰). مبانی نظری معماری. چ ۱. تهران: فاطمی.
- عاطفی، افشین. (۱۳۸۸). نامه کاشان (دفتر دوم). کاشان: همگام با هستی.
- عاطفی، افشین. (۱۳۹۰). نامه کاشان (دفتر چهارم). کاشان: همگام با هستی.
- عاطفی، افشین. (۱۳۹۲). همنوا با قدوسیان: ویژه نامه نخستین همایش فقیه فرزانه، حکیم متاله و عارف ربانی علامه آخوند ملامحمد کاشانی (ره). کاشان: همگام با هستی.
- عاطفی، افشین. (۱۳۹۹). فقیه ریاضیدان: زندگی نامه حاج ملامحمد حسین نطنزی کاشانی. کاشان: ارمغان ادب.
- عاطفی، افشین. (۱۴۰۳). نجم الدوله: زندگی نامه و نامه های میرزا عبدالغفار نجم الدوله به علمای خاندان نطنزی. کاشان: ارمغان ادب.
- عبدعلیشاه کاشانی. (۱۳۷۸). دیوان عبدعلیشاه کاشانی (مولانا حاج محمد حسن قطب). تصحیح حسن عاطفی، با مقدمه افشین عاطفی. کاشان: مرسل.
- عطاریها، سعید. (۱۳۸۵). راز و رمزهای آب انبارهای کاشان. فصلنامه فرهنگی اجتماعی فرهنگ مردم، ۵ (۱۹ و ۲۰)، ۱۸۶-۱۹۶.
- غنیمه، عبدالرحیم. (۱۳۶۴). تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی. ترجمه نورالله کسای. چ ۴. تهران: دانشگاه تهران.
- فراحتی، عباسعلی. (۱۳۸۲). مسجد و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در جامعه اسلامی از آغاز اسلام تا پایان حکومت اموی. تهران: ستاد عالی هماهنگی کانون های فرهنگی هنری مساجد.
- فرخ یار، حسین. (بی تا). مشاهیر کاشان. کاشان: راسخ.
- فقیه محمدی جلالی (مشهور به بحر العلوم)، محمد مهدی. (۱۳۸۹). حمزة بن موسی الکاظم (ع) بررسی زندگانی و مزارات منسوب به حمزة بن موسی (ع). قم: وثوق.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۳۸۷). معنصم الشیعة فی احکام الشریعة. تحقیق مسیح توحیدی وحدت. به اشراف محمد امامی کاشانی. تهران: المدرسة العلیا للشیهد المطهری.
- قزوینی، سید محمد کاظم. (۱۳۹۰). زندگانی امام جواد (ع) از ولادت تا شهادت؛ ترجمه الامام الجواد علیه السلام من المهد الی اللحد. ترجمه سید محمد صالحی. تهران: یاس بهشت.
- کلاتر ضرابی (سهیل کاشانی)، عبدالرحیم. (۱۳۵۶). تاریخ کاشان. به کوشش ایرج افشار. چ ۳. تهران: امیرکبیر.



- کنت دو گوینو، ژوزف آرتور. (۱۳۶۷). سه سال در آسیا: سفرنامه کنت دو گوینو ۱۸۵۵-۱۸۵۸. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: کتاب‌سرا.
- محمدی خبازان، سائنا. (۱۳۹۵). مفهوم خانه در اصفهان دوره صفوی. تهران: کتاب‌آرایی ایرانی.
- مزرعتی، احمد. (۱۳۸۸). تلخیص مرصاد العباد فی کشف سرالایجاد و چند مقاله. تصحیح و تحقیق افشین عاطفی. کاشان: همگام با هستی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۲). خدمات متقابل اسلام و ایران. چ ۱۲. قم: صدرا.
- ملک‌المورخین کاشانی، عبدالحسین. (۱۳۸۷). مختصر جغرافیای کاشان. تصحیح افشین عاطفی. کاشان: مرسل.
- مهرپویا، جمشید. (۱۳۸۴). آرایه‌های معماری سنتی در مساجد ایران. برگرفته از کتاب مجموعه مقالات هنر و معماری مساجد. به کوشش دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی هنری مساجد. تهران: رسانش. ص ۱۱۴۵-۱۱۷۹.
- مؤمن بالله، صمد و احمدزاده، داود. (۱۳۹۳). نقش امامزادگان در گسترش مذهب شیعه در ایران. امامزادگان و حیات فرهنگی. به کوشش احمد شرفخانی، محمد مهربابی، اصغر منتظرالقائم، ناشر: سازمان اوقاف و امور خیریه، ص ۴۲۰-۴۳۴.
- میرمحمدصادق، سید سعید. (۱۳۸۴). سرگذشت شاه سلطان محمد خدابنده صفوی: تلخیص و بازنویسی کتاب نقاوة الآثار فی ذکر الاختیار اثر محمود بن هدایت‌الله افوشته‌ای. تهران: اهل قلم.
- ناشناس. (۱۴۰۳ق). حدود العالم من المشرق الی المغرب. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: کتابخانه طهوری.
- نراقی، حسن. (۱۳۶۴). کاشان در جنبش مشروطه ایران. تهران: ایران.
- نراقی، حسن. (۱۳۶۵). تاریخ اجتماعی کاشان. چ ۲. تهران: علمی و فرهنگی.
- نراقی، حسن. (۱۳۸۲). آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز. چ ۲. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- نصرآبادی اصفهانی، میرزا محمدطاهر. (۱۳۱۷). تذکره نصرآبادی. تصحیح وحید دستگردی. تهران: ارمغان.
- نطنزی کاشانی، محمدحسن. (۱۳۸۸). تلخیص مرصاد العباد فی کشف سرالایجاد و چند مقاله. تصحیح افشین عاطفی. به کوشش احمد مزرعتی. کاشان: همگام با هستی.



تحليل و بررسی پیشینه مجموعه تاریخی- فرهنگی خواجه تاج الدین...، رضا شجری و همکاران

نقیبی، سیدابوالقاسم. (۱۳۸۷). *اقوال العلماء فی ترجمه المولی محسن فیض الکاشانی* ۱۰۰۷-۱۰۹۱ ق. تهران: مدسه العلیا للشهید المطهری.

هتستین، مارکوس و دلیوس، پیتر. (۱۳۸۸). *معماری/سلامی*. ترجمه اکرم قیطاسی. تهران: سوره مهر.

یعقوبی، ابن واضح. (۱۳۴۷). *البلدان*. ترجمه محمدابراهیم آیتی. چ ۲. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

Baer, B. L. (2003). Welcome to Iran. *Commonweal*, 130 (18), 31.

Bakhtiar, A., & Rezapour, S. (2007). *Welcome to Iran*. Yassavoli.

### References

- Abd al-Alishah Kashani. (2019). *Diwan of Abd al-Alishah Kashani (Maulana Hajj Mohammad Hassan Qutb)*. Edited by Hassan Atefi, with an introduction by Afshin Atefi. Kashan: Mursal. [In Persian]
- Abul eshaq. (1994). *Al-masalak wa al-mamalak*. Translated by Muhammad bin As'ad bin Abdullah Testari. Edited by Iraj Afshar. Tehran: Dr. Mohammad Afshar Endowment Foundation. [In Persian]
- Aghabuzurg Tehrani, M. (1983). *Tabaqat A'lalam al-shi'ee: Al-karam al-barrah fi al-qarn al-alsales baad al-asher*. 2nd edition, Mashhad: Dar al-Mortaza. [In Persian]
- Akhavan Mahdavi, M. (2008). *Explanation of the principles of Euclid (Article 10) by aji Mulla Mohammad Hossein Natanzi Kashani*. with an introduction by Afshin Atefi. Qom: Majma' al-Maqam al-Islami. [In Persian]
- Atefi, A. (2010). *Kashan letter (Second Book)*. Kashan: In Harmony with Being. [In Persian]
- Atefi, A. (2011). *Kashanl (Fourth Book)*. Kashan: In Harmony with Being. [In Persian]
- Atefi, A. (2013). *In Harmony with the Saints: The Visionary of the First Conference of the Wise Jurist, the All-Holy Hakim, and the Divine Mystic, Allama Akhund Mullah Mohammad Kashani (RA)*. Kashan: In Harmony with Being. [In Persian]
- Atefi, A. (2014). *Najm al-Dawla: The biography and letters of Mirza Abdul Ghaffar Najm al-Dawla to the scholars of the Natanzi family*. Kashan: Armaghan Adab. [In Persian]
- Atefi, A. 2019. *The mathematician jurist: The biography of Hajj Mullah Mohammad Hossein Natanzi Kashani*, Kashan: Armaghan Adab. [In Persian]
- Attarha, S. (2006). The secrets and mysteries of Kashan reservoirs. *Cultural and Social Quarterly of the Culture of the People*, 5(19 and 20), 186-196. [In Persian]
- Azam Vaghefi, S. H. (2002). *Cultural heritage of Natanz (Vol. 2)*. Tehran: Association of Cultural Works and Honors. [In Persian]
- Baer, B. L. (2003). *Welcome to Iran. Commonwel*, 130(18), 31. [In English].
- Bakhtiar, A., & Rezapour, S. (2007). *Welcome to Iran*. Yassavoli. [In English].
- Barati, M. R. (2008). *Mystical principles in the poetry of Feyz Kashani*, Specialized Journal of the Kashan Studies Research Center, University of Kashan, Year 4, Issue 4 and 5, pp. 5-27. [In Persian]



- Bloom, J; Blair, Sh; J. Dory, C; Stinghausen, R& Graber, O. (2009). *The manifestation of meaning in Islamic art*. Translated by Akram Ghitasi. Tehran: Surah Mehr. [In Persian]
- Conte du Gobineau, J.A. (1988). *Three years in Asia: The travelogue of Comte de Gobineau 1855-1858*. Translated by Abdolreza Houshang Mahdavi. Tehran: Ketabsara. [In Persian]
- Derakhshan, M. (2017). Schools of the Safavid era. *New Tarikh Quarterly*, 7(19), 49-81. [In Persian]
- Faqih Mohammadi Jalali (known as Bahr al-Uloom), M.M. (2009). *Hamza bin Musa al-Kazim (AS): A study of the Life and Tombs Attributed to Hamza bin Musa (AS)*. Qom: Vosugh. [In Persian]
- Farahati, A. (2003). *The mosque and its scientific and social impacts in Islamic society from the beginning of Islam to the end of the Umayyad rule*. Tehran: High Coordination Headquarters for Cultural and Artistic Centers of Mosques. [In Persian]
- Farrokhyar, H. (Bita). *Celebrities of Kashan*. Kashan: Rasek. [In Persian]
- Feyz Kashani, M. (2008). *Mo'tasem al-Shi'eh in the laws of the Sharie'h*, the investigation of the monotheistic Messiah of unity; under the supervision of Mohammad Emami Kashani, Tehran: Al-Madrasah al-'Aliyya for the martyred. [In Persian]
- Ghanimeh, A. (1984). *History of great Islamic universities*. Translated by Noorollah Kasaei. Vol. 4. Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Hajizadeh, M& Rahimi, A. (2019). *The influence of shiite-sufi thoughts on the urban architecture of Kashan (from the Ilkhanid period to the beginning of the Safavid era)*. *Architectural Thought Bi-Quarterly*, 4(7), 29-43. [In Persian]
- Hamidinejad, M. (2006). *Kashan tourist attractions*. Translated by Atiyeh Moghaddisian. Qom: Najm-ul-Hoha. [In Persian]
- Hatstein, M & D, P. (2009). *Islamic architecture*. Translated by Akram Qitasi. Tehran: Sureh Mehr. [In Persian]
- Helli, S. A. (1986). *Knots and arches in Islamic architecture*. Qom: Mehr Printing House. [In Persian]
- Hendushah Nakhjavani. (1978). *The experiences of the predecessor*. Edited and edited by Abbas Iqbal. Tehran: Tahuri Library. [In Persian]
- Henteei, H. (2001). *The secret of a lasting high school: The history and history of Imam Khomeini's lasting high school in Kashan*. Vol. 1. Kashan: Armaghan Adab. [In Persian]
- Homayunfar, A. (Bita). *The great Islamic encyclopedia. Volume 1, Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopedia*. Article No. 282. P. 282 [In Persian]
- Ibn Hawqal. (1987). *Safar nameh-ye ibn Hawqal's: Iran in the image of the earth*. Edited by Ja'far Shaar. Vol. 2. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Ibn Khurdadbeh. (1991). *Al-masalak wa al-mamalak*. Translated by Hossein Qarechanloo. Tehran: Translator. [In Persian]
- Jafarian, R. (2019). *Twenty-one discourses on manuscripts*. Fifteenth Edition. The First Founders Iraj Afshar and Mohammad Taghi, Scholar. Qom: Historian in collaboration with the University of Tehran Library. [In Persian]
- Jafarian, R. (2019). *Two treatises on the genealogy of the Imams' descendants buried in Kashan*. Taken from the book Twenty-one Discourses on Manuscripts,



- Fifteenth Edition. The First Founders Iraj Afshar and Mohammad Taghi, Scholar. Qom: Historian. [In Persian]
- Jamshidi, H. (2013). *Tayer qudsi: A commentary on the life of the wise and wise jurist*, Allama Akhund Molla Mohammad Kashani. Kashan: Mohtasham. [In Persian]
- Kalantar Zarrabi, A. (1977). *History of Kashan*. Edited by Iraj Afshar. Vol. 3. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Khani Arani, F. (2011). *Kashan, the cradle of civilization and art*. Kashan: In step with existence. [In Persian]
- Malek-ol-Movarekhin-e Kashani, A-H. (2008). *A brief geography of Kashan*. Edited by Afshin Atefi. Kashan: Mursal. [In Persian]
- Mazraati, A. (2010). *Summary of the Musad al-'Ibad in the discovery of the secret of creation and some articles*. Edited and researched by Afshin Atefi. Kashan: In step with existence. [In Persian]
- Mehrpooya, J. (2005). Traditional architectural arrangements in Iranian mosques. In *The art and architecture of mosques*. With the efforts of the Secretariat of the High Coordination and Supervision Headquarters for Cultural and Artistic Centers of Mosques. Tehran: Rasansh. pp. 1145-1179. [In Persian]
- Mir Mohammad Sadeq, S.S. (2005). *The Story of Shah Sultan Mohammad Khodabandeh Safavi: Summary and rewriting of the book of naqvah al-athar fi dhikr Al-akhyar by Mahmoud bin Hedayatullah Afoshtei*, Tehran: Ahl Al-Qalam. [In Persian]
- Mohammadi Khabbazan, S. (2016). *The concept of home in Isfahan during the Safavid period*. Tehran: Iranian Book Publishing. [In Persian]
- Momen Bellah, S & Ahmadzadeh, D. (2014). *The role of Imamzadeh in the spread of Shiite religion in Iran. Imamzadeh and cultural life. With the help of Ahmad Sharafkhani, Mohammad Mehrabi, Asghar Montazer Al-Qa'em*, Publisher: Endowments and Charity Affairs Organization, pp. 420-434. [In Persian]
- Motahari, M. (1983). *Mutual services of Islam and Iran*. Vol. 12. Qom: Sadra. [In Persian]
- Naghibi, S -Q. (2008). *The sayings of scholars in the translation of Al-Mawli Mohsen Faiz al-Kashani, 1007-1091 AH*, Tehran: Madasah al-Alia for the Martyr Al-Mutahhari.
- Naraqi, H. (1985). *Kashan in the constitutional movement of Iran*. Tehran: Iran. [In Persian]
- Naraqi, H. (1986). *Social history of Kashan*. Vol. 2. Tehran: Scientific and Cultural. [In Persian]
- Naraqi, H. (2003). *Historical monuments of the cities of Kashan and Natanz*. Vol. 2. Tehran: Association of Cultural Monuments and Honors. [In Persian]
- Nasrabadi Isfahani, M. M. T. (1938). *Nasrabadi's memoir*. edited by Vahid Dastgerdi, Tehran: Armaghan. [In Persian]
- Natanzi Kashani, M. H. (2009). *A Collection of Mirsad al-Ibad's works on discovering the secret of creation and some articles*. Edited by Afshin Atefi, with the Effort of Ahmad Mazraati, Kashan: Hamgam Bahesti. [In Persian]
- Ostadi, R. (2003). *Biography and works of Mulla Mehdi Naraqi and Mulla Ahmad Naraqi and their family*. Kashan: Congress to commemorate Mulla Mehdi Naraqi and Mulla Ahmad Naraqi. [In Persian]



- Pahlevanzadeh, L. (2012). Isfahan, the eastern school of learning during the Safavid era. *Scientific-Research Quarterly, New Perspectives in Human Geography*, 4(3), 63-86. [In Persian]
- Qazvini, S. M. K. (2011). *The life of Imam Jawad (a.s.) from birth to martyrdom*. Translated by Imam Jawad (a.s.) from the cradle to the grave. Translated by Seyyed Mohammad Salehi. Tehran: Yas Behesht. [In Persian]
- RashedMuhassel, M. R & Hossein-zadeh Haroyan, F. (1991). Tracing the origins of intellectual and behavioral transformations of scholastic Sufism up to the ninth century AH. *Kohn-e-Namah Adab Parsi*, 2(2), 55-69. [In Persian]
- Rastegar, P. (2005). Kashan and muhaddis of Kashan. *Journal of Kashan Studies*, 1 (1), 128-141. [In Persian]
- Rawandi Qasani, A.R. (1952). *Diwan al-sayyid al-Imam Zia al-Din Abi al-Rida al-Hasani al-Rawandi al-Qasani*, edited by Seyyid Jalal al-Din Ermavi Muhaddis, first edition, Majlis Press. [In Persian]
- Rawandi, M. (1987). *Raha'at-e-Sudur and the verse of pleasure in the history of the Seljuq dynasty*. Correction by Mohammad Iqbal. Tehran: Asatir. [In Persian]
- Razavi Kashani, S. M. H. (2005). *Al-andabil fi tamiz al-sahih min al-alil*. Tehran: Tab al-Ketab Publishing Company. [In Persian]
- Razavi, N. (2005). *Architecture, mosque, music of light*. Taken from the collection of Art and Architecture of Mosques, Volume 1. With the efforts of the Secretariat of the High Headquarters for Coordination and Supervision of Cultural and Artistic Centers of Mosques. Tehran: Rasansh. 447-470. [In Persian]
- Razi, A. J. (1952). *Nullification: Some Examples of Al-Nawasib in the Nullification of "Some Fazaih Al-Rawafid"*. Introduction and correction by Seyyed Jalal-edin Hosseini Ormavi. Tehran: Sepehr. [In Persian]
- Riyazi(Parvaneh), Z. (2007). *Historical knowledge of Kashan and ecotourism areas*. Kashan: Morsal. [In Persian]
- Ruh al-Amini, M. (2005). From Kashan rose to Kashan flowers. a *Journal of Kashan Studies*, 1, 143-152. [In Persian]
- Sadatbidgoli, S. M. (2016). *History of Kashan culture from the establishment of the education department to 1357*. Tehran: National Library of the Islamic Republic of Iran Documents Organization. [In Persian]
- Sadeghi, M. (2007). *Kashan on the path of shiism*, Qom: Shiism Studies. [In Persian]
- Salmani Arani, H. (1996). *The appearance of Kashan (the center of virtue)*. Qom: Bashir. [In Persian]
- Sami'i, K. (1984). *The life of Sardar Kabuli*. Gilan. Bookstore of the Pilgrims. [In Persian]
- Sepehri, H.( 2012). *Scholars and scientists of Kashan from the 2nd century AH to now*, Bija: Surah Tamasha. [In Persian]
- Seyidzadeh Motlagh, Sh. (2011). The most important endowment schools of Tehran from the period of Nasser al-Din Shah to the end of the Qajar period. *Payam Baharestan*, 4(13), 186-201. [In Persian]
- SHajari, R; Farahati, A& Arabshahi Kashi, E. (2021). A study of the history of the Gricheh neighborhood and the collection of Muhammad Saleh Bey and analysis of its cultural function in the Kashan region. *Historical Essays*, 12(2), 151-189. [In Persian]



- SHardin, J. (1993). *Chardin's travelogue*. Translated by Iqbal Yaghmaei. Tehran: Tous. [In Persian]
- SHarif Kashani, M.h.(1993). *Chapter on the titles of the Ahl al-Atiyab*. Second Edition, Qom: Majma' al-Mutwassalin Ba'al Muhammad . [In Persian]
- SHovazi, E. (2002). *History of architecture*. Translated by Latif Abolghasemi. Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Sobhani Sadr, H. (2019). *Hadith Faiz: A journey through the Life, thought and works of Mullah Hassan Faiz Kashani*, Qom: vazhe-h pardaz-e Andisheh. [In Persian]
- Soltanzadeh, H. (1985). *History of Iranian schools from ancient times to the establishment of the Dar al-Fonun*. Tehran: Agah. [In Persian]
- Stirlen, H. (2005). *Architectural art in the Safavid era: Imam square, Imam mosque, Sheikh Lotfollah mosque*. Translated by Mansour Fallahnejad. With the efforts of the Secretariat of the High Headquarters for Coordination and Supervision of Cultural and Artistic Centers of Mosques. Tehran: Rasansh. pp. 114-135. [In Persian]
- Tabatabaei, M. (2011). *Theoretical Foundations of Architecture*. Vol. 1. Tehran: Fatemi. [In Persian]
- Tahbaz, M; Jalilian, Sh & Mousavi, F. (2012). *Lessons from the climate architecture of the passages of Kashan*. *Bi-Quarterly of Iranian Architectural Studies*, 1, 59-83. [In Persian]
- Tajbakhsh, A. (2002). *A brief history of pre-Islamic Iranian civilization and culture*. Tehran, Yadvareh Book Publishing Institute. [In Persian]
- Thaskakkori, A. (Bita). *Shining stars: Biographies of a number of Imams' descendants*. Edited by Habibollah Salmani Arani. Aran and Bidgol: National Congress of Arani Researchers. [In Persian]
- Unknown. (1982). *Hodud-o-lalam men al mashregh-e eLal-maghreb*. With the help of Manouchehr Sotoudeh. Tehran: Tahouri Library. [In Persian]
- Yaqubi, I. W. (1968). *Al-buldan*. Translated by Muhammad Ibrahim Ayati. Vol. 2. Tehran: Book Translation and Publishing Company. [In Persian]
- Zargari, R. (2009). *Kashan from the perspective of tourists*, Abadan: Question. [In Persian]



## A Study of the Historical Background of Khwaja Tajuddin in Kashan

### Reza Shajari

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Kashan, Kashan, Iran (Corresponding Author); Email: rshajari@yahoo.co.uk

### Elham Arabshahi Kashi

PhD in Persian Language and Literature (Teacher of Seminary and University), Department of Persian Language and Literature, University of Kashan, Kashan, Iran; Email: e.arabshahi@yahoo.com

### Abbasali Farahati

Associate Professor, Department of Quran and Hadith, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kashan, Kashan, Iran; Email: farahati@yahoo.kashanu.ac.ir

Received: 25/09/2024

Accepted: 01/01/2025

### Extended Abstract

#### Introduction

Kashan is one of the most important cultural and historical cities in Iran with many magnificent cultural monuments and important religious buildings, some of which have now been destroyed, and no trace of them is left. The historical and cultural complex of Khwajeh Taj al-Din is one of the most important buildings in Kashan, next to the Agha Bozorg Mosque, whose initial works dated back to the Seljuq era, but its ceilings dated back to the Mongol Ilkhanid period. This complex includes a mosque, a school, a minaret, a water tank, a khaneqah, a bathhouse, a passage, a caravanserai, and a tomb, of which only two symmetrical brick domes and other small parts are left. Khwaja Tajuddin Shirvani and his two other brothers, Khwaja Emaduddin Mahmud and Khwaja Zeinuddin, were prominent figures of the Aq Qoyunlu era in the ninth century. They built important buildings such as this mausoleum and khaneqah in Kashan, which has played an important role in the education of Islamic scholars and scientists for centuries. This research has attempted to examine this complex as part of the rich cultural history of Kashan in the past, using a historical interpretive method, based on field research and studies, and referring to documents and evidences, as well as historical evidence. There is not much information about it, although it was very important not only in terms of its antiquity but also in terms of its fame and prestige in its era. The results showed that this historical complex, which is nearly seven hundred years old, has a shrine, seminary, cistern, khanqah, bathhouse, passage and has been renovated in different periods, and the architectural features of the Ilkhanid, Safavid, and Qajar eras can be seen there. Also, its poems, paintings, calligraphy, and stone inscriptions are of special historical and cultural value. In other words, this research has tried to revive a part of the ancient history of Kashan.



### Introduction

With a rich cultural, historical and civilizational history of seven thousand years, Kashan has played a major role in the intellectual, cultural, economic, and political development of Iran. The magnificent historical and cultural monuments of this city such as the Sialk Hills, the Fin Garden, fire temples and historical buildings, as well as the scholars and scientists who emerged from it such as Ghiyath-ud-Din Jamshid Kashani, are evidences of this claim. The history of the Khwaja Tajuddin complex, according to the inscription installed by the Cultural Heritage Administration in front of the complex, dates back to the Seljuq and Ilkhanid (Mongol) eras. For centuries, it has been a scientific and cultural base and currently operates as a tourist complex alongside the historical and cultural complex of Mohammad Saleh Beig and the Agha Bozorg Mosque. Currently, a number of its components, including the holy tomb, bathhouse, and cistern, remain while the rest have been destroyed due to the passage of time and the occurrence of some natural disasters such as the earthquake of 1192 AH. The geographical location and the special cultural and religious atmosphere prevailing in the city have caused its people to pay special attention to the construction of religious and cultural buildings; as Kashan has been famous for building schools and carrying out cultural activities since the Seljuq era. Although this complex, dating back to the Ilkhanid period, is older than the Agha Bozorg Mosque and Madrasa, it has not been as famous as the Agha Bozorg Mosque and Madrasa, according to historical documents.

### Materials and Methods

Despite the large number of foreign tourists, the historical and cultural complex of Khawjeh Taj al-Din has unfortunately not been described properly and has perhaps remained hidden from the eyes of many people of Kashan and its literature and culture. Therefore, this study examined not only the various characteristics and dimensions of this complex but also its religious, cultural, social, and historical functions of the aforementioned complex. However, given that there are few reliable written sources and documents left about the age of this complex, this study tried to determine and confirm the age of the complex by conducting field research and using oral sources and the expertise of cultural heritage experts, including Mr. Helli.

### Results and Findings

The findings of the research, according to the book, *The History of Kashan*, showed that three of the noble ministers of Jahanshah, Khwaja Emad al-Din Mahmud, Khwaja Zein al-Din, and Khwaja Taj al-Din, resigned from their positions and set off on a pilgrimage. On the way, they met the late Sheikh Mansour, the late Imam of the Friday prayer of Kashan, and settled in Kashan. Emad al-Din built the Emadi Mosque; Khwaja Zein al-Din built the Minaret of Zein al-Din, and Khwaja Taj al-Din built two high domes, a minaret, and a mosque in his name at the tomb of one of the descendants of the Imam and several judges who were in the line of Abu Dhar Ghaffari. Apparently, the proximity of the tomb and its components, such as the khaneqah and the burial place of the two Imamzades (the descendants of Imams), had a significant impact on its development. Based on field research and interviews with local elders, in the late Qajar era, the building was again neglected destroyed, but with the efforts of the city's scholars and mystics, especially Mulla Mohammad Hassan Natanzi, it was restored. According to a document from 1304 AH, the



guardianship of the ruined school of Khwaja Taj al-Din requested the religious ruler of Kashan, Hajj Mulla Mohammad Hussein Natanzi Kashani (d. 1322 AH), to prevent further destruction of the monument by appointing a guardianship. The aforementioned letter states that in the past two hundred years, when there were no new schools in Kashan, this school was in operation. Its endowments were confiscated by all people and it was completely out of use. There are also two tombs on either side of the school, the first of which is related to the two Imamzadehs (the descendants of Imams) and the second is related to the Khanaqah and burial place of Haji Mulla Mohammad Hassan. These two tombs were also destroyed and ruined.

### Conclusion

The findings show that Kashan, with its rich culture and history, has many magnificent monuments and buildings, which have unfortunately been destroyed due to the passage of time and natural disasters. One of these important historical buildings is the Khwajeh Taj al-Din complex next to the Agha Bozorg Mosque, whose initial works date back to the Seljuq era, but its ceilings date back to the Ilkhanid era. This complex includes a mosque, a school, a minaret, a cistern, a khanqah, a bathhouse, a passage, a caravanserai, and a tomb, of which only two symmetrical brick domes and other small parts are left. The great families of Kashan such as Feyz, Naraqi, Natanzi were among the teachers and graduates of the Khwajeh Taj al-Din school. One of the most important features of the complex is to recognize the characteristics and architectural style of Kashan's historical buildings and the characteristics of the Seljuq and Mongol eras. However, based on the genealogy of the two Imamzadehs buried there and the text of the endowment, obtained from the Majlis Bahr al-Ansab, the original architecture of the building seems to belong to the early centuries of the Hijri; but currently, there is no trace of this type of architecture in the complex. Of course, the complex also has scientific, cultural, economic, health-therapeutic, welfare, and recreational functions. Therefore, this study tried to record complete information about this collection, so that this valuable historical and cultural heritage will be remembered to evoke the cultural richness of Kashan region.

**Keywords:** Agha Bozorg Mosque, endowments, history of Kashan, Khwajeh Taj al-Din collection, neighborhood, seminaries.

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

دوره ۱۷، شماره ۲ (پیاپی ۳۳)، صفحات: ۵۳-۷۰

مقاله علمی پژوهشی

## بررسی تاریخی نقش ابوالرضا راوندی در روایت نهج البلاغه

محمود صادقی علوی\*

### چکیده

استقرار حکومت سلاجقه بر بیشتر نقاط جهان اسلام بعد از انقراض آل بویه تا حدود زیادی عرصه را بر عالمان شیعی برای ترویج و انتقال میراث شیعی تنگ کرد. این پژوهش بر آن است تا با بررسی اسناد و منابع موجود بیان کند ابوالرضا راوندی به عنوان یکی از علمای شیعه شهر کاشان در قرن ششم هجری و هم‌زمان با غلبه سلاجقه سنی مذهب بر قسمت بزرگی از جهان اسلام، چه نقشی در روایت نهج البلاغه به عنوان یکی از مهم‌ترین میراث شیعی داشته است. این پژوهش بر مبنای منابع کتابخانه‌ای و با روش تحلیلی، متون و منابع مرتبط با موضوع را بررسی نموده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد در شرایطی که سلاجقه سنی مذهب در کنار خلفای عباسی بر جهان اسلام غلبه داشته و نه تنها حمایتی از علمای شیعه نداشتند بلکه محدودیت‌هایی نیز برای شیعیان ایجاد می‌کردند، علمایی همچون ابوالرضا راوندی با مسافرت به شهرهای مختلف و بهره‌گیری از علما و همین‌طور استفاده از نسخ مختلف نهج البلاغه در سایه حمایت رجال متمول و قدرتمند شیعه در این دوره با استنساخ و روایت این اثر شیعی برای دیگر معاصران و شاگردان خود نقش مؤثری در انتقال و ترویج این میراث ارزشمند شیعی در دوره غلبه سیاسی اهل سنت بر جهان اسلام داشته است.

کلیدواژه‌ها: ابوالرضا راوندی، نهج البلاغه، سلاجقه، تاریخ تشیع، کاشان.

\* استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران / alavi@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۲

## ۱. مقدمه

در طول تاریخ تشیع، عموماً در دوره‌هایی که حکامی شیعه‌مذهب قدرت سیاسی را در اختیار داشتند و از علمای شیعه حمایت می‌کردند، علمای شیعه با حمایت این حکام موفق به ترویج و توسعه فرهنگ شیعی در قالب‌های گوناگون می‌شدند. نمونه برجسته این موارد را می‌توان در دوره حکومت آل‌بویه و صفویان مشاهده کرد. در دوره‌هایی که حکام اهل سنت بر جهان اسلام تسلط و فرمانروایی داشتند، طبیعتاً فعالیت علمی گسترده و قابل توجه برای علمای شیعه چندان مقدور نبود. حمایت آل‌بویه از مذهب تشیع و حمایت آن‌ها از علمای این مذهب باعث شد تا در این دوره و در سایه حمایت شاهان شیعی، علمای شیعه به احیای بسیاری از آثار و منابع شیعی بپردازند به‌طوری‌که دوره استقرار حکومت آل‌بویه را می‌توان یکی از شکوفاترین دوران‌ها در احیای میراث فرهنگی شیعه دانست؛ چراکه پیش از آن غلبه گسترده اهل سنت بر جهان اسلام اجازه چنین فعالیت‌هایی به علمای شیعه نمی‌داد. انقراض حکومت آل‌بویه و به دنبال آن استقرار سلاجقه در جهان اسلام، دوره جدیدی را برای شیعیان در تاریخ اسلام رقم زد. حمایت حکام این سلسله از مذاهب اهل سنت و به دنبال آن تنگ شدن عرصه بر شیعیان، محافظت و انتقال میراث شیعی را که در دوره آل‌بویه گسترش یافته بود، با مشکلات و سختی‌های فراوان همراه می‌کرد.

یکی از دستاوردهای ارزشمند شیعیان در دوره آل‌بویه گردآوری *نهج البلاغه* توسط سید رضی بود. اهمیتی که این کتاب به تدریج در میان شیعیان پیدا کرد، باعث شد تا بعد از قرآن کریم به‌عنوان دومین کتاب مذهبی مورد توجه شیعیان باشد. در دوره‌های مختلف تاریخ اسلام غلبه حاکمان اهل سنت بر جهان اسلام، انتقال دانش و فرهنگ شیعی از نسلی به نسل دیگر را با مشکلات فراوان مواجه می‌کرد. شرایطی که برای شیعیان در دوره غلبه سلاجقه بر جهان اسلام وجود داشت، اهمیت حفظ و استنساخ این سرمایه‌های ارزشمند شیعی را دوچندان می‌کرد. پژوهش در رابطه با موضوع این مقاله از آن‌رو اهمیت دارد که در این دوره تاریخی با وجود غلبه حکامی سنی‌مذهب، برخی علمای شیعه با وجود سختی‌های فراوان و عدم حمایت حکام وقت در جهت انتقال میراث فرهنگی شیعه تلاش کردند. مسئله مورد توجه در این پژوهش بررسی تاریخی نقش ابوالرضا راوندی در روایت *نهج البلاغه* به‌عنوان یکی از میراث ارزشمند شیعه در دوره غلبه حکام سنی‌مذهب سلاجقه است و سؤالی که این پژوهش بر مبنای آن انجام شده، این است که ابوالرضا راوندی در این دوره چه نقشی در روایت *نهج البلاغه* داشته است. در چنین شرایط سیاسی حاکم بر جهان اسلام، شخصیتی چون ابوالرضا راوندی که تربیت‌یافته مکتب اهل بیت (ع) در شهر شیعی کاشان بود،

اقدامات ارزشمندی در جهت روایت نهج البلاغه انجام داد که در این مجال مورد توجه قرار خواهد گرفت. این مسئله بر این فرضیه استوار است که ابوالرضا راوندی با حمایت مادی و معنوی افراد ذی نفوذ و متمول شیعه در کاشان که به رغم غلبه سلاجقه سنی مذهب، همچنان به واسطه پیشینه تشیع در این شهر دارای نفوذ و اقتدار بودند، به شهرهای مختلف از جمله اصفهان مسافرت و پس از دریافت مهم‌ترین روایات نهج البلاغه، آن را برای شاگردان و نسل بعدی شیعیان روایت کرد. شهر اصفهان در این دوره از جهتی به سبب نزدیکی جغرافیایی به شهر کاشان و از جهت دیگر به دلیل حضور برخی راویان برجسته نهج البلاغه در این شهر مورد توجه خاص ابوالرضا راوندی در روایت نهج البلاغه بوده است (ر.ک: جزینی، ۱۳۹۸: ۷۸) درخصوص کتاب نهج البلاغه توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که اگرچه از نهج البلاغه به عنوان یک میراث شیعی یاد می‌شود، این کتاب به دلیل جنبه ادبی‌اش و جایگاه حضرت امیر(ع)، بین اهل سنت هم جایگاه خاصی دارد و حداقل در دوره مورد نظر این تحقیق برخی از علمای اهل سنت نیز توجه ویژه‌ای به این کتاب داشته‌اند و چنان‌که بیان خواهد شد، برخی از استادان ابوالرضا راوندی در روایت نهج البلاغه همچون ابن‌الخوه و ابونصر غازی، از علمای بزرگ اهل سنت در این دوره هستند (همان: ۸۱-۸۳). در این پژوهش با روش تحلیلی و تطبیقی، منابع مرتبط با موضوع مورد تحقیق بررسی شده و ضمن بررسی پیشینه تحقیق‌های انجام‌شده مرتبط با این موضوع، نقش تاریخی ابوالرضا راوندی در روایت نهج البلاغه در دوره مورد نظر بررسی و تحلیل شده است.

## ۲. پیشینه تحقیق

ابوالرضا راوندی شخصیتی علمی است که آثار و فعالیت‌های او در حوزه‌های مختلف درخور توجه و اهمیت است. اگرچه درباره وی و آثار او پژوهش‌هایی انجام شده، آن‌طور که شایسته این شخصیت علمی باشد، پژوهش‌های مطلوبی انجام نشده است. پژوهش‌های انجام‌شده درخصوص ابوالرضا راوندی در رابطه با حوزه‌های مختلف مثل زندگی‌نامه، روایت احادیث، ادبیات عرب، جغرافیای تاریخی کاشان و مواردی شبیه به این موضوع است. برخی از پژوهش‌های جدید نیز در مورد نسخه‌های مختلف نهج البلاغه است؛ از جمله کتاب درآمده بر شناخت نسخه‌های نهج البلاغه از محمدکاظم رحمتی (۱۳۹۷) که در قسمتی از این کتاب به موضوع نسخ نهج البلاغه از ابوالرضا راوندی پرداخته شده است. محمد سلامی راوندی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه‌ای با عنوان بررسی ویژگی‌های حوزه حدیثی امامیه کاشان تا پایان قرن ششم هجری تا حدودی به جایگاه حدیثی

ابوالرضا راوندی پرداخته است. نگارنده مقاله حاضر (۱۳۹۹) در مقاله «دیوان ابوالرضا راوندی تاریخ محلی کاشان در قرن ششم هجری» جنبه‌های تاریخی دیوان ابوالرضا راوندی را بررسی کرده است. سید حسن موسوی بروجردی (۱۴۳۳ق) در مقاله‌ای به بررسی نسخ *نهج البلاغه* به روایت ابوالرضا راوندی پرداخته است. همچنین آقای علیرضا صحیحی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای، اغراض شعری در دیوان ابوالرضا راوندی را بررسی نموده است. محمدمهدی صباغی مرقی (۱۳۹۹) در پایان‌نامه‌ای با عنوان *بازشناسی شخصیت و آثار سید ابوالرضا راوندی از جنبه حدیثی و قرآنی*، شرح حال و آثار این عالم بزرگوار را معرفی کرده و آن را در قالب کتابی با عنوان *علامه سید ابوالرضا راوندی: بازشناسی شخصیت و آثار سید ابوالرضا راوندی از جنبه حدیثی و قرآنی* در سال ۱۴۰۲ در انتشارات ارمغان ادب چاپ کرده است. سید امیر الیاس موسوی (۱۳۹۹) در پایان‌نامه *نقش رجال راوندی در کاشان عصر سلاجقه*، اشاراتی هم به ابوالرضا راوندی دارد و خانم هاشمی (۱۴۰۲) نیز در پایان‌نامه *نقش ابوالرضا راوندی در تاریخ تشیع به بیان شرح حال و آثار این شخصیت پرداخته است*. آقای لطفی (۱۴۰۲) نیز در پایان‌نامه‌ای نقش ابوالرضا راوندی در روایت *نهج البلاغه* را بررسی نموده است. اما در رابطه با موضوع مورد توجه این پژوهش تا آنجا که نگارنده بررسی کرده، تاکنون هیچ پژوهش مستقلی به‌ویژه از حیث بررسی تاریخی انجام نشده است. در این پژوهش سعی شده تا با بیان شرایط سیاسی حاکم بر جهان اسلام در دوره حیات ابوالرضا راوندی، نقش این عالم شیعی به‌لحاظ تاریخی در روایت این اثر گرانقدر شیعی بررسی گردد.

### ۳. نگاهی به وضعیت سیاسی و اجتماعی کاشان در دوره حیات ابوالرضا راوندی

پیشینه تشیع شهر کاشان به قرون نخستین هجری برمی‌گردد (ر.ک: یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۴: ۲۹۶؛ شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۱: ۸۶-۸۷؛ قمی، ۱۳۸۵: ۲۱۶، ۳۲۱ و ۵۹۶؛ جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۱۰) و از این‌رو شهر کاشان از شهرهای باسابقه در تاریخ تشیع است. سابقه تشیع این شهر باعث شده تا در دوره‌های مختلف عالمان شیعه برجسته‌ای در این شهر برخاسته و در جهت تبلیغ فرهنگ شیعی به تلاش بپردازند (ر.ک: نجاشی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۴۷؛ صادقی، ۱۳۸۶: ۱۲۷-۱۳۵).

انقراض حکومت شیعی آل‌بویه و استقرار حکومت سلاجقه در ایران یکی از دوره‌های بااهمیت در رابطه با تاریخ شهر کاشان را رقم زد. از آنجاکه سلاجقه سنی‌مذهب بودند، طبیعتاً نظر مثبتی به مناطق شیعه‌نشین از جمله کاشان نداشتند. برای بررسی شرایط سیاسی و اجتماعی کاشان در دوره سلاجقه شاید به‌جرئت بتوان ادعا کرد هیچ منبعی در این رابطه دقیق‌تر و گویاتر از دیوان ابوالرضا



راوندی نیست. این کتاب اگرچه یک دیوان شعر است، براساس اطلاعاتی که در رابطه با جوانب مختلف تاریخی کاشان در این دوره در اختیار ما قرار می‌دهد، می‌توان این کتاب را تاریخ محلی کاشان در دوره سلاجقه نامید (ر.ک: صادقی علوی، ۱۳۹۹: ۷۱-۹۰)؛ اطلاعاتی که بسیاری از آن در هیچ منبع تاریخی دیگری در این دوره مورد توجه قرار نگرفته است.

ضیاءالدین ابوالرضا فضل‌الله بن علی حسنی راوندی در حدود سال ۴۸۳ق در راوند در نزدیکی کاشان به دنیا آمد (مرعشی نجفی، بی‌تا: ۴۵؛ قاسم‌پور و سلامی، ۱۳۹۸: ۵۶). در رابطه با تاریخ وفات این عالم بزرگ اقوال متفاوتی ذکر شده و از سال ۵۶۳ق تا ۵۷۴ق را برای سال وفات او ذکر کرده‌اند (ر.ک: مرعشی نجفی، بی‌تا: ۴؛ مهریزی، ۱۳۷۸: ۵۴-۵۵). ازاین‌رو می‌توان راوندی را از علمای بزرگ شیعه در دوره سلاجقه دانست. برخی از وزرای سلجوقی در این دوره توجهات خاصی به شهر کاشان داشته‌اند و به سبب این توجهات، توسط ابوالرضا راوندی مدح شده‌اند. قوام‌الدین ابوالقاسم ناصر بن علی درگزینی از وزیران دربار سلاجقه است (ر.ک: قمی، ۱۳۶۳: ۱-۲۷؛ ظهیری نیشابوری، ۱۳۳۲: ۵۵) که ابوالرضا راوندی در چند قصیده او را مدح کرده است. شرف‌الدین ابونصر انوشروان بن خالد، از شخصیت‌های سیاسی دوران سلاجقه است که در دربار سلاجقه دارای نفوذ بوده است. کاشانی بودن و شیعه بودن او باعث شده تا از نفوذ خود در حمایت از این شهر استفاده کرده و ممدوح ابوالرضا راوندی نیز باشد (ر.ک: قمی، ۱۳۸۸، مقدمه: ۱۳؛ راوندی، ۱۳۶۴: ۲۲۴؛ کاتب اصفهانی، ۲۰۰۴: ۲۸۲-۲۸۶). راوندی در ابتدای قصیده خود در مورد این وزیر سلجوقی از او با عنوان دوست یاد می‌کند.

خلیلی ان لم تسعدا فدعانی      فدونکما نادى الهوى فدعانی

(راوندی، ۱۳۳۴: ۱۵-۱۸)

بنابر آنچه در این قسمت ذکر شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگرچه سابقه تشیع شهر کاشان تا حدودی باعث کم‌لطفی حکام سلاجقه به این شهر شده بود، حضور شخصیت‌های قدرتمند و تأثیرگذار شیعی چه در شهر کاشان و چه در دربار سلاجقه و حمایت آن‌ها از این شهر باعث شده بود تا در دوره سلاجقه، شهر کاشان جایگاه نسبتاً مطلوب سیاسی و اجتماعی در بین شهرهای ایران داشته باشد. همچنین حمایت‌های مادی و معنوی این افراد در این دوره در شهر کاشان از شخصیت‌های علمی آن از جمله ابوالرضا راوندی، یکی از دلایل توفیق چنین شخصیتی در روایت نهج البلاغه و دیگر میراث شیعی در دورانی است که سلاجقه سنی مذهب بر قسمت بزرگی از جهان اسلام غلبه دارند.

#### ۴. سیاست‌های مذهبی سلاجقه

از آنجاکه موضوع مورد توجه در این پژوهش بررسی تاریخی نقش ابوالرضا راوندی در روایت نهج البلاغه به‌عنوان یکی از متون شیعی در دوره غلبه حکام سنی مذهب سلجوقی است، شایسته است اشاره‌ای کوتاه به سیاست‌های مذهبی سلاجقه داشته باشیم. استقرار سلاجقه بر جهان اسلام به‌ویژه پس از دوران حکومت آل‌بویه شیعی مذهب، حمایت گسترده سلاطین این حکومت از مذاهب اهل سنت خاصه مذهب حنفی را در پی داشت؛ به‌طوری‌که سلاطین حنفی مذهب سلجوقی در ترویج مذهب خود از خون‌ریزی و کشتار مخالفان خود و پیروان دیگر مذاهب کوتاهی نمی‌کردند و حامیان آن‌ها نیز در تأیید حقانیت این مذهب ندای هاتف آسمانی را دستاویز خود قرار می‌دادند (ر.ک: راوندی، ۱۳۶۴: ۱۷). این حکام در پیشبرد اهداف خود حتی برخی موارد به کشتار پیروان سایر مذاهب اهل سنت نیز دستور می‌دادند و در تصدی مناصب حکومتی توسط حنفی مذاهب‌ها تأکید داشتند (ر.ک: همان: ۱۸).

در این دوره، عموم بزرگان مذاهب اهل سنت ضد فرقه‌های شیعه موضعی خصمانه داشتند؛ به‌ویژه اینکه به شیعیان امامیه و اسماعیلیه به‌عنوان یک پدیده سیاسی می‌نگریستند. شیعیان قوی‌ترین گروه اصولی و فرهنگی دنیای اسلام بودند که در این دوران پشتوانه سیاسی خود (آل‌بویه) را از دست داده بودند و با شیوه مبارزات منفی و مخفی، یعنی نفوذ در دستگاه‌های اداری و اجرایی حضور خود را تحمیل می‌کردند (حلمی، ۱۳۹۳: ۱۵۳-۱۵۴). چنین شرایط مذهبی و اجتماعی حاکم در دوره سلاجقه اهمیت هرچه بیشتر اقدامات و فعالیت‌های علمای شیعه در این دوره را نمایان‌تر می‌ساخت؛ علمایی که هم از جهت سیاسی و هم از جهت مذهبی نه‌تنها مناسبات مطلوبی با دستگاه حاکم نداشتند بلکه نقطه مقابل آن نیز محسوب می‌شدند.

اگرچه سیاست اصلی مذهبی سلاجقه حمایت از مذهب حنفی بود، در طول دوران حکومت خود سیاست مذهبی یکنواختی نداشتند. اختلافات مذهبی اهل سنت در این دوره از نهاد قدرت سرچشمه می‌گرفت که سلاطین سلجوقی از حنفیان حمایت می‌کردند و برخی چون خواجه نظام‌الملک از شافعیان. سخت‌گیری سلاجقه بر شیعیان نیز بیشتر مربوط به دوران اولیه حکومت آن‌ها و برای تثبیت حکومت و قدرت بوده و در ادامه حکومت خود سلاجقه سیاست تسامح را در رابطه با شیعیان در پیش گرفتند (ر.ک: منظورالاجداد، ۱۳۹۹: ۳۷۸-۴۰۶؛ یعقوبی، ۱۳۹۴: ۲۳-۲۵).

#### ۵. سفرها و استادان ابوالرضا راوندی

با توجه با آنچه درباره شرایط سیاسی و اجتماعی کاشان و همین‌طور غلبه سلاجقه بر ایران بیان



شد، آنچه اهمیت پیدا می‌کند، نقش برجسته برخی رجال برجسته شیعه در این دوره در انتقال میراث شیعی است. در این دوره حساس تاریخی برای شیعیان با وجود غلبه سلاجقه، برخی از علمای شیعه با تحمل سختی‌های فراوان، از هیچ کوششی برای حفاظت و ترویج فرهنگ شیعی کوتاهی نکردند. در این میان، نقش ابوالرضا راوندی به عنوان یکی از راویان اصلی نهج البلاغه در قرن ششم هجری از دو جهت ستودنی و قابل بررسی است. از یک طرف، سفر او به مناطق مختلف و بهره‌مندی از استادان برجسته زمان خود که به نحو مطلوبی به روایات نهج البلاغه دسترسی داشتند و دستیابی او به نسخه‌های معتبر نهج البلاغه و از طرف دیگر، پرورش و تربیت شاگردان و اجازات او به راویان نهج البلاغه. راوندی برای کسب علم و دستیابی به نسخ اصلی نهج البلاغه، به شهرهای مختلف مثل قم، اصفهان، نیشابور، بیهق، مکه، مدینه، بغداد، نجف، ری و... سفر کرد و در این سفرها از محضر استادان برجسته‌ای همچون مکی بن احمد، ابن‌الاکوئه و محمد مقرئ نیشابوری کسب فیض نمود (ر.ک: راوندی، ۱۳۷۷: ۳۸؛ مرعشی نجفی، بی تا: ۴۷). در این سفرها بسیاری از علمای شیعه و سنی از جمله علمایی که معاصر وی بوده و با شخصیت علمی او آشنا بوده‌اند، از شخصیت علمی و فضل وی یاد کرده و او را ستوده‌اند (ر.ک: راوندی، ۱۳۷۷: ۴۲؛ مرعشی نجفی، بی تا: ۲۹-۳۴؛ شاه‌نظری، ۱۳۹۱: ۶۳) که این مسئله نشان‌دهنده جایگاه برجسته علمی ابوالرضا به طور کلی و برجستگی او به طور خاص در روایت نهج البلاغه است.

اگرچه اطلاعات کامل و دقیقی از سفرهای ابوالرضا به شهرهای مختلف در دسترس نیست، با توجه به روایات او از استادان مختلف و همچنین اجازات وی از آن‌ها می‌توان دریافت که ابوالرضا به شهرهای محل سکونت این افراد سفر داشته و چنان‌که مرسوم بوده از محضر این علما استفاده کرده و میراث گوناگون فرهنگی شیعه به‌ویژه نهج البلاغه را از آن‌ها روایت کرده است.

#### ۶. جایگاه ابوالرضا راوندی در روایت نهج البلاغه

بخش مهمی از خدمات ابوالرضا به فرهنگ تشیع، روایت میراث حدیثی گذشتگان شیعه و انتقال آن به نسل آینده است؛ تا آنجا که وی به عنوان پل ارتباطی برای انتقال این میراث به آیندگان تلقی می‌شود (ر.ک: قاسم‌پور، ۱۳۹۸: ۵۸)؛ پلی که میراث شیعی دوره حکومت آل‌بویه شیعه‌مذهب و دوران قبل از آن را از دوران سلاجقه سنی‌مذهب به دوره‌های بعدی منتقل می‌کند. ابوالرضا گاهی تقویت‌کننده اسناد انتقال این میراث به آیندگان و در برخی موارد، راوی این میراث فرهنگی است (ر.ک: همان: ۵۸؛ رحمتی، ۱۳۹۷: ۸۵).



ابوالرضا راوندی نقش مهمی در روایت آثار مختلف سید رضی و سید مرتضی علم‌الهدی از جمله *نهج البلاغه* داشته است (ر.ک: رحمتی، ۱۳۹۷: ۸۵). نکته مهم‌تر در بررسی آثار این دو برادر به روایت ابوالرضا راوندی آن است که نسخه‌های آثار این دو برادر به روایت ابوالرضا راوندی عموماً از نسخه‌های دیگر متداول تفاوت داشته و او تحریرهای کامل‌تر و متأخرتر آثار دو برادر را در اختیار داشته است. نسخه‌های بسیار کهن آثار سید مرتضی و رضی موجود، نسخه‌هایی هستند که از روی نسخه‌های سید ابوالرضا راوندی کتابت شده و نزد او سماع شده که از میان این نسخه‌ها، نسخه‌ای کهن از *خصائص الأئمة، نهج البلاغه و تلخیص البیان* سید رضی و *مالی* سید مرتضی را می‌شناسیم. بررسی این نسخه‌ها دلالت بر این دارد که ابوالرضا راوندی گاه تحریرهای کامل‌تری از آثار دو برادر را در اختیار داشته است. بر این اساس در تصحیح آثار سید رضی و مرتضی باید در جست‌وجوی نسخه‌های خطی رفت که از لحاظ سنت روایت متن، به روایت ابوالرضا راوندی باشد (همان: ۸۵).

ابوالرضا راوندی چه در سفر به مناطق مختلف و چه در زادگاه خود شهر کاشان برای آموختن و دسترسی به نسخ اصلی *نهج البلاغه* از محضر استادان فراوانی، چه شیعه و چه اهل سنت، بهره برد و از بسیاری از آن‌ها اجازه روایت *نهج البلاغه* را دریافت کرد. در جدولی که در ادامه مقاله آمده، نام استادان ابوالرضا در روایت *نهج البلاغه* ذکر شده است. استقرار حکومت سلاجقه سنی مذهب و قدرت گرفتن اهل سنت در شهرهای مختلف پس از انقراض آل بویه نتوانست مانعی جدی در برابر سفرهای ابوالرضا برای کسب علم و دستیابی به نسخ *نهج البلاغه* باشد. شهر اصفهان که برای مدتی در دوره سلاجقه مرکز حکومت نیز بود (راوندی، ۱۳۶۴: ۶۷) و نه تنها با شیعیان که مخالف مذهب رسمی حکومت بودند، بلکه مذاهب مختلف اهل سنت نیز در این دوره در این شهر درگیری‌های مذهبی فراوانی داشتند (ر.ک: یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۱: ۲۰۹). به جهت جایگاه علمی و حدیثی برجسته این شهر از طرفی و از طرف دیگر، نزدیکی جغرافیایی آن به شهر کاشان یکی از مهم‌ترین شهرهایی بود که ابوالرضا راوندی برای کسب علم به آن شهر سفر کرد (ر.ک: ذهبی، ۱۴۰۵: ۱۱۵). ابونصر غازی (ح ۴۴۸-۵۴۲ق) از محدثان برجسته اصفهان در نیمه اول قرن ششم که آثار به جای مانده از وی نشان‌دهنده گرایش فکری او به اهل حدیث اهل سنت است (ر.ک: سمعانی، ۱۹۶۲، ج ۱۰: ۵؛ سلامی دمشقی، ۱۴۲۰ق: ۱۵۳)، از جمله استادان ابوالرضا راوندی و از مشایخ وی در روایت *نهج البلاغه* است که ابوالرضا راوندی از وی اجازه روایت *نهج البلاغه* را گرفته است. براساس گزارش افندی از نسخه‌ای از کتاب *مالی* سید مرتضی، ابوالرضا راوندی به واسطه ابونصر

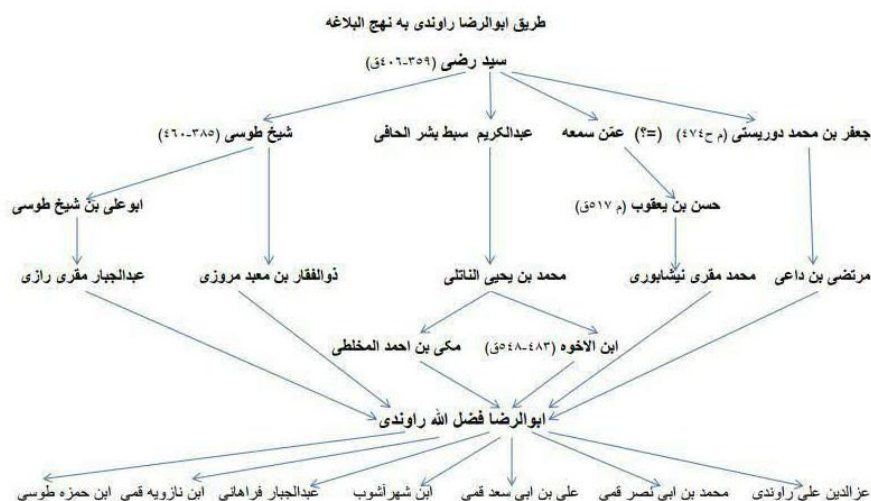


غازی از ابومنصور عکبری از سید مرتضی روایت کرده است (افندی، ۱۴۲۷ق: ۴۵۷-۴۵۸؛ عطاردی، ۱۴۰۱ق: ۱۳).

ابوالفضل عبدالرحیم بن احمد بن محمد ابن الاخوه البغدادی (ح ۴۸۳-۵۴۸ق) یکی دیگر از استادان اهل سنت ابوالرضا راوندی در شهر اصفهان برای روایت نهج البلاغه است (برای توضیحات بیشتر در رابطه با ابن الاخوه رک: جزینی، ۱۳۹۸: ۸۳-۸۴). ابوالرضا در سفرهایی که به اصفهان داشته با ابن الاخوه در ارتباط بوده و در خلال این ارتباط از وی اجازه روایت نهج البلاغه را گرفته است، غیر از سفر به اصفهان ابوالرضا با ابن الاخوه مکاتباتی هم داشته‌اند (رک: کاتب اصفهانی، ۲۰۰۴، ج ۳: ۱۷۳ و ۲۰۸). چنین روابطی میان علمای شیعه و اهل سنت در این دوره نشان‌دهنده این مطلب است که اگرچه رقابت‌ها میان عوام مردم در گرایش‌های مختلف مذهبی در این دوره شدید و در برخی موارد همراه با تعصب فراوان است (حتی در بین مذاهب اهل سنت)، در مجامع علمی و میان علمای مذهبی عموماً چیزی جز رابطه علمی و تبادل نظر علمی حاکم نیست؛ به‌طوری‌که دو شخصیت فوق‌الذکر از استادان برجسته ابوالرضا در روایت نهج البلاغه در این دوره هستند. در همین دوره و در چنین فضایی است که شخصیت علمی ابوالرضا نه تنها توسط علمای شیعه‌مذهب بلکه توسط برخی بزرگان اهل سنت این دوره نیز ستایش می‌شود (رک: سمعانی، ۱۹۶۲، ج ۱۰: ۲۹۷-۲۹۸؛ کاتب اصفهانی، ۲۰۰۴، ج ۹: ۶۷-۶۸). نکته دیگری که درباره کتاب ارزشمند نهج البلاغه نیازمند توجه و دقت نظر است، آن است که این کتاب همچون دیگر متون حدیثی شیعه در این دوره مطرح نیست بلکه همان‌طور که از نام این اثر برمی‌آید، آنچه در روایت و نقل این اثر اهمیت بیشتری دارد، جدای از جایگاه و شخصیت حضرت امیر(ع) در میان همه مسلمانان، جنبه ادبی این کتاب است و شاید از همین روست که برخی استادان برجسته ابوالرضا راوندی در روایت این اثر ارزشمند همچون ابوالفضل عبدالرحیم بن احمد بن محمد ابن الاخوه البغدادی و ابونصر غازی از علمای اهل سنت این دوره هستند (افندی، ۱۴۲۷ق: ۴۵۷-۴۵۸؛ جزینی، ۱۳۹۸: ۸۳-۸۴)؛ مسئله‌ای که نمونه آن را در روایت دیگر متون حدیثی شیعه یا نمی‌بینیم یا خیلی به‌ندرت می‌توان از آن یاد کرد. لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که جایگاه ویژه حضرت امیر(ع) در میان عامه مسلمانان و توجه خاص علمای اهل سنت در این دوره به کتاب نهج البلاغه به‌رغم غلبه حکام سلاجقه سنی‌مذهب بر جهان اسلام تا حد زیادی کار ابوالرضا راوندی در دسترسی به نسخ و روایات اصیل نهج البلاغه را آسان کرده بود. از این رو می‌توان گفت در شرایط سیاسی و مذهبی حاکم در عصر سلجوقی، روایت نهج البلاغه و انتقال این میراث شیعی برای نسل‌های بعدی در مقایسه با دیگر

متون شیعی حساسیت کمتری در فضای مذهبی جامعه اهل سنت در این دوره داشته است. اگرچه تاکنون در میان نسخه‌های موجود نهج البلاغه، نسخه‌ای که به خط ابوالرضا راوندی باشد شناسایی نشده، چندین نسخه خطی نفیس و کهن در کتابخانه‌های مختلف موجود است که یا با نسخه ابوالرضا راوندی مقابله شده یا از روی نسخه او کتابت شده است. برای نمونه، نسخه‌ای به خط عبدالجبار بن حسین بن ابی‌القاسم حاجی فراهانی در سال ۵۵۳ از روی نسخه ابوالرضا راوندی زمانی که در قریه جوشقان راوند بوده کتابت شده و پس از آن بر وی خوانده شده است. این نسخه در کتابخانه رامپور هند به شماره ۱۱۹۰ نگهداری می‌شود و فیلم آن به شماره ۵۰۴۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. همچنین نسخه‌ای به خط محمد بن محمد بن عباس قمی در سال ۵۵۶ مقابله شده و در سال ۵۷۱ ابوالرضا راوندی آن را خوانده و چند خط بر آن افزوده است. این نسخه در کتابخانه موزه بغداد به شماره ۳۷۸۴ نگهداری می‌شود (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۸: ۷۴؛ موسوی بروجردی، ۱۴۳۳: ۷۹).

در این مقاله به دنبال آن نیستیم تا یکایک استادان و شاگردان ابوالرضا راوندی را در روایت نهج البلاغه معرفی کنیم؛ اما به‌طور کلی و مطابق جدول ذیل می‌توان نقش ابوالرضا راوندی در روایت نهج البلاغه را در دوره غلبه سلاجقه بر جهان اسلام تبیین و استادان و شاگردان وی را معرفی نمود. ابوالرضا با دریافت روایت‌های مختلف نهج البلاغه از استادان خود و انتقال آن به نسل بعد از خود به‌عنوان واسطه‌ای ارزشمند، موجبات انتقال این قسمت از فرهنگ شیعی را در دوره غلبه سلاجقه سنی مذهب فراهم آورده است.





براساس جدول فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که ابوالرضا راوندی با کمترین واسطه، روایت‌های مختلف نهج البلاغه را از سید رضی دریافت و آن را برای شاگردان و نسل بعد از خود روایت کرده است. نکته درخور توجه براساس جدول فوق در رابطه با استادان و شاگردان ابوالرضا در روایت نهج البلاغه، این نکته است که ابوالرضا در گرفتن روایات نهج البلاغه از علمای شیعه و سنی استفاده کرده ولی فقط نهج البلاغه را برای علمای شیعه روایت کرده است؛ چراکه عموم شاگردان ابوالرضا در روایت نهج البلاغه شیعیانی بوده‌اند که در منطقه کاشان یا اطراف آن حضور داشته‌اند و با دریافت روایت‌های ابوالرضا از نهج البلاغه آن را برای نسل‌های شیعی بعد از خود روایت کرده‌اند. شیعیانی که در روایت و نقل نهج البلاغه تنها به جنبه ادبی و بلاغی این کتاب توجه ندارند بلکه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین میراث مذهبی شیعه به این اثر توجه دارند و در حفظ و نقل آن کوشا هستند.

در این دوره و با غلبه سلاجقه بر قسمت اعظم ایران، اگرچه حکام شیعه‌مذهب و حمایت مستقیم آن‌ها از علمای شیعه وجود ندارد، حمایت برخی شخصیت‌های برجسته و متمول شیعه از علمای این مذهب در توسعه فعالیت‌های فرهنگی شیعیان بی‌تأثیر نیست. نمونه برجسته این مورد در رابطه با فعالیت‌های ابوالرضا راوندی را می‌توان در حمایت‌های برخی رجال شهر شیعی کاشان از وی جست‌وجو کرد (ر.ک: راوندی، ۱۳۳۴: ۱۴۱-۱۴۲ و ۱۹۸). همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، دیوان ابوالرضا راوندی مهم‌ترین منبع تاریخی این دوره در رابطه با شهر کاشان است. براساس گزارش‌های ابوالرضا در این کتاب، مجدالدین ابوالقاسم عبیدالله بن فضل بن محمود (م ۵۳۵ق) از رجال بزرگ زمان خود بوده که علاوه بر جایگاه مذهبی و دینی، شخصی ثروتمند بوده و این ثروت خود را در جهت خدمت به خلق به کار گرفته است. قسمت زیادی از مدحیات ابوالرضا در دیوان خود در رابطه با این شخصیت و اقدامات عام‌المنفعه اوست (ر.ک: همان: ۵۳، ۹۴، ۹۹، ۱۲۵ و ۱۲۷). یکی از اقدامات مجدالدین راوندی براساس گزارش دیوان ابوالرضا، بنای مدرسه‌ای در شهر کاشان با نام مدرسه مجدیه است. آنچه از یکی از قصیده‌های دیوان ابوالرضا برداشت می‌شود این است که در این مدرسه در قرن ششم استادان و احتمالاً دانشجویان مقرری دریافت می‌کرده‌اند و این مقرری از محل درآمد اوقاف مدرسه تأمین می‌شده است (ر.ک: همان: ۱۴۱-۱۴۲ و ۱۹۸). چنین گزارش‌هایی ضمن بیان اهمیت جایگاه مسئله آموزش در میان جامعه شیعیان در قرن ششم هجری و هم‌زمان با غلبه حکام سنی مذهب و سخت‌گیری‌هایی که بر شیعیان در این دوره اعمال می‌شده است، نقش رجال برجسته و متمول شیعه در حمایت از علمای این مذهب و همین‌طور



توسعه فعالیت‌های علمی و فرهنگی بیان می‌کند. قطعاً ابوالرضا راوندی که رابطه نزدیکی با مجدالدین کاشانی داشته، در انجام فعالیت‌های مختلف علمی و فرهنگی خود به‌ویژه در روایت نهج البلاغه از کمک‌های این شخصیت بهره‌مند بوده است.

## ۷. نتیجه‌گیری

غلبه سلاجقه بر جهان اسلام و انقراض حکومت شیعه‌مذهب آل‌بویه، از جهت مذهبی شرایط سختی را برای شیعیان ایجاد کرد. علمای شیعه که پیش از این دوره، در سایه حمایت حکام آل‌بویه بسیاری از میراث فرهنگی این مذهب را تدوین کرده بودند، لازم بود تا در این دوره و به‌رغم حمایت رسمی حکام از مذاهب اهل سنت، این میراث شیعی را به نسل‌های بعد منتقل سازند. نقش برخی علمای شیعه در این دوره در جهت به ثمر رساندن این وظیفه بسیار پررنگ است. ازجمله این شخصیت‌ها ابوالرضا راوندی بود که نقش او در انتقال میراث شیعی به‌ویژه نهج البلاغه بسیار ارزشمند است.

ابوالرضا راوندی با وجود حمایت حکام معاصر از مذاهب اهل سنت و همچنین درگیری‌های مذهبی موجود در این دوره از فعالیت‌های علمی خود نکاست و با حمایت برخی رجال متمول شیعی شهر کاشان نقش برجسته‌ای در انتقال این میراث شیعی به نسل بعد از خود داشت. ابوالرضا با سفر به شهرهای مختلف و بهره‌گیری از علما و بزرگان مذهبی، چه شیعه و چه اهل سنت و تعامل علمی با آن‌ها، توانست در کنار برقراری رابطه علمی با پیروان همه مذاهب اسلامی به نسخه‌ها و روایت‌های معتبر نهج البلاغه دسترسی پیدا کند و با استنساخ آن‌ها به آموزش و انتقال این میراث ارزشمند شیعی به نسل‌های بعد از خود بپردازد. فعالیت‌های ابوالرضا در زمینه روایت نهج البلاغه در این دوره او را به یکی از معتبرترین و مهم‌ترین راویان نهج البلاغه در دوره حکومت سلاجقه سنی مذهب مبدل ساخت؛ به‌طوری‌که روایت این شخصیت از نهج البلاغه یکی از کامل‌ترین و مستندترین روایات نهج البلاغه است. نقش تاریخی ابوالرضا در انتقال این میراث شیعی به نسل بعد از خود، وقتی برجسته‌تر و متمایزتر می‌شود که بدانیم این اقدام او در دوره‌ای انجام شده که حکومت سلاجقه بر قسمت زیادی از جهان اسلام حکومت داشت و در برخی مواقع به‌شدت از مذاهب و علمای اهل سنت حمایت می‌کند.

## منابع

افندی، میرزا عبدالله. (۱۴۲۷ق). الفوائد الطریفه. تحقیق مهدی رجائی. قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی.



## بررسی تاریخی نقش ابوالرضا راوندی در روایت نهج البلاغه، محمود صادقی علوی

- جزینی، رسول. (۱۳۹۸). نکاتی درباره روایت نهج البلاغه در اصفهان (قرن ۶-۷ هجری) (محمد بن عبدالواحد المدینی و اسعد بن شفروه اصفهانی). فصلنامه میراث شهاب، شماره ۹۸، ۷۷-۱۱۸.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۷). تاریخ تشیع در ایران. تهران: نشر علم.
- حلمی، احمد کمال الدین. (۱۳۹۳). دولت سلجوقیان. ترجمه و اضافات عبدالله ناصری طاهری با همکاری حجت الله جودکی و فرحناز افضلی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۰۵ق). الامصار ذوات الآثار. دمشق: دار ابن کثیر.
- راوندی، ابوالرضا فضل الله بن علی. (۱۳۳۴). دیوان. تصحیح جلال الدین محدث ارموی. تهران: چاپخانه مجلس.
- راوندی، ابوالرضا فضل الله بن علی. (۱۳۷۷). النوادر. تحقیق سعید رضا علی عسکری. قم: دارالحديث.
- راوندی، محمد بن علی. (۱۳۶۴). راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق. تصحیح محمد اقبال و مجتبی مینوی. تهران: امیرکبیر.
- رحمتی، محمدکاظم. (۱۳۹۷). درآمدی بر شناخت نسخه های نهج البلاغه. تهران: دانشگاه مذاهب اسلامی.
- سلامی دمشقی، محمد بن رافع. (۱۴۲۰ق). تاریخ علمای بغداد. بیروت: الدار العلمیة للموسوعات.
- سلامی راوندی، محمد. (۱۳۹۶). بررسی ویژگی های حوزه حدیثی امامیه کاشان تا پایان قرن ششم هجری. رساله دکتری، دانشگاه کاشان.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد. (۱۹۶۲م). الانساب. تحقیق عبدالرحمن بن یحیی معلمی. حیدرآباد: مجلس دایرة المعارف العثمانیه.
- شاهنظری، حسین. (۱۳۹۱). درنگی در ضوء الشهاب و دست نوشته های آن. فصلنامه آینه پژوهش، شماره ۱۳۶ و ۱۳۵، ۶۲-۶۹.
- شوشتری، نورالله بن شریف الدین. (۱۳۷۷). مجالس المؤمنین. تصحیح احمد عبد مناف. تهران: اسلامیه.
- صادقی، مصطفی. (۱۳۸۶). کاشان در مسیر تشیع. قم: شیعه شناسی.
- صادقی علوی، محمود. (۱۳۹۹). دیوان ابوالرضا راوندی تاریخ محلی کاشان در قرن ششم هجری. فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، ۱۰ (۳۸)، ۷۱-۹۰.



- صبانغی مرقی، محمدمهدی. (۱۳۹۹). *بازشناسی شخصیت و آثار سید ابوالرضا راوندی از جنبه حدیثی و قرآنی*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه پیام نور کاشان.
- صحیحی، علیرضا. (۱۳۹۲). *اغراض شعری و آرایه‌های بلاغی در دیوان ابوالرضا راوندی*. پژوهشنامه کاشان، شماره ۲، ۱۴۶-۱۶۱.
- طباطبایی، سید عبدالعزیز. (۱۳۷۸). *نسخه‌های نفیس نهج البلاغه، تصحیح و اضافات سید احمد حسینی اشکوری*. فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۲۵ و ۲۶، ۷۲-۸۹.
- ظهیری نیشابوری، ظهیرالدین. (۱۳۳۲). *سلجوقنامه*. تهران: کلاله خاور.
- عطاردی، عزالدین. (۱۴۰۱). *اجازات و اسناد نهج البلاغه*. حیدرآباد.
- قاسم‌پور راوندی، محسن و سلامی راوندی، محمد. (۱۳۹۸). *نقش سید ابوالرضا راوندی در گسترش میراث حدیثی شیعه*. دوفصلنامه علمی کاشان‌شناسی، شماره ۱۴، ۵۵-۸۰.
- قمی، حسن بن محمد. (۱۳۸۵). *تاریخ قم*. تحقیق محمدرضا انصاری قمی. قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.
- قمی، نجم‌الدین ابوالرجا. (۱۳۶۳). *تاریخ الوزراء*. تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- قمی، نجم‌الدین ابوالرجا. (۱۳۸۸). *ذیل نفثة المصنوع*. تصحیح حسین مدرسی طباطبایی. تهران: مجلس شورای اسلامی.
- کاتب اصفهانی، عمادالدین. (۲۰۰۴). *تاریخ دولة آل سلجوق*. تصحیح یحیی مراد. بیروت: دارالعلمیه.
- لطفی، سعید. (۱۴۰۲). *نقش ابوالرضا راوندی در روایت نهج البلاغه*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه پیام نور کاشان.
- مرعشی نجفی، شهاب‌الدین. (بی‌تا). *لمعة النور و الضیاء فی ترجمه السید ابی الرضا*. به اهتمام فخرالدین نصیری امینی. چاپخانه حیدری، بی‌جا.
- منظورالاجداد، سید محمدحسین. (۱۳۹۹). *امامیه در عصر سلجوقیان، حیات سیاسی-اجتماعی و فرهنگی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- موسوی، سید امیر الیاس. (۱۳۹۹). *نقش رجال راوندی در کاشان عصر سلاجقه*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه پیام نور کاشان.
- موسوی بروجردی، سید حسن. (۱۴۳۳ق). *نسخه نهج البلاغه به روایت السید الراوندی*. فصلنامه تراثنا، شماره ۱۰۹ و ۱۱۰، ۷۶-۲۵۴.



مهریزی، مهدی. (۱۳۷۸). *میراث حدیث شیعه*. قم: دارالحدیث.

نجاشی، ابو العباس احمد بن علی. (۱۴۰۸ق). *رجال*. تحقیق محمدجواد نائینی. بیروت: دار الاضواء.

هاشمی سن سنی، زینب. (۱۴۰۲). *نقش ابوالرضا راوندی در تاریخ تشیع*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور کاشان.

یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله. (۱۹۹۵). *معجم البلدان*. بیروت: دار صادر.

یعقوبی، محمدطاهر. (۱۳۹۴). *حیات علمی و فرهنگی شیعیان امامیه از قرن پنجم تا نیمه قرن هفتم قمری*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

## References

- Atardi, E. (1992). *Permissions and Documents of Nahjul Balagha*. Hyderabad. [In Persian]
- Effendi, M. (1427 AH). *Al-Fawaed Al-Tarifa*. Research by Mahdi Rajai. Qom: Maktaba Ayatollah Al-Mar'ashi. [In Arabic]
- Ghasempour Rawandi, M., & Salami Rawandi, M. (2019). *The role of Sayyid Abu al-Reza Rawandi in the development of Shiite Hadith heritage*. *Kashan Studies Bi-Quarterly*, 14, 55–80. [In Persian]
- Hashemi-San-Sani, Z. (1402). *The role of Abu al-Rida Rawandi in the history of Shiism* (Master's thesis). Payam Noor University of Kashan. [In Persian]
- Hilmi, A. (1393). *The Seljuk empire*. Translated and supplemented by Abdullah Naseri Taheri, with Hojjatollah Jodaki & Farahnaz Afzali. Hawza and University Research Institute. [In Persian]
- Jafarian, R. (1387). *History of Shiism in Iran*. Tehran: Nashr Alam. [In Persian]
- Jazini, R. (1398). *Notes on the narration of Nahjul-Balagha in Isfahan (6th–7th centuries AH): Muhammad ibn Abdul-Wahed Al-Madini and As'ad ibn Shafaroh Isfahani*. *Miras Shahab Quarterly*, 98, 118–177. [In Persian]
- Kateb Isfahani, E. (2004). *History of the Seljuk empire*. Edited by Yahya Murad. Beirut: Dar al-Ilamiyah. [In Persian]
- Lotfi, S. (1402). *The role of Abu al-Rida Rawandi in the narration of Nahjul-Balagha* (Master's thesis). Payam Noor University of Kashan. [In Persian]
- Manzoor al-Ajdad, M. (1399). *Imamiyyah in the Seljuq era: Political, social, and cultural life*. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. [In Persian]
- Marashi Najafi, Sh. (1389). *Encyclopedia of Allama al-Marashi*. Care of Muhammad Esfandiari & Hussein Taghizadeh. Qom: Maktaba Ayatollah al-Marashi al-Najfi. [In Arabic]
- Marashi Najafi, Sh. (n.d.). *Lumaa' al-Nur wa al-Diya fi tarja al-Sayyid Abi al-Rida*. Care of Fakhr al-Din Nasiri Amini. Heydari Printing House. [In Arabic]
- Mehrizi, M. (1378). *The legacy of Shiite hadith*. Qom: Dar al-Hadith. [In Persian]
- Mousavi Borujerdi, H. (1433 AH). *A version of Nahjul-Balagha narrated by Sayyid Rawandi*. *Turathna Quarterly*, 109–110, 254–276. [In Arabic]
- Mousavi, A. (1399). *The role of Rawandi's men in Kashan during the Seljuk era* (Master's thesis). Payam Noor University of Kashan. [In Persian]



- Najashi, A. (1408 AH). *Mentions*. Researched by Muhammad Javad Naini. Beirut: Dar al-Adwaa. [In Arabic]
- Qomi, H. (2006). *History of Qom*. Research by Mohammad Reza Ansari Qomi. Qom: Grand Library of Grand Ayatollah Marashi Najafi. [In Persian]
- Qomi, N. (2004). *History of the ministers*. Edited by Mohammad Taqi Daneshpajouh. Tehran: Ministry of Culture and Higher Education, Institute for Cultural Studies and Research. [In Persian]
- Qomi, N. (2009). *Dhil Nafta al-Masdur*. Edited by Hossein Modarresi Tabatabaei. Tehran: Islamic Consultative Assembly. [In Persian]
- Rahmati, M. (2018). *An introduction to the understanding of the manuscripts of Nahjul al-Balagha*. Tehran: University of Islamic Sciences. [In Persian]
- Rawandi, A. (1334). *Diwan*. Edited by Jalal al-Din Muhaddith Ermavi. Tehran: Majles Printing House. [In Arabic]
- Rawandi, A. (1998). *Al-Nawadir*. Research by Saeed Reza Ali Askari. Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
- Rawandi, M. (1985). *Raha' al-Sudur and the verse of As-Surur in the history of the Seljuq dynasty*. Edited by Muhammad Iqbal & Mujtaba Minovi. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Sabbaghi Marghi, M. (2019). *Recognizing the personality and Quranic and Hadith works of Seyed Abolreza Rawandi* (Master's thesis). Payam Noor University of Kashan. [In Persian]
- Sadeghi Alavi, M. (2019). *Divan Abu'l-Reza Rawandi: Local history of Kashan in the sixth century AH*. *Scientific Research Quarterly of Islamic History*, 10(38), 71–90. [In Persian]
- Sadeghi, M. (2007). *Kashan on the path to Shiism*. Qom: Shiism Studies. [In Persian]
- Sahihi, A. (2013). *Poetic purposes and rhetorical arrangements in the Divan of Abolreza Rawandi*. *Kashan Research Journal*, 2, 146–161. [In Persian]
- Salami Dimashqi, M. (1998). *History of the scholars of Baghdad*. Beirut: Dar al-Ilmiyah Iulumwasuat. [In Arabic]
- Salami Rawandi, M. (2019). *A study of the characteristics of the Imamiyyah hadith school of Kashan until the end of the sixth century AH* (PhD thesis). University of Kashan. [In Persian]
- Samaani, A. (1962). *Ansab*. Research by Abdur Rahman bin Yahya Moalemi. Hyderabad: Majlis Dairatul-Ma'arif al-Uthmaniyyah. [In Arabic]
- Shahnazari, H. (2012). *A pause in the light of the meteors and their manuscripts*. *Ayenah Pajoush*, 135–136, 62–96. [In Persian]
- Shushtari, N. (1998). *Majalis al-Mu'minin*. Edited by Ahmad Abd Manafi. Tehran: Islamia. [In Persian]
- Tabatabaei, S. (1999). *Exquisite copies of Nahjul Balagha. Quarterly Endowment of Eternal Legacy*, 25–26, 72–89. [In Persian]
- Yaqubi, M. (2015). *The scientific and cultural life of the Imamiyya Shiites from the Fifth Century to the Mid-Seventh Century*. Qom: Seminary and University Research Center. [In Persian]
- Yaqut Hamwi, Y. (1995). *Mu'jam al-Buldan*. Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
- Zahabi, M. (1405 AH). *Al-Amsar Dhu'at-Athar*. Damascus: Dar Ibn Kathir. [In Arabic]
- Zahiri Neyshaburi, Z. (1953). *Seljuqnameh*. Tehran: Kalaleh Khavar. [In Persian]



## Historical Study of the Role of Abu al-Rreza Rawandi in the Narration of Nahjul-Balagha

**Mahmoud Sadeghi Alavi**

Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Payam Noor University, Tehran, Iran; Email: Alavi@pnu.ac.ir

Received: 20/09/2024

Accepted: 22/11/2024

### Extended Abstract

#### Introduction

Nahjul-Balagha, as one of the valuable Shiite legacies, has always been one of the books of interest to Muslim scholars. Thus, this research has undertaken a historical study of the role of Abu al-Rida Rawandi in the narration of Nahjul-Balagha during the reign of the Sunni Seljuq rulers. This research is to answer this question: what role Abu al-Rida Rawandi played in the narration of Nahjul-Balagha during this period. A figure like Abu al-Rida Rawandi, as an educated man in the school of Ahl al-Bayt in the Shiite city of Kashan, took valuable steps towards the narration of Nahjul-Balagha, which will be considered in this context. This study is based on the hypothesis that Abu al-Rida Rawandi with the material and spiritual support of influential and wealthy Shiites in Kashan, despite the dominance of the Sunni Seljuk dynasty, traveled to various cities, including Isfahan, and after learning about the most important narrations of Nahjul al-Balagha, started narrating them to his students and the next Shiites generation.

#### Materials and Methods

Abu al-Reza Rawandi is a scholar whose works and activities in various fields are worthy of attention and importance. The fall of the Shiite Buyid dynasty and the establishment of the Seljuq dynasty in Iran drastically affected the history of Kashan. Since the Seljuq were Sunni, they naturally did not have a positive view of Shiite cities, including Kashan. Considering what has been said about the political and social conditions of Kashan and the Seljuq reign in Iran, some prominent Shiite men play a significant role in this period to transmit Shiite heritage. In this critical historical era for the Shiites, some Shiite scholars, despite great hardships, endeavored to protect and promote Shiite culture. Amongst them, Abu al-Rida Rawandi had a crucial role as one of the main narrators of Nahjul-Balagha in the sixth century AH. Many studies have been conducted about this figure and his works, yet in this study examines the historical role played by Abu al-Rida Rawandi in the narration of Nahjul-Balagha, using an analytical and comparative method.



### Results

The Seljuqdomination of Iran world after the fall of the Shiite Buyid dynasty created difficult religious conditions for the Shiites. Shiite scholars, who had compiled much of the Shiite cultural heritage under the support of Buyid rulers, tried their best to pass this Shiite heritage to the nextShiite generations during this period, despite official support for Sunni sects. One of the valuable achievements of the Shiites during the Buyid rule was the compilation of Nahj al-Balagha by Sayyid al-Radi. The importance that this book gradually gained among the Shiites landed itas the second most important religious book among the Shiites after the Holy Quran. In different periods of Islamic history, the dominance of Sunni rulers over the Islamic world created many problemsfor the preservation and transmission of Shiite knowledge and culture. These conditions became doubled during the Seljuq ruleand increasedconcerns regarding the preservation ofShiite valuable assets. Among these figures, Abu al-Rida Rawandi played a great role to transmit Shiite heritage, especially through narration of Nahj al-Balagha. Despite the dominance of Sunni rulers, Abu al-Rida Rawandi did not stop his scientific activities and, with the support of some wealthy Shiites of Kashan, did his best to transmit this Shiite heritage to the next generation. By traveling to different cities and interacting and learning from religious scholars and elders, both Shia and Sunni, Abu al-Rida became able to gain access to authentic versions and narrations of Nahjul-Balagha as healso established scientific relations with thinkers from all Islamic sects. Then he taught and transmitted this valuable knowledge to next generations. Abu al-Rida's activities in the field of narration of Nahjul-Balagha turned him into one of the most authoritative and important narrators of Nahjul-Balagha; as a result,his narration of Nahjul-Balagha is considered one of the most complete and documented narrations. Abu al-Rida's role becomes more prominent and distinctive when located in the historicaland cultural context of the Seljuqrule.

### Conclusion

This study showed that in a situation where the Sunni the Seljuqdominated Iran alongside the Abbasid caliphs and imposed harshest restrictions on Shiites scholars such as Abu al-Rida Rawandi, theyaccomplished their mission in transmitting and promoting this valuable Shiite heritage. Abu al-Rida Rawandi, with his extensive efforts during this period, was able to access various versions of Nahj al-Balagha possessed by various individuals, both Shiites and Sunnis, and learnt aboutthem from his contemporary scholars, taught them to his students. In this way, it is claimed that, he helped preserve this valuable heritage for Shiites throughout subsequent historical periods.

**Keywords:** Abu al-Rida Rawandi, Kashan,Nahj al-Balagha, Seljuq, Shiite history.

دوفصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

دوره ۱۷، شماره ۲ (پیاپی ۳۳)، صفحات: ۹۸-۷۱

مقاله علمی پژوهشی

## بررسی نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به ارتکاب جرم در بین جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه کاشان)

سعید قماش<sup>\*</sup>

نسرين قدمی<sup>\*\*</sup>

### چکیده

جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی که در محیط اجتماع روی می‌دهد، حالت بالفعل رفتار است. با این وصف، «گرایش به جرم» حالت بالقوه رفتار است که به منصف ظهور نرسیده و فعلیت نیافته است. این تلاش فکری با هدف بررسی نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به ارتکاب جرم در بین جوانان، درصدد است نشان دهد که جوانان تحت تأثیر کدام یک از عوامل اجتماعی، گرایش به ارتکاب جرم دارند. این تحقیق از منظر روشی، در زمره پارادایم اثبات‌گرایی، مبتنی بر استراتژی قیاسی و چشم‌انداز کمی قرار گرفته که از روش توصیفی-همبستگی با رویکرد زمانی مقطعی و با هدف کاربردی بهره برده و به طور ویژه از روش تحقیق پیمایشی نیز استفاده نموده است. جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان دانشگاه کاشان با حجم نمونه ۵۲۰ نفر در سال ۱۴۰۱ بودند. به منظور گردآوری داده‌های تجربی پژوهش، از روش میدانی و ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. همچنین، در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل توصیفی و استنباطی داده‌ها از نرم‌افزار SPSS23 بهره گرفته شده است. در مجموع، یافته‌های تحقیق و نتایج فعالیت‌های آماری مربوط به آن، وجود رابطه و همبستگی معنادار بین متغیرها را مورد تأیید قرار داده است. این رابطه به صورت منفی و معکوس بین هریک از متغیرهای تفاهم اجتماعی دولت-ملت، امنیت اجتماعی، هویت ملی، تعلق اجتماعی، پایداری به قانون، مشارکت سیاسی، انسجام اجتماعی و اعتماد نهادی با گرایش به ارتکاب جرم به ترتیب برابر با  $r = -0.162^{***}$ ،  $r = -0.436^{***}$ ،  $r = -0.220^{***}$ ،  $r = -0.487^{***}$ ،  $r = -0.06^{***}$  و  $r = -0.136^{***}$  نشان داده شده است. بر این اساس، اهتمام به مؤلفه‌های ذکر شده می‌تواند گرایش به جرم را در بین جوانان کاهش دهد.

کلیدواژه‌ها: جوانان، جرم، عوامل اجتماعی، گرایش به ارتکاب جرم.

\* دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، (نویسنده مسئول) /

saeedqomashi@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران /

nasringhadami3525@gmail.com

## ۱. مقدمه

جرم به‌عنوان یک پدیده اجتماعی که در محیط اجتماع روی می‌دهد، حالت بالفعل رفتار است. با این وصف، «گرایش به جرم» حالت بالقوه رفتار است که به منصف ظهور نرسیده و فعلیت نیافته است. این تلاش فکری درصدد است نشان دهد که جوانان تحت‌تأثیر کدام‌یک از عوامل اجتماعی، به ارتکاب جرم گرایش دارند. برای رسیدن به این موضوع باید از سطح توصیف فراتر رفته و درگیر تحلیل‌های مفهومی شد تا بتوان پاسخ‌های ممکن را صورت‌بندی نمود.

بر این اساس، «گرایش» به‌عنوان نظامی از تمایلات و باورهای یک فرد درباره پدیده‌های محیط خود که در طول زمان و در پی تأثیرات و تجربیات اجتماعی شکل می‌گیرد، تعریف می‌شود. پژوهشگرانی همچون تاماس و زانانکی<sup>۱</sup> از این مفهوم برای پیش‌بینی و تبیین رفتار اجتماعی استفاده می‌کنند (حسین‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰ الف: ۲۶). یکی از این رفتارهای اجتماعی، ارتکاب جرم توسط افراد با سنین مختلف است. با توجه به اینکه وقوع رفتار مجرمانه نیز مانند هر رفتار دیگری، نیازمند میل و گرایشی به‌سوی آن است، در این پژوهش به فراخور موضوع، به بررسی جرم و گرایش به آن در بین «جوانان» پرداخته شده است.

گفتنی است که جوانان، آینده روشن هر جامعه‌اند. نسل جوان در تلاش برای درک ارزش‌های اجتماعی، اتخاذ استانداردهای زندگی و... با بسیاری از تناقضات و اختلال مواجه‌اند که انحراف، بزهکاری و رفتار مجرمانه، تجلی این چالش‌هاست (حسین‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰ ب: ۱۱). گرایش جوانان به جرم که منجر به طیفی از رفتارهای مجرمانه از تخلفات جزئی تا جرائم شدید می‌شود، افزون بر ناامنی جامعه، به‌طور قابل توجهی نوعی بدبینی و نگرانی نسبت به آینده را نیز به دنبال خواهد داشت (Ferrel, 2024: 406) و این یکی از بحث‌های عمومی در چند سال اخیر بوده است (Zareen et al., 2018: 301). با این وصف، این پدیده فرصت شکوفایی استعدادها را می‌گیرد و سرنوشتی نامطلوب را پیش روی جامعه قرار می‌دهد (سامدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۴) و «حدوث چنین فرایندی در بلندمدت به عادی شدن نظاره‌گری رقم بالای بزهکاری و انحراف در جامعه منتهی خواهد شد و خود این موضوع از عوامل کاسته شدن از حساسیت شهروندان نسبت به رفتارهای خلاف قانون و انحراف بوده و حتی به افزایش آستانه تحمل عمومی در پذیرش واقعیت انبوهی از جرائم دامن خواهد زد» (کونانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲۲). از این‌رو، نگاه به زمینه‌های آسیب‌پذیری نظم اجتماعی و آمارهای قضایی رسمی، مسئله را به‌نحوی نشان می‌دهد که در این رابطه باید اقدامی جدی صورت گیرد (عارفی مسکونی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۴۴).



مطابق با این موضوع، این نوشتار به دنبال پاسخ به این سؤال کلی است که عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به ارتکاب جرم در بین جوانان کدام‌اند. بر این مبنا، هدف اساسی این مطالعه بررسی رابطه بین تفاهم اجتماعی دولت - ملت، امنیت اجتماعی، هویت ملی، تعلق اجتماعی، پایبندی به قانون، مشارکت سیاسی، انسجام اجتماعی، اعتماد نهادی و گرایش به ارتکاب جرم در بین دانشجویان است.

## ۲. مبانی نظری

عوامل بزهکاری و علل گرایش به آن هر ساله بارها ذکر می‌شود و این موضوع همچنان، مسئله تازه تحقیقات و توسعه نظری جدید در این زمینه است (Costello & Laub, 2020: 21). در بررسی نقش عوامل اجتماعی در ایجاد گرایش به ارتکاب جرم، توجه و تمرکز به مواردی مانند فقدان پیوندهای اجتماعی، انومی، تضعیف اعتماد نهادی، کاهش امنیت و انسجام اجتماعی و... ضروری است. برای به دست آوردن مبنای علمی این پژوهش می‌باید به نظریه‌های مرتبط مراجعه شود و با مبنا قرار دادن هریک از این نظریه‌ها درک خاصی از علل ارتکاب جرم ارائه شود. آنچه در این قسمت از پژوهش مورد نظر است، آشنایی با آموزه‌ها و مبانی اصلی این نظریه‌ها و نقش آن‌ها در تبیین علت‌شناسی جرم است. بر همین اساس، نظریه‌های زیر به‌عنوان چارچوبی برای تحلیل این پژوهش در نظر آمده است. دلیل این پارادایم، منطبق بودن سطح نظریه با سطح پژوهش و موضوع مورد بررسی است و همچنین اینکه از چارچوب این تحلیل، سؤال‌های پژوهش استنباط شده است. نظریه‌های مورد بررسی در این پژوهش عبارت‌اند از: نظریه تفهیمی، نظریه تعلق اجتماعی، نظریه فردگرایی، نظریه فشار مرتن، نظریه دموکراسی اجتماعی، نظریه نیازهای اساسی، نظریه صلح‌طلبی و نظریه اثربخشی سیاسی.

وبر<sup>۲</sup> براساس نظریه تفهیمی خود، در مورد فهم کنش انسانی معتقد است که باید به فهم آن نوع معانی پرداخت که در پس ذهن افراد وجود دارد. از این رو، می‌توان گفت کنش انسانی در جهت معنایی سیر می‌کند و برای درک آن کنش، فهم این معنا ضروری است (فقیه، ۱۳۸۸: ۹۴). از سویی دیگر، فهمیدن دیگران نه به‌معنای معذور داشتن دیگران است و نه اینکه در اصل، صرف فهمیدن دیدگاه دیگران به تأیید آن منجر می‌شود، بلکه می‌توان بدین وسیله با سهولت و احتمال بیشتری به آگاهی از موضوعات و دلایل بازدارنده توافق و تفاهم نائل شد (وبر، ۱۳۸۲: ۳۷). با این وصف، سؤالی که در این فرصت مطرح می‌گردد، این است که چگونه کنش معنادار اجتماعی درک می‌شود؟ وبر در اینجا از تفهیم یا فهم همدلانه صحبت می‌کند که به‌معنای نوعی احساس یگانگی

عاطفی فرد با کنشگری است که درصدد فهم آن است (کرایب، ۱۳۸۲: ۱۰۱). بدین ترتیب، منظور از این روش، تلاش مشاهده‌گر برای درک کنش اجتماعی از رهگذر پیوندی همدلانه با کنشگر است. روند کار بدین صورت است که مشاهده‌گر سعی می‌کند خود را با کنشگر و انگیزه‌های او یکی کند و سیر رفتار را از دید کنشگر نظاره کند، نه از دید خویش. با این روش است که می‌توان خود را جای دیگری قرار داد (وبر، ۱۳۸۲: ۳۷). یعنی لازم است که «خویش را به‌جای عامل یا عاملان در تاریخ یا جامعه گذاشت و به این وسیله، عمل تاریخی یا اجتماعی را از درون احساس کرد» (هیوز، ۱۳۶۹: ۲۷۶). درحقیقت، وبر معتقد است که در ایجاد همدلی باید خود را به دنیای مفهومی فرد مقابل نزدیک کرد، به‌طوری‌که باید یک نوع تسلط بر تجربه داشت تا آن را درک کرد، ولی به‌طور حتم لازم نیست که آن کار انجام شود. بر همین مبنا، وبر در کتاب *اقتصاد و جامعه* می‌گوید: «برای درک یک سزار<sup>۳</sup> حتماً لازم نیست یک سزار باشید؛ با وجود این، اگر بتوان خود را به‌صورت ذهنی، به‌جای شخص دیگر قرار داد و به‌طور همدلانه در تجربه او شرکت کرد، اطمینان بیشتری از تفسیر معنای کنش حاصل خواهد شد.» (Grabb, 2022: 5) در این پژوهش متغیر تفاهم اجتماعی دولت - ملت براساس این نظریه تبیین می‌شود.

براساس نظریه تعلق اجتماعی نیز، حس تعلق به اجتماع، از عوامل بازدارنده از جرم است. در واقع این نظریه بیان می‌کند که رفتار یک فرد با جامعه پیوند خورده و میزان احساس پیوند یا تعهد به جامعه تعیین‌کننده انحراف آن‌ها از هنجارهای متعارف اجتماعی است. «هیرشی فرد منحرف را به‌عنوان کسی نگاه می‌کند که دارای منافع شخصی است و برای به دست آوردن هرچه بیشتر سود از هر راهی هرچند نادرست عمل می‌کند. در اینجا، جامعه به‌عنوان نوعی مانع در مورد آن رفتار نادرست عمل می‌کند و اگر این مانع سست شود، رفتار "خودمنفعتی" ظاهر می‌گردد» (فرانک پی و مارلی دین، ۱۳۹۱: ۲۱۱؛ Cullen & Wilcox, 2010: 458). وی برای پیوند فرد با جامعه چهار بُعد دلبستگی،<sup>۴</sup> تعهد،<sup>۵</sup> مشارکت<sup>۶</sup> و اعتقاد<sup>۷</sup> را در نظر گرفته است (Wiatrowski, 1981: 525; Özbay & Özcan, 2006: 713; Crawford, 2014: 525). در این پژوهش، متغیر تعلق اجتماعی براساس این نظریه تبیین می‌شود.

براساس دیدگاه نظریه‌پردازان فردگرایی، اگر فردگرایی از نوع افراطی باشد، منشائی برای آنومی سیاسی و عدم اعتماد به نهادهای حکومتی می‌گردد؛ زیرا این امر موجب تضعیف التزام افراد و سرپیچی آن‌ها در مقابل هنجارهای سیاسی- اجتماعی می‌شود. در این پژوهش، متغیر اعتماد نهادی براساس این نظریه تبیین می‌شود.



مطابق با دیدگاه نظریه پردازان فشار نیز، ساختار اجتماعی در ایجاد انحراف مشارکت دارد. بدین نحو که ساختار اجتماعی، آرزوهای متعارفی را در جامعه شکل می دهد و در همان حال، شیوه های مقبول دستیابی بدان را نیز محدود می سازد؛ و بدین ترتیب بین اهداف و ابزار تضاد به وجود می آید و فشاری بر افراد وارد می شود. بر همین مبنا، مرتون استدلال می کند که در صورت انطباق اهداف و ابزار، هم نوایی و تبعیت از حکومت و قانون شکل می گیرد؛ در غیر این صورت ناهم نوایی و قانونگریزی به وجود می آید. در این پژوهش، متغیر پابندی به قانون براساس این نظریه تبیین می شود.

نظریه دیگری که به جرم و علل آن پرداخته، نظریه دموکراسی اجتماعی است. دموکراسی اجتماعی آن نوع دموکراسی است که بر توزیع ثروت و تأمین رفاه اجتماعی در جامعه به وسیله دولت تأکید دارد (عباسی و یوسفی ثابت، ۱۳۹۸: ۶۶). به طور کلی، توجه به نقش نهادهای عمومی در خلق انسجام اجتماعی منجر به شکل گیری نظریه ای شده است که نظم و انسجام اجتماعی را نتیجه دولت کارآمد و باز توزیع مناسب درآمد در یک اقتصاد با بهره وری و عملکرد مناسب همراه با نهادهای عمومی دموکراتیک می داند. در این دیدگاه، قابلیت جامعه برای انسجام و هماهنگی، به شدت تحت تأثیر نهادهای دولتی و سیاست های آنهاست (متوسلی و زییری، ۱۳۹۳: ۶۸). در این پژوهش، متغیر انسجام اجتماعی براساس این نظریه تبیین می شود.

همچنین، براساس نظریه نیازهای اساسی، نیازهای انسان و منابع ارضای آن، از جمله علت اساسی جهت دهی به رفتار و کنترل آن به حساب می آید. مطابق با این نظریه، هنگامی که فرد در موقعیت گزینش یک نیاز از میان چند نوع نیاز متفاوت قرار می گیرد، به طور غالب، برآوردن نیاز اساسی تر یا فروتر را برمی گزیند. آبراهام مازلو در کتاب انگیزش و شخصیت، پنج نوع از نیازهای انسان را اساسی دانسته و بر این عقیده است که تا این نیازها ارضا نشود، نیازهای متعالی و ضرورت تأمین آنها اصولاً برای افراد مطرح نخواهد شد (Anjanaen, 2019: 38؛ سلیمی و داوری، ۱۳۹۱: ۳۱۶). یکی از این نیازها نیاز به امنیت است که در این پژوهش متغیر امنیت اجتماعی براساس آن تبیین می شود.

بر طبق آموزه های نظریه اثربخشی سیاسی، اثربخشی سیاسی به عنوان پیش شرط مشارکت سیاسی و به عنوان یک ویژگی اجتماعی حیاتی در جوامع دموکراتیک در نظر گرفته می شود و از مهم ترین نگرش های سیاسی برای بررسی درک پویایی ارتباطات سیاسی به حساب می آید. هرچه اثربخشی سیاسی در اذهان شهروندان از سطح بالاتری برخوردار باشد، این امر برای ثبات

دموکراسی مطلوب تلقی می‌شود؛ زیرا در جامعه دموکراتیک مدرن، شهروندان باید احساس کنند که از طریق کنش سیاسی خود تا حدی قدرت دارند و بر اقدامات دولت خود تأثیر می‌گذارند. در این پژوهش، متغیر مشارکت سیاسی براساس این نظریه تبیین می‌شود.

### ۳. پیشینه پژوهش

فرل و همکارانش در سال ۲۰۲۴، تحقیقی با عنوان «گرایش به ارتکاب جرم در بین جوانان با خانواده‌های ازهم‌گسیخته» در شهر داونو اوریتال فیلیپین<sup>۱</sup> انجام داده و عوامل رفتاری، شناختی و اجتماعی را در این گرایش بررسی کرده‌اند. یافته‌های آن‌ها گرایش بزهکارانه زیادی را در زمینه‌های رفتاری، شناختی و اجتماعی نشان می‌دهد. نگهی و قریشوندی (۱۳۹۹) در مطالعه خود با هدف «بررسی گرایش به ارتکاب جرم در مراجعه‌کنندگان به کلین‌سراها و قهوه‌خانه‌ها» به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل محیطی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی این اماکن ازجمله حضور مداوم جوانان فاقد اشتغال و درآمد و رها از قیود خانوادگی به همراه شاخص‌هایی همچون مشاهده و یادگیری جرائم ارتكابی بر گرایش به رفتار مجرمانه اثرگذار است. یحوی دیزج و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش دیگری با عنوان «رابطه بین عوامل اقتصادی و اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی در کشورهای منتخب» شاخص‌های مربوط به محیط اجتماعی ازجمله تعامل اجتماعی، سطح سلامت عمومی، اعتماد عمومی، کیفیت نهادها را در گرایش به جرم و میزان وقوع آن مؤثر می‌دانند. ترکمان و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه خود دریافتند که میزان پول موجود نزد جوانان از عوامل مؤثر در گرایش به سوء مصرف مواد مخدر است. حجرگشت و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود، ناهنجاری خانوادگی، فقر، تبعیض و نابرابری در اعمال قانون، و بحران جنگ را عوامل اجتماعی جرم‌زا معرفی کرده‌اند. همچنین، نتایج مطالعات هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۸۸) نیز گویای آن بود که ارضای نیازها منجر به رضایتمندی بالاتر گردیده و عدم دستیابی به نیازها زیستی، امنیتی، خودشکوفایی و... شرایط را برای وقوع ناهنجاری‌های و افزایش میل به جرم فراهم می‌سازد. قایدگیوی و همکاران (۱۳۹۷) طی تحلیل تعامل هویت ملی و پابندی به فرهنگ شهروندی نشان داده‌اند که هویت ملی و ابعاد آن نقش مؤثری در افزایش پابندی به فرهنگ شهروندی که مبتنی بر پیروی از قانون و رفتارهای مدنی و عدم گرایش به جرم و نقض قوانین است، دارد. نتایج تحقیق کاکاوند (۱۴۰۱) گویای آن است که میان گرایش به هویت ملی و ابعاد آن با میزان احساس امنیت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. مطالعات نیازی و نوری (۱۴۰۱) درباره بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرائم بدین نتیجه دست یافتند که هویت ملی به شکل غیرمستقیم نقش بسزایی در کاهش



جرائم زیست محیطی دارد. اصلانی و همکاران (۱۳۹۴) طی تحقیقی با بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش مرزنشینان شهر بانه به قاچاق کالا، نشان دادند که بافت فرهنگی و اقتصادی شهر بانه حاکی از وجود رابطه معنی دار بین عوامل اجتماعی و گرایش به قاچاق کالا است. یافته های پژوهش عشایری و جهان پور (۱۴۰۱) گویای آن بود که ادراک بی نظمی و آشفتگی ناشی از فقدان قانون در جامعه و نیز بسط آنومی اخلاقی در جامعه ارتباط مستقیم با ترس از جرم دارد. قاسمی مقدم و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی درباره اثرگذاری آنومی و زیست بوم جنایی بر جرائم خیابانی شهرستان اهواز از سال ۸۸ تا ۹۳ بدین نتیجه دست یافتند که ارتباط معناداری میان آنومی و بی هنجاری اجتماعی در گرایش به جرم و نزاع های دسته جمعی وجود دارد. در این حیطه، عرب پور و مهدی زاده (۱۳۹۹) در قالب یک مطالعه به روش فراتحلیل به ارزیابی پژوهش های مرتبط به نظم و انسجام اجتماعی در ایران پرداخته و نشان داده اند که همبستگی و انسجام اجتماعی نقش مؤثری بر تقویت امنیت و کاهش میزان جرائم و نیز پیشگیری از جرم دارد. همچنین یافته های مطالعه میرزاخانی و درویشی (۱۳۹۳) نیز حکایت از این داشت که ابعاد پنج گانه انسجام اجتماعی نقش مؤثری در پیشگیری اجتماعی از جرم دارد. نوربخش و نادری (۱۳۹۸) طی تحقیقی با تحلیل روابط دولت و جامعه و نقش آن در شکل گیری مسائل اجتماعی و وضعیت آنومیک در جامعه نشان دادند که اگر روابط دولت و ملت در همکاری با یکدیگر دچار بی ثباتی، از هم گسیختگی و شکنندگی شود، بافت اجتماعی (جامعه) و قاعده مندی مدیریت سیاسی (دولت) با ضعف عملکردی مواجه خواهد بود و سرانجام باعث شکل گیری مسائل اجتماعی و رفتارهای آسیب زا می شوند. محمدی (۱۳۹۷) به واسطه تحلیل ریشه های دولت ستیزی ایرانیان از منظر جامعه شناسی سیاسی بیان نموده است که هم دولت و هم ملت در کاهش و تشدید این اختلاف تأثیرگذارند و به هر میزان یک دولت در جهت منافع و اهداف ملت خود گام بردارد و اعتماد و خواست ملت خود را پیگیری نماید، این تضاد به حداقل ممکن کاهش پیدا می کند و از سطح جرم و جنایت در جامعه کاسته خواهد شد. یافته های تحقیق رحمت الهی و همکاران (۱۳۹۵) نیز گویای آن است که پدیداری و افزایش جرم معلول نحوه نگرش و عملکرد دولت در تقابل با مشارکت شهروندان است و مشارکت ناپذیری دولت به صورت کاهش سرمایه اجتماعی و انسانی نمود می یابد و حریم جامعه، حیات مدنی شهروندان و اخلاق عمومی را آسیب پذیر و دستخوش ناامنی و تهدید می کند.

پژوهش حاضر با تمرکز بر «نقش عوامل اجتماعی جرم در گرایش به ارتکاب جرم در بین جوانان» با روشی خاص به بررسی ابعاد جدیدی از این موضوع می پردازد که در مطالعات پیشین



کمتر مورد توجه قرار گرفته است. همچنین مطالعات گذشته بر روی جوامع خاص یا مناطق جغرافیایی دیگری غیر از منطقه جغرافیایی شهر کاشان تمرکز کرده‌اند. این پژوهش سعی دارد تا با استفاده از داده‌های متنوع و نمونه‌گیری در سطح گسترده‌تری، تصویری جامع‌تر از گرایش به جرم در بین جوانان دانشگاه کاشان ارائه دهد. بدین ترتیب، این پژوهش نه تنها به غنی‌تر شدن ادبیات علمی در زمینه عوامل اجتماعی جرم کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به سیاست‌گذاران در طراحی برنامه‌های پیشگیری از جرم و کاهش گرایش به آن به صورت مؤثر یاری رساند.

#### ۴. روش‌شناسی

این تحقیق از منظر روشی در زمره پارادایم اثبات‌گرایی، مبتنی بر استراتژی قیاسی و چشم‌انداز کمی قرار گرفته که روش توصیفی-همبستگی با رویکرد زمانی مقطعی و با هدف کاربردی بهره‌برده و به‌طور ویژه از روش تحقیق پیمایشی در راستای بررسی تجربی «نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به ارتکاب جرم در بین جوانان» استفاده نموده است. جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان دانشگاه کاشان در سال ۱۴۰۱ بودند. در این تحقیق، حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار سمپل پاور<sup>۹</sup> و روش تحلیل رگرسیون<sup>۱۰</sup> به تعداد ۵۲۰ نفر تعیین شده است. در این تحقیق، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم دانشکده‌های دانشگاه کاشان بهره گرفته شده است. منابع تحقیق اسنادی در این تحقیق شامل کتب، مقالات و طرح‌های دانشگاهی و غیردانشگاهی مرتبط به موضوع تحقیق بوده است. در عین حال، به‌منظور گردآوری داده‌های تجربی تحقیق، از روش میدانی و ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. پرسش‌نامه مورد استفاده در این تحقیق محقق ساخته بوده و گویه‌ها به صورت بسته ارائه شده است. در این پژوهش به‌منظور تجزیه و تحلیل توصیفی و استنباطی داده‌ها از نرم‌افزار SPSS23 for windows بهره گرفته شده است و داده‌های کمی گردآوری شده به دو شکل توصیفی و استنباطی و با بهره‌گیری از آماره‌ها و آزمون‌های مقتضی، مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. در این پژوهش، ۱. اعتبار مقیاس‌های به کار گرفته شده به دو صورت برآورد شده است: تعیین اعتبار صوری: بر این اساس، محقق برای تعیین اعتبار ابزار پژوهش از نظرات اساتید راهنما، مشاور و چند نفر از خبرگان دیگر در حوزه جامعه‌شناسی و حقوق پیرامون گرایش به ارتکاب جرم و سایر مقیاس‌های مرتبط استفاده نموده است. تضمین اعتبار محتوایی: در این مرحله محتوای مورد نظر برای هر متغیر از نظر تعریف نظری و مفهومی آن‌ها معین شد. ۲. نمونه‌ای از تمامی حوزه‌های تعریف در نظر گرفته شد. ۳. بر مبنای محتوای تعیین شده و حوزه‌های تعریف، گویه‌های مقتضی طراحی شده تا همه اجزای تعریف را به هم متصل کند. به‌منظور تعیین پایایی مقیاس‌های مورد



## بررسی نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به ارتکاب جرم در...، سعید قماش و نسرين قدمی

استفاده از روش تعیین ثبات درونی گویه‌ها با به‌کارگیری آلفای کرونباخ<sup>۱۱</sup> بهره گرفته شده است. در این پژوهش به‌منظور تعیین پایایی، قبل از توزیع کلان مقیاس پرسش‌نامه‌ها نمونه ۲۰ نفری مورد ارزیابی قرار گرفت. براساس مقادیر پایایی آلفای کرونباخ، تمامی متغیرهای مستقل تحقیق واجد پایایی بالاتر از حد مطلوب هستند. متغیر وابسته تحقیق یعنی گرایش به ارتکاب جرم نیز از مقدار پایایی ۰/۶۵ برخوردار بوده که نسبتاً پایا محسوب می‌شود.

### ۵. یافته‌ها

در این بخش، توصیف و تبیین داده‌های جمع‌آوری شده از حوزه تحقیق و آزمون فرضیه‌های تحقیق ارائه گردیده است.

#### ۵-۱. توصیف داده‌ها

**الف) مشخصات فردی:** یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ۴۷/۵ درصد از پاسخ‌گویان مؤنث و ۵۲/۵ درصد مذکر هستند. همچنین، وضعیت سنی پاسخ‌گویان نشان می‌دهد کمینه سنی حجم نمونه مورد بررسی ۱۸ سال، بیشینه سنی ۵۰ سال و دامنه تغییر سنی آن‌ها ۳۲ سال است. افزون بر این، ارزیابی یافته‌های آماری مرتبط با متغیر وضعیت تأهل پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که ۸۸/۳ درصد از آن‌ها مجرد و ۱۱/۷ درصد متأهل هستند. وضعیت تحصیلی پاسخ‌گویان نیز نشان می‌دهد که ۵۲/۱ درصد آن‌ها در مقطع کارشناسی، ۳۳/۷ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۱۴/۲ درصد در مقطع دکتری مشغول به تحصیل هستند. همچنین، وضعیت بومی بودن پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که ۲۳/۷ درصد بومی و ۷۶/۳ درصد غیربومی هستند؛ و در پایان، ارزیابی یافته‌های آماری مرتبط با متغیر وضعیت اشتغال پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که ۲۲/۹ درصد از آن‌ها شاغل و ۷۷/۱ درصد غیرشاغل یا بیکار هستند.

**ب) متغیر وابسته:** در این پژوهش «گرایش به جرم» متغیر اصلی محسوب می‌شود. به‌منظور سنجش گرایش به ارتکاب جرم، از مقیاس محقق ساخته بهره گرفته شده است که دربرگیرنده ۱۵ گویه در قالب طیف لیکرت<sup>۱۲</sup> سه‌گزینه‌ای (مخالفم، تاحدودی و موافقم) است. حد کمینه مقیاس گرایش به ارتکاب جرم ۱۵ و حد بیشینه آن ۴۵ بوده و به هر اندازه نمره افراد در این طیف بالاتر باشد، میزان گرایش به ارتکاب جرم نزد آنان بیشتر است.

**ج) متغیرهای مستقل:** در این پژوهش متغیرهای مستقل عبارت‌اند از: امنیت اجتماعی، هویت ملی، تعلق اجتماعی، پابندی به قانون، مشارکت سیاسی، انسجام اجتماعی، تفاهم اجتماعی دولت-



ملت و اعتماد نهادی. در جدول زیر توزیع پراکندگی و توزیع طبقاتی این متغیرها نشان داده شده است.

جدول ۱: توزیع پراکندگی و طبقاتی گرایش به جرم

| شاخص               | تعداد<br>گویه | حداقل | حداکثر | دامنه<br>تغییر | میانگین | انحراف معیار | موارد | فراوانی | درصد |
|--------------------|---------------|-------|--------|----------------|---------|--------------|-------|---------|------|
| گرایش به<br>جرم    | ۱۵            | ۱۶    | ۳۷     | ۲۱             | ۲۲/۴۲   | ۴/۱۰         | کم    | ۳۷۷     | ۷۲.۵ |
|                    |               |       |        |                |         |              | متوسط | ۱۴۰     | ۲۶/۹ |
|                    |               |       |        |                |         |              | زیاد  | ۳       | ۰/۶  |
|                    |               |       |        |                |         |              | جمع   | ۵۲۰     | ۱۰۰  |
| امنیت<br>اجتماعی   | ۲۴            | ۲۵    | ۶۷     | ۴۲             | ۴۴/۲۱   | ۸/۷۶         | کم    | ۱۶۳     | ۳۱/۳ |
|                    |               |       |        |                |         |              | متوسط | ۲۸۱     | ۵۵/۴ |
|                    |               |       |        |                |         |              | زیاد  | ۶۹      | ۱۳/۳ |
|                    |               |       |        |                |         |              | جمع   | ۵۲۰     | ۱۰۰  |
| هویت ملی           | ۱۰            | ۱۰    | ۳۰     | ۲۰             | ۲۴/۷۷   | ۴/۵۴         | کم    | ۳۱      | ۶    |
|                    |               |       |        |                |         |              | متوسط | ۱۶۹     | ۳۲/۵ |
|                    |               |       |        |                |         |              | زیاد  | ۳۲۰     | ۶۱/۵ |
|                    |               |       |        |                |         |              | جمع   | ۵۲۰     | ۱۰۰  |
| تعلق<br>اجتماعی    | ۷             | ۷     | ۲۱     | ۲۴             | ۱۳/۴۷   | ۳/۲۴         | کم    | ۱۴۲     | ۲۷/۳ |
|                    |               |       |        |                |         |              | متوسط | ۲۷۵     | ۵۲/۹ |
|                    |               |       |        |                |         |              | زیاد  | ۱۰۳     | ۱۹/۸ |
|                    |               |       |        |                |         |              | جمع   | ۵۲۰     | ۱۰۰  |
| پابندی به<br>قانون | ۱۱            | ۱۱    | ۳۳     | ۲۲             | ۲۴/۹۷   | ۴/۵۱         | کم    | ۵۲      | ۱۰   |
|                    |               |       |        |                |         |              | متوسط | ۲۲۲     | ۴۲/۷ |
|                    |               |       |        |                |         |              | زیاد  | ۲۴۶     | ۴۷/۳ |
|                    |               |       |        |                |         |              | جمع   | ۵۲۰     | ۱۰۰  |
| مشارکت<br>سیاسی    | ۵             | ۴     | ۱۵     | ۱۱             | ۸/۶۲    | ۲/۳۸         | کم    | ۲۷۸     | ۵۳/۵ |
|                    |               |       |        |                |         |              | متوسط | ۱۷۸     | ۳۴/۲ |
|                    |               |       |        |                |         |              | زیاد  | ۶۴      | ۱۲/۳ |



| متغیر<br>شاخص                  | تعداد<br>گویه | حداقل | حداکثر | دامنه<br>تغییر | میانگین | انحراف معیار | موارد | فراوانی | درصد |
|--------------------------------|---------------|-------|--------|----------------|---------|--------------|-------|---------|------|
| انسجام<br>اجتماعی              | ۱۵            | ۱۸    | ۴۴     | ۲۶             | ۲۸/۶۴   | ۴/۸۵         | جمع   | ۵۲۰     | ۱۰۰  |
|                                |               |       |        |                |         |              | کم    | ۱۰۵     | ۲۰/۲ |
|                                |               |       |        |                |         |              | متوسط | ۳۶۸     | ۷۰/۸ |
|                                |               |       |        |                |         |              | زیاد  | ۴۷      | ۹    |
|                                |               |       |        |                |         |              | جمع   | ۵۲۰     | ۱۰۰  |
| تفاهم<br>اجتماعی<br>دولت - ملت | ۹             | ۹     | ۲۵     | ۱۶             | ۱۲/۹۵   | ۴/۰۴         | کم    | ۲۸۴     | ۵۴/۶ |
|                                |               |       |        |                |         |              | متوسط | ۱۴۷     | ۲۸/۳ |
|                                |               |       |        |                |         |              | زیاد  | ۸۹      | ۱۷/۱ |
|                                |               |       |        |                |         |              | جمع   | ۵۲۰     | ۱۰۰  |
| اعتماد نهادی                   | ۸             | ۸     | ۲۴     | ۱۶             | ۱۲/۶۵   | ۳/۴۹         | کم    | ۳۱۹     | ۶۱/۳ |
|                                |               |       |        |                |         |              | متوسط | ۱۷۸     | ۳۴/۲ |
|                                |               |       |        |                |         |              | زیاد  | ۲۳      | ۴/۴  |
|                                |               |       |        |                |         |              | جمع   | ۵۲۰     | ۱۰۰  |

در بخش توصیفی، مشخص گردید: ۱. میزان گرایش به جرم در بین پاسخ‌گویان در حد پایین قرار دارد، زیرا اکثریت ۷۲/۵ درصد آن‌ها گرایش به جرم پایینی دارند؛ ۲. میزان امنیت اجتماعی در بین پاسخ‌گویان در حد متوسط به پایین ارزیابی می‌شود، زیرا اکثریت ۵۵/۴ درصدی آن‌ها امنیت اجتماعی را در سطح متوسط ارزیابی نمودند؛ ۳. میزان هویت ملی پاسخ‌گویان در حد بالا و قوی ارزیابی می‌شود، زیرا اکثریت ۶۱/۵ درصدی آن‌ها از هویت ملی بالا و مطلوب برخوردارند؛ ۴. میزان تعلق اجتماعی پاسخ‌گویان در حد متوسط ارزیابی می‌شود، زیرا اکثریت ۵۲/۹ درصدی آن‌ها از تعلق اجتماعی بالایی برخوردارند؛ ۵. میزان پایبندی به قانون نزد پاسخ‌گویان در حد بالا و متوسط به بالا ارزیابی می‌شود، زیرا یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان پایبندی به قانون ۴۷/۳ درصد آن‌ها در حد زیاد و ۴۲/۷ درصد آن‌ها در حد متوسط است؛ ۶. میزان مشارکت سیاسی پاسخ‌گویان در حد پایین ارزیابی می‌شود، زیرا اکثریت ۵۳/۵ درصدی آن‌ها مشارکت سیاسی ضعیفی دارند؛ ۷. میزان انسجام اجتماعی در جامعه مورد بررسی در سطح متوسط ارزیابی می‌گردد، زیرا اکثریت ۷۰/۸ درصدی آن‌ها انسجام اجتماعی را در حد متوسط ارزیابی نمودند؛ ۸. میزان اعتماد نهادی



پاسخ‌گویان در حد پایین و ضعیف ارزیابی می‌گردد، زیرا اکثریت ۳/۶۱ درصدی آن‌ها اعتماد نهادی ضعیفی دارند؛ ۹. میزان تفاهم اجتماعی دولت-ملت در حد پایین و مایل به حدود متوسط است، زیرا بررسی طبقاتی متغیر تفاهم اجتماعی دولت-ملت حاکی از این است که میزان این تفاهم از پاسخ‌گویان در ۵۴/۶ درصد از موارد در حد پایین و کم است. همچنین میزان این تفاهم در ۲۸/۳ درصد از موارد در سطح متوسط و در ۱۷/۱ درصد موارد در سطح بالاست.

## ۲-۵. یافته‌های تحلیلی

در این قسمت از پژوهش، در راستای ارزیابی فرضیه‌ها و ارتباط آن‌ها با گرایش به ارتکاب جرم، از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن<sup>۱۳</sup> و نیز جدول تقاطعی رابطه میان این متغیرها بهره گرفته شده که نتایج حاصل از اجرای این آزمون، در جدول زیر ارائه شده است. به دیگر سخن، رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته نشان داده می‌شود.

| ضریب همبستگی اسپیرمن |               | امنیت اجتماعی | گرایش به ارتکاب جرم | ضریب همبستگی اسپیرمن |               | هویت ملی        | گرایش به ارتکاب جرم |
|----------------------|---------------|---------------|---------------------|----------------------|---------------|-----------------|---------------------|
| امنیت اجتماعی        | ضریب همبستگی  | ۱             | $r = -0.162^{**}$   | هویت ملی             | ضریب همبستگی  | ۱               | $r = -0.436^{**}$   |
|                      | سطح معنی‌داری |               | $Sig = 0.001$       |                      | سطح معنی‌داری |                 | $Sig = 0.001$       |
| ضریب همبستگی اسپیرمن |               | تعلق اجتماعی  | گرایش به ارتکاب جرم | ضریب همبستگی اسپیرمن |               | پابندی به قانون | گرایش به ارتکاب جرم |
| تعلق اجتماعی         | ضریب همبستگی  | ۱             | $r = -0.220^{**}$   | پابندی به قانون      | ضریب همبستگی  | ۱               | $r = -0.487^{**}$   |
|                      | سطح معنی‌داری |               | $Sig = 0.001$       |                      | سطح معنی‌داری |                 | $Sig = 0.001$       |
| ضریب همبستگی اسپیرمن |               | مشارکت سیاسی  | گرایش به ارتکاب جرم | ضریب همبستگی اسپیرمن |               | انسجام اجتماعی  | گرایش به ارتکاب جرم |
| مشارکت سیاسی         | ضریب همبستگی  | ۱             | $r = -0.006^{**}$   | انسجام اجتماعی       | ضریب همبستگی  | ۱               | $r = -0.136^{**}$   |
|                      | سطح معنی‌داری |               | $Sig = 0.900$       |                      | سطح معنی‌داری |                 | $Sig = 0.002$       |
| ضریب همبستگی اسپیرمن |               | تفاهم اجتماعی | گرایش به ارتکاب جرم | ضریب همبستگی اسپیرمن |               | اعتماد نهادی    | گرایش به ارتکاب جرم |
| تفاهم اجتماعی        | ضریب همبستگی  | ۱             | $r = -0.196^{**}$   | اعتماد نهادی         | ضریب همبستگی  | ۱               | $r = -0.247^{**}$   |
|                      | سطح معنی‌داری |               | $Sig = 0.001$       |                      | سطح معنی‌داری |                 | $Sig = 0.001$       |

توجه به جدول فوق، در راستای ارزیابی آماری فرضیه ارتباط امنیت اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم، از آماره ضریب همبستگی اسپیرمن و نیز جدول تقاطعی همسو با آن استفاده شد. نتایج حاصل از اجرای این آزمون گویای وجود رابطه منفی و معکوس میان امنیت اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم بود ( $r=-0/162$ ,  $\text{sig.}=0/001$ ). بر این اساس، به هر اندازه بر میزان امنیت اجتماعی در بین پاسخ‌گویان افزوده شود و ادراک آن‌ها از امنیت اجتماعی مثبت گردد، از میزان گرایش به ارتکاب جرم کاسته می‌شود. این یافته در سطح  $0/01$  درصد معنی‌دار بوده و همبستگی میان امنیت اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم در حد ضعیف ( $-0/162$ ) قلمداد می‌گردد.

در راستای ارزیابی آماری فرضیه ارتباط هویت ملی و گرایش به ارتکاب جرم، از آماره ضریب همبستگی اسپیرمن و نیز جدول تقاطعی همسو با آن استفاده شد. نتایج حاصل از اجرای این آزمون گویای وجود رابطه منفی و معکوس میان هویت ملی و گرایش به ارتکاب جرم بود ( $r=-0/436$ ,  $\text{sig.}=0/001$ ). بر این اساس، به هر اندازه بر شدت برخورداری پاسخ‌گویان از هویت ملی و عناصر و نشانه‌های آن افزوده گردد و ادراک آن‌ها از هویت ملی مثبت گردد، از میزان گرایش به ارتکاب جرم کاسته می‌شود. این یافته در سطح  $0/01$  درصد معنی‌دار بوده و همبستگی میان هویت ملی و گرایش به ارتکاب جرم در حد متوسط به بالا ( $-0/436$ ) قلمداد می‌گردد.

در راستای ارزیابی آماری فرضیه ارتباط تعلق اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم، از آماره ضریب همبستگی اسپیرمن و نیز جدول تقاطعی همسو با آن استفاده شد. نتایج حاصل از اجرای این آزمون گویای وجود رابطه منفی و معکوس میان تعلق اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم بود ( $r=-0/220$ ,  $\text{sig.}=0/001$ ). بر این اساس، به هر اندازه سطوح تعلق اجتماعی پاسخ‌گویان به محله خود افزایش پیدا کند و تمایل بیشتری به مشارکت در امور محلی خود داشته باشند، از میزان گرایش به ارتکاب جرم نزد آن‌ها کاسته می‌شود. این یافته در سطح  $0/01$  درصد معنی‌دار بوده و همبستگی میان تعلق اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم در حد متوسط به پایین ( $-0/220$ ) قلمداد می‌گردد.

در راستای ارزیابی آماری فرضیه ارتباط پایبندی به قانون و گرایش به ارتکاب جرم، از آماره ضریب همبستگی اسپیرمن و نیز جدول تقاطعی همسو با آن استفاده شد. نتایج حاصل از اجرای این آزمون گویای وجود رابطه منفی و معکوس میان پایبندی به قانون و گرایش به ارتکاب جرم بود ( $r=-0/487$ ,  $\text{sig.}=0/001$ ). بر این اساس، به هر اندازه بر میزان پایبندی به قانون در بین پاسخ‌گویان افزوده گردد و میل به زیر پا گذاشتن قوانین اجتماعی در آن‌ها کمتر شود، میزان گرایش به ارتکاب

جرم نیز در بین آن‌ها کمتر خواهد شد. این یافته در سطح  $0/01$  درصد معنی‌دار بوده و همبستگی میان پابندی به قانون و گرایش به ارتکاب جرم در حد متوسط به بالا ( $-0/487$ ) محسوب می‌شود. در راستای ارزیابی آماری فرضیه ارتباط مشارکت سیاسی و گرایش به ارتکاب جرم، از آماره ضریب همبستگی اسپیرمن و نیز جدول تقاطعی همسو با آن استفاده شد. نتایج حاصل از اجرای این آزمون گویای نبود رابطه معنادار میان مشارکت سیاسی و گرایش به ارتکاب جرم بود ( $r=-0/006$ ,  $sig.=0/900$ ). بر این اساس، شواهد آماری نشان می‌دهند که مشارکت سیاسی پاسخ‌گویان تأثیر بر گرایش پایین یا بالا به ارتکاب جرم در بین آن‌ها ندارد.

در راستای ارزیابی آماری فرضیه ارتباط انسجام اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم، از آماره ضریب همبستگی اسپیرمن و نیز جدول تقاطعی همسو با آن استفاده شد. نتایج حاصل از اجرای این آزمون گویای وجود رابطه منفی و معکوس میان انسجام اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم بود ( $r=-0/136$ ,  $sig.=0/002$ ). بر این اساس، به هر اندازه میزان انسجام اجتماعی نزد پاسخ‌گویان و در ارتباط با جامعه افزایش پیدا کند و ادراک آن‌ها از وجود انسجام در بین مردم و شهروندان بهبود یابد، میزان گرایش به ارتکاب جرم نزد آن‌ها کاهش می‌یابد. این یافته در سطح  $0/01$  درصد معنی‌دار بوده و همبستگی میان انسجام اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم در حد ضعیف ( $-0/136$ ) قلمداد می‌گردد.

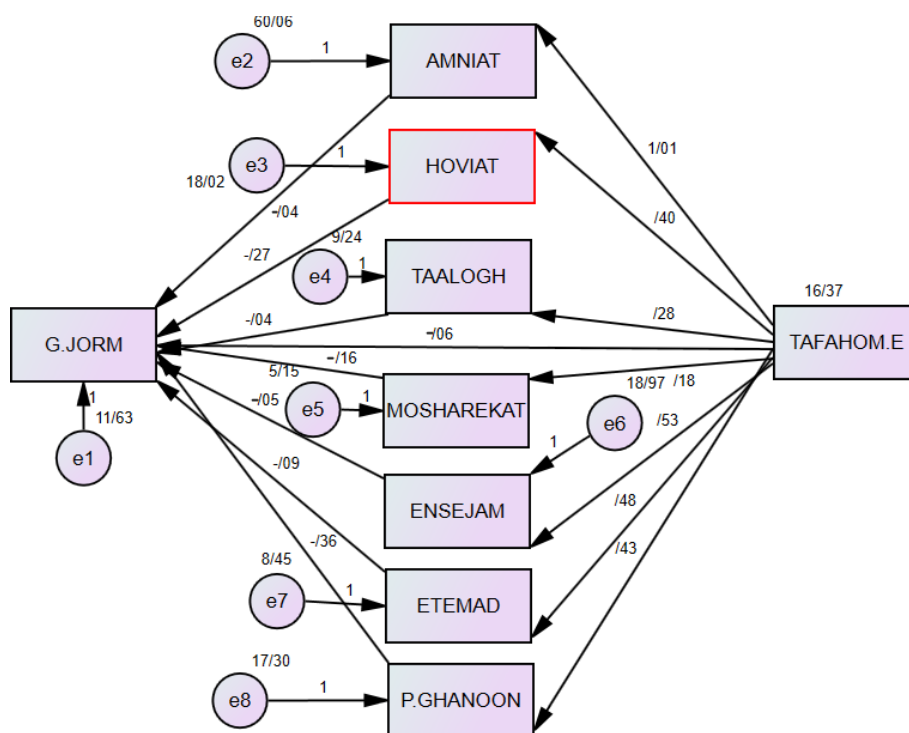
در راستای ارزیابی آماری فرضیه ارتباط تفاهم اجتماعی دولت و ملت و گرایش به ارتکاب جرم، از آماره ضریب همبستگی اسپیرمن و نیز جدول تقاطعی همسو با آن استفاده شد. نتایج حاصل از اجرای این آزمون گویای وجود رابطه منفی و معکوس میان تفاهم اجتماعی دولت و ملت و گرایش به ارتکاب جرم بود ( $r=-0/196$ ,  $sig.=0/001$ ). بر این اساس، به هر اندازه میزان تفاهم اجتماعی دولت و ملت در جامعه افزایش پیدا کند و بین مردم و مسئولین تفاهم و درک متقابل حاکم شود، میزان گرایش به ارتکاب جرم نزد آن‌ها کاهش پیدا می‌کند. این یافته در سطح  $0/01$  درصد معنی‌دار بوده و همبستگی میان تفاهم اجتماعی دولت و ملت و گرایش به ارتکاب جرم در حد پایین ( $-0/196$ ) قلمداد می‌گردد.

در راستای ارزیابی آماری فرضیه ارتباط اعتماد نهادی و گرایش به ارتکاب جرم، از آماره ضریب همبستگی اسپیرمن و نیز جدول تقاطعی همسو با آن استفاده شد. نتایج حاصل از اجرای این آزمون گویای وجود رابطه منفی و معکوس میان اعتماد نهادی و گرایش به ارتکاب جرم بود ( $r=-0/247$ ,  $sig.=0/001$ ). بر این اساس، به هر اندازه بر میزان اعتماد نهادی پاسخ‌گویان، یعنی

اعتماد به نهادهایی چون آموزش و پرورش، سازمان‌های خدماتی، بیمارستانی، نیروهای انتظامی، صداوسیما و سایر سازمان‌ها و ارگان‌های کشور افزوده گردد، از میزان گرایش به ارتکاب جرم نزد آن‌ها کاسته می‌شود. این یافته در سطح ۰/۰۱ درصد معنی‌دار بوده و همبستگی میان اعتماد نهادی و گرایش به ارتکاب جرم در حد متوسط به پایین (۰/۲۴۷-) قلمداد می‌گردد.

### ۶. تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر گرایش به ارتکاب جرم

به‌منظور بررسی مدل نظری پژوهش، از مدل‌سازی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار آموس<sup>۱۴</sup> استفاده شده است. در این مطالعه، متغیر گرایش به جرم به‌عنوان متغیر وابسته و متغیرهای امنیت اجتماعی، هویت ملی، تعلق اجتماعی، مشارکت سیاسی، انسجام اجتماعی، تفاهم اجتماعی دولت-ملت و اعتماد نهادی به‌عنوان متغیر مستقل انتخاب شده‌اند. روابط ترسیم‌شده نشانگر آن است که روابط بین متغیرها به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم است. پس از ورود داده‌ها و تحلیل آماری مربوط، مدل زیر مورد تأیید قرار گرفته است.



شکل ۱: مدل تحلیل مسیر عوامل تبیین‌کننده گرایش به جرم (در حالت استاندارد)

جدول ۲: نتایج تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم

| مستقل                    | اثر مستقیم | اثر غیرمستقیم                 | کل    |
|--------------------------|------------|-------------------------------|-------|
|                          |            | $(0/47) \times (0/08) = 0/03$ |       |
| تفاهم اجتماعی دولت و ملت | -0/07      | $(0/35) \times (0/30) = 0/10$ | -0/31 |
|                          | غیرمعنادار | $(0/30) \times (0/10) = 0/03$ |       |
|                          |            | $(0/39) \times (0/41) = 0/15$ |       |
|                          |            |                               |       |
| امنیت اجتماعی            | -0/08      | -                             | -0/08 |
| هویت ملی                 | -0/30      | -                             | -0/30 |
| مشارکت سیاسی             | -0/10      | -                             | -0/10 |
| پایبندی به قانون         | -0/41      | -                             | -0/41 |

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، درمجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم، میزان تأثیر کل متغیر تفاهم اجتماعی دولت و ملت بر گرایش به ارتکاب جرم برابر  $-0/31$  است که در حد متوسط به پایین محسوب می‌گردد. درعین‌حال، پایبندی به قانون، هویت ملی، مشارکت سیاسی و امنیت اجتماعی به ترتیب دارای آثار  $-0/41$ ،  $-0/30$ ،  $-0/10$  و  $-0/08$  بر گرایش به ارتکاب جرم هستند که در این بین، میزان اثرگذاری پایبندی به قانون بر گرایش به ارتکاب جرم در قیاس با سایر متغیرها بالاتر محسوب می‌گردد. درنهایت، در جدول ۳ نتایج بررسی تناسب و برازش مدل تحقیق ارائه شده است.

جدول ۳: شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری

| معیارهای برازش مدل              | نام اختصاری | مقدار | حد مطلوب | تفسیر |
|---------------------------------|-------------|-------|----------|-------|
| نسبت کای‌دو به درجه آزادی       | $\chi^2/df$ | ۱.۵۶  | $< 3$    | مطلوب |
| شاخص نیکویی برازش               | GFI         | 0/90  | $> 0/90$ | مطلوب |
| شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده     | AGFI        | 0/91  | $> 0/90$ | مطلوب |
| شاخص برازش هنجارشده             | NFI         | 0/91  | $> 0/90$ | مطلوب |
| شاخص برازش تطبیقی               | CFI         | 0/92  | $> 0/90$ | مطلوب |
| ریشه میانگین مربعات خطای برآورد | RMSEA       | 0/071 | $< 0/08$ | مطلوب |

با توجه به شاخص‌های برازش مدل، مقدار کای‌دو نسبی محاسبه‌شده  $1/56$  است. وجود کای‌دو نسبی کوچک‌تر از ۳ مطلوب است. همچنین ریشه میانگین مربعات خطای برآورد



(RMSEA) نیز باید کمتر از ۰/۸ باشد که در مدل ارائه شده این مقدار برابر ۰/۰۷۱ است. میزان شاخص‌های نکویی برازش  $GFI$  و  $AGFI$  و  $CFI$  و  $NFI$  نیز باید بیشتر از ۰/۹۰ باشد که در مدل تحت بررسی به ترتیب برابر ۰/۹۰ و ۰/۹۱ و ۰/۹۱ و ۲ است؛ لذا با توجه به شاخص‌های برازش می‌توان گفت داده‌های جمع‌آوری شده توانسته‌اند مدل مفهومی را مورد حمایت قرار دهند؛ لذا مدل تحقیق از برازش برخوردار است.

## ۷. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق و نتایج فعالیت‌های آماری مربوط، وجود رابطه و همبستگی معنادار بین متغیرها را مورد تأیید قرار داده است. نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در مورد رابطه امنیت اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم نشان داد که به هر اندازه بر میزان امنیت اجتماعی دانشجویان افزوده گردد و ادراک آن‌ها از امنیت اجتماعی مثبت گردد، از میزان گرایش به ارتکاب جرم کاسته می‌شود. این یافته همسو با مطالعه هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۸۸) و تصدیق‌کننده مبانی نظری مطرح در نظریه‌های سلسله‌مراتب نیازهای مازلو است. بدین ترتیب، عدم ارضای نیازها در ابعاد مختلف و در سطوح گوناگون آن منجر به افزایش گرایش به جرم و نقض قوانین می‌گردد. از این لحاظ، بسط امنیت اجتماعی لازمه تنزل گرایش به جرم محسوب می‌گردد. درعین حال، روابط منفی و معکوس میان امنیت اجتماعی و گرایش به جرم، تصدیق‌کننده اصول و رئوس نظریه سلسله‌مراتب نیازهای مازلو است. همچنین، نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در مورد رابطه هویت ملی و گرایش به ارتکاب جرم گویای آن بود که به هر اندازه بر شدت برخورداری پاسخ‌گویان از هویت ملی و عناصر و نشانه‌های آن افزوده شود و ادراک آن‌ها از هویت ملی مثبت گردد، از میزان گرایش به ارتکاب جرم کاسته می‌شود. این یافته همسو با نتایج تحقیقات قایدگیوی و همکاران (۱۳۹۷) و نیازی و نوری (۱۴۰۱) بر اثرگذاری هویت ملی بر کاهش میل به اشکال مختلف جرم و ارتقای امنیت افراد صحه گذاشته‌اند. افزون بر این، نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در مورد رابطه تعلق اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم نشان داد که به هر اندازه سطوح تعلق اجتماعی پاسخ‌گویان به محله خود افزایش پیدا کند و تمایل بیشتری به مشارکت در امور محلی خود داشته باشند، از میزان گرایش به ارتکاب جرم نزد آن‌ها کاسته می‌شود. این یافته همسو با نتایج تحقیق اصلانی و همکاران (۱۳۹۴)، تصدیق‌کننده نظریه تعلق و پیوند اجتماعی هیرشی است. علاوه بر این، نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در مورد رابطه پابندی به قانون و گرایش به ارتکاب جرم نشان داد که ارتباط منفی و معکوسی میان این دو متغیر وجود دارد، به‌طوری‌که به هر اندازه بر میزان پابندی به قانون



در بین پاسخ‌گویان افزوده شود و میل به زیر پا گذاشتن قوانین اجتماعی در آن‌ها کمتر شود، میزان گرایش به ارتکاب جرم نیز در بین آن‌ها کمتر خواهد گردید. یافته‌های حاصل از این فرضیه، تصدیق‌کننده نتایج تحقیق قاسمی مقدم و همکاران (۱۳۹۴) و نیز همسو با مبانی نظری مطرح در رویکردهای آنومی دورکیم و فشار ساختاری مرتون است. همچنین، نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در مورد رابطه مشارکت سیاسی و گرایش به ارتکاب جرم گویای آن بود که رابطه معناداری میان مشارکت سیاسی و گرایش به ارتکاب جرم وجود ندارد. این یافته برخلاف مبانی مطرح در نظریه اثربخشی سیاسی است. همچنین، نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در مورد رابطه انسجام اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم نیز نشان داد که انسجام اجتماعی اثرگذاری منفی و معکوسی بر گرایش به جرم داشته، به‌طوری‌که به هر اندازه میزان انسجام اجتماعی نزد پاسخ‌گویان و در ارتباط با جامعه افزایش پیدا کند و ادراک آن‌ها از وجود انسجام در بین مردم و شهروندان بهبود یابد، میزان گرایش به ارتکاب جرم نزد آن‌ها کاهش می‌یابد. این یافته همسو با نتایج مطالعات عرب‌پور و مهدی‌زاده (۱۳۹۹)، میرزاخانی و درویشی (۱۳۹۳) و نظریه‌های همبستگی اجتماعی دورکیم، نظریه دموکراسی اجتماعی و... است. اضافه بر موارد قبل، نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در مورد رابطه اعتماد نهادی و گرایش به ارتکاب جرم نیز گویای آن بود که اعتماد نهادی ارتباط منفی و معکوسی با گرایش به ارتکاب جرم دارد، به‌صورتی‌که به هر اندازه بر میزان اعتماد نهادی پاسخ‌گویان، یعنی اعتماد به نهادهایی چون آموزش و پرورش، سازمان‌های خدماتی، بیمارستانی، نیروهای انتظامی، صداوسیما و سایر سازمان‌ها و ارگان‌های کشور افزوده گردد، از میزان گرایش به ارتکاب جرم نزد آن‌ها کاسته می‌شود. افزون بر این، نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در مورد رابطه تفاهم اجتماعی دولت-ملت و گرایش به ارتکاب جرم نیز نشان داد که به هر اندازه میزان تفاهم اجتماعی دولت و ملت در جامعه افزایش پیدا کند و بین مردم و مسئولین تفاهم و درک متقابل حاکم شود، میزان گرایش به ارتکاب جرم نزد آن‌ها کاهش پیدا می‌کند. درعین‌حال، تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر گرایش به جرم نیز نشان داد که هرچند تفاهم اجتماعی دولت و ملت به‌صورت مستقیم واجد اثر معناداری بر گرایش به جرم نیست، به شکل غیرمستقیم تأثیر ۰/۳۱- درصدی بر گرایش به جرم دارد. به عبارتی دیگر، در سایه تفاهم اجتماعی بین دولت و ملت، امنیت اجتماعی در جامعه ارتقا یافته، سطح هویت ملی و تعلق اجتماعی شهروندان بیشتر گردیده، بر میزان مشارکت آن‌ها در جامعه افزوده شده و سطح انسجام و اعتماد اجتماعی در جامعه افزایش پیدا می‌کند و درعین‌حال، تفاهم بیشتر دولت و ملت، پابندی به قانون را در جامعه جاری می‌سازد. این مسئله به



## بررسی نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به ارتکاب جرم در...، سعید قماش و نسرین قدمی

نوبه خود، بسترهای کاهش گرایش به جرم و نگرش منفی درباره بی قانونی و آنومی را در جامعه فراهم می سازد. این یافته تصدیق کننده مبانی مندرج در نظریه صلاح طلبی و نظریه تفهمی وبر و همسو با نتایج تحقیقات نوربخش و نادری (۱۳۹۸)، محمدی (۱۳۹۷)، آبسالان (۱۳۹۵) و رحمت الهی و همکاران (۱۳۹۵) است.

با توجه به یافته های حاصل از این تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می گردد:

- تقویت ارزش ها و هنجارهای معنوی و اخلاقی حاکم بر جامعه و برنامه ریزی به منظور نهادینه سازی این اصول اخلاقی در نهاد کنشگران در جهت تقویت کنترل درونی افراد.
- با توجه به نقش مشارکت و درگیرسازی اجتماعی افراد در کاهش گرایش به جرم، دخیل سازی سازمان های مردم نهاد و بهره گیری از روش های جامعه محور و مشارکت بخش در راستای پیشگیری از جرم به خصوص نزد جوانان از اهمیت زیادی برخوردار است.
- با توجه به نقش اعتماد نهادی در کاهش گرایش به جرم، پیشنهادهای زیر ارائه می شود:
- تقویت پایه ها و شاخص های اعتماد نهادی و میان گروهی در میان شهروندان نظیر بهبود کارکرد سازمان ها و نهادهای دولتی در راستای بهره گیری از ظرفیت آنان به منظور حذف و کاهش بسترهای گرایش به جرم با بهره گیری از تعاملات دوسویه از مسیر نهادهای مسئول در کنترل و تنزل جرائم.
- توافق اجتماعی و مشارکت مردمی برای دستیابی به راه حل های بهینه حل مسائل مورد مناقشه و بهره گیری از دانش محلی و ارتقای آگاهی و توجه به منابع محلی در کاهش سطوح و شدت نارضایتی ها به منظور ارتقای سطح تفاهم اجتماعی دولت و ملت و کاهش میل به حل و فصل نارضایتی ها و تعارضات موجود در جامعه از مسیرهای غیرقانونی و جرم افزا.
- مدیریت تصویر و تصورات نامطلوب و مخدوش شکل گرفته از دولت و نظام حکومتی در برخورد با مسائل شهروندی به منظور ارتقای روابط، همکاری و همدلی بیشتر میان دولت و ملت.
- ترمیم کیفیت قوانین و مقررات داخلی در راستای پرهیز از شخصی نگری و اعمال تصمیمات شخصی، وجود قوانین شفاف و خالی از ابهام، تنزل قواعد تفسیرپذیر و گهگاه متناقض در حل مسائل اجتماعی در جهت بهبود هرچه بیشتر اعتماد نهادی در جامعه.



## پی‌نوشت‌ها

1. Tamas & Zananaki
2. Weber
3. Caesar
4. Attachment
5. Commitment
6. Involvement
7. Belief
8. Davao Oriental, Philippines
9. Power sample
10. Regression
11. Cronbach's alpha
12. Likert scale
13. Spearman
14. Amos

## منابع

- آبسلان، زینب. (۱۳۹۵). ملت و دولت، هم‌مدلی و هم‌زیانی از دیدگاه امام علی (ع). پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی میبد.
- اصلائی، عابد، دیندارلو، سعید، و اصلائی، امید. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش مرزنیسان بانه‌ای به قاچاق کالا زمینه‌ها و راهکارها. مجله/تنظام اجتماعی، ۷ (۲)، ۳۳-۵۶.
- ترکمان، مهدی، پورغلامی، محمدرضا، و مرادی سیاه‌سر، غلامرضا. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر گرایش جوانان پسر شهرستان کرج در خرده‌فرهنگ. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ۱۷۶-۲۰۳.
- حجرگشت، حامد، موسوی‌پناه، سید مسلم، رضایی، صادق، و امینی، ایمان. (۱۴۰۰). عوامل اجتماعی گرایش جوانان به جرم سرقت؛ مورد مطالعه: سارقان محصور در زندان‌های استان تهران و البرز. فصلنامه رهیافت پیشگیری از جرم، ۴ (۳)، ۹۱-۱۱۸.
- حسین‌زاده، علی حسین، بوداقتی، علی، و خمیسی، امل. (۱۴۰۰ الف). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر انواع سرمایه بر گرایش به ارتکاب جرم؛ مورد مطالعه: جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال شهر اهواز. فصلنامه توسعه اجتماعی، ۱۶ (۱)، ۲۵-۵۸.
- حسین‌زاده، علی حسین، بوداقتی، علی، و خمیسی، امل. (۱۴۰۰ ب). تعیین‌گرهای اجتماعی و روان‌شناختی گرایش به ارتکاب جرم؛ مورد مطالعه: جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال شهر اهواز. مجله جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۹ (۱۹)، ۷-۳۴.
- رحمت‌الهی، حسین، آقا محمد آقایی، احسان، و بالوی، مهدی. (۱۳۹۵). کاهش سرمایه اجتماعی؛



## بررسی نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به ارتکاب جرم در...، سعید قماش و نسرين قدمی

10.22052/KASHAN.2025.256252.1135

- دولت و مشارکت مردم. مجله مدیریت سرمایه اجتماعی، شماره ۳، ۴۶۱.
- سامدی، علی محمد، هاشمی، سید محمد، و عابدی، یونس. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر گرایش جوانان به جرم. فصلنامه پژوهش های اطلاعاتی و جنایی، ۸ (۳)، ۷۳-۹۲.
- سلیمی، علی و داوری، محمد. (۱۳۹۱). جامعه شناسی مجروری. چ ۵. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عارفی مسکونی، محمد، نجفی توانا، علی، و شاملو، باقر. (۱۳۹۹). بررسی چرایی عدم کارایی مجازات های سنگین ایران در مبارزه با مواد مخدر. دوفصلنامه پژوهش نامه حقوق اسلامی، ۲۱ (۲)، ۴۳۹-۴۶۰.
- عباسی، ابراهیم و یوسفی ثابت، حسین. (۱۳۹۸). واکاوی تعامل دموکراسی اجتماعی، سبک زندگی و مشروعیت سیاسی در چشم انداز نظری. فصلنامه مطالعات منافع ملی، ۵ (۱۸)، ۵۱-۷۲.
- عرب پور، الهام و مهدی زاده، شراره. (۱۳۹۹). فراتحلیل مطالعات نظم و انسجام اجتماعی در ایران. مجله پژوهش های جامعه شناسی معاصر، ۹ (۱۷)، ۷۳-۱۱۳.
- عشایری، طاها و جهان پور، طاهره. (۱۴۰۱). نگرشی جامعه شناختی به منابع ترس از جرم، مورد مطالعه: شهر اردبیل. دوفصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی، ۶ (۱۱)، ۷۵-۹۶.
- فرانک پی، ویلیامز و مار لی دین، مک شین. (۱۳۹۱). نظریه های جرم شناسی. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. چ ۴. تهران: نشر میزان.
- فقیه، سیده فاطمه. (۱۳۸۸). روش شناسی ماکس وبر. مجله فرهنگ پژوهش، شماره ۴، ۸۷-۱۰۶.
- قاسمی مقدم، حسن، حسین جانی، بهمن، و خداکرمی، فؤاد. (۱۳۹۴). تأثیر آنومی و زیست بوم جنایی بر جرائم خیابانی شهرستان اهواز از سال ۸۸ تا ۹۳. فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۲۶، ۱۰۳-۱۲۸.
- قایدگیوی، فرود، حقیقتیان، منصور، و شاپور، بهیان. (۱۳۹۸). تحلیل رابطه هویت ملی و پایبندی به فرهنگ شهروندی، مورد مطالعه: کلانشهر شیراز. نشریه مطالعات ملی، ۲۰ (۱)، ۷۹-۱۰۴.
- کاکاوند، یونس. (۱۴۰۱). بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و گرایش به هویت ملی در بین شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر کرمانشاه، نشریه علوم اجتماعی، ۱۶ (۱).
- کرایب، یان. (۱۳۸۲). نظریه اجتماعی کلاسیک، مقدمه ای بر اندیشه مارکس، وبر، دورکیم و زیمل. ترجمه شهناز مسمی پرست. تهران: آگه.
- کونانی، سلمان، انصاری، جمال، و مندنی، اسلام. (۱۳۹۲). سیاست جنایی؛ از گفتن تا



- برخاست‌هایی ریزومیگ‌شده و ناروا. چ ۱. تهران: انتشارات مجد.
- متوسلی، محمود و زبیری، هدی. (۱۳۹۳). انسجام اجتماعی، منشأ توسعه اقتصادی. مجله توسعه روستایی، ۵ (۲)، ۴۹-۷۴.
- محمودی، صادق. (۱۳۹۷). تحلیل ریشه‌های دولت‌ستیزی ایرانیان از منظر جامعه‌شناسی سیاسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته علوم سیاسی، گرایش علوم سیاسی، دانشگاه رازی، دانشکده علوم اجتماعی.
- میرزاخانی، عبدالرحمن و درویشی، صیاد. (۱۳۹۳). بررسی رابطه انسجام اجتماعی با پیشگیری اجتماعی از جرم. مجله مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۸، ۵۹-۸۰.
- نگهی، مرجان و قریشوندی، حسین. (۱۳۹۹). گرایش به ارتکاب جرم در مراجعه‌کنندگان به قلیان سراها و قهوه‌خانه و ایجاد فرصت جرم؛ مطالعه موردی: شهرستان ایزده. مجله پژوهش حقوق کیفری، ۱۵ (۲)، ۲۷۱-۲۹۶.
- نوربخش، یونس و نادری، حمید. (۱۳۹۸). تحلیل روابط دولت و جامعه و نقش آن در شکل‌گیری مسائل اجتماعی و وضعیت آنومیک در جامعه. مجله مطالعات جامعه‌شناختی، ۲۷ (۱)، ۱۹۹-۲۲۲.
- نیازی، محسن و نوری، زهرا. (۱۴۰۱). ارائه مدل علی بررسی متغیرهای مؤثر بر ارتکاب به جرائم محیط زیستی؛ مورد مطالعه: شهر کاشان. نشریه محیط زیست و توسعه فرابخشی، ۷ (۷۸)، ۵۶-۷۰.
- وبر، ماکس. (۱۳۸۲). روش‌شناسی علوم اجتماعی. ترجمه حسن چاووشیان. تهران: انتشارات مرکز. هزارجریبی، جعفر و صفری شالی، رضا. (۱۳۸۸). بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن، مطالعه در بین شهروندان تهرانی. نشریه انتظام اجتماعی، شماره ۳، ۷-۲۸.
- هیوز، ه. استوارت. (۱۳۶۹). آگاهی و جامعه. ترجمه عزت‌الله فولادوند. چ ۱. تهران: اندیشه‌های عصر نو.
- یحیوی دیزج، جعفر، محمدزاده، یوسف، حکمتی، صمد، و یعقوبی، حسین. (۱۳۹۷). رابطه بین عوامل اقتصادی و اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی در کشورهای منتخب با رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۸ (۶۸)، ۱۶۸-۱۹۹.
- Anjanaen J. T. (2019). Maslow's Hierarchy of Needs - Theory of Human Motivation. *International Journal of Research in all Subjects in Multi Languages*, Vol. 7, 38-41.



- Costello, B. J., Laub, J. H. (2020). Social Control Theory: The Legacy of Travis Hirschi's Causes of Delinquency. *Annual Review of Criminology*, Vol. 3, 21- 41. <https://doi.org/10.1146/annurev-criminol-011419-041527>.
- Cullen, F. T., & Wilcox, P. (2010). Encyclopedia of criminological theory. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications, Inc. ISBN: 9781412959186..
- Grabb, E. G. (2022). Comparative history in sociological writings of Max Weber. *Journal of Sociological Theory*, Vol, 40, 1-20. <https://doi.org/10.1177/07352751221134614>
- Ferrel, G., Salvana, L. M. C., & Susada, B. L. (2024). Tendency to commit a crime among youth with broken family. *International Journal of Advance Research and Innovative Ideas in Education (IJARIIE)* Vol. 10, 460-467. <https://doi.org/10.13140/RG.2.2.11855.29607>.
- Crawford, M. Ann. (2014). Social Control Theory .*Affiliation: Walden University*. 1-6. <https://doi.org/10.13140/RG.2.1.2360.7847>.
- Özbay, Ö. & Özcan, Y. Zia. (2006). A Test of Hirschi's Social Bonding Theory Juvenile Delinquency in the High Schools of Ankara, Turkey. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminolog*. Vol. 50, 711 - 726. <https://doi.org/10.1177/0306624X07309182>.
- Zareen, B., Dhopeshwarkar, M. G., & Ambedka, B. (2018). Crime tendency among youth India. . *Journal of Emerging Technologies and Innovative Research*, 5(11), 301 – 308 .ISSN-2349-5162. 301-308.
- Wiatrowski, M. D., Griswold, D. B., & Roberts, M. K. (1981). Social control theory and delinquency. *American Sociological Review*. Vol. 46, 525-541. <https://doi.org/10.2307/2094936>.

## Resources

- Abbasi, E., & Yousefi Sabet, H. (2019). Exploring the interaction of social democracy, lifestyle, and political legitimacy in a theoretical perspective. *Quarterly of National Interests Studies*, 5(18), 51–72. (in Persian).
- Abselan, Z. (2016). *Nation and state, empathy and mutual understanding from the perspective of Imam Ali (AS)* (Master's thesis, Faculty of Quranic Sciences, University of Quranic Sciences and Knowledge, Meybod). (in Persian).
- Anjanaen, J. T. (2019). Maslow's hierarchy of needs – Theory of human motivation. *International Journal of Research in all Subjects in Multi Languages*, 7, 38–41.
- Arabpour, E., & Mahdizadeh, S. (2020). Meta-analysis of studies on social order and cohesion in Iran. *Journal of Contemporary Sociological Studies*, 9(17), 73–113. <https://doi.org/10.22084/csr.2021.22113.1830> (in Persian).
- Arefi Maskooni, M., Najafi Tavana, A., & Shamloo, B. (2020). Investigating the inefficiency of severe punishments in Iran in combating drugs. *Journal of Islamic Law Studies*, 21(2), 439 – 460. <https://doi.org/10.30497/law.2020.15206.2827> (in Persian).

- Aslani, A., Dindarlo, S., & Aslani, O. (2015). Examining social factors affecting the tendency of border residents of Baneh toward smuggling: Contexts and solutions. *Journal of Social Order*, 7(2), 33–56. <https://doi.org/10.22034/cpaq.2021.246877> (in Persian).
- Costello, B. J., & Laub, J. H. (2020). Social control theory: The legacy of Travis Hirschi's causes of delinquency. *Annual Review of Criminology*, 3, 21–41. <https://doi.org/10.1146/annurev-criminol-011419-041527>.
- Crabb, Y. (1998). *Classical social theory: An introduction to the thought of Marx, Weber, Durkheim, and Simmel* (Shahnaz Mosami-Parast, Trans.). Tehran: Agah. (Original work published 1997). (in Persian).
- Crawford, M. A. (2014). Social control theory. Walden University, 1–6. <https://doi.org/10.13140/RG.2.1.2360.7847>.
- Cullen, F. T., & Wilcox, P. (2010). *Encyclopedia of criminological theory*. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications, Inc. ISBN: 9781412959186.
- Eshayeri, T., & Jahanpour, T. (2022). A sociological perspective on sources of fear of crime: A case study of Ardabil. *Biannual Journal of Cultural and Social Studies*, 6(11), 75–96. (in Persian).
- Faqih, S. F. (2009). Methodology of Max Weber. *Farhang-Pajouh Journal*, 4, 87–106. (in Persian).
- Ferrel, G., Salvana, L. M. C., & Susada, B. L. (2024). Tendency to commit a crime among youth with broken family. *International Journal of Advance Research and Innovative Ideas in Education (IJARIE)*, 10, 460–467. <https://doi.org/10.13140/RG.2.2.11855.29607>.
- Frank, P., Williams, & MacShane, M. L. (2012). Criminological theories (H. R. Malek-Mohammadi, Trans.). Tehran: Nashr-e Mizan. (Original work published 1984). (in Persian)
- Ghaedgivi, F., Haghighatian, M., & Shapour, B. (2019). Analysis of the relationship between national identity and adherence to civic culture: A case study of Shiraz metropolis. *Journal of National Studies*, 20(1), 79–104. (in Persian).
- Ghasemi-Moghadam, H., Hosseini, B., & Khodakarami, F. (2015). The impact of anomie and criminogenic ecosystem on street crimes in Ahvaz from 2009 to 2014. *Journal of Private and Criminal Law Research*, 26, 103–128. (in Persian).
- Grabb, E. G. (2022). Comparative history in sociological writings of Max Weber. *Journal of Sociological Theory*, 40, 1–20. <https://doi.org/10.1177/07352751221134614>.
- Hajargasht, H., Mousavi-Panah, S. M., Rezaei, S., & Amini, I. (2021). Social factors influencing youth tendency toward theft: A study of prisoners in Tehran and Alborz prisons. *Rahyaf Crime Prevention Quarterly*, 4(3), 91–118. <https://doi.org/10.22080/ssi.2022.22893.1954> (in Persian).



- Hezarjaribi, J., & Safari Shali, R. (2009). Life satisfaction and the role of perceived security: A study among Tehran citizens. *Journal of Social Order*, 3, 7–28. (in Persian).
- Hosseinzadeh, A. H., Bodaqi, A., & Khamisi, E. (2021a). Sociological investigation of the effect of various types of capital on tendency toward crime: A study of youth aged 18–29 in Ahvaz. *Journal of Social Development Quarterly*, 16(1), 25–58. <https://doi.org/10.22034/cpaq.2021.246877> (in Persian).
- Hosseinzadeh, A. H., Bodaqi, A., & Khamisi, E. (2021b). Social and psychological determinants of tendency toward crime: A study of youth aged 18–29 in Ahvaz. *Journal of Sociology of Social Institutions*, 9(19), 7–34. <https://doi.org/10.22080/ssi.2022.22893.1954> (in Persian).
- Hughes, H. S. (1990). *Consciousness and society* (E. Fouladv and, Trans.). Tehran: Andisheh-ye Asr-e No. (Original work published 1958). (in Persian).
- Kakavand, Y. (2022). Examining the relationship between social capital and national identity tendency among citizens over 18 in Kermanshah. *Journal of Social Sciences*, 16(1). (in Persian).
- Konani, S., Ansari, J., & Mandani, E. (2013). *Criminal policy: From discourse to rhizomatic and inappropriate enactments*. Tehran: Majd Publications. (in Persian).
- Mirzakhani, A., & Darvishi, S. (2014). Examining the relationship between social cohesion and social crime prevention. *Journal of Social Security Studies*, 38, 59–80. (in Persian).
- Mohammadi, S. (2018). Analysis of the roots of Iranian anti-government sentiment from the perspective of political sociology (Master's thesis, Department of Political Science, Razi University, Faculty of Social Sciences). (in Persian).
- Motavaseli, M., & Zebiri, H. (2014). Social cohesion as the origin of economic development. *Rural Development Journal*, 5(2), 49–74. (in Persian).
- Negahi, M., & Gharishvandi, H. (2020). Tendency toward crime among visitors of hookah houses and coffeehouses and creation of crime opportunities: A case study of Izeh. *Journal of Criminal Law Research*, 15(2), 271–296. <https://doi.org/10.22124/jol.2020.16280.1899> (in Persian).
- Niazi, M., & Nouri, Z. (2022). Presenting a causal model to examine factors affecting environmental crimes: A case study of Kashan. *Journal of Environment and Interdisciplinary Development*, 7(78), 56–70. <https://doi.org/10.22059/jsr.2020.287097.1007> (in Persian).
- Noorbakhsh, Y., & Naderi, H. (2019). Analysis of state-society relations and its role in shaping social issues and anomic conditions. *Journal of Sociological Studies*, 27(1), 199–222. <https://doi.org/10.22059/jsr.2020.287097.1007> (in Persian).
- Özbay, Ö., & Özcan, Y. Z. (2006). A test of Hirschi's social bonding theory: Juvenile delinquency in the high schools of Ankara, Turkey. *International*



- Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 50, 711–726. <https://doi.org/10.1177/0306624X07309182>.
- Rahmatollahi, H., Agha Mohammad Aghaei, E., & Balavi, M. (2016). Social capital reduction: Government and public participation. *Journal of Social Capital Management*, 3, 461. <https://doi.org/10.22059/jscm.2016.60666> (in Persian).
- Salimi, A., & Davari, M. (2012). Sociology of deviance. Qom: Hozeh & Daneshgah Research Institute. (in Persian).
- Samadi, A. M., Hashemi, S. M., & Abedi, Y. (2013). Factors affecting youth tendency toward crime. *Quarterly of Informational and Criminal Research*, 8(3), 73–92. (in Persian)
- Torkaman, M., Pourghalami, M. R., & Moradi Siah-Sar, G. (2011). Factors affecting the tendency of male youth in Karaj to subcultures. *Quarterly of Social Security Studies*, 176–203. <https://doi.org/10.22055/qjsd.2021.17281> (in Persian).
- Weber, M. (2003). Methodology of social sciences (H. Chavoshian, Trans.). Tehran: Markaz Publications. (Original work published 1904). (in Persian).
- Wiatrowski, M. D., Griswold, D. B., & Roberts, M. K. (1981). Social control theory and delinquency. *American Sociological Review*, 46, 525–541. <https://doi.org/10.2307/2094936>.
- Yahyavi Dizaj, J., Mohammadzadeh, Y., Hekmati, S., & Yaghoubi, H. (2018). Relationship between economic and social factors and social harms in selected countries: A generalized method of moments approach. *Journal of Social Welfare*, 18(68), 168–199. (in Persian).
- Zareee, B., Dhopeswarkar, M. G., & Ambedka, B. (2018). Crime tendency among youth in India. *Journal of Emerging Technologies and Innovative Research (JETIR)*, 5, 301–308. ISSN-2349-5162.



## Examining the Role of Social Factors Affecting the Tendency to Commit Crime among Youth (Case Study: Students of University of Kashan)

**Saeed Qomashi**

Associate Professor, Department of Law, Faculty of Law and Humanities, Kashan University, Kashan, Iran (Corresponding Author); Email: saeedqomashi@yahoo.com

**Nasrin Ghadami**

PhD student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Humanities, Kashan University, Kashan, Iran. Email: nasringhadami3525@gmail.com

Received: 06/12/2024

Accepted: 11/02/2025

### Extended Abstract

#### Introduction

Crime, as a social phenomenon occurring within the community, represents an actualized behavior. In this regard, “tendency toward crime” refers to a potential form of behavior that has not yet manifested or been actualized. This study aims to identify which social factors influence youth’s tendency towards committing crimes. To this end, it moves beyond mere descriptions and engages in a conceptual analysis to formulate possible explanations. Accordingly, “tendency” is defined as a system of the individual’s inclinations and beliefs in regard to environmental phenomena; this tendency which develops over time as a result of social influences and experiences can predict and explain social behavior. One such social behavior is committing crime by individuals across different age groups. Given that criminal behavior like any other behavior, requires a will or inclination to be actualized, this study specifically examines crimes and the factors influencing criminal tendencies among young students in the University of Kashan.

#### Materials and Methods

An examination of the contexts of social order vulnerability and official judicial statistics indicates the necessity for serious interventions. Accordingly, this study seeks to answer the overarching question: which social factors affect the tendency of young students to commit crimes? The main objective of this research is to investigate the relationship between the social cohesion of the state and nation, social security, national identity, social belonging, adherence to law, political participation, social cohesion, institutional trust, and the tendency to commit crimes among students. Methodologically, this research falls within the positivist paradigm, adopts a deductive strategy, and deploys a quantitative approach. It employs a descriptive-correlational method with a cross-sectional design and practical objectives, utilizing a survey-based approach. The statistical population consisted of students of the University of Kashan, with a sample size of 520 in 1401 (2022–2023). Data were collected through fieldwork using questionnaires. For both descriptive and inferential data analyses, SPSS 23 software was used.



## Results

The research findings and the results of the corresponding statistical analyses confirmed the existence of significant relations and correlations among the variables. Moreover, Spearman's correlation coefficient regarding the relationship between adherence to law and the tendency to commit crime indicated a negative and inverse relation between these two variables; that is, the greater the respondents' adherence to the law, the lower their inclination to violate social rules and to commit crimes. Spearman's correlation coefficient regarding the relationship between social security and the tendency to commit crime also showed that as students' perception of social security was higher and more positive, their tendency to commit crime decreased. Similarly, the results regarding the relationship between national identity and the tendency to commit crime revealed that the higher the sense of national identity, the lower the respondents' tendency to commit crimes. Additionally, Spearman's correlation coefficient concerning the relationship between social belonging and the tendency to commit crime demonstrated that as respondents' levels of social attachment to their neighborhood and willingness to participate increased, their tendency to commit crime decreased. In contrast, the relations between political participation and the tendency to commit crime showed no significant relation, contrary to the assumptions of political efficacy theory. The correlation between institutional trust and the tendency to commit crime indicated a negative and inverse relationship; that is, the higher the respondents' trust in institutions—such as educational organizations, service organizations, hospitals, law enforcement, media, and other national institutions—the lower their tendency to commit crimes. Similarly, the relationship between state–society social understanding and the tendency to commit crime demonstrated that as social understanding between the government and the citizens increased and mutual understanding prevailed, the tendency to commit crime decreased.

## Conclusion

Path analyses of factors affecting the tendency toward crime revealed that while state–society social understanding does not have a direct significant effect on criminal tendency, it exerts an indirect effect of 31% on crime inclination. In other words, through social understanding between the government and the citizens, social security in the community is enhanced, the sense of national identity and social belonging among citizens increases; their social participation rises, and social cohesion and trust are strengthened. At the same time, a greater government–citizen understanding fosters adherence to the law within society. Consequently, this provides a foundation for reducing youth's criminal tendencies and negative attitudes toward lawlessness and anomie. Overall, the negative and inverse relationships between the variables of state–society social understanding, social security, national identity, social belonging, adherence to the law, political participation, social cohesion, and institutional trust with the tendency to commit crime were quantified as follows:  $r = -0.162$ ,  $r = -0.436$ ,  $r = -0.220$ ,  $r = -0.487$ ,  $r = -0.006$ ,  $r = -0.136$ ,  $r = -0.196$ , and  $r = -0.247$ , respectively. Accordingly, attention to these components can help reduce the tendency toward crime among youth.

**Keywords:** crimes, social Factors, tendency to commit crimes, youth.

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

دوره ۱۷، شماره ۲ (پیاپی ۳۳)، صفحات: ۹۹-۱۲۸

مقاله علمی پژوهشی

## طراحی مدل شایستگی‌های کارآفرینانه زنجیره تأمین صنعت فرش ماشینی شهرستان کاشان: رویکرد آمیخته

پوریا منصوری\*

اسماعیل مزروعی نصرآبادی\*\*

زهره صادقی آرانی\*\*\*

### چکیده

با تشدید رقابت در عرصه جهانی، مدیریت مناسب زنجیره تأمین به یک چالش‌های اساسی برای شرکت‌های تولیدی و تجاری تبدیل شده است. در این راستا، شرکت‌های مختلف برای کسب مزیت رقابتی از طریق ایجاد ارزش در تمام فعالیت‌های شرکت تلاش می‌کنند. لازمه این امر، تمرکز بر یک رویکرد کارآفرینانه بر پایه ایجاد شایستگی‌های کارآفرینانه در مدیریت زنجیره تأمین است. از آنجاکه تاکنون پژوهشی به بررسی این شایستگی‌ها در سطح زنجیره تأمین نپرداخته، پژوهش حاضر به شناسایی شایستگی‌های کارآفرینانه زنجیره تأمین صنعت فرش ماشینی کاشان و طراحی مدل این شایستگی‌ها با استفاده از رویکرد آمیخته، پرداخته است. در ابتدا برای شناسایی شایستگی‌های کارآفرینانه زنجیره تأمین صنعت فرش ماشینی مصاحبه‌های عمیق با ۱۳ نفر از خبرگان و مدیران شرکت‌های موفق صنعت فرش ماشینی کاشان انجام شد و با استفاده از تحلیل مضمون این شایستگی‌ها استخراج و کدگذاری شده‌اند. سپس با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری مدل شایستگی‌های کارآفرینانه زنجیره تأمین صنعت فرش ماشینی کاشان ترسیم گردیده و پیشنهادهایی براساس این مدل ارائه گردید. در این تحقیق، دو شایستگی تولید در سطح جهانی و شایستگی مدیریت بازگشت مؤثر به‌عنوان شایستگی‌های جدید شناسایی شده‌اند. همچنین نتایج مدل‌سازی ساختاری تفسیری بیانگر این بود که شایستگی‌ها در دو سطح قابل دسته‌بندی هستند و شایستگی‌های نیازهای کارکنان، فضای روانی مناسب، تصمیم‌گیری مشارکتی و بازگشت مؤثر، اثرگذارترین شایستگی‌ها هستند. براساس یافته‌ها پیشنهاد می‌گردد اصول تناسب استراتژیک در زنجیره تأمین فرش ماشینی بررسی و رعایت گردد. همچنین توجه به مدل‌های همکاری و رعایت استانداردها و الزامات بین‌المللی برای حضور در تولید سطح جهانی ضروری است.

**کلیدواژه‌ها:** شایستگی کارآفرینانه، زنجیره تأمین، فرش ماشینی، مدل‌سازی ساختاری تفسیری.

\* دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد رشته کارآفرینی، گروه مدیریت کسب‌وکار، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، pouriamansori@yahoo.com

\*\* استادیار گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، نویسنده مسئول، dmazroui@kashanu.ac.ir

\*\*\* استادیار گروه مدیریت کسب‌وکار، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، sadeqiarani@kashanu.ac.ir



## ۱. مقدمه

زنجیره تأمین برای هر کسب‌وکاری که کالاها و خدمات را از تأمین‌کننده به مشتری منتقل می‌کند بسیار مهم است (Haque et al., 2023). زنجیره تأمین به‌عنوان مجموعه‌ای از مشاغل درگیر در ساخت، توزیع و مصرف اقلام تعریف می‌شود (Arab Momeni & Mostofi, 2023) و برای هر صنعتی حیاتی است و مدیریت صحیح آن سخت‌ترین کار برای ذی‌نفعان است (Omidian, 2023). زنجیره تأمین مهم است و مزایای متعددی مانند کنترل فرایند تولید، کاهش فراخوان‌ها (مرجوع کردن) محصولات، کاهش هزینه حمل‌ونقل (Hartono & Ellitan, 2023)، ارتقای تأمین‌کنندگان محلی و بهبود قابلیت‌های فناوری آن‌ها (Thoburn & Natsuda, 2023) و بهبود عملکرد اقتصادی شرکت (Wang et al., 2023) دارد. یکی از مهم‌ترین موارد برای توسعه و بهبود زنجیره تأمین، شایستگی‌های کارآفرینانه زنجیره تأمین است. اهمیت شایستگی‌های کارآفرینانه در دهه گذشته افزایش یافته (Marei, 2023) و لازم است مورد توجه جدی قرار بگیرد.

از آنجاکه شرکت‌های کارآفرین همواره به تحمل سطح و درجه‌ای از عدم قطعیت و ریسک‌پذیری متمایل‌اند، توانایی اجرای زنجیره‌های تأمین را دارا هستند و این یک مزیت برجسته در این شرکت‌ها محسوب می‌شود (Handfield et al., 2009; Cousins et al., 2006). بنابراین لازم است یک رویکرد منحصربه‌فرد کارآفرینانه در راستای مدیریت زنجیره تأمین بر پایه شایستگی‌ها طرح شود. هماهنگی رویکردهای کارآفرینانه و اقدامات مدیریت زنجیره تأمین برای رسیدن به بهبود نتایج شرکت ضروری است. فعالیت‌های کارآفرینانه مکمل اقدامات مدیریت زنجیره تأمین هستند و موجب شایستگی‌های واقعی برای شرکت می‌شوند (Giunipero et al., 2005).

امروزه تولید به‌عنوان یکی از مواردی که در فرایند کارآفرینی قرار دارد با مشکلات جدی در حوزه شایستگی‌های کارآفرینانه مواجه است که شامل انگیزه، نیاز به موفقیت، کنترل منابع داخلی، ریسک‌پذیری، مهارت‌ها و دانش کارآفرینی است (Ismail & Zain, 2015). صنعت فرش ماشینی کاشان به‌عنوان یکی از شاخه‌های اصلی تولید کشور در سال‌های اخیر با وجود تمام مشکلات از لحاظ کمی و کیفی، پیشرفت چشمگیری داشته است. حدود ۱۰ درصد از صادرات غیرنفتی ایران متعلق به این صنعت است (هایتاجر، ۱۴۰۰) و در صورت توجه و برنامه‌ریزی برای حل مشکلات و توسعه آن، علاوه بر اشتغال‌زایی، ظرفیت بالایی در افزایش صادرات غیرنفتی کشور دارد و می‌تواند نقش مؤثری در ارزآوری کشور ایفا کند. فرش ماشینی با توجه به اینکه در انتهای زنجیره



تولید قرار دارد، از قدرت ایجاد ارزش افزوده بالایی برخوردار است و توسعه آن بسیاری از صنایع جانبی را نیز فعال می‌کند.

این صنعت نسبت به سال‌های قبل، در بازارهای صادراتی دچار مشکلات متعددی شده است که این موضوع در فرش کاشان نیز قابل ملاحظه است. برآوردها از کاهش ۵۰ میلیون دلاری صادرات فرش ماشینی حکایت دارد (حقیقی، ۱۴۰۱) که می‌تواند تهدید جدی برای آینده این صنعت باشد. همه‌گیری کرونا باعث آسیب‌های زیادی به صنعت فرش ماشینی ایران شد و تشدیدکننده این موضوع بود (مزروعی نصرآبادی و همکاران، ۱۴۰۲). به‌طور کلی بروز اختلالاتی از جنس اثر موجی (که به حالت دومینویی لایه‌های مختلف زنجیره تأمین را درگیر می‌کنند) باعث مشکلات زیادی در زنجیره تأمین فرش ماشینی شده است. مواردی مانند تعطیلی موقت، ورشکستگی، اعتصاب کارگران در ادبیات قابل ملاحظه است (مزروعی نصرآبادی، ۱۴۰۲ الف). در نتیجه لازم است به شایستگی‌های کارآفرینانه برای خروج از بحران‌هایی مانند اثر موجی توجه ویژه شود. از منظر تولید فرش ماشینی، حدود ۹۱ درصد شرکت‌ها در استان اصفهان (مزروعی نصرآبادی، ۱۴۰۲ ب) و اکثر آن‌ها در شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل هستند. این موضوع هم یک مزیت و هم یک زنگ خطر برای منطقه است زیرا اقتصاد این منطقه وابستگی زیادی به فرش ماشینی دارد؛ در نتیجه در صورتی که این صنعت موفق باشد، برای منطقه ارزش‌آفرین خواهد بود اما اگر کاهش صادرات، از دست دادن جایگاه رقابتی و سایر اختلالات در آن رخ دهد، اقتصاد منطقه با تهدید جدی مواجه می‌شود؛ پس لازم است توجه ویژه‌ای به این صنعت شود و شایستگی‌های کارآفرینانه در آن بررسی شود.

تحقیقات متعددی در زمینه شناسایی شایستگی‌های کارآفرینانه و همچنین بررسی تأثیر آن بر سایر متغیرها یا تأثیر سایر متغیر روی شایستگی‌های کارآفرینانه انجام شده است. برای مثال از منظر شناسایی شایستگی‌های کارآفرینانه می‌توان به تحقیقاتی مانند دجوابدی<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۳) که به شناسایی شایستگی‌های اصلی برای راه‌اندازی، مدیریت و توسعه برنامه درسی محلی کارآفرینی برای دبیرستان‌های اسلامی پرداختند یا تحقیق ستار و همکاران (۲۰۲۳) که به بررسی شایستگی‌های کارآفرینانه در حوزه کارآفرینان تجارت الکترونیک پرداختند، اشاره کرد. از منظر بررسی روابط علی می‌توان به تحقیقاتی مانند فرارس و گارسیا<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۱) که به پیشنهاد و آزمون مدلی ساختاری از روابط بین شایستگی‌های عمومی و خاص و شایستگی‌های کارآفرینانه به‌منظور سنجش یادگیری دانش‌آموزان پرداختند یا تحقیق عطایی و همکاران (۲۰۲۰) که به توسعه یک مدل



مفهومی از شایستگی‌های کارآفرینانه و تأثیر آن بر قصد جوانان روستایی بر راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط پرداختند اشاره کرد. نکته مهم در تحقیقات قبلی، نادیده‌گیری شناسایی شایستگی‌های کارآفرینانه در سطح زنجیره تأمین است و تحقیقی در این زمینه ملاحظه نگردید؛ در نتیجه سؤال اول تحقیق عبارت است از: شایستگی‌های کارآفرینانه زنجیره تأمین فرش ماشینی چیست؟

شناسایی شایستگی‌ها زمانی می‌تواند اثربخشی بیشتری در تصمیم‌گیری داشته باشد که روابط فی‌مابین شایستگی‌های کارآفرینانه تحلیل شود و مهم‌ترین آن‌ها شناسایی گردد. یکی از مهم‌ترین روش‌های برای انجام این کار، مدل‌سازی ساختاری تفسیری است؛ در نتیجه سؤال دوم تحقیق عبارت است از: مدل ساختاری تفسیری شایستگی‌های کارآفرینانه زنجیره تأمین فرش ماشینی چگونه است؟

## ۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

### ۲-۱. شایستگی‌های کارآفرینانه

شایستگی مجموعه‌ای از تجارب، مهارت‌ها، دانش و نگرش‌هایی است که در طول زندگی به آن‌ها برای بهبود عملکرد در شغل نیاز است (Kaur & Bains, 2013). شایستگی یکی از عوامل مهم برای سازمان در ایجاد مزیت رقابتی در بازار محسوب می‌شود (Sanghi, 2007). شایستگی‌های کارآفرینانه به عنوان مجموعه‌ای خاص از شایستگی‌های مربوط برای کارآفرین‌های موفق تعریف شده که چنین کارآفرینی‌هایی با توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط همراه بوده است (Nuthall, 2006; Colombo & Grilli, 2005). شایستگی‌های کارآفرینانه روی عملکرد بنگاه تأثیر مثبت دارد (Nuryanti & Hanifah, 2022) و لازم است مورد توجه جدی قرار بگیرد. مان<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۲) در تلاش برای طبقه‌بندی تمامی شایستگی‌های شناسایی شده در قالب فعالیت‌ها و رفتارهایی مرتبط در بستر بنگاه‌ها، به بررسی مطالعات تجربی قبلی در زمینه شایستگی‌های کارآفرینانه پرداختند. آن‌ها نتیجه مطالعات خود را در ۶ حوزه شایستگی گروه‌بندی کردند که در جدول ۱ آمده است.



جدول ۱: چارچوب شایستگی‌های کارآفرینانه

| شایستگی‌ها             | رفتار مربوطه                                                                                                                         |
|------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| شایستگی فرصت‌جویانه    | جست‌وجو، ارزیابی، تشخیص و توسعه فرصت‌های بازار                                                                                       |
| شایستگی‌های ارتباطی    | تعاملات فرد با فرد یا گروه، ایجاد زمینه همکاری و اعتماد، ایجاد و حفظ شبکه‌ها، مهارت میان‌فردی                                        |
| شایستگی‌های ذهنی       | مهارت‌های ادراکی مختلف که در رفتار فرد کارآفرین متجلی می‌شود، مانند مهارت‌های تصمیم‌گیری، درک اطلاعات، مخاطره‌پذیری، نوآور بودن و... |
| شایستگی‌های سازمان‌دهی | سازمان‌دهی منابع انسانی، فیزیکی، مالی و فناوری‌ها شامل گروه‌سازی، رهبری و هدایت کارکنان، آموزش و کنترل                               |
| شایستگی‌های استراتژیک  | تعیین، ارزیابی و پیاده‌سازی چشم‌انداز و راهبردهای کسب‌وکار، تنظیم و ارزشیابی اهداف و استفاده از تاکتیک‌ها                            |
| شایستگی‌های تعهدی      | شایستگی‌هایی که کارآفرین را متعهد به حرکت رو به جلو همراه با کسب‌وکار می‌کند.                                                        |

منبع: مان و همکاران (۲۰۰۲)

دسته‌بندی دیگری از شایستگی‌های کارآفرینانه توسط تهسین و رامایا<sup>۴</sup> (۲۰۱۵) بدین صورت است: شایستگی استراتژیک، شایستگی مفهومی (تحلیلی)، شایستگی فرصت‌شناسی، شایستگی یادگیری و آموزش، شایستگی شخصی و شایستگی اخلاقی.

## ۲-۲. شایستگی‌های کارآفرینانه و مدیریت زنجیره تأمین (SCM)

زنجیره تأمین به‌عنوان «جریان کالاها و خدمات، از تأمین‌کننده، تولیدکننده، خرده‌فروش توزیع‌کننده و درنهایت به مشتریان» تعریف می‌شود (Shoaib et al., 2023). زنجیره تأمین برای موفقیت یک سازمان و دستیابی بلندمدت به اهداف آن، به‌ویژه درآمد، حیاتی است (Jamshidi Dolatabad, 2023). پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند شرکت‌های دارای فعالیت‌های مدیریت زنجیره تأمین، سطوح عملکردی متفاوتی از خود بروز می‌دهند و سطح عملکرد از کارکرد بسیاری از متغیرها نشأت می‌گیرد (Hsu et al., 2009). به‌هرحال، پژوهش‌ها در این زمینه محدودند/ بسیاری از پژوهش‌ها بر نقش منابع قابل لمس برای کسب موفقیت در SCM تمرکز کرده‌اند (Hafeez et al., 2010). تعداد محدودی هم از تحقیقات به منابع غیرقابل لمس پرداخته‌اند (Williams, 2006). شایستگی‌های مشخص شده از ادبیات عبارت‌اند از:

– **جهت‌گیری نوآورانه:** شرکت‌ها با یک جهت‌گیری نوآورانه قوی، متمایل به کسب مزیت‌های خاص هستند (Quintana-García & Benavides-Velasco, 2005). این شرکت‌ها با یک بینش

مدیریتی و فرهنگ نوآورانه به دنبال دستیابی به اهداف شرکت از طریق مدیریت زنجیره تأمین مورد نظر هستند (Gonzalez, 2008). علاوه بر این، جهش نوآورانه به معنی آمادگی برای اقدامات، فرایندها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به SCM است و به عملکرد شرکت کمک می‌کند (Shin et al., 2000). در همین راستا کامینسکی و همکاران (۲۰۰۸) نشان می‌دهند که همکاری با تأمین‌کنندگان می‌تواند نوآوری شرکت‌ها در بهبود عملکردشان را بالا ببرد (Anari & Rezaei, 2013).

**- ریسک‌پذیری:** عنصر دیگر ریسک‌پذیری است. نقش مهم ویژگی‌های ریسک‌پذیری تقریباً در تمام بخش‌های ادبیات مربوط به شرکت‌های کوچک و متوسط ظاهر می‌شوند. شرکت‌های با زنجیره تأمین ترکیبی نیازمند هماهنگی یکپارچه جریان کالاها، خدمات، اطلاعات و نقدینگی با ریسک قابل ملاحظه مواجه‌اند (Harland et al., 2004). علاوه بر این، شرکت‌های کوچک و متوسط با ویژگی‌های ریسک‌پذیری کارآفرینانه بیشتر به دنبال راهبردهایی برای به حداکثر رساندن سود خود هستند که در آن برنامه‌های مدیریت زنجیره تأمین را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین شرکت‌های کوچک و متوسط بیشتر مستعد استفاده از انعطاف‌پذیری خود هستند که بتوانند سود بیشتری کسب کنند. به طور خلاصه باید گفت کسب و کار مدرن شامل ریسک‌پذیری است (Smallman, 1996).

**- جهت‌گیری کنش‌گرایانه:** جهت‌گیری کنش‌گرایانه به عنوان تمایل شرکت به اجرای نوآوری‌های پیشگیرانه که رقبای آنها را به چالش بکشد، تعریف می‌شود (Miller, 1983). اقدامات پیشگیرانه در شرکت موجب شایستگی در مدیریت زنجیره تأمین می‌شود. در واقع، جهت‌گیری پیشگیرانه به مدیران شرکت‌های کوچک و متوسط کمک می‌کند که ورود و تخصیص منابع مالی و مدیریتی را برنامه‌ریزی کنند (Patel & D'Souza, 2009).

**- سرمایه ارتباطی:** در ادبیات توانایی ارتباط با مشتری و تأمین‌کنندگان به عنوان سرمایه ارتباطی در نظر گرفته شده است (Dwyer et al., 1987). شرکت‌های کوچک و متوسط باید نحوه استفاده از سرمایه‌های ارتباطی و انسانی را برای توسعه شایستگی‌های خود بیاموزند که به کارایی بیشتری دست یابند (Mertins et al., 2006).

**- قابلیت هماهنگی:** قابلیت هماهنگی فرایند افزایش کارایی هزینه‌ها را تسهیل می‌کند و بهره‌وری کارکنان را افزایش می‌دهد؛ بنابراین می‌توان گفت که قابلیت هماهنگی یک عامل در حمایت از شایستگی کارآفرینانه در مدیریت زنجیره تأمین است (Anari & Rezaei, 2013). همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در زمینه شناسایی شایستگی‌های کارآفرینانه زنجیره تأمین تاکنون



تحقیقی انجام نشده است. جدول ۲ بیانگر تحقیقات قبلی در این زمینه به منظور ترسیم شکاف تحقیقاتی است:

جدول ۲: پیشینه پژوهش

| نویسنده و سال                | سطح تحلیل    | صنعت فرش | شناسایی شایستگی‌ها      | مدل‌سازی شایستگی‌ها |
|------------------------------|--------------|----------|-------------------------|---------------------|
| رحمانی و نوذری (۱۳۹۵)        | زنجیره تأمین | -        | -                       | خیر-مدل علی         |
| Flothmann et al., 2018       | زنجیره تأمین | -        | شایستگی‌های مدیران      | خیر-مدل علی         |
| Akbar et al., 2012           | زنجیره تأمین | -        | -                       | خیر-مدل علی         |
| Djubaedi, 2023               | کسب و کار    | -        | شایستگی‌های کارآفرینانه | خیر                 |
| Satar et al, 2023            | صنعت         | -        | شایستگی‌های کارآفرینانه | خیر                 |
| Ferreras-Garcia et al., 2021 | کسب و کار    | -        | -                       | خیر-مدل علی         |
| Ataei et al., 2020           | فردی         | -        | شایستگی‌های کارآفرینانه | خیر-مدل علی         |
| پژوهش حاضر                   | زنجیره تأمین | بله      | شایستگی‌های کارآفرینانه | بله                 |

نکته مهم در تحقیقات قبلی نادیده‌گیری شناسایی شایستگی‌های کارآفرینانه در سطح زنجیره تأمین است و تحقیقی در این زمینه ملاحظه نگردید؛ همچنین مدلی از این شایستگی‌ها وجود ندارد و این تحقیق به منظور پوشش این خلأ تحقیقاتی انجام شده است.

### ۳. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با رویکرد آمیخته و در دو مرحله کیفی (به منظور شناسایی شایستگی‌های کارآفرینانه) و کمی (به منظور مدل‌سازی شایستگی‌های کارآفرینانه) انجام شده است. جامعه آماری تحقیق در هر دو مرحله خبرگان زنجیره تأمین فرش ماشینی کاشان هستند که دارای ویژگی‌های پست‌مدیریتی، تحصیلات دانشگاهی، رشته تحصیلی مدیریت، کارآفرینی، مهندسی صنایع و یا نساجی، اطلاع از تمامی مراحل زنجیره تأمین و حداقل پنج سال سابقه کاری باشند. شیوه نمونه‌گیری در هر دو مرحله، قضاوتی و گلوله‌برفی است.

مرحله اول:

در این مرحله، مصاحبه‌ها تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت. بدین صورت که مصاحبه‌ها در نفر دهم به اشباع رسید و دیدگاهی جدیدی حاصل نشد اما جهت اطمینان تا نفر سیزدهم ادامه یافت و پس از حصول از عدم دستیابی به دیدگاه جدید، نمونه‌گیری خاتمه یافت. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته است. برای طراحی پروتکل مصاحبه بعد از مرور ادبیات،

براساس مراحل قبلی و بعدی (ساختار زنجیره تأمین) سؤالات طراحی شد و از هر لایه درخصوص لایه‌های قبلی و بعدی نیز سؤال به عمل آمد تا تصویر درستی از زنجیره تأمین ایجاد شود. پروتکل مصاحبه به صورت زیر است:

پروتکل سؤالات مصاحبه

- درخصوص شرکت و فعالیت‌های آن توضیح دهید (فعالیت‌های اصلی و فرعی شرکت، تعداد کارکنان، حوزه فعالیت از لحاظ مکانی و جغرافیایی)
- آیا شرکت خود را یک شرکت موفق می‌دانید؟ چرا؟ معیارهای شما چیست؟
- به نظرتان می‌توانید بهتر عمل کنید؟ چگونه؟ چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌کنید؟
- به نظر شما توانمندی‌ها و مهارت‌های لازم برای عملکرد هرچه بهتر زنجیره تأمین تولید فرش ماشینی چه مواردی می‌تواند باشد؟ آیا فقدان مهارت یا مهارت‌هایی را در مراحل مختلف زنجیره تأمین مربوطه احساس می‌کنید؟ نام ببرید؟
- مراحل قبل از خود در زنجیره تأمین مورد نظر را نام ببرید و در حد امکان و دانش و اطلاعات خود وظایف آن‌ها را شرح دهید. به نظر شما چه ضعف‌هایی دارند؟ نقاط قوتشان چیست؟
- برای بهتر شدن عملکردشان و همین‌طور کمک به بهتر شدن عملکرد واحد خودتان چه توصیه‌هایی دارید؟ به نظر شما باید مجهز به چه ویژگی‌ها و توانمندی‌هایی شوند که بهتر عمل کنند؟
- مراحل بعد از خود در زنجیره تأمین مورد نظر تا رسیدن کالا به دست مشتری را نام ببرید و در حد امکان و دانش و اطلاعات خود وظایف آن‌ها را شرح دهید. به نظر شما چه نقاط ضعف و قوتی دارند؟ برای بهتر شدن عملکردشان چه توصیه‌هایی دارید؟ به نظر شما باید مجهز به چه ویژگی‌ها و توانمندی‌هایی شوند که بهتر عمل کنند؟
- واحد شما در چه مرحله‌ای از زنجیره تأمین تولید فرش ماشینی قرار دارد؟ وظایف مربوط به این مرحله را شرح دهید. آیا توانمندی‌ها و ویژگی‌های خاصی برای انجام وظایفتان مورد نیاز است؟ لطف توضیح دهید. درخصوص نقاط قوت و ضعفتان برایمان بگویید.
- چه ویژگی‌ها و توانمندی‌های دیگری برای انجام هرچه بهتر این وظایف و کمک به مراحل بعدی زنجیره تأمین لازم است؟



- آیا درزمینه جست‌وجو و یافتن مشتریان و بازارهای جدید و همچنین تأمین نیازهای جدید مشتریان توانایی خاصی در خود، همکاران قبل و همکاران بعد از خود می‌بیند که منجر به عملکرد خوب شده باشد؟ مشتریانان چه کسانی هستند؟ داخلی یا خارجی؟ در مورد بازارهای هدفان توضیح دهید. درخصوص یافتن بازارهای جدید و مشتریان جدید چگونه عمل می‌کنید؟ آیا یافتن مشتریان و بازارهای جدید از اهدافان است؟
- در مورد تأمین‌کنندگان خود بگویید. آیا تا به حال به فکر تغییر و یافتن تأمین‌کننده جدید بوده‌اید؟ به چه صورت بوده است؟ و اگر اتفاق افتاده یا می‌خواهید انجام دهید به چه صورت بوده یا خواهد بود؟
- پیگیری طرح‌های جدید و نیازهای جدید مشتریان در شرکت شما چگونه است؟ آیا به این موارد توجه می‌شود؟
- اهداف آینده شرکت را برایمان توضیح دهید؟
- آیا درزمینه همکاری، تعامل با مراحل دیگر توانایی خاصی در خود، همکاران قبل و همکاران بعد از خود می‌بیند که منجر به عملکرد خوب شده باشد؟
- آیا درزمینه تصمیم‌گیری‌های مختلف توانایی خاصی در خود، همکاران قبل و همکاران بعد از خود می‌بیند که منجر به عملکرد خوب شده باشد؟ درخصوص تصمیم‌گیری‌های اصلی شرکتان برایمان توضیح دهید؟ فرایند تصمیم‌گیری درخصوص فعالیت‌های مختلف در شرکت و همین‌طور واحد شما چگونه است؟
- آیا تا به حال فعالیتی بدون داشتن اطلاعات کامل و با ریسک بالا انجام داده‌اید؟
- آیا درزمینه هدایت، کنترل و مدیریت منابع مختلف توانایی خاصی در خود، همکاران قبل و همکاران بعد از خود می‌بیند که منجر به عملکرد خوب شده باشد؟
- موارد لازم درخصوص هدایت، کنترل و مدیریت و آموزش منابع مختلف انسانی و غیرانسانی مربوط به شرکت خود را توضیح دهید؟ ویژگی‌های خاص خود و مراحل قبل و بعد خود در این زمینه را عنوان کنید. چگونه بهتر می‌شود؟
- آیا درزمینه برنامه‌ریزی و تعیین اهداف و پیگیری آن‌ها توانایی خاصی در خود، همکاران قبل و همکاران بعد از خود می‌بیند که منجر به عملکرد خوب شده باشد؟ درخصوص برنامه‌ریزی و تعیین اهداف شرکت و پیگیری و نیل به آن‌ها چه توانایی‌ها و ضعف‌هایی

در واحد شما و واحدهای قبل و بعد شما وجود دارد؟ چگونه این وظایف بهتر انجام می‌شود؟

برای ارزیابی استحکام یافته‌های تحقیق از روش‌های زیر استفاده شده است:

- سه‌سوسازی در گردآوری داده‌ها: مصاحبه‌گر علاوه بر مصاحبه، از مشاهدات میدانی و اسناد موجود در شرکت نیز در راستای تکمیل اطلاعات استفاده نمود.
- بررسی گزارش‌ها توسط خبرگان: مصاحبه‌ها علاوه بر محقق توسط یک استاد دانشگاهی به‌صورت مجزا کدگذاری و بازبینی شد. در این مرحله برای محاسبه توافقی درون موضوعی از رابطه ۱ استفاده شد. اگر حداقل ۷۰ درصد توافقی وجود داشته باشد، آنگاه قابل قبول است (Glaser, 2002):

$$\text{(رابطه ۱)} \quad \text{درصد توافقی درون موضوعی} = \frac{\text{تعداد توافقی‌ها} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}}$$

- بر این اساس تعداد کل کدها در ۴ مصاحبه کدگذاری شده برابر با ۱۶ و تعداد توافقی‌ها ۷ عدد بود و درصد توافقی برابر با ۸۷ محاسبه شد.
- سنجش اعتبار درونی: در این پژوهش تطبیق مفاهیم حاصل شده با شاخص‌های موجود در پیشینه انجام شده و نتایج با مطالعات پیشین مقایسه شده است.
- پایگاه داده‌های پژوهش (تکرار نتیجه‌گیری): پایگاه داده‌های این پژوهش شامل مستندات مرحله گردآوری داده‌ها در هر مورد است که همان متن مصاحبه‌ها را شامل می‌شود. در این پژوهش برای افزایش پایایی، مصاحبه‌های ضبط شده با در نظر گرفتن تمام جزئیات و داده‌های قابل درک در زمان مصاحبه به شکل مکتوب درآمد.

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد. به این صورت که پس از بررسی و بازخوانی مکرر یادداشت‌ها و یافته‌ها، نکات و مفاهیم معنادار در راستای شایستگی‌های کارآفرینانه بررسی و علامت‌گذاری می‌شود و کدهای اولیه‌ای از بین آن‌ها استخراج می‌شوند. با این کار، داده‌های موجود ساده‌سازی و در قالب دسته‌های کلی‌تری دسته‌بندی می‌گردد. در ادامه، کدهای مختلف در قالب دسته‌های کلی‌تر و در اصطلاح در قالب تم‌ها و مضامین مختلف دسته‌بندی می‌شود. این کار تا زمانی که نقشه تم رضایت‌بخش حاصل شود، ادامه می‌یابد. درنهایت، تم‌های ارائه شده مورد بازبینی مجدد قرار می‌گیرد و ماهیت چیزی که تم در مورد آن بحث می‌کند، مشخص می‌شود و تم‌ها نام‌گذاری می‌گردد.



مرحله دوم تحقیق: در این مرحله به منظور طراحی مدل ساختاری تفسیری، پرسشنامه‌ای محقق ساخته بر مبنای یافته‌های مرحله قبل طراحی و جهت بررسی روایی در اختیار اساتید دانشگاهی قرار داده شد و تأیید آن‌ها گرفته شد. این پرسش‌نامه بر مبنای مقایسه زوجی شایستگی‌های کارآفرینانه طراحی شد. این پرسش‌نامه به صورت یک جدول است که شایستگی‌ها در سطرها و در ستون‌ها قرار می‌گیرند. پر کردن نیمه بالایی جدول کافی است؛ بدین صورت که افراد تأثیر متغیر موجود در سطر و متغیر موجود در ستون بررسی می‌کردند. اگر رابطه‌ای باهم نداشته باشند نماد O، اگر متغیر سطر روی متغیر ستون اثر داشته باشد نماد V، اگر متغیر ستون روی سطر اثرگذار باشد نماد A و اگر هر دو روی هم اثر داشته باشند نماد X به کار می‌رود. حجم نمونه بر مبنای دیدگاه رضایی‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) برابر با ۱۰ نفر تعیین گردید. قبل از تکمیل پرسش‌نامه، توضیحاتی در زمینه تکمیل آن به پاسخ‌دهندگان داده شد و پس از اطمینان از درک درست پاسخ‌گویان، پرسش‌نامه جهت تکمیل به آن‌ها تحویل داده شد. به منظور ارزیابی پایایی یافته‌ها حداقل ۶۰ درصد خبرگان باید روی عدد اعلامی برای هر رابطه اتفاق نظر داشته باشند. برای ترسیم مدل از رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری استفاده شد که دارای پنج گام به شرح زیر است:

گام اول: تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری: این ماتریس به ابعاد عناصر است که با استفاده از نظر خبرگان و براساس روابط زیر به وجود آمده است:

$V$ : عامل  $i$  منجر به عامل  $j$  شود،  $A$ : عامل  $j$  منجر به عامل  $i$  شود،  $X$ : رابطه دوطرفه است،  $O$ : رابطه‌ای وجود ندارد.

گام دوم: تشکیل ماتریس دستیابی اولیه: با تبدیل نمادهای روابط ماتریس خودتعاملی ساختاری به اعداد صفر و یک، ماتریس دستیابی اولیه تشکیل شده است.

گام سوم: تشکیل ماتریس دسترسی نهایی: با دخیل نمودن انتقال‌پذیری در روابط متغیرها ماتریس دستیابی نهایی شکل گرفته است. نحوه انجام کار بدین ترتیب است که اگر درایه‌های  $(i, j)$  و  $(j, k)$  یک باشند، در درایه  $i, k$  نیز یک قرار داده می‌شود.

گام چهارم: سطح‌بندی عوامل: عوامل شناسایی شده با استفاده از مجموعه خروجی (مجموعه‌ای از متغیرها که از متغیر مورد نظر اثر می‌پذیرند)، ورودی (مجموعه‌ای از متغیرها که روی متغیر مورد نظر اثر می‌گذارند) و مشترک (اشتراک دو مجموعه قبلی) سطح‌بندی شده است. در این گام، اگر اشتراک دو مجموعه خروجی و ورودی برابر با مجموعه خروجی باشد، متغیر مورد نظر در سطح



فعلی قرار می‌گیرد و از محاسبات بعدی حذف می‌شود. محاسبات سطح بعدی نیز با این روند ادامه می‌یابد.

گام پنجم: ترسیم مدل ساختاری: با توجه به سطح‌بندی عوامل در گام چهارم، مدل مفهومی پژوهش ترسیم شده است.

### ۳. یافته‌ها

در این بخش ابتدا واحدهای فکری از مصاحبه‌ها استخراج و کدگذاری گردیده و مقوله‌بندی آن‌ها ارائه شده است. مصاحبه‌ها با سیزده نفر از خبرگان صنعت فرش ماشینی در کاشان انجام شده است (مصاحبه‌ها در نفر دهم به اشباع رسید اما تا نفر سیزدهم ادامه یافت). جدول ۳ بیانگر آمار توصیفی مصاحبه‌شوندگان است:

جدول ۳: آمار توصیفی مصاحبه‌شوندگان

| کد | سمت/واحد                    | تحصیلات                      | سابقه | کد  | سمت/واحد                | تحصیلات                 | سابقه |
|----|-----------------------------|------------------------------|-------|-----|-------------------------|-------------------------|-------|
| X1 | مدیر کنترل کیفیت            | ارشد نساجی                   | ۱۵    | X8  | مشاور سرمایه‌گذاری      | کارشناسی                | ۳۱    |
| X2 | مدیر تولید                  | لیسانس مدیریت صنعتی و مکانیک | ۱۹    | X9  | مدیر تولید/واحد بافت    | ارشد نساجی              | ۱۱    |
| X3 | مدیر تولید                  | لیسانس نساجی                 | ۱۶    | X10 | مدیر تولید/مدیر سالن    | کارشناسی نساجی          | ۱۴    |
| X4 | مدیر تولید                  | کارشناسی نساجی و مدیریت      | ۸     | X11 | مدیر داخلی/واحد ریسندگی | کارشناسی نساجی          | ۱۳    |
| X5 | مدیر تولید                  | کارشناسی مدیریت صنعتی        | ۱۳    | X12 | مدیر تولید              | کارشناسی نساجی          | ۱۶    |
| X6 | مدیر تولید/مدیر کنترل کیفیت | ارشد مدیریت                  | ۲۴    | X13 | مدیر تولید              | کارشناسی نساجی و مدیریت | ۷     |
| X7 | مدیر تولید                  | ارشد مدیریت                  | ۸     |     |                         |                         |       |

جدول ۴ نمونه‌ای از کدگذاری‌های انجام‌شده را نشان می‌دهد.



طراحی مدل شایستگی‌های کارآفرینانه زنجیره تأمین صنعت فرش...، پوریا منصوری و همکاران

جدول ۴: نمونه‌ای از روند تحلیل و کدگذاری اولیه (کدگذاری باز)

| کد مورد | عبارت اصلی                                                                                                                                                            | عبارت خلاصه‌شده                                  | مضمون اولیه                                                                                                           |
|---------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| X3      | - در تمام مراحل زنجیره ما برنامه توسعه رو دنبال می‌کنیم و گسترش و پیشرفت بیشتر در همه زمینه‌ها رو مد نظر داریم.                                                       | - دنبال کردن برنامه                              | ۱. داشتن برنامه توسعه<br>۲. برنامه پذیرش الزامات جدید و توانایی تغییر<br>۳. همسوسازی راهبردهای رقابتی شرکت‌های زنجیره |
| X7      | شرکت‌های یک زنجیره تأمین موفق به دنبال راهبردهای هم‌جهت هستند.                                                                                                        |                                                  |                                                                                                                       |
| X10     | استراتژی‌های کلان سالیانه شرکت‌ها و واحدهای موجود در زنجیره تأمین ما با مشورت و پرسش از هم دیگر تنظیم می‌شود.                                                         |                                                  |                                                                                                                       |
| X5      | از پارامترهای نیازهای کارکنان گرفته تا بحث مشتری و محصول همه و همه با مشورت و جلسه‌های گوناگون بررسی می‌شه.                                                           |                                                  |                                                                                                                       |
| X12     | - تا به حال بسیار پیشرفت داشته‌ایم و روز به روز در تمام مراحل زنجیره در حال گسترش اهداف خود هستیم.<br>- همواره سعی داریم با تغییرات خودمون رو وفق بدیم.               |                                                  |                                                                                                                       |
| X10     | ما در طول زنجیره خود خیلی هزینه کردیم و همین‌طور خیلی مطالعه و بررسی کردیم و تغییرات ایجاد کردیم تا تونستیم وارد بازارهای جهانی بشیم.                                 | توسعه در تمام مراحل زنجیره - تلاش برای           | سرمایه‌گذاری در بازارهای خارجی                                                                                        |
| X12     | یک طرح رو تولید کردیم و به مشتری عمده فروشمون دادیم ولی فروش چندانی نداشت و ما تولید اون طرح و تولید مواد اولی در مراحل دیگر برای اون طرح رو متوقف کردیم.             | همسوسازی برنامه‌ها                               | پذیرش اشتباهات یا ریسک‌پذیری                                                                                          |
| X3      | - گاهی شده محصولاتی رو به بازار ارائه دادیم که از جواب دانش مطمئن نبودیم و در اندک مواردی هم جواب نگرفتیم.                                                            |                                                  |                                                                                                                       |
| X8      | ما باید هم در واحد بازاریابی و فروش و هم در واحدهای تولید و تکمیل‌مون انقدر قوی باشیم و یا تنوع داشته باشیم که خواسته مشتری رو با رضایت تغییر بدیم.                   |                                                  |                                                                                                                       |
| X2      | - اگر حتی طرحی که مشتری می‌خواد رو برامون هزینه‌بر باشه و نتونیم بزنین، حتماً مشتری رو با بهترین مشاوره و معرفی طرح‌های مشابه بهشون در انتخاب محصولاتمون کمک می‌کنیم. |                                                  |                                                                                                                       |
|         |                                                                                                                                                                       | تغییر نیاز مشتری / مدیریت نیازهای مشتری در بازار |                                                                                                                       |

مطابق جدول ۴ با بررسی متون مصاحبه، مضامین استخراج گردید. در مرحله بعد، دسته‌های شبیه و هم مفهوم ادغام و مقوله‌های نهایی استخراج می‌گردد. با انجام این امر امکان مقایسه با ادبیات موجود در زمینه شایستگی‌های کارآفرینانه زنجیره تأمین و مشخص کردن مشارکت تحقیق ایجاد می‌گردد. از ۵۱ مقوله مربوط به کدگذاری باز، تعداد ۱۸ مقوله اصلی استخراج شده که در جدول ۵ قابل مشاهده است.



جدول ۵: روند کدگذاری نهایی

| مقوله‌های اصلی                                                        | فراوانی | مفاهیم اولیه                                                      |
|-----------------------------------------------------------------------|---------|-------------------------------------------------------------------|
| شایستگی استراتژیک                                                     | ۶       | داشتن برنامه توسعه                                                |
|                                                                       |         | توجه به منافع شرکت‌های همکار                                      |
|                                                                       |         | انعطاف‌پذیری در برنامه                                            |
|                                                                       |         | همسوسازی راهبردهای رقابتی شرکت‌ها                                 |
|                                                                       |         | برنامه پذیرش الزامات جدید و توانایی تغییر                         |
| شایستگی استفاده از فناوری روز                                         | ۸       | استقبال از نوآوری و فناوری                                        |
|                                                                       |         | توجه به شیوه‌های جدید تولید                                       |
|                                                                       |         | استفاده از دستگاه‌های جدید                                        |
| شایستگی ارتباطی بین مراحل                                             | ۹       | همکاری بین مراحل زنجیره                                           |
|                                                                       |         | ارتباطات خوب سطوح مدیریتی در مراحل زنجیره                         |
|                                                                       |         | ارسال گزارش‌ها مراحل برای هم                                      |
|                                                                       |         | ارتباط بین اعضای زنجیره                                           |
| شایستگی فروش و بازاریابی                                              | ۸       | روش‌های مؤثر فروش                                                 |
|                                                                       |         | حضور در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی و عرضه محصولات و تبلیغات مختلف |
|                                                                       |         | نوآوری در فروش و بازاریابی                                        |
|                                                                       |         | فروش و بازاریابی کارآمد                                           |
| شایستگی آموزش و یادگیری                                               | ۴       | آموزش نیروی کار                                                   |
|                                                                       |         | داشتن تجربه و دانش کافی                                           |
|                                                                       |         | جذب دانش از بیرون                                                 |
| شایستگی مدیریت نیروی کار                                              | ۵       | توجه به بهداشت حرفه‌ای و ایمنی نیروی کار                          |
|                                                                       |         | روابط خوب بین مدیران و نیروی کار                                  |
|                                                                       |         | توجه به نیازهای نیروی کار                                         |
|                                                                       |         | برخورد خوب با نیروی کار                                           |
| شایستگی فرصت‌شناسی (شناسایی و سرمایه‌گذاری در بازارهای داخلی و خارجی) | ۶       | توجه به بازارهای داخلی                                            |
|                                                                       |         | توجه به بازارهای خارجی                                            |
|                                                                       |         | سرمایه‌گذاری در بازارهای خارجی                                    |
|                                                                       |         | نگاه به بازارهای خارجی                                            |
|                                                                       |         | بازدید از نمایشگاه‌های داخلی و خارجی                              |
|                                                                       |         | رصد بازارهای داخلی و بین‌المللی                                   |



طراحی مدل شایستگی‌های کارآفرینانه زنجیره تأمین صنعت فرش...، پوریا منصوری و همکاران

10.22052/KASHAN.2025.253173.1085

| مقوله‌های اصلی                           | فراوانی | مفاهیم اولیه                                                 |
|------------------------------------------|---------|--------------------------------------------------------------|
| شایستگی مدیریت نیاز مشتری                | ۷       | توجه به نیازهای مشتری و برطرف کردن آن                        |
|                                          |         | سیستم نظرخواهی و گرفتن پیشنهادات از مشتری                    |
|                                          |         | ارتباط مؤثر و ممتد با مشتری                                  |
|                                          |         | تغییر نیاز مشتری                                             |
| شایستگی ایجاد فضای روانی مناسب           | ۶       | صمیمیت کاری                                                  |
|                                          |         | شادابی محیط کار                                              |
|                                          |         | ایجاد روابط غیررسمی مناسب                                    |
| شایستگی تصمیم‌گیری مشارکتی               | ۸       | خرید مشارکتی مواد اولیه با شرکت‌های زنجیره                   |
|                                          |         | مشارکت مدیران و نیروی کار در تصمیم‌گیری در تمام مراحل زنجیره |
| شایستگی مدیریت محصول                     | ۹       | تمرکز بر کیفیت محصول                                         |
|                                          |         | تمرکز بر تنوع محصول                                          |
|                                          |         | رعایت اصول بسته‌بندی محصول                                   |
|                                          |         | تمرکز نوآوری محصول                                           |
| شایستگی رعایت اصول تحقیق و توسعه (R & D) | ۸       | سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق و توسعه                            |
|                                          |         | بررسی طرح‌ها و برنامه‌های جدید                               |
|                                          |         | رصد عرضه و تقاضای بازار                                      |
|                                          |         | اطلاع و بازدید از نمایشگاه‌ها و محصولات رقبا                 |
|                                          |         | به‌روز کردن فرایندها براساس نیاز بازار                       |
|                                          |         | بررسی و رصد روند حرکتی بازار                                 |
|                                          |         | رصد رقبا                                                     |
| شایستگی رعایت اصول برون‌سپاری            | ۶       | تأمین‌کننده مورد اعتماد                                      |
|                                          |         | انتخاب شرکت‌های قبل و بعد مورد اعتماد                        |
|                                          |         | برون‌سپاری به شرکت‌های مورد اطمینان بیرونی                   |
| شایستگی مدیریت ریسک                      | ۵       | پذیرش ریسک ورود به طرح‌های نوین                              |
|                                          |         | توانایی پذیرش ریسک                                           |
|                                          |         | پذیرش اشتباهات                                               |
| شایستگی مدیریت نوین زنجیره تأمین         | ۵       | مدیریت یکسان در چند مرحله از زنجیره                          |
|                                          |         | شکسته نشدن مالکیت                                            |
|                                          |         | کنترل مراحل مختلف زنجیره                                     |
|                                          |         | توجه به مباحث نوین مدیریتی در زنجیره تأمین                   |
| شایستگی تولید در سطح جهانی               | ۸       | انطباق با استانداردهای جهانی تولید                           |
|                                          |         | توجه به استانداردهای جهانی محیط‌زیست                         |

| مقوله‌های اصلی      | فراوانی | مفاهیم اولیه                     |
|---------------------|---------|----------------------------------|
| شایستگی توزیع       | ۸       | توجه به توزیع و حمل و نقل مناسب  |
|                     |         | تعهد و سرعت در بخش توزیع         |
| شایستگی بازگشت مؤثر | ۸       | ایجاد کانالی برای کالاهای مرجوعی |
|                     |         | همکاری با مشتری جهت تعویض محصول  |

به منظور ترسیم مدل شایستگی‌های کارآفرینانه زنجیره تأمین صنعت فرش ماشینی با استفاده از شایستگی‌های استخراج شده از مرحله قبل، ابتدا ماتریس خودتعاملی ساختاری تهیه و توسط خبرگان مقایسه‌ها انجام شده است.

جدول ۶: ماتریس خودتعاملی ساختاری

| C18 | C17 | C16 | C15 | C14 | C13 | C12 | C11 | C10 | C9 | C8 | C7 | C6 | C5 | C4 | C3 | C2 | C1 |     |
|-----|-----|-----|-----|-----|-----|-----|-----|-----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|-----|
| V   | V   | V   | V   | V   | X   | O   | O   | X   | O  | X  | A  | V  | X  | X  | O  | V  |    | C1  |
| O   | V   | O   | O   | X   | O   | O   | X   | O   | V  | V  | X  | A  | X  | X  | X  |    |    | C2  |
| V   | X   | O   | X   | V   | O   | X   | O   | X   | O  | O  | V  | X  | X  | V  |    |    |    | C3  |
| A   | O   | O   | V   | O   | O   | X   | X   | A   | O  | A  | X  | A  | A  |    |    |    |    | C4  |
| O   | V   | X   | O   | O   | X   | X   | O   | X   | A  | A  | x  | x  |    |    |    |    |    | C5  |
| O   | O   | O   | X   | O   | O   | V   | V   | X   | X  | V  | V  |    |    |    |    |    |    | C6  |
| A   | O   | O   | X   | X   | X   | O   | O   | A   | A  | X  |    |    |    |    |    |    |    | C7  |
| X   | X   | X   | A   | O   | X   | X   | X   | A   | A  |    |    |    |    |    |    |    |    | C8  |
| O   | O   | O   | A   | O   | X   | V   | V   | X   |    |    |    |    |    |    |    |    |    | C9  |
| A   | O   | V   | A   | O   | O   | X   | V   |     |    |    |    |    |    |    |    |    |    | C10 |
| A   | O   | X   | A   | X   | X   | A   |     |     |    |    |    |    |    |    |    |    |    | C11 |
| O   | O   | X   | X   | X   | O   |     |     |     |    |    |    |    |    |    |    |    |    | C12 |
| O   | V   | X   | O   | O   |     |     |     |     |    |    |    |    |    |    |    |    |    | C13 |
| A   | O   | X   | A   |     |     |     |     |     |    |    |    |    |    |    |    |    |    | C14 |
| V   | V   | V   |     |     |     |     |     |     |    |    |    |    |    |    |    |    |    | C15 |
| A   | O   |     |     |     |     |     |     |     |    |    |    |    |    |    |    |    |    | C16 |
| X   |     |     |     |     |     |     |     |     |    |    |    |    |    |    |    |    |    | C17 |
|     |     |     |     |     |     |     |     |     |    |    |    |    |    |    |    |    |    | C18 |

در گام دوم، با تبدیل نمادهای روابط ماتریس خودتعاملی ساختاری به اعداد صفر و یک، ماتریس دستیابی اولیه به دست آمد. در گام سوم، با دخیل نمودن انتقال‌پذیری در روابط متغیرها، ماتریس دستیابی



نهایی شکل گرفت. نحوه انجام کار بدین ترتیب بوده است که در صورتی که درایه‌های  $(i,j)$  و  $(j,k)$  یک باشند، درایه  $i,k$  نیز یک قرار داده می‌شود.

جدول ۷: ماتریس دستیابی سازگار شده

| قدرت<br>نفوذ | C18 | C17 | C16 | C15 | C14 | C13 | C12 | C11 | C10 | C9 | C8 | C7 | C6 | C5 | C4 | C3 | C2 | C1 |                 |
|--------------|-----|-----|-----|-----|-----|-----|-----|-----|-----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|-----------------|
| ۱۸           | ۱   | ۱   | ۱   | ۱   | ۱   | ۱   | ۱*  | ۱*  | ۱   | ۱* | ۱  | ۱* | ۱  | ۱  | ۱  | ۱* | ۱  | ۱  | C1              |
| ۱۸           | ۱*  | ۱   | ۱*  | ۱*  | ۱   | ۱*  | ۱*  | ۱   | ۱*  | ۱  | ۱  | ۱  | ۱* | ۱  | ۱  | ۱  | ۱  | ۱* | C2              |
| ۱۸           | ۱   | ۱   | ۱*  | ۱   | ۱   | ۱*  | ۱   | ۱*  | ۱   | ۱* | ۱* | ۱  | ۱  | ۱  | ۱  | ۱  | ۱  | ۱* | C3              |
| ۱۸           | ۱*  | ۱*  | ۱*  | ۱   | ۱*  | ۱*  | ۱   | ۱   | ۱*  | ۱* | ۱* | ۱  | ۱* | ۱* | ۱  | ۱* | ۱  | ۱  | C4              |
| ۱۸           | ۱*  | ۱   | ۱   | ۱*  | ۱*  | ۱   | ۱   | ۱*  | ۱   | ۱* | ۱* | ۱  | ۱  | ۱  | ۱  | ۱  | ۱  | ۱* | C5              |
| ۱۸           | ۱*  | ۱*  | ۱*  | ۱   | ۱*  | ۱*  | ۱   | ۱   | ۱   | ۱  | ۱  | ۱  | ۱  | ۱  | ۱  | ۱  | ۱  | ۱* | C6              |
| ۱۸           | ۱*  | ۱*  | ۱*  | ۱   | ۱   | ۱   | ۱*  | ۱*  | ۱*  | ۱* | ۱  | ۱  | ۱* | ۱  | ۱  | ۱* | ۱  | ۱  | C7              |
| ۱۸           | ۱   | ۱   | ۱   | ۱*  | ۱*  | ۱   | ۱   | ۱   | ۱*  | ۱* | ۱  | ۱  | ۱* | ۱  | ۱  | ۱* | ۱* | ۱  | C8              |
| ۱۸           | ۱*  | ۱*  | ۱*  | ۱*  | ۱*  | ۱   | ۱   | ۱   | ۱   | ۱  | ۱  | ۱  | ۱  | ۱  | ۱* | ۱* | ۱* | ۱* | C9              |
| ۱۸           | ۱*  | ۱*  | ۱   | ۱*  | ۱*  | ۱*  | ۱   | ۱   | ۱   | ۱  | ۱  | ۱  | ۱  | ۱  | ۱  | ۱  | ۱* | ۱  | C10             |
| ۱۶           | ۱*  | ۱*  | ۱   | ۱*  | ۱   | ۱   | ۱*  | ۱   | ۰   | ۱* | ۱  | ۱* | ۰  | ۱* | ۱  | ۱* | ۱  | ۱* | C11             |
| ۱۸           | ۱*  | ۱*  | ۱   | ۱   | ۱   | ۱*  | ۱   | ۱   | ۱   | ۱* | ۱  | ۱* | ۱* | ۱  | ۱  | ۱  | ۱* | ۱* | C12             |
| ۱۸           | ۱*  | ۱   | ۱   | ۱*  | ۱*  | ۱   | ۱*  | ۱   | ۱*  | ۱  | ۱  | ۱  | ۱* | ۱  | ۱* | ۱* | ۱* | ۱  | C13             |
| ۱۶           | ۰   | ۱*  | ۱   | ۱*  | ۱   | ۱*  | ۱   | ۱   | ۱*  | ۱* | ۱* | ۱  | ۰  | ۱* | ۱* | ۱* | ۱  | ۱* | C14             |
| ۱۸           | ۱   | ۱   | ۱   | ۱   | ۱   | ۱*  | ۱   | ۱   | ۱   | ۱  | ۱  | ۱  | ۱  | ۱* | ۱* | ۱  | ۱* | ۱* | C15             |
| ۱۸           | ۱*  | ۱*  | ۱   | ۱*  | ۱   | ۱   | ۱   | ۱   | ۱*  | ۱* | ۱  | ۱* | ۱* | ۱  | ۱* | ۱* | ۱* | ۱* | C16             |
| ۱۷           | ۱   | ۱   | ۱*  | ۱*  | ۱*  | ۱*  | ۱*  | ۱*  | ۱*  | ۰  | ۱  | ۱* | ۱* | ۱* | ۱* | ۱  | ۱* | ۱* | C17             |
| ۱۸           | ۱   | ۱   | ۱   | ۱*  | ۱   | ۱*  | ۱*  | ۱   | ۱   | ۱* | ۱  | ۱  | ۱* | ۱* | ۱  | ۱* | ۱* | ۱* | C18             |
|              | ۱۷  | ۱۸  | ۱۸  | ۱۸  | ۱۸  | ۱۸  | ۱۸  | ۱۸  | ۱۷  | ۱۷ | ۱۸ | ۱۸ | ۱۶ | ۱۸ | ۱۸ | ۱۸ | ۱۸ | ۱۸ | قدرت<br>وابستگی |

در گام چهارم، شایستگی‌های شناسایی شده با استفاده از مجموعه خروجی، ورودی و مشترک سطح بندی گردید. بدین صورت که اگر اشتراک مجموعه خروجی و ورودی (مجموعه مشترک) برابر با مجموعه خروجی باشد، عامل مربوطه در سطح فعلی قرار می‌گیرد و از محاسبات بعدی حذف می‌شود.

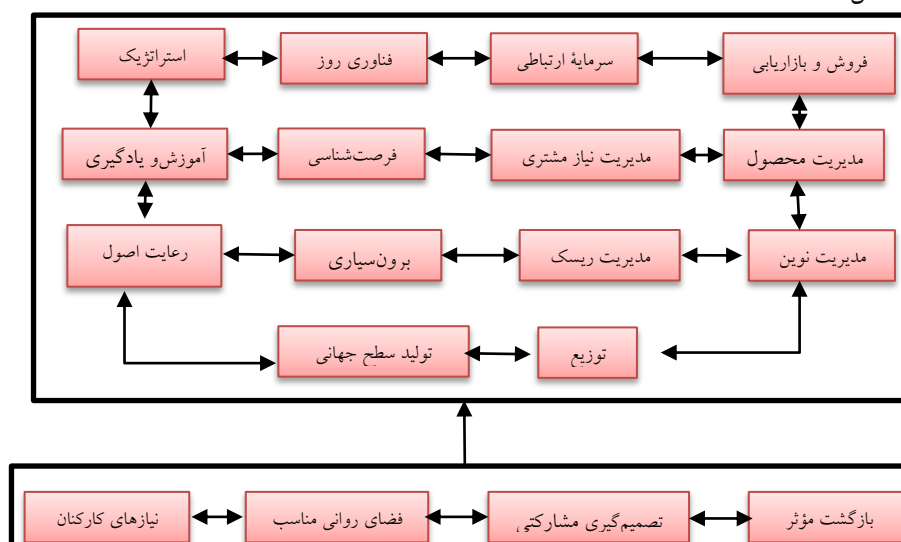
[illegible]



| سطح | اشتراک                                       | ورودی                                        | خروجی                                        | معیار                                        |
|-----|----------------------------------------------|----------------------------------------------|----------------------------------------------|----------------------------------------------|
|     | ۴,۱۵,۱۶,۱۷,۱۸                                | ۴,۱۵,۱۶,۱۷,۱۸                                | ۴,۱۵,۱۶,۱۷,۱۸                                |                                              |
| ۱   | ۱,۲,۳,۴,۵,۶,۷,۸,۹,۱۰,۱۱,۱۲,۱۳,۱۴,۱۵,۱۶,۱۷,۱۸ | ۱,۲,۳,۴,۵,۶,۷,۸,۹,۱۰,۱۱,۱۲,۱۳,۱۴,۱۵,۱۶,۱۷,۱۸ | ۱,۲,۳,۴,۵,۶,۷,۸,۹,۱۰,۱۱,۱۲,۱۳,۱۴,۱۵,۱۶,۱۷,۱۸ | ۱,۲,۳,۴,۵,۶,۷,۸,۹,۱۰,۱۱,۱۲,۱۳,۱۴,۱۵,۱۶,۱۷,۱۸ |
| ۱   | ۱,۲,۳,۴,۵,۶,۷,۸,۹,۱۰,۱۱,۱۲,۱۳,۱۴,۱۵,۱۶,۱۷,۱۸ | ۱,۲,۳,۴,۵,۶,۷,۸,۹,۱۰,۱۱,۱۲,۱۳,۱۴,۱۵,۱۶,۱۷,۱۸ | ۱,۲,۳,۴,۵,۶,۷,۸,۹,۱۰,۱۱,۱۲,۱۳,۱۴,۱۵,۱۶,۱۷,۱۸ | ۱,۲,۳,۴,۵,۶,۷,۸,۹,۱۰,۱۱,۱۲,۱۳,۱۴,۱۵,۱۶,۱۷,۱۸ |
| ۲   | ۱,۲,۳,۴,۵,۶,۷,۸,۹,۱۰,۱۱,۱۲,۱۳,۱۴,۱۵,۱۶,۱۷,۱۸ | ۱,۲,۳,۴,۵,۶,۷,۸,۹,۱۰,۱۱,۱۲,۱۳,۱۴,۱۵,۱۶,۱۷,۱۸ | ۱,۲,۳,۴,۵,۶,۷,۸,۹,۱۰,۱۱,۱۲,۱۳,۱۴,۱۵,۱۶,۱۷,۱۸ | ۱,۲,۳,۴,۵,۶,۷,۸,۹,۱۰,۱۱,۱۲,۱۳,۱۴,۱۵,۱۶,۱۷,۱۸ |

10.22052/KASHEAN.2025.435173.10

در گام پنجم، پس از مشخص شدن سطح تمامی عوامل، مدل ساختاری تفسیری آن‌ها رسم و در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱: شبکه تعاملات ISM

با توجه به شکل ۱ مدل پژوهش شامل دو سطح است. در سطح اول، اثرگذارترین متغیرها قرار گرفته‌اند. متغیرهای این سطح دارای بیشترین تأثیرند و متغیرهای طرح دوم از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند؛ در نتیجه مناسب‌ترین متغیرها برای اعمال مداخله به حساب می‌آیند.

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، ۱۸ مقوله از متن مصاحبه‌ها به‌عنوان شایستگی‌های موجود در زنجیره تأمین صنعت فرش ماشینی کاشان استخراج شد که در ادامه به بررسی آن‌ها

براساس ادبیات موضوع پرداخته شده است. همچنین مشخص گردید شایستگی‌ها دارای روابط علی بین خودشان هستند و در دو سطح قابل دسته‌بندی هستند.

- جهت‌گیری نوآورانه: این شایستگی به تعقیب نوآوری در همه مراحل و برنامه‌های شرکت از جمله محصول، تجهیزات و فرایندها و برنامه‌های شرکت‌ها اشاره دارد. می‌توان این شایستگی را هم‌راستا با مقوله‌های «شایستگی مدیریت محصول»، «شایستگی استفاده از فناوری روز» و «شایستگی استراتژیک» دانست.

- خطرپذیری: مقوله مرتبط با این شایستگی، «مدیریت ریسک» است که مدیریت و کنترل ریسک‌های استقبال از نوآوری، سرمایه‌گذاری، استقبال از طرح‌های جدید، استقبال از مواد اولیه و ایاف جدید، ریسک توسعه برنامه‌ها و... را شامل می‌شود.

- جهت‌گیری کنش‌گرایانه: می‌توان گفت این شایستگی با مقوله «رعایت اصول تحقیق و توسعه» هم‌خوانی دارد؛ که مواردی را شامل می‌شود که به‌نوعی اقدامات کنش‌گرایانه در صنعت فرش ماشینی محسوب می‌شوند.

- سرمایه ارتباطی: مقوله‌های «شایستگی ارتباطی بین مراحل»، «رعایت اصول برون‌سپاری» و «مدیریت نیاز مشتری» مرتبط با این شایستگی هستند.

- قابلیت هماهنگی: مقوله‌های «مدیریت نوین زنجیره تأمین» و «تصمیم‌گیری مشارکتی» با این شایستگی مرتبط هستند. مدیریت نوین زنجیره تأمین شامل مدیریت یکسان در چند مرحله از زنجیره، شکسته نشدن مالکیت، کنترل مراحل مختلف زنجیره، توجه به مباحث نوین مدیریتی در شرکت‌های صنعت فرش می‌شود. در واقع تمام مشارکت‌کنندگان در شرکت‌هایی فعالیت داشتند که حداقل دو مرحله از زنجیره تأمین را در خود داشتند که این موضوع خود، هماهنگی بیشتر و کارایی بالاتر را موجب می‌شود. کنترل مراحل مختلف زنجیره نیز کنترل لازم در همه مراحل و واحدها توسط مسئولیت‌های مختلف در رده‌های مختلف را شامل می‌شود که باعث هماهنگی و تبادل روان اطلاعات می‌گردد.

از بین شایستگی‌های استخراج‌شده در پژوهش حاضر، شایستگی‌هایی که در ادبیات به‌عنوان شایستگی در سطح زنجیره عنوان شده بودند، مشخص گردید. مابقی شایستگی‌ها در سطح زنجیره در ادبیات عنوان نشده و جدید هستند. این شایستگی‌ها عبارت‌اند از:

- تولید در سطح جهانی: هر کار تولیدی یا خدماتی باید در چارچوب مشخصی انجام شود که این چارچوب‌ها هم در بحث کیفیت تولید، محصول و همین‌طور سازگاری محصول و تولید



محیط زیست قرار می‌گیرند. این موضوع در بخش صادرات بسیار حساس تر می‌شود و کشورهای مختلف فیلترهای سختی در این خصوص دارند که باید با رعایت تمام استانداردهای تولیدی و زیست محیطی آن‌ها سازگار شد که بتوان از این فیلترها به سلامت گذر کرد و صادرات را رونق داد. این مسئله در صنعت فرش بسیار مهم است و تمام مواد به کاررفته در تولید فرش باید از کیفیت، بهداشت و استاندارد لازم را برخوردار باشد.

- شایستگی مدیریت بازگشت مؤثر: باید امکانی وجود داشته باشد که مشتری به راحتی بتواند کالای معیوب را به شرکت بازگشت دهد و محصول سالم به وی تحویل داده شود. همچنین این امر در کل زنجیره باید وجود داشته باشد و امکان بازگشت محصول و مواد اولیه به مرحله قبلی باشد.

زنجیره تأمین فرش ماشینی با چالش‌ها و اختلالات متعددی روبه‌روست. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، بروز اختلالات، آسیب‌های زیادی به زنجیره تأمین فرش ماشینی زده و باعث شده صادرات آن کاهش یابد. برای مقابله با این مسئله، تقویت شایستگی‌های کارآفرینانه ضرورت دارد. براساس یافته‌های پژوهش به شرکت‌های فرش ماشینی کاشان توصیه می‌شود که اصول تناسب استراتژیک را رعایت کنند. اصول تناسب استراتژیک عبارت‌اند از: ۱. شناسایی عدم قطعیت در زنجیره تأمین؛ ۲. شناسایی آنچه زنجیره می‌تواند ارائه دهد. ۳. دستیابی به تناسب استراتژیک (Chopra & Meindl, 2021). ازسوی دیگر، برای بهبود شایستگی‌های ارتباطی توجه به مدل‌های همکاری و ابعاد آن ضروری است. ابعاد مدل‌های همکاری عبارت‌اند از: اشتراک‌گذاری اطلاعات، تناسب هدف، هماهنگ‌سازی تصمیم، هم‌ترازی انگیزه، به اشتراک‌گذاری منابع، ارتباط مشترک و خلق دانش مشترک (Cao & Zang, 2011)؛ که در هر گام از این مدل باید فضای تعهدآمیز وجود داشته و پایبند به تمام این موارد باشند. در این صورت زنجیره قدم به سمت موفقیت می‌گذارد.

بر طبق میرواحدی و همکاران (۱۳۹۵)، تشخیص فرصت‌های کارآفرینانه در بحث صادرات و فرش و ورود به بازارهای خارجی ضروری هستند. عوامل مؤثر بر شناسایی فرصت‌ها عموماً عبارت‌اند از: دانش پیشین، احساس خودکارآمدی، آموزش و مربیگری جست‌وجوی منظم فرصت‌ها، شبکه ارتباطات اجتماعی، جریان‌های اطلاعاتی، خلاقیت، یادگیری اجتماعی و هوشیاری کارآفرینانه؛ بنابراین شرکت‌های فرش ماشینی باید مؤلفه‌های مؤثر در تشخیص فرصت‌ها در بحث صادرات را در سازمان و زنجیره تأمین خود به کار گیرند.



شرکت‌های موفق در صنعت فرش ماشینی کاشان، شرکت‌هایی بودند که استانداردها و الزامات بین‌المللی رو رعایت کردند. توصیه می‌شود شرکت‌های فرش ماشینی به استانداردها توجه ویژه‌ای داشته باشند و به سمت سبز کردن زنجیره تأمین خود پیش بروند؛ زیرا الزامات زیست‌محیطی از مواردی است که برای مشتریان خارجی و بین‌المللی دارای اهمیت زیادی است و انطباق با ایزو ۱۴۰۰۰ که مربوط به بحث‌های زیست‌محیطی باشد می‌تواند در رشد برند شرکت مفید واقع شود. ازسوی دیگر، مدیریت بازگشت یکی از ارکان مدیریتی مهم در زنجیره تأمین است. در این زمینه توجه به مدیریت زنجیره تأمین حلقه‌بسته، مفاهیم آن و راهکارهای پیاده‌سازی آن ضروری می‌باشد. یکی از مهم‌ترین مواردی که می‌تواند در بهبود شایستگی‌ها کمک نماید، وجود مدیرانی است که دارای ویژگی‌های برتر باشند. در این زمینه جذب افرادی که دارای ویژگی‌هایی مانند تمایل به یادگیری، باز بودن، تفکر تحلیل و انتقادی، خطرپذیری و... هستند می‌تواند راهگشا باشد. بهبود سیستم مدیریت منابع انسانی به‌منظور تحلیل فضای روانی کار و نیازهای کارکنان اهمیت بسیار زیادی برای موفقیت زنجیره تأمین فرش ماشینی کاشان خواهد داشت. تناسب افراد با شرح شغل، وجود برنامه‌های مسیر شغلی و بهبود سیستم ارزیابی عملکرد از الزامات اولیه محیط‌های کاری است.

## پی‌نوشت‌ها

1. Djubaedi
2. Ferreras-Garcia
3. Man
4. Tehseen & Ramaya

## منابع

- حقیقی، سعید. (۱۴۰۱). ورود موقت و رفع تعهدات ارزی. باز یافت‌شده در تاریخ ۱۴۰۲/۵/۱ از: <https://ekbatancarpet.com>
- رحمانی، سپیده و نوذری، امیرحسین. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر ابعاد زنجیره تأمین یکپارچه بر شایستگی زنجیره تأمین در صنایع غذایی. *مدل‌ها و تکنیک‌های کمی در مدیریت*، شماره ۲۵، ۲۶-۱.
- رضایی‌زاده، مرتضی، انصاری، محسن و مورفی، ایمون. (۱۳۹۲). *راهنمای کاربردی روش تحقیق: مدیریت تعاملی IM* چ ۱. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.



مزروعی نصرآبادی، اسماعیل. (۱۴۰۲ الف). آینده‌پژوهی اثر موجی در زنجیره تأمین صنعت فرش ماشینی ایران. فصلنامه مدیریت/جراحی، قبل از چاپ.

مزروعی نصرآبادی، اسماعیل. (۱۴۰۲ ب). طراحی مدل تاب‌آوری زنجیره تأمین فرش ماشینی ایران:

رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری فراگیر فازی. بهبود مدیریت، ۱۷(۱)، ۶۲-۸۷. doi:

10.22034/jmi.2023.366326.2849

مزروعی نصرآبادی، اسماعیل، حبیبی راد، امین و شول، عباس. (۱۴۰۲). ارائه مدل عوامل کلیدی

موفقیت برای مقابله با اثر موجی در زنجیره تأمین فرش ماشینی ایران: نگاهی بر همه‌گیری

کرونا. چشم‌انداز مدیریت صنعتی، ۱۳(۱)، ۱۹۹-۲۱۷. doi: 10.52547/jimp.13.1.199

میرواحدی، سید سعید، طغرای، محمدتقی، و سنجریان، زهرا. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر

تشخیص فرصت‌های کارآفرینانه. مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی، ۴(۱)، ۵۳-۷۴.

doi:10.22069/JEAD.2017.11906.1214

هایتاجر. (۱۴۰۰). تولید و میزان صادرات فرش ماشینی. بازیافت‌شده در تاریخ ۱۴۰۱/۷/۱۰ از:

<https://hitajer.com>

Akbar, I., Muzaffar, M., & Cheema, K. R. (2012). Entrepreneurial Supply Chain Management Competence: Performance of Manufacturing Small and Medium Enterprises. *Journal of Leadership & Organizational Studies*, 1(2), DOI:10.2139/ssrn.2386969

Anari, R. Y., & Rezaei, S. F. (2013). Supply Chain Management Competence and Performance: An Entrepreneurial Approach in Iranian IT SMEs. *Interdisciplinary journal of contemporary research in business*, 4(12), 1212-1222.

Arab Momeni, M., & Mostofi, A. A. (2023). Multi-Objective Optimization Model for Designing a Reverse Supply Chain by Proposing a New Robust Representation of Solutions. *Available at SSRN 4438051*.

Ataei, P., Karimi, H., Ghadermarzi, H., & Norouzi, A. (2020). A conceptual model of entrepreneurial competencies and their impacts on rural youth's intention to launch SMEs. *Journal of Rural Studies*, 75, 185-195.

Cao, M., & Zhang, Q. (2011). Supply chain collaboration: Impact on collaborative advantage and firm performance. *Journal of Operations Management*, 29(3), 163-180.

Chopra, S., & Meindl, P. (2021). Supply Chain Management: Strategy, Planning, and Operation. *Prentice Hall*.

Colombo, M. G., & Grilli, L. (2005). Founders' human capital and the growth of new technology-based firms: A competence-based view. *Research Policy*, 34(6), 795-816.

Cousins, P., Lawson, B., & Squire, B. (2006). An empirical taxonomy of purchasing functions. *International Journal of Operations & Production Management*, 26(7), 775-794.

Djubaedi, D., Rohadi, T., & Kodama, Y. (2023). Core entrepreneurial competencies for local content curriculum. *International Journal of Educational Qualitative Quantitative Research*, 2(1), 12-17.



- Dwyer, F., Schurr, P., & Oh, S. (1987). Developing buyer-seller relationships. *Journal of Marketing*, 51, 11-27.
- Ferreras-Garcia, R., Sales-Zaguirre, J., & Serradell-López, E. (2021). Developing entrepreneurial competencies in higher education: a structural model approach. *Education+ Training*.
- Quintana-García, C., & Benavides-Velasco, C. A. (2005). Agglomeration economies and vertical alliances: the route to product innovation in biotechnology firms. *International Journal of Production Research*, 43(22), 4853-4873.
- Giunipero, L., Denslow, D., & Eltantawy, R. (2005). Purchasing/supply chain management flexibility: moving to an entrepreneurial skill set. *Industrial Marketing Management*, 34(6), 602-613.
- Glaser, B. G. (2002). Conceptualization: On theory and theorizing using grounded theory. *International journal of qualitative methods*, 1(2), 23-38.
- Gonzalez-Padron, T., Hult, G., & Calantone, R. (2008). Exploiting innovative opportunities in global purchasing: an assessment of ethical climate and relationship performance. *Industrial Marketing Management*, 37(1), 69-82.
- Hafeez, K. K., Zairi, M., Hanneman, R., & Lenny Koh, S. (2010). E-supply chain operational and behavioural perspectives: an empirical study of Malaysian SMEs. *International Journal of Production Research*, 48(2), 525-569.
- Handfield, R., Petersen, K., Cousins, P., & Lawson, B. (2009). An organizational entrepreneurship model of supply management integration and performance outcomes. *International Journal of Operations and Production Management*, 29(2), 100-126.
- Haque, A. K. M., Waqar, K., & Dehkordi, P. K. H. (2023). The Significance of Digital Transformation in the Supply Chain Management for Facilitating International Businesses: Cases from Emerging Markets.
- Harland, C., Zheng, J., Johnsen, T., & Lamming, R. (2004). A conceptual model for researching the creation and operation of supply networks. *British Journal of Management*, 15, 1-21.
- Hartono, M. S., & Ellitan, L. (2023). The Effectiveness of Information Technology Implementation: Case of Intel's Supply Chain. available at: [www.researchgate.com](http://www.researchgate.com)
- Hsu, C.-C., Tan, K., Kannan, V., & Keong, L. (2009). Supply chain management practices as a mediator of the relationship between operations capability and firm performance. *International Journal of Production Research*, 47(3), 835-870.
- Ismail, V. Y., & Zain, E. (2015). The portrait of entrepreneurial competence on student entrepreneurs. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 169, 178-188.
- Jamshidi Dolatabad, M. (2023). *Sustainable Agri-food supply chain in Italy* (Doctoral dissertation, Politecnico di Torino).
- Kaur, H., & Bains, A. (2013). Understanding The Concept of Entrepreneur Competency. *JBM & SSR*, 2(11), 31-33.
- Man, T. W., Lau, T., & Chan, K. F. (2002). The competitiveness of small and medium enterprises: A conceptualization with focus on entrepreneurial competencies. *Journal of business venturing*, 17(2), 123-142.
- Marei, A., Abou-Moghli, A., Shehadeh, M., Salhab, H., & Othman, M. (2023). Entrepreneurial competence and information technology capability as indicators of business success. *Uncertain Supply Chain Management*, 11(1), 339-350.
- Mertins, K., Alwert, K., & Will, M. (2006). Measuring intellectual capital in European SME. In *Proceedings of I-KNOW*, 6.



- Miller, D. (1983). The correlates of entrepreneurship in three types of firms. *Management Science*, 29(7), 770-792.
- Nuryanti, B. L., & Hanifah, A. P. (2022). How Entrepreneurial Competencies Can Effect Business Performance. *The International Journal of Business Review (The Jobs Review)*, 5(1), 43-52.
- Nuthall, P. (2006). Determining the important management skill competencies: The case of family farm business in New Zealand.
- Omidian, H., Razmara, J., Parvizpour, S., Tabrizchi, H., Masoudi-Sobhanzadeh, Y., & Omid, Y. (2023). Tracing drugs from discovery to disposal. *Drug Discovery Today*, 103538.
- Patel, P., & D'Souza, R. (2009). Leveraging Entrepreneurial Orientation to Enhance SME Export Performance. *An Office of Advocacy Working Paper*.
- Sanghi, S. (2007). The Handbook of Competency Mapping. *SAGE publisher*.
- Satar, M. S., Alarifi, G., & Alrubaisi, D. (2023). Exploring the entrepreneurial competencies of E-commerce entrepreneurs. *The International Journal of Management Education*, 21(2), 100799.
- Shin, H., Collier, D., & Wilson, D. (2000). Supply management orientation and supplier/buyer performance. *Journal of Operations Management*, 18(3), 317-333.
- Shoab, M., Zhang, S., Ali, H., Akbar, M. A., Hamza, M., & Rehman, W. U. (2023). Robust framework to prioritize blockchain-based supply chain challenges: the fuzzy best-worst approach for multiple criteria decision-making. *Kybernetes*.
- Smallman, C. (1996). Risk and organisational behaviour: a research model. *Disaster Prevention and Management*, 5(2), 12-26.
- Tehseen, S., & Ramaya, T. (2015). Entrepreneurial Competencies and SMEs Business Success: The Contingent Role of External Integration. *Mediterranean Journal of Social Sciences MCSER Publishing, Rome-Italy*, 6(1), 50-61.
- Thoburn, J., & Natsuda, K. (2023). National Cars and Product Champions: Ways Forward for Vietnam's Automotive Industry?. In *The Political Economy of Global Manufacturing, Business and Finance* (pp. 121-145). Cham: Springer International Publishing.
- Wang, J., Swartz, C. L., & Huang, K. (2023). Data-driven supply chain monitoring using canonical variate analysis. *Computers & Chemical Engineering*, 174, 108228.
- Williams, S. (2006). Managing and developing suppliers: can SCM be adopted by SMES? *International Journal of Production Research*, 44(18/19), 3831-3863.

## References

- Akbar, I., Muzaffar, M., & Cheema, K. R. (2012). Entrepreneurial supply chain management competence: Performance of manufacturing small and medium enterprises. *Journal of Leadership & Organizational Studies*, 1(2), DOI:10.2139/ssrn.2386969
- Anari, R. Y., & Rezaei, S. F. (2013). Supply chain management competence and performance: An entrepreneurial approach in Iranian IT SMEs. *Interdisciplinary journal of contemporary research in business*, 4(12), 1212-1222.
- Arab Momeni, M., & Mostofi, A. A (2023). Multi-objective optimization model for designing a reverse supply chain by proposing a new robust representation of solutions. *Available at SSRN 4438051*.



- Ataei, P., Karimi, H., Ghadermarzi, H., & Norouzi, A. (2020). A conceptual model of entrepreneurial competencies and their impacts on rural youth's intention to launch SMEs. *Journal of Rural Studies*, 75, 185-195.
- Cao, M., & Zhang, Q. (2011). Supply chain collaboration: Impact on collaborative advantage and firm performance. *Journal of Operations Management*, 29(3), 163-180.
- Chopra, S., & Meindl, P. (2021). Supply chain management: Strategy, planning, and operation. *Prentice Hall*.
- Colombo, M. G., & Grilli, L. (2005). Founders' human capital and the growth of new technology-based firms: A competence-based view. *Research Policy*, 34(6), 795-816.
- Cousins, P., Lawson, B., & Squire, B. (2006). An empirical taxonomy of purchasing functions. *International Journal of Operations & Production Management*, 26(7), 775-794.
- Djubaedi, D., Rohadi, T., & Kodama, Y. (2023). Core entrepreneurial competencies for local content curriculum. *International Journal of Educational Qualitative Quantitative Research*, 2(1), 12-17.
- Dwyer, F., Schurr, P., & Oh, S. (1987). Developing buyer-seller relationships. *Journal of Marketing*, 51, 11-27.
- Ferreras-Garcia, R., Sales-Zaguirre, J., & Serradell-López, E. (2021). Developing entrepreneurial competencies in higher education: A structural model approach. *Education Training*.
- Giunipero, L., Denslow, D., & Eltantawy, R. (2005). Purchasing/supply chain management flexibility: Moving to an entrepreneurial skill set. *Industrial Marketing Management*, 34(6), 602-613.
- Glaser, B. G. (2002). Conceptualization: On theory and theorizing using grounded theory. *International journal of qualitative methods*, 1(2), 23-38.
- Gonzalez-Padron, T., Hult, G., & Calantone, R. (2008). Exploiting innovative opportunities in global purchasing: an assessment of ethical climate and relationship performance. *Industrial Marketing Management*, 37(1), 69-82.
- Hafeez, K. K., Zairi, M., Hanneman, R., & Lenny Koh, S. (2010). E-supply chain operational and behavioural perspectives: an empirical study of Malaysian SMEs. *International Journal of Production Research*, 48(2), 525-569.
- Haghighi, S. (2022). Temporary entry and settlement of currency commitments. Retrieved on 2023-07-23 from: <https://ekbatancarpets.com> [In Persian]
- Handfield, R., Petersen, K., Cousins, P., & Lawson, B. (2009). An organizational entrepreneurship model of supply management integration and performance outcomes. *International Journal of Operations and Production Management*, 29(2), 100-126.
- Haque, A. K. M., Waqar, K., & Dehkordi, P. K. H. (2023). The significance of digital transformation in the supply chain management for facilitating international businesses: Cases from emerging markets.
- Harland, C., Zheng, J., Johnsen, T., & Lamming, R. (2004). A conceptual model for researching the creation and operation of supply networks. *British Journal of Management*, 15, 1-21.
- Hartono, M. S., & Ellitan, L. (2023). The Effectiveness of information technology implementation: Case of Intel's supply chain. available at: [www.researchgate.com](http://www.researchgate.com) [In Persian]



- Hsu, C.-C., Tan, K., Kannan, V., & Keong, L. (2009). Supply chain management practices as a mediator of the relationship between operations capability and firm performance. *International Journal of Production Research*, 47(3), 835-870.
- Ismail, V. Y., & Zain, E. (2015). The portrait of entrepreneurial competence on student entrepreneurs. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 169, 178-188.
- Jamshidi Dolatabad, M. (2023). *Sustainable Agri-food supply chain in Italy* (Doctoral dissertation, Politecnico di Torino).
- Kaur, H., & Bains, A. (2013). Understanding the concept of entrepreneur competency. *JBM & SSR*, 2(11), 31-33.
- Man, T. W., Lau, T., & Chan, K. F. (2002). The competitiveness of small and medium enterprises: A conceptualization with focus on entrepreneurial competencies. *Journal of business venturing*, 17(2), 123-142.
- Marei, A., Abou-Moghli, A., Shehadeh, M., Salhab, H., & Othman, M. (2023). Entrepreneurial competence and information technology capability as indicators of business success. *Uncertain Supply Chain Management*, 11(1), 339-350.
- Mazroui Nasrabadi, E., Habibirad, A and Shoul, A. (2023). Presenting a model of key success factors for counteracting the Bullwhip effect in Iran's machine-made carpet supply chain: A look at the Corona pandemic. *Industrial Management Perspective*, 13(1), 199-217. doi: 10.52547/jimp.13.1.199 [In Persian]
- Mazroui Nasrabadi, E. (2023a). Foresight of the Bullwhip effect in the supply chain of Iran's Iran's machine-made carpet industry. *Executive Management Quarterly*, pre-print. [In Persian]
- Mazroui Nasrabadi, E. (2023b). Designing a resilience model for Iran's machine-made carpet supply chain: Fuzzy interpretive structural modeling approach. *Management Improvement*, 17(1), 62-87. doi: 10.22034/jmi.2023.366326.2849 [In Persian]
- Mertins, K., Alwert, K., & Will, M. (2006). Measuring intellectual capital in European SME. In *Proceedings of I-KNOW*, 6.
- Miller, D. (1983). The correlates of entrepreneurship in three types of firms. *Management Science*, 29(7), 770-792.
- Mirvahedi, S.S., Togharai, M.T., & Sanjarian, Z. (2017). Investigating factors affecting the recognition of entrepreneurial opportunities. *Entrepreneurship Studies and Sustainable Agricultural Development*, 4(1), 53-74. doi:10.22069/JEAD.2017.11906.1214 [In Persian]
- Nuryanti, B. L., & Hanifah, A. P. (2022). How Entrepreneurial Competencies Can Effect Business Performance. *The International Journal of Business Review (The Jobs Review)*, 5(1), 43-52.
- Nuthall, P. (2006). Determining the important management skill competencies: The case of family farm business in New Zealand.
- Omidian, H., Razmara, J., Parvizpour, S., Tabrizchi, H., Masoudi-Sobhanzadeh, Y., & Omid, Y. (2023). Tracing drugs from discovery to disposal. *Drug Discovery Today*, 103538.
- Patel, P., & D'Souza, R. (2009). Leveraging entrepreneurial orientation to enhance SME export performance. *An Office of Advocacy Working Paper*.
- Rahmani, S and Nozari, A. (2016). Investigating the impact of integrated supply chain dimensions on supply chain competence in food industries. *Quantitative Models and Techniques in Management*, 25, 1-26. [In Persian]
- Rezaeizadeh, M, Ansari, M and Murphy, E. (2013). *Applied research methodology guide: Interactive management IM*. 1st ed. Tehran: University Jihad Publications.



- Sanghi, S. (2007). The handbook of competency mapping. *SAGE publisher*.
- Satar, M. S., Alarifi, G., & Alrubaishi, D. (2023). Exploring the entrepreneurial competencies of E-commerce entrepreneurs. *The International Journal of Management Education*, 21(2), 100799.
- Shin, H., Collier, D., & Wilson, D. (2000). Supply management orientation and supplier/buyer performance. *Journal of Operations Management*, 18(3), 317-333.
- Shoaib, M., Zhang, S., Ali, H., Akbar, M. A., Hamza, M., & Rehman, W. U. (2023). Robust framework to prioritize blockchain-based supply chain challenges: the fuzzy best-worst approach for multiple criteria decision-making. *Kybernetes*.
- Smallman, C. (1996). Risk and organisational behaviour: a research model. *Disaster Prevention and Management*, 5(2), 12-26.
- Tehseen, S., & Ramaya, T. (2015). Entrepreneurial competencies and SMEs business success: The contingent Role of external integration. *Mediterranean Journal of Social Sciences MCSER Publishing, Rome-Italy*, 6(1), 50-61.
- Thoburn, J., & Natsuda, K. (2023). National cars and product champions: Ways forward for Vietnam's automotive industry. In *The Political Economy of Global Manufacturing, Business and Finance* (pp. 121-145). Cham: Springer International Publishing.
- Wang, J., Swartz, C. L., & Huang, K. (2023). Data-driven supply chain monitoring using canonical variate analysis. *Computers & Chemical Engineering*, 174, 108228.
- Williams, S. (2006). Managing and developing suppliers: can SCM be adopted by SMES? *International Journal of Production Research*, 44(18/19), 3831-3863.



## Designing a Model for Entrepreneurial Competency in Kashan's Machine-Made Carpet Supply Chain: A Mixed Approach

**Pouria Mansouri**

Master graduate, department of business administration, faculty of financial science, management and entrepreneurship, university of Kashan, Kashan, Iran. Email: pouriamansori@yahoo.com

**Esmail Mazroui Nasrabadi**

Assistant professor, department of business administration, faculty of financial science, management and entrepreneurship, university of Kashan, Kashan, Iran (Corresponding Author); Email: drmazroui@kashanu.ac.ir

**Zahra Sadeqi Arani**

Assistant professor, department of business administration, faculty of financial science, management and entrepreneurship, university of Kashan, Kashan, Iran. Email: sadeqiarani@kashanu.ac.ir

Received: 11/06/2023

Accepted: 22/08/2023

### Extended Abstract

#### Introduction

The supply chain is recognized as a critical element for transferring goods from the supplier to the customer (Haque et al., 2023). The effective management of this chain yields numerous benefits, including better control over the production process and improved company economic performance (Hitajar, 2021). In this context, entrepreneurial competencies have gained attention as a key factor for developing supply chain capabilities. The mechanized carpet industry of Kashan, accounting for 10% of Iran's nonoil exports, has recently faced serious challenges, including a \$50 million decline in exports (Haqiqi, 2022). The COVID19 pandemic, as an exacerbating factor, has inflicted significant damage on this industry (Mazroui Nasrabadi et al., 2023). Given the regional economy's heavy reliance on this industry, focusing on entrepreneurial competencies is essential for crisis recovery. This study seeks to answer two main questions: first, identifying the entrepreneurial competencies within the supply chain of this industry, and second, delineating the Interpretive Structural Modeling (ISM) of relationships between these competencies. This endeavor can play an effective role in enhancing the capabilities of the supply chain in Kashan's mechanized carpet industry.

#### Materials and Methods

This research employed a mixed-method approach, conducted in two qualitative and quantitative phases. The statistical population in both phases consisted of experts from the supply chain of Kashan's mechanized carpet industry with a minimum of five years of experience, selected through purposive and snowball sampling. In the qualitative phase, data were collected through 13 semi-structured interviews, continuing until theoretical saturation was reached. The interview protocol was designed to cover all layers of the supply chain. To ensure data validity, triangulation (interviews, observation, and document analysis) was used. Reliability was confirmed by calculating an intercoder agreement of 87%. Data were analyzed using thematic analysis, leading to the extraction of codes, themes, and ultimately, the final competencies. In the quantitative phase, using the findings of the previous phase, a



researcher-made questionnaire was designed, and its validity was confirmed by professors. This questionnaire was based on pairwise comparisons of the competencies. Data from 10 experts were analyzed using the Interpretive Structural Modeling (ISM) method in five steps: forming the initial Self-Interaction Matrix (SIM), the initial reachability matrix, the final reachability matrix considering transitivity, factor leveling, and finally the drawing of the final model. A reliability condition of at least 60% expert agreement for each relationship was considered.

### Results

The findings were obtained from the analysis of interviews conducted with thirteen experts from Kashan's mechanized carpet industry. Interviews in the qualitative phase continued until the thirteenth participant after theoretical saturation was achieved in the tenth. The participants' profiles indicated their managerial positions in various supply chain sectors, including production, quality control, and spinning with work experience ranging from 7 to 31 years. The interview data were examined using thematic analysis and open coding. In the first stage, meaningful units were extracted from the interview texts and were initially coded. For instance, phrases like "pursuing development plans across all chain stages" and "aligning competitive strategies" were categorized under the theme of "Strategic Competency." Ultimately, 18 main categories were extracted from 51 initial codes, the most important of which included strategic competency, competency in using modern technology, interstage communicative competency, sales and marketing competency, and risk management competency. In the quantitative phase, the relationships between these competencies were analyzed using ISM. After forming the SSIM and converting it into the final reachability matrix, factor leveling was performed. The results indicated that the final model was structured at two levels. Level one variables included influential competencies such as strategic competency and modern supply chain management competency, which directly influenced other factors. These variables were identified as key levers for future interventions. Level two variables consisted of competencies influenced by the level one factors. This model provided a comprehensive view of the complex interactions among entrepreneurial competencies within the supply chain of Kashan's mechanized carpet industry.

### Conclusion

The analyses of findings revealed that 18 key competencies were extracted from interviews with the experts of Kashan carpet industry, which were positioned at two relational causal levels. These competencies aligned with well-known entrepreneurial components such as innovative orientation, risk-taking, and relational capital. Furthermore, two new competencies were identified at the supply chain level: "global level production," which emphasized adherence to international quality and environmental standards, and "effective returns management," which facilitated the smooth return of goods throughout the entire chain. To address existing disruptions, thus, adhering to the principles of strategic fit and strengthening collaborative models within the supply chain is recommended. Additionally, recruiting managers with characteristics such as risk-taking and analytical thinking along with improving the human resource management system through job fit and performance appraisal, are considered key factors in enhancing the entrepreneurial competencies of this industry.

**Keywords:** entrepreneurial competency, interpretive structural modeling (ISM), mechanized carpet, supply chain.

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

دوره ۱۷، شماره ۲ (پیاپی ۳۳)، صفحات: ۱۲۹-۱۵۸

مقاله علمی پژوهشی

## شناسایی و اولویت‌بندی راهبردهای توسعه مدیریت شهری عدالت‌محور با تأکید بر شهر کاشان

مرتضی والی‌زاده\*

علیرضا شیروانی\*\*

ماشالله ولیخانی\*\*\*

### چکیده

شهرهای امروزی به‌عنوان یکی از عظیم‌ترین دستاوردهای فرهنگ و تمدن بشر در عصر حاضر مطرح‌اند. نگرستن از نگاه عدالت‌محوری به مقوله مدیریت شهری، از اصولی‌ترین ارکان حکمرانی شهری است. بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف راهبردهای مدیریت شهری مبتنی بر عدالت در شهرداری‌های استان اصفهان با تأکید بر شهر کاشان پرداخته است. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی، از نوع آمیخته (کیفی-کمی) و از نظر روش توصیفی با رویکرد دلفی سه‌مرحله‌ای است. جامعه آماری پژوهش در بخش دلفی و الگوریتم تاپسیس، تعداد ۱۰ نفر از کارشناسان و خبرگان مدیریت شهری استان اصفهان است. ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه‌ای بود که براساس ادبیات تحقیق استخراج و با روش دلفی و الگوریتم تاپسیس تجزیه و تحلیل صورت گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد زیرشاخص‌های تمرکززدایی حکومت مرکزی، توزیع برابر فرصت‌ها، شفافیت قراردادهای، ایجاد سازمان‌های دانش‌محور و برنامه‌ریزی یکپارچه بیشترین اجزای تأثیرگذاری و رتبه‌های نخست پژوهش را کسب کردند. تشکیلات دموکراتیک، عدالت فضایی شهر و شهرسازی، اجرای تعهدات شهرداری به شهروندان، اصلاح ساختار سازمانی و کیفیت محیطی زیست به ترتیب عواملی هستند که کمترین تأثیر را بر راهبردهای مدیریت شهری مبتنی بر عدالت‌محوری دارند. براساس نتایج به دست آمده می‌توان بیان داشت که به‌منظور توسعه مدیریت شهری عدالت‌محور، اتخاذ راهبردهایی همچون تمرکززدایی حکومت مرکزی، توزیع برابر فرصت‌ها، شفافیت قراردادهای، ایجاد سازمان‌های دانش‌محور و برنامه‌ریزی یکپارچه می‌تواند مفید واقع گردد.

**کلیدواژه‌ها:** راهبردهای مدیریت شهری، ساختار و تشکیلات، توزیع منابع و درآمد، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی، چابک‌سازی سازمان شهرداری و محرک‌های توسعه پایدار شهری.

\* دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گروه منابع انسانی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران، نویسنده مسئول،

mortezaalizadeh@gmail.com

\*\* دانشیار گروه مدیریت، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران، baleandisheh@gmail.com

\*\*\* استادیار گروه مدیریت، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران، info@dehaghan.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۹

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

همسو با تحولات اقتصادی، گسترش مراکز صنعتی، بازرگانی و پیامدهای ناشی از پیشرفت تکنولوژی در شهرها، مسائل و مشکلات متعددی برای زندگی شهری به وجود آورده و شکل‌گیری سازمان‌هایی را برای تولید کالا، خدمات و قبول مسئولیت اداره امور شهرها ضروری ساخت. ایجاد سازمانی به نام شهرداری، عالی‌ترین تدبیری است که ازطرف جهان مدرن برای پاسخ‌گویی به نیازمندی‌های ساکنان شهرها به کار برده شد (عباسی و موسوی، ۱۳۹۷: ۱۲۰). در واقع شهرداری با هدف مدیریت و توسعه کالبدی، اقتصادی و اجتماعی در محدوده شهر و اطراف آن به وجود آمده و کارکرد آن، برآوردن نیازهای مشترک شهروندانی است که هرکدام به‌تنهایی قادر به برآوردن ساختن آن‌ها نیستند (لطیفی، ۱۳۹۱: ۱۱۲). شهرها امروزه بر اثر ساختارهای سیاسی، اقتصادی، و سیاست‌های فضایی ناکارآمد، با چرخه نامطلوبی از نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و زیست‌محیطی روبه‌رو شده‌اند. چالش‌های بی‌سابقه همچون فقر، اسکان غیررسمی، نزول کیفیت زندگی، شکاف‌های درآمدی، ازهم‌گسیختگی‌های اجتماعی و بی‌عدالتی در توزیع خدمات شهری، در شهرها شکل گرفته است که سلامتی و رفاه جامعه شهری را به خطر انداخته و دوگانگی و عدم تعادل در فضای شهری را در پی داشته است (عزیزی دانالو و مجتبی‌زاده، ۱۳۹۹: ۷۶). شهرهای امروز جهان با مدیریت‌های گوناگون، در پی ریشه‌کنی فقر و تحقق عدالت اجتماعی هستند، اما تلاش‌های مدیران شهری، به‌ویژه در کشورهای درحال رشد، در راستای کنترل فقر و گسترش عدالت اجتماعی، ناکام باقی مانده و نیازمند اتخاذ راهبردی جامع و همسو با دیگر اهداف مدیریت شهری است (پرچمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۵). عدالت اجتماعی دارای تعاریف متعددی است؛ اما همه آن‌ها بر روی یک چیز، نظر مشترک دارند که دولت‌ها وظیفه دارند تا برای همه شهروندان فرصت‌های سیاسی و اجتماعی برابری ایجاد کنند و این مؤید حقوق مردم در دریافت خدمات اجتماعی ازسوی دولت است (قلی‌پور، ۱۳۹۲: ۲۶). اگر عدالت اجتماعی، مجموعه‌ای از قوانین و مقررات، برنامه‌ها، خدمات اجتماعی، اقدامات عمرانی، کمک‌های اجتماعی، گسترش آموزش و پرورش، اعطای معاش در دوران بیکاری، کاهش فقر، حمایت از مادران و کودکان، پرداخت مساوی حقوق به کارگران زن و مرد، ایجاد امنیت و نظام اداری سالم و همچنین مقابله با چهار نوع رنج اجتماعی مشترک بشر، یعنی بیماری، بیکاری، فقر و نادانی، در نظر گرفته شود، دولت‌ها وظیفه دارند با تمام قوا برای تحقق آن بکوشند (جاوید، ۱۳۹۰: ۴۵). ازآنجا که هدف اصلی توسعه، حذف نابرابری‌هاست، بهترین مفهوم توسعه، رشد همراه با عدالت اجتماعی است (نیک‌پور و همکاران،



۱۳۹۷: ۱۴۶). همچنین، تحقق عدالت اجتماعی در شهرها در نهایت به رضایت شهروندان از شیوه زندگی خود منجر شده و به ثبات سیاسی و اقتدار ملی کمک شایانی خواهد نمود (امانی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۶).

با توجه به موارد مطروح، می‌توان بیان داشت که برنامه‌ریزی و طراحی و توسعه شهری در چارچوب توسعه پایدار عدالت‌محور، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. تاکنون شهرداری‌ها خدمات خود را مبتنی بر توزیع عدالت‌محور امکانات و برنامه‌ها ارائه نمی‌داده‌اند و صرفاً از روی سلیقه و یا حداکثر بر اثر تعدد درخواست‌های منطقه‌ای خاص و یا بر اثر خطای تصمیم‌گیری انجام می‌دادند. این مقوله در شهر کاشان نیز به وضوح قابل مشاهده است. شهروندان به عنوان صاحبان اصلی شهرها، حق آگاهی و نظارت بر عملکرد شهرداری‌ها را بیش از پیش دارند که این مهم در عمل اتفاق نمی‌افتد. پژوهش حاضر با هدف پاسخ‌گویی به سؤال اصلی تحقیق مبنی بر اینکه راهبردی مدیریت شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی در سطح شهرداری‌های استان اصفهان و به طور ویژه شهرداری کاشان کدام‌اند و چگونه اولویت‌بندی می‌شوند، انجام شده است.

## ۲. بررسی مبانی نظری

فرهنگ فارسی معین، عدالت را داد کردن، دادگر بودن و انصاف داشتن و عدالت اجتماعی را عدالتی که همه افراد جامعه از آن برخوردار باشند (معین، ۱۳۷۱) تعریف می‌کند. وقتی ما راجع به عدالت اجتماعی صحبت می‌کنیم، در مورد چگونگی توزیع چیزهای خوب و بد بین اعضای جامعه انسانی بحث می‌کنیم (Miller, 2009). تعریف دیگر از عدالت اجتماعی به این صورت است که «مساوات به عنوان برخورداری شهروندان از شانس‌ها و حقوق مساوی و استفاده ایشان از آزادی‌های اجتماعی بدون محدودیت‌های نژادی و جنسیتی و... قدمت فراوان دارد؛ ولی تصور جدیدتری نیز وجود دارد که سابقه آن به انقلاب فرانسه برمی‌گردد و عدالت را در این می‌بیند که اعضای یک جامعه همه به یک نسبت از مواهب مادی آن جامعه برخوردار باشند» (Rawls, 1971). در میان اندیشمندان گوناگون، نظرات متفاوتی درباره مفهوم عدالت ابراز شده است. افلاطون ضمن ارائه تصویر کلی برای جامعه مطلوب یا مدینه فاضله، از عدالت بحث کرده است. او معتقد است که مدینه فاضله، چهار صفت عدالت، حکمت، شجاعت و خویشتن‌داری را در خود دارد که برجسته‌ترین آن‌ها عدالت است و این صفت، بقیه را به وجود می‌آورد و هماهنگ‌کننده آن‌ها، هم در اجتماع و هم در وجود فردی است. به زعم افلاطون، عدالت این است که هریک از افراد جامعه به وضع و موقعیتی که در اجتماع دارد، خشنود باشند و آن را قبول کنند و وظایف مربوط به آن را

به حد کمال انجام دهند (Sünter et al. 2020). نظریه عدالت رالز که شاخص‌ترین نظریه عدالت اجتماعی غربی در دهه‌های اخیر است، بر توافق قراردادی به صورت پایه و اساس تشخیص اصول عدالت تکیه می‌کند. او هیچ تلقی و تصویری پیشین از عدالت عرضه نمی‌دارد و محتوای اصول عدالت را به وضع نخستین توافق حاصل شده میان افراد موکول می‌کند (Titahelu et al. 2015). در فرهنگ اسلامی، عدالت اجتماعی و تحقق آن برای جامعه بشری، از چنان ارزش و اعتباری برخوردار است که خداوند متعال در آیات متعددی از جمله آیه ۲۵ سوره حدید، دلیل فرستادن پیامبر(ص) را مطرح کردن و تحقق عدالت در همه زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی بیان فرموده است. برابری اجتماعی، مشخصه اصلی و جلوه حیاتی «امت» به شمار می‌رود. بنیان عدالت سوسیالیستی در قرن ۱۹ توسط هگل با معرفی دولت به عنوان منبع عدالت اجتماعی ارائه شد. بر مبنای چنین دیدگاهی، ماهیت عدالت اجتماعی توزیع عادلانه ثروت و دارایی‌های جامعه است که چنین توزیعی براساس میزان نیازمندی افراد جامعه و تقسیم براساس میزان کار و تولید صورت می‌گیرد که بعدها با نظریه مارکس مبنی بر «هرکس به اندازه توانش و به هرکس به میزان نیازش» اشاعه پیدا کرد. لیبرالیسم، مفهومی سیاسی است که ریشه در فلسفه غرب دارد که متفکران نامداری چون آدام اسمیت، جان لاک، منتسکیو، کانت، جان استوارت میل و... پرچمدار آن بوده‌اند. جان لاک به عنوان یکی از چهره‌های سرشناس لیبرال، مفهوم علت وجودی دولت را مطرح می‌کند. به نظر لاک، علت وجودی دولت، حمایت از آزادی و دارایی شهروندان تحت حمایت دولت است که تا به امروز از مفاهیم بنیادی و اصولی لیبرالیسم است.

### ۳. پیشینه تحقیق

در رابطه با موضوع عدالت اجتماعی، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. نتایج مطالعات قلعه‌نویی و همکاران (۱۴۰۱) نشان داد که افرادی که در شهر جدید پرند زندگی می‌کنند، بیش از هرچیز کاربری‌های خدماتی روزانه را به عنوان عامل اثرگذار در خوانش ادراکی عدالت فضایی در شهر جدید پرند در نظر گرفته‌اند. بر همین مبنای، نتیجه گرفته شد که شهروندان در بررسی عدالت فضایی ابتدا پایه‌ترین نیازهای خود را در نظر می‌گیرند. نتایج مطالعات اسکندری و همکاران (۱۴۰۰) نشان داد که حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی دارای ۱۹۷ کد باز در ۱۹ کد محوری و ۷ کد انتخابی بود. کدهای انتخابی شامل مشارکت (با سه کد محوری مشارکت در ارائه خدمات، مشارکت نهادهای مردمی و تشکلهای حکمرانی و مشارکت در سیاست‌گذاری)، پاسخ‌گویی (با دو کد محوری پاسخ‌گویی به نهادها و نظارت)، کارایی و اثربخشی



(با سه کد محوری ارائه طرح‌های اشتغال‌زا، بازدهی بیشتر خدمات و ثبات در اقتصاد)، تصویب و حاکمیت قانون (با چهار کد محوری اتخاذ سیاست‌های صحیح، احترام دولت و مردم به قانون، حفظ امنیت و ثبات در جامعه)، مسئولیت‌پذیری (با سه کد محوری مسئولیت‌پذیری مدیران، نظارت مردم و ایجاد جو مسئولیت‌پذیری فرهنگی)، شفافیت (با دو کد محوری مبارزه با فساد و آزادی رسانه‌ها) و عدالت (با دو کد محوری ارائه خدمات برابر و اثربخش و مقابله با تبعیض‌های اجتماعی) بودند. طبق نتایج این پژوهش برای حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی می‌توان کدهای شناسایی شده برای آن را از طریق بهبود شرایط و کارگاه‌های آموزشی ارتقا بخشید. نتایج مطالعات افشارنیا و همکاران (۱۴۰۰) نشان داد معیارهای عدالت فضایی این طرح‌ها در سطح پایینی قرار دارند و شاخص‌های عدالت فضایی در طرح جامع شهر گلپایگان دارای اولویت چندانی نسبت به یکدیگر نیستند. همچنین راهکارهای توزیع عادلانه منافع در طرح جامع شهر پیش‌بینی نشده و در مراجع تصویب نیز به آن‌ها اشاره نشده است. تحلیل محتوای برنامه‌ها و سیاست‌های طرح توسعه شهر گلپایگان، آسیب‌شناسی وضع موجود و شناسایی کمبودها و نهادهای خدماتی نشانگر تبیین نشدن جایگاه عدالت فضایی در طرح‌های توسعه شهری و حوزه‌های تصمیم‌سازی به‌خصوص در طرح‌های توسعه و عمران است.

کاوه‌پور و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی را با عنوان ارائه مدل مدیریت شهری اجتماع‌محور در شهر اهواز انجام دادند. نتایج نشان داد شاخص مشارکت اجتماعی با ضریب ۰/۸۵۷، شاخص مسئولیت اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۶۷۵، شاخص عدالت اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۵۴۲، توسعه اجتماع‌محور با ضریب مسیر ۰/۴۴۸، توانمندسازی با ضریب مسیر ۰/۴۲۷ و هویت‌بخشی فرهنگی با ضریب مسیر ۰/۴۱۲ به‌ترتیب بیشترین تأثیر را بر مدیریت شهری اجتماع‌محور دارند. به‌کارگیری این شاخص در عمل اگرچه از نظر میزان اهمیت تفاوت دارند، باید به‌صورت یکپارچه و در کنار هم مورد توجه قرار گیرند و اهمیت بیشتر یک شاخص نباید موجب نادیده گرفتن سایر اصول شود.

صمدی و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی را با عنوان بازاندیشی در مفهوم حق به شهر و ارتباط آن با شهرسازی عدالت‌محور (مورد پژوهی: تحلیل تطبیقی محلات هفت‌آسیاب و شیشه‌گرخانه شهر ارومیه) انجام دادند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل حاکی از آن است که زیرشاخص‌های دسترسی به خدمات عمومی و دموکراسی به‌ترتیب بیشترین و کمترین سطح اهمیت را به خود اختصاص داده‌اند.

نادری و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی را با عنوان شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های کلیدی مؤثر بر تحقق عدالت فضایی از منظر شهرهای خلاق (مطالعه موردی: شهر بناب) انجام دادند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل‌های به عمل آمده با استفاده از میک مک نشان داد که به ترتیب مؤلفه‌های کباب بناب، موقعیت ارتباطی و فعالیت صنایع سنگین به عنوان سه مؤلفه‌ای هستند که بیشترین میزان اثرگذاری را در تحقق عدالت فضایی از منظر شهر خلاق در شهر میانه‌اندام بناب دارند. همچنین نتایج یافته‌ها با استفاده از روش الکترون نشان داد که توزیع زیرساخت در سطح نواحی متعادل نیست. در این میان بیشترین امتیاز مربوط به نواحی ۶ و ۱۱ است.

وو<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی را با عنوان برچیدن حصار برای عدالت اجتماعی و شواهد مبتنی بر نابرابری دسترسی به فضای سبز شهری در منطقه مرکزی شهری پکن انجام دادند. نتایج نشان می‌دهد که مناطق مسکونی کم‌درآمد دسترسی کمتری به فضاهای سبز دارند. در مرحله بعد، با مقایسه تفاوت‌ها در برابری دسترسی بین دو سناریو قابل مقایسه که در آن همه جوامع حصارهای خود را برچیده‌اند، به طور غیرمنتظره متوجه می‌شویم که نابرابری دسترسی به فضای سبز شهری بهبود نمی‌یابد، بلکه آشکارتر می‌شود. ما این نتیجه را به قطبی شدن فضایی-اجتماعی نسبت می‌دهیم. یافته‌های ما می‌تواند توسط برنامه‌ریزان شهری برای هدف قرار دادن اصلاحات سیستم برنامه‌ریزی شهری فعلی و توسط سیاست‌گذاران برای تمرکز نزدیک بر قطبی‌سازی فضایی تدریجی بین ثروتمندان و فقرا مورد استفاده قرار گیرد.

از بررسی نتایج پژوهش‌های انجام شده برای عدالت اجتماعی، در داخل و خارج از کشور، این گونه می‌توان استنباط کرد که هرچند مطالعات انجام شده در این رابطه، گسترده بوده و نتایج خوبی به همراه داشته، فاقد نسخه کاربردی و عملیاتی برای تحقق عدالت اجتماعی است. به بیان دیگر، شهرداران و مدیران شهری، برای تحقق هرچه بیشتر عدالت اجتماعی در شهرها، نیازمند یک مدل کاربردی و نقشه راه در این زمینه‌اند که تاکنون ارائه نشده است. از ویژگی‌های این تحقیق، ارائه مدل کاربردی و به‌ویژه تدوین راهبردهای اساسی برای تحقق عدالت اجتماعی در شهرداری کاشان است. هرچند با بررسی ساختار و کارکرد شهرداری‌های استان اصفهان می‌توان نتیجه گرفت که شهرداری‌ها از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بافت و ساختار متفاوتی دارند، مسلم است که برای تحقق عدالت اجتماعی، راهبردهای کلان و عمومی نظیر اصلاح ساختار اداری، مقابله با فساد، عدالت جنسیتی، ارتقای دیپلماسی شهری و بازآفرینی شهری، برای همه شهرداری‌ها، عمومیت داشته و اجرای آن ضروری است.

#### ۴. جنبه‌های مهم در نوآوری تحقیق

براساس این تحقیق، شهروندان می‌توانند سازوکاری برای دریافت خدمات و احقاق حقوق خود دریافت کنند؛ همچنین هرگونه تصمیم‌گیری برای توزیع و تخصیص بودجه مبتنی بر نیازسنجی و عدالت توزیعی در حوزه استحقاقی و خدماتی شهرها صورت می‌گیرد؛ علاوه بر آن، به استناد نظریه انتخاب عمومی، توجه به منافع عمومی شهروندان کاشانی بسیار مهم‌تر از توجه به منافع فرد و یا منطقه خاصی از شهر کاشان بوده و بازتوزیع درآمدهای شهر، باعث کاهش فقر و توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات عمومی شهر کاشان می‌گردد؛ دیگر اینکه ارتقای کیفیت زندگی شهروندان در دو بعد ذهنی و عینی را در بر داشته، تأکید مدیریت شهری در حکمرانی خوب به گستردگی خدمات و پاسخ‌گویی مدیران شهری کمک می‌نماید. درنهایت، این پژوهش باعث توانمندسازی شهروندان و استفاده و بهره‌برداری آحاد مردم از فرصت‌های برابر اجتماعی است.

#### ۵. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی است. این پژوهش شامل دو روش تحقیق است که بخش اول مرور ادبیات پژوهش و بخش دوم دلفی است. مرور ادبیات پژوهش یک روش کیفی برای ترکیب یافته‌های کیفی حاصل از پژوهش‌های پیشین است و دلفی خود دارای دو بخش است: بخش اول دلفی که نظرسنجی از خبرگان برای تکمیل یافته‌های مرور ادبیات پژوهش است، کیفی بوده و بخش دوم که شامل رتبه‌بندی یافته‌های کیفی با استفاده از داده‌های کمی است، کمی می‌باشد. بنابراین می‌توان رویکرد این پژوهش را کیفی و کمی دانست. جامعه آماری پژوهش شامل همه کارشناسان و خبرگان مدیریت شهری است. دلفی، رویکرد یا روشی نظام‌مند در پژوهش برای دریافت نظرات و درخواست قضاوت‌های حرفه‌ای از یک گروه متخصص در مورد یک موضوع یا یک سؤال است. این روش با مشارکت افرادی انجام می‌شود که در موضوع پژوهش دانش و تخصص داشته باشند. این افراد به‌عنوان پانل دلفی شناخته می‌شوند و انتخاب اعضای واجد شرایط برای پانل از مهم‌ترین مراحل روش دلفی به حساب می‌آید، زیرا اعتبار نتایج به شایستگی این افراد بستگی دارد. از آنجاکه روش دلفی سازوکاری برای تصمیم‌گیری گروهی است و نیاز به متخصصان واجد شرایطی دارد که درک و دانش عمیقی از موضوع پژوهش داشته باشند، معمولاً انتخاب اعضای پانل از طریق نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند یا قضاوتی انجام می‌گیرد. روش قضاوتی، بر این فرض استوار است که از دانش پژوهشگر درباره جامعه برای دستچین کردن اعضای پانل قابل استفاده می‌شود. بر این اساس، اعضای پانل دلفی

برای پژوهش حاضر به صورت نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند برگزیده شدند. تعداد مناسب اعضای پانل و حجم نمونه در مطالعه دلفی نکته مهمی است که در تشکیل پانل باید به آن توجه کرد. همچنین، مانند هر نوع نمونه‌گیری دیگر، حجم نمونه به عواملی مانند امکان دسترسی به افراد، زمان لازم و هزینه گردآوری اطلاعات بستگی دارد. هرچند تعداد اعضای پانل در پژوهش‌های پیشین بین ۱۰ تا ۱۲ ارقام مختلف متغیر بوده، وقتی میان اعضای پانل تجانس وجود داشته باشد، حدود ۱۰ تا ۲۰ عضو توصیه شده است. بعضی از پژوهشگران متذکر می‌شوند که معمولاً ۳۰ نفر برای ارائه اطلاعات کافی است و با افزایش آن‌ها پاسخ‌ها تکراری شده و اطلاعات جدیدی اضافه نمی‌شود. در مطالعه دلفی، چنانچه شرکت‌کنندگان همگن باشند، تعداد ۱۰ تا ۱۵ نمونه برای انجام دلفی کافی خواهد بود. بررسی مطالعات و مقالاتی که روش‌شناسی دلفی را انتخاب کرده‌اند، نشان می‌دهند تعداد خبرگان بین ۱۰ تا ۱۲ نفر بوده است. بر همین اساس و برای حفظ اعتبار پژوهش و با در نظر گرفتن ریزش پاسخ‌دهندگان در طول مطالعه و پس از فیلتر کردن و اعمال شاخص‌های مورد نظر، فهرستی از ۲۱ نفر اعلام شد. با توجه به داده‌های حاصل از انجام دوره‌های دلفی و بخش‌های مختلف پرسش‌نامه در هر دور، شاخص‌های آماری، کمینه، بیشینه، میانگین، نما و انحراف معیار محاسبه شد. توزیع پرسش‌نامه بر طبق روش دلفی در سه مرحله انجام شده و در هر مرحله گویه‌هایی که شرط میانگین بالای ۳ را داشتند، در دور بعدی آورده شده و نیز مؤلفه‌هایی با میانگین کمتر از ۳ حذف شده و در دوره‌های بعدی پرسش‌نامه لحاظ نشده‌اند. برای اجماع خبرگان از روش رسیدن به سطح معینی از توافق و نیز از معیار ضریب تعیین کندال استفاده شده و برای تصمیم‌گیری درخصوص متوقف نمودن مراحل دلفی بهره می‌برد. فان و چنگ<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) بر تعداد دوره‌های دلفی تصریح کرده و معتقدند که تعداد سه دور برای رسیدن خبرگان به اجماع کافی است. یکی از دلایلی که پژوهش حاضر در سه دور متوقف گردید، همین است. در این پژوهش نیز برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای پانل، از ضریب هماهنگی کندال استفاده شد. ضریب هماهنگی کندال مقیاسی است برای تعیین درجه هماهنگی و موافقت میان چندین دسته رتبه مربوط به N شیء یا فرد. درحقیقت با کاربرد این مقیاس می‌توان همبستگی رتبه‌ای میان K مجموعه را یافت. چنین مقیاسی به‌ویژه در مطالعات مربوط روایی میان داوران، مفید است. ضریب هماهنگی کندال نشان می‌دهد که افرادی که چند مقوله را براساس اهمیت آن‌ها مرتب کرده‌اند، اساساً معیارهای مشابهی را برای قضاوت درباره اهمیت هریک از مقوله‌ها به کار برده و از این لحاظ با یکدیگر اتفاق نظر دارند. مقدار این مقیاس هنگام هماهنگی یا موافقت کامل برابر با



یک و در زمان نبود کامل هماهنگی برابر با صفر است. پس از دریافت نظرات و محاسبه ضریب کندال، هماهنگی میان نظرات خبرگان محرز گشته و لذا عوامل مؤثر بلاکچین‌ها در مدیریت منابع انسانی با استفاده از الگوریتم تاپسیس طبق نظرات خبرگان و براساس اهمیت آن‌ها از طریق تحلیل سلسله‌مراتبی وزن‌دهی صورت گرفت.

## ۶. یافته‌های پژوهش

در این قسمت از پژوهش، یافته‌های مطالعه حاضر ارائه شده است. به این منظور ابتدا یافته‌های توصیفی مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش ارائه شده و سپس نیز یافته‌های اصلی پژوهش ارائه شده است. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شامل سن، سطح تحصیلات و میزان سوابق فعالیت‌های اجرایی در حوزه مدیریت شهری است. خلاصه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی اعضای نمونه آماری

| متغیر                         | گروه             | در ابتدای دلفی |              | در انتهای دلفی |              |
|-------------------------------|------------------|----------------|--------------|----------------|--------------|
|                               |                  | فراوانی مطلق   | درصد فراوانی | فراوانی مطلق   | درصد فراوانی |
| سن                            | کمتر از ۳۰ سال   | ۲              | ۱۳           | ۲              | ۱۳           |
|                               | ۳۰ تا ۴۰ سال     | ۸              | ۵۳           | ۹              | ۵۹           |
|                               | بالاتر از ۴۰ سال | ۵              | ۳۴           | ۴              | ۲۸           |
| سطح تحصیلات                   | ارشد             | ۳              | ۲۰           | ۷              | ۴۶           |
|                               | کارشناسی ارشد    | ۷              | ۴۶           | ۴              | ۲۷           |
|                               | دکتری            | ۵              | ۳۴           | ۴              | ۲۷           |
| میزان سوابق فعالیت‌های اجرایی | کمتر از ۵ سال    | ۵              | ۳۴           | ۱              | ۷            |
|                               | ۵ تا ۱۰ سال      | ۹              | ۵۹           | ۸              | ۶۶           |
|                               | بالاتر از ۱۰ سال | ۱              | ۷            | ۶              | ۲۷           |

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به یافته‌های انجام دوره‌های دلفی، شاخص‌های آماری، کمینه، بیشینه، میانگین، نما و انحراف معیار محاسبه شد. توزیع پرسش‌نامه در سه مرحله انجام شد و در هر مرحله گویه‌ای که شرط میانگین بازی عدد ۴ را داشته باشند، در دور دوم آورده شد و در غیر این صورت حذف شدند و به این ترتیب میزان اتفاق نظر خبرگان در هر دور محاسبه گردید.



### ۱-۶. دور اول دلفی

در این دور اول پنل، تعداد ۳۵ راهبرد مؤثر بر مدیریت شهری با رویکرد عدالت اجتماعی را با میانگین بازی عدد ۴ تشخیص دادند و در مجموع، نیز تعداد ۳۵ عامل را طرح کردند و از آنجا که برخی از این عوامل با عوامل ذکر شده در پیشینه پژوهش یکسان بود، حذف و یا ترکیب شد و عوامل جدید برای دور بعد اضافه گردید.

### ۲-۶. دور دوم دلفی

اعضای پنل در این دور از میان ۳۵ مؤلفه، تعداد ۲۵ عامل را که از مطالعات پیشین و اعضای پنل ارائه شده بود، دارای تأثیر زیاد و خیلی زیاد بر راهبرد مؤثر بر مدیریت شهری با رویکرد عدالت اجتماعی تشخیص دادند. در نتیجه در مجموع، تعداد ۲۵ عامل را زیاد و خیلی زیاد تشخیص دادند و عواملی که میانگین کمتر از ۴ داشتند، حذف شدند.

### ۳-۶. دور سوم دلفی

در دور سوم نیز اعضای پنل نظر خود را درباره راهبرد مؤثر بر مدیریت شهری با رویکرد عدالت اجتماعی اعلام کردند. در این پژوهش، دلفی در سه دور انجام شد به طوری که انحراف معیار پاسخ اعضای پنل در دور اول در خصوص اهمیت راهبرد مؤثر بر مدیریت شهری با رویکرد عدالت اجتماعی ۰/۷۴ محاسبه شد و میزان ضریب کاندال در این دور به اتفاق نظر خبرگان ۰/۶۶ محاسبه شد و در دور دوم انحراف معیار ۰/۵۴ و ضریب کاندال ۰/۷۴ و در نهایت در دور سوم انحراف معیار ۰/۴۲ و ضریب کاندال نیز با توافق و اجماع، خبرگان ۰/۸۰ محاسبه شد.



# شناسایی و اولویت‌بندی راهبردهای توسعه مدیریت شهری...، مرتضی والی‌زاده و همکاران

جدول ۲: نتایج ادواری عوامل مؤثر در عوامل مؤثر فناوری بلاکچین در مدیریت منابع انسانی

10.22052/KASHAN.2025.254649.1112

| عوامل مؤثر                                | دور اول |              | دور دوم |              | دور سوم |              | راهبردها          |
|-------------------------------------------|---------|--------------|---------|--------------|---------|--------------|-------------------|
|                                           | میانگین | انحراف معیار | میانگین | انحراف معیار | میانگین | انحراف معیار |                   |
| ساختار مدیریت شهری                        | ۴/۲۵    | ۰/۵۴         | ۴/۰۸    | ۰/۴۲         | ۴/۱۷    | ۰/۶۵         | توسعه مدیریت شهری |
| تشکیلات دموکراتیک                         | ۴/۳۶    | ۰/۶۵         | ۴/۱۷    | ۰/۲۹         | ۴/۱۲    | ۰/۲۵         |                   |
| تمرکززدایی حکومت مرکزی                    | ۴/۰۲    | ۰/۲۶         | ۴/۳۲    | ۰/۷۴         | ۴/۰۲    | ۰/۳۵         |                   |
| اجرای مدیریت واحد شهری                    | ۴/۲۱    | ۰/۲۷         | ۴/۱۸    | ۰/۶۵         | ۴/۵۷    | ۰/۸۵         |                   |
| چابک‌سازی سازمان در شهرداری‌ها            | ۴/۳۲    | ۰/۴۷         | ۴/۶۴    | ۰/۳۵         | ۴/۰۱    | ۰/۵۸         | توسعه مدیریت شهری |
| توزیع برابر امکانات و خدمات               | ۴/۱۵    | ۰/۶۵         | ۴/۱۷    | ۰/۵۲         | ۴/۱۳    | ۰/۹۵         |                   |
| توزیع برابر فرصت‌ها                       | ۴/۲۴    | ۰/۸۴         | ۴/۳۲    | ۰/۷۳         | ۴/۱۶    | ۰/۴۷         |                   |
| برقراری عادلانه مراودات با شهروندان       | ۴/۰۳    | ۰/۹۵         | ۴/۱۱    | ۰/۶۵         | ۴/۶۴    | ۰/۲۸         |                   |
| عدالت فضایی شهر و شهرسازی                 | ۴/۲۸    | ۰/۵۷         | ۴/۰۹    | ۰/۴۵         | ۴/۱۲    | ۰/۳۳         | توسعه مدیریت شهری |
| تخصیص عادلانه خدمات شهری                  | ۴/۳۳    | ۰/۲۶         | ۴/۳۸    | ۰/۲۶         | ۴/۷۱    | ۰/۶۴         |                   |
| اجرای تعهدات شهرداری به شهروندان          | ۴/۶۶    | ۰/۴۴         | ۴/۱۴    | ۰/۶۵         | ۴/۰۸    | ۰/۵۸         |                   |
| شناخت نیازهای شهروندان و رفع آن           | ۴/۲۹    | ۰/۶۵         | ۴/۱۰    | ۰/۳۳         | ۴/۲۹    | ۰/۴۶         |                   |
| شفافیت قراردادها                          | ۴/۲۱    | ۰/۵۵         | ۴/۲۱    | ۰/۲۶         | ۴/۴۱    | ۰/۵۸         | توسعه مدیریت شهری |
| مساوات و برابری در ارائه خدمات            | ۴/۰۷    | ۰/۲۵         | ۴/۰۹    | ۰/۶۱         | ۴/۰۷    | ۰/۶۴         |                   |
| تلاش برای کارآمدی منابع                   | ۴/۱۱    | ۰/۳۵         | ۴/۳۴    | ۰/۷۲         | ۴/۸۶    | ۰/۲۵         |                   |
| شایسته‌گزینی یا لیاقت‌مندی در انجام وظیفه | ۴/۳۱    | ۰/۴۷         | ۴/۴۲    | ۰/۵۶         | ۴/۳۲    | ۰/۳۸         |                   |
| ایجاد توازن بین منابع و توزیع             | ۴/۳۲    | ۰/۶۵         | ۴/۱۷    | ۰/۲۶         | ۴/۲۲    | ۰/۶۵         | توسعه مدیریت شهری |
| اصلاح ساختار سازمانی                      | ۴/۲۲    | ۰/۵۵         | ۴/۷۱    | ۰/۲۷         | ۴/۷۱    | ۰/۲۵         |                   |
| پرورش افرادی توانمند و چندمهارته          | ۴/۲۱    | ۰/۷۴         | ۴/۸۲    | ۰/۴۷         | ۴/۰۹    | ۰/۳۵         |                   |
| ایجاد سازمان‌های دانش‌محور                | ۴/۶۶    | ۰/۷۲         | ۴/۱۵    | ۰/۲۶         | ۴/۱۲    | ۰/۷۱         |                   |
| آموزش و توسعه منابع انسانی                | ۴/۰۸    | ۰/۴۸         | ۴/۱۴    | ۰/۹۵         | ۴/۳۲    | ۰/۷۵         | توسعه مدیریت شهری |
| سرمایه اجتماعی                            | ۴/۳۶    | ۰/۶۵         | ۴/۳۲    | ۰/۵۷         | ۴/۸۵    | ۰/۷۰         |                   |
| برنامه‌ریزی یکپارچه                       | ۴/۲۱    | ۰/۵۵         | ۴/۲۱    | ۰/۲۶         | ۴/۴۱    | ۰/۵۸         |                   |
| ترکیب جمعیتی                              | ۴/۴۵    | ۰/۶۵         | ۴/۴۷    | ۰/۹۵         | ۴/۳۱    | ۰/۶۳         |                   |
| کیفیت محیطی زیست                          | ۴/۵۲    | ۰/۷۵         | ۴/۲۵    | ۰/۵۷         | ۴/۷۱    | ۰/۶۵         |                   |

منبع: یافته‌های تحقیق

براساس نتایج سه دوره دلفی، به دلایل زیر بین اعضای پنل اتفاق نظر حاصل شد و می‌توان به تکرار دورها پایان داد؛ چراکه همه میانگین‌ها بازی عدد ۳ است. انحراف معیار پاسخ‌های خبرگان از ۰/۷۴ در دور او به ۰/۴۲ در دور سوم کاهش یافت و ضریب کاندال هم در دور سوم به ۰/۸۰ رسید. همچنین با توجه به اینکه ضریب کاندال در دور سوم نسبت به دور دوم تنها با رشد ناچیز ۰/۰۴۵ افزایش یافته است و میزان اجماع، و اتفاق نظر در دو دور متوالی رشد قابل توجهی را نشان نمی‌دهد، نیاز به تکرار دورهای دیگر دلفی ضرورت ندارد.

### الگوریتم تاپسیس

تحلیل و رتبه‌بندی داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار تاپسیس انجام و نیز از نرم‌افزار اکسل در تحلیل داده‌ها کمک گرفته شد. مقیاس مورد استفاده در پرسش‌نامه مذکور، طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت بود که هر عامل امکان انتخاب موارد خیلی تأثیرگذار تا محدودی تأثیرگذار، تأثیرگذار، بی‌تأثیر و اهمیت ندارد را دارد که به ترتیب برای هر ۱ امتیاز نمره ۵، ۴، ۳، ۲ و ۱ برای کدگذاری در نظر گرفته شد. جامعه آماری این تحقیق، کارشناسان مدیریت شهری و متخصصان دانشگاهی شهرستان کاشان هستند. تعداد این جامعه به‌طور دقیق در دسترس نیست؛ از این‌رو این جامعه آماری نامحدود فرض می‌شود. پرسش‌نامه راهبردهای مؤثر بر مدیریت شهری با رویکرد عدالت اجتماعی از جنبه‌های مورد اشاره در تحقیق تعیین و در شاخص‌های کلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. پس از جمع‌آوری اطلاعات درباره همه گزینه‌ها با توجه به شاخص‌های تعیین‌شده، به‌منظور ارزیابی و انتخاب ارجح‌ترین شاخص توسط زیرگروه‌های مربوط و اولویت‌بندی آن‌ها از معیارهای تصمیم‌گیری با شاخص‌های چندگانه استفاده می‌گردد. از بین روش‌های متعددی که در حوزه تصمیم‌گیری با شاخص‌های چندگانه وجود دارد، روش اولویت‌بندی ترجیحی براساس تشابه به پاسخ ایدئال (تاپسیس) به دلیل مزیت‌هایی که نسبت به روش‌های دیگر دارد، در اولویت است (عسگرپور، ۲۰۱۱، به نقل از اصغرپور، ۱۳۹۷). این الگوریتم مورد گزینش و برای تحقیق انتخاب می‌گردد. همان‌گونه که می‌دانیم معیارهای مختلف دارای وزن‌های مختلف هستند. در این تحقیق برای تعیین وزن هریک از معیارها و شاخص‌ها از الگوریتم آنتروپی به شرح ذیل استفاده می‌گردد.

### الگوریتم آنتروپی

در این روش از تحقیق لازم است ابتدا راهبردهای مؤثر بر مدیریت شهری با رویکرد عدالت اجتماعی شناسایی شود و پس از وزن‌دهی با الگوریتم آنتروپی و مشخص کردن وزن‌های تعدیل‌شده ( $W_j$ ) از الگوریتم آنتروپی استفاده گردد. برای محاسبه وزن  $n$  شاخص با داشتن  $m$  مشاهده



از هر شاخص، روش آنتروپی به این صورت مورد استفاده قرار می‌گیرد که در آغاز برای مشاهده  $i$  از  $j$ امین شاخص ( $O_{ij}$ )، مقدار نرمال‌شده  $r_{ij}$  از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$r_{ij} = \frac{O_{ij}}{\sum_{i=1}^m O_{ij}} ; j = 1, 2, \dots, n$$

حال، آنتروپی شاخص  $j$ ام از طریق رابطه ذیل محاسبه می‌شود:

$$E_j = -K \sum_{i=1}^m r_{ij} \ln r_{ij} ; j = 1, \dots, n$$

به‌طوری‌که  $K = 1 / \ln m$  است؛ در این صورت وزن شاخص  $j$ ام ( $W_j$ ) از رابطه ذیل به دست می‌آید:

$$W_j = \frac{(1 - E_j)}{\sum_{j=1}^n (1 - E_j)} ; j = 1, 2, \dots, n$$

با داشتن اوزان تمام شاخص‌ها، در مرحله بعد می‌توان با الگوریتم تاپسیس رتبه‌بندی را انجام داد.

این الگوریتم را هوانگ و یون<sup>۳</sup> (۱۹۸۱) مطرح کردند. در این روش  $m$  گزینه به‌وسیله  $n$  شاخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و هر مسئله را می‌توان به‌عنوان یک سیستم هندسی شامل  $m$  نقطه در یک فضای  $n$  بعدی در نظر گرفت. این روش بر این ساختار درست شده است که گزینه انتخابی باید کمترین فاصله را با راه‌حل ایدئال مثبت (بهترین حالت ممکن،  $A_i^+$ ) و بیشترین فاصله را با راه‌حل ایدئال منفی (بدترین حالت ممکن،  $A_i^-$ ) داشته باشد. با توجه به قوانین فاصله اقلیدسی، فرض بر این است که مطلوبیت هر شاخص به‌طور یکنواخت بیشترین و یا کمترین است. در واقع الگوریتم تاپسیس یک روش تصمیم‌گیری قوی با استفاده از معیارهای کمی و کیفی برای اولویت‌بندی به‌وسیله شباهت و نزدیکی به جواب ایدئال است (به نقل از اصغرپور، ۱۳۹۷).

حل مسئله با این روش، مستلزم طی شش گام زیر است:

۱. کمی کردن و بی‌مقیاس‌سازی ماتریس تصمیم ( $D$ ) برای بی‌مقیاس‌سازی، از بی‌مقیاس‌سازی نورماتریس تصمیم ( $N$ ) استفاده می‌شود. برای محاسبه ماتریس تصمیم‌گیری نرمال‌شده، از رابطه ذیل استفاده می‌شود:

$$a_j = \sqrt{\sum_{i=1}^m r_{ij}^2} ; \psi_j \quad n_{ij} = \frac{r_{ij}}{a_j} ; \forall i, j$$

که در این حالت،  $m$  تعداد زیرشاخه‌های مؤثر بر راهبردهای مدیریت شهری مبتنی بر عدالت محوری و  $n$  از ۱ تا ۱۰ است. همچنین  $iij$  و  $nij$  به ترتیب اعضای ماتریس قبل و بعد از نرمالیزه کردن هستند. به علت حجیم بودن ماتریس نرمالیزه شده از آوردن آن صرف نظر می شود.

۲. به دست آوردن ماتریس بی‌مقیاس وزنی ( $V$ ): ماتریس بی‌مقیاس شده ( $ND$ )، ماتریسی است که امتیازات شاخص‌ها در آن بی‌مقیاس و قابل مقایسه است. در ماتریس قطری وزن‌ها ( $Wn \times n$ ) ضرب می‌شود.  $V = ND \times Wn \times n$  (ماتریس قطری، ماتریسی می‌باشد که فقط عناصر قطر اصلی آن غیر صفر است. در این ماتریس، شاخص‌های گوناگون به وزن‌های مختلفی تبدیل می‌شوند.

۳. تعیین راه‌حل ایدئال مثبت ( $Vj+$ ) و راه‌حل ایدئال منفی ( $Vj-$ ) بردار بهترین مقادیر هر شاخص ماتریس  $Vj+ = V$  و بردار بدترین مقادیر هر شاخص ماتریس  $Vj- = V$ .

۴. به دست آوردن میزان فاصله هر گزینه تا ایدئال‌های مثبت و منفی:

$$d_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^+)^2}, i = 1, 2, \dots, m$$

فاصله اقلیدسی هر گزینه تا ایده‌آل مثبت

$$d_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^-)^2}, i = 1, 2, \dots, m$$

فاصله اقلیدسی هر گزینه تا ایده‌آل منفی

۵. تعیین نزدیکی نسبی ( $CL^*$ ) یک گزینه به راه‌حل ایدئال.

۶. رتبه‌بندی گزینه‌ها: هر گزینه‌ای که ( $CL^*$ ) آن بزرگ‌تر باشد، بهتر است.

نتایج مطالعات از این روش راهبردهای مدیریت شهری مبتنی بر عدالت محوری را از جنبه‌های مختلف ساختار و تشکیلات، توزیع منابع و درآمد، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی، چابک‌سازی سازمان شهرداری و محرک‌های توسعه پایدار شهری با توجه به ارجحیت مربوطه اولویت‌بندی و رتبه می‌کند.

### نتایج

این پژوهش با استفاده از الگوریتم و روش‌هایی که در بخش مواد و روش‌ها به آن‌ها اشاره شد و نیز نتایجی که به دست آمد، با هدف بررسی تحلیل و رتبه‌بندی راهبردهای مدیریت شهری مبتنی بر عدالت محوری انجام شده است. در جامعه آماری، ۲۵ درصد افراد دارای مدرک تحصیلی کارشناسی، ۴۵ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۳۰ درصد دارای مدرک دکتری بودند. در این تحقیق ۸۰ درصد مرد و بقیه زن بودند. مدل مفهومی پژوهش دربرگیرنده پنج شاخص اصلی و ۲۵ زیرشاخص بود.



# شناسایی و اولویت‌بندی راهبردهای توسعه مدیریت شهری...، مرتضی والی‌زاده و همکاران

جدول ۳: ماتریس تصمیم‌گیری راهبردهای مدیریت شهری مبتنی بر عدالت محوری

|  | X10   | X9    | X8    | X7    | X6    | X5    | X4    | X3     | X2    | X1    | زیرشاخص‌ها                                |
|--|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|--------|-------|-------|-------------------------------------------|
|  | ۴/۶۰۰ | ۳/۸۳۰ | ۲/۵۰۰ | ۴/۱۶۰ | ۴/۰۰۰ | ۴/۱۶۰ | ۴/۱۶۰ | ۳/۸۰۰  | ۳/۸۳۰ | ۳/۶۶۰ | ساختار مدیریت شهری                        |
|  | ۳/۱۶۰ | ۲/۵۰۰ | ۴/۶۰۰ | ۳/۸۳۰ | ۴/۰۰۰ | ۳/۸۳۰ | ۳/۰۰۰ | ۳/۶۶۹۰ | ۲/۵۰۰ | ۲/۶۶۰ | تشکیلات دموکراتیک                         |
|  | ۳/۵۰۰ | ۴/۰۰۰ | ۳/۱۶۰ | ۳/۸۳۰ | ۳/۶۶۰ | ۴/۸۳۰ | ۳/۵۰۰ | ۳/۸۳۰  | ۴/۰۰۰ | ۳/۱۶۰ | تمرکززدایی حکومت مرکزی                    |
|  | ۳/۸۳۰ | ۴/۱۶۰ | ۳/۵۰۰ | ۲/۵۰۰ | ۴/۱۶۰ | ۳/۸۳۰ | ۲/۵۰۰ | ۴/۲۰۰  | ۴/۱۶۰ | ۲/۵۰۰ | اجرای مدیریت واحد شهری                    |
|  | ۲/۸۳۰ | ۲/۶۶۰ | ۳/۸۳۰ | ۳/۸۳۰ | ۴/۱۶۰ | ۳/۸۳۰ | ۳/۶۶۰ | ۳/۸۰۰  | ۲/۶۶۰ | ۲/۸۳۰ | چابک‌سازی سازمان در شهرداری‌ها            |
|  | ۳/۵۰۰ | ۳/۸۳۰ | ۲/۸۳۰ | ۳/۶۶۰ | ۳/۸۳۰ | ۲/۸۳۰ | ۲/۵۰۰ | ۳/۸۰۰  | ۳/۸۰۰ | ۳/۶۶۰ | توزیع برابر امکانات و خدمات               |
|  | ۳/۸۳۰ | ۴/۱۶۰ | ۱/۵۵۰ | ۲/۶۶۰ | ۳/۸۳۰ | ۱/۵۵۰ | ۴/۶۰۰ | ۴/۰۶۰  | ۳/۸۳۰ | ۴/۰۰۰ | توزیع برابر فرصت‌ها                       |
|  | ۲/۸۳۰ | ۳/۸۳۰ | ۲/۶۶۰ | ۳/۱۶۰ | ۲/۵۰۰ | ۳/۸۳۰ | ۳/۱۶۰ | ۴/۱۶۰  | ۳/۸۳۰ | ۴/۰۰۰ | برقراری عادلانه مراودات با شهروندان       |
|  | ۳/۱۶۰ | ۴/۸۳۰ | ۳/۶۶۰ | ۲/۵۰۰ | ۳/۸۳۰ | ۴/۸۳۰ | ۳/۵۰۰ | ۳/۳۳۰  | ۳/۶۶۰ | ۳/۶۶۰ | عدالت فضایی شهر و شهرسازی                 |
|  | ۴/۵۰۰ | ۳/۸۳۰ | ۴/۱۶۰ | ۲/۸۳۰ | ۳/۶۶۰ | ۳/۸۳۰ | ۳/۸۳۰ | ۳/۸۳۰  | ۳/۶۶۰ | ۴/۱۶۰ | تخصیص عادلانه خدمات شهری                  |
|  | ۳/۵۰۰ | ۳/۸۳۰ | ۳/۸۳۰ | ۴/۱۶۰ | ۲/۶۶۰ | ۳/۸۳۰ | ۲/۸۳۰ | ۲/۵۰۰  | ۴/۲۰۰ | ۳/۸۳۰ | اجرای تعهدات شهرداری به شهروندان          |
|  | ۳/۸۳۰ | ۳/۸۳۰ | ۴/۸۳۰ | ۲/۶۶۰ | ۴/۱۶۰ | ۳/۸۳۰ | ۳/۱۶۰ | ۳/۸۳۰  | ۴/۱۶۰ | ۴/۸۳۰ | شناخت نیازهای شهروندان                    |
|  | ۴/۲۰۰ | ۲/۵۰۰ | ۳/۸۳۰ | ۳/۸۰۰ | ۴/۱۶۰ | ۴/۸۳۰ | ۴/۵۰۰ | ۴/۱۶۰  | ۴/۵۰۰ | ۳/۸۳۰ | شفافیت قراردادهای                         |
|  | ۳/۸۰۰ | ۲/۸۳۰ | ۳/۸۳۰ | ۳/۸۳۰ | ۳/۸۳۰ | ۲/۲۵۰ | ۴/۸۳۰ | ۳/۸۳۰  | ۳/۶۶۰ | ۳/۸۳۰ | مساوات و برابری در ارائه خدمات            |
|  | ۳/۸۰۰ | ۳/۸۳۰ |       | ۳/۸۳۰ | ۴/۸۳۰ | ۲/۴۷۰ | ۳/۰۰۰ | ۳/۸۳۰  | ۳/۰۰۰ | ۳/۵۰۰ | تلاش برای کارآمدی منابع                   |
|  | ۲/۵۰۰ | ۲/۶۶۰ | ۳/۸۳۰ | ۳/۶۶۰ | ۴/۱۶۰ | ۳/۶۶۰ | ۳/۸۳۰ | ۳/۶۶۰  | ۳/۸۳۰ | ۳/۸۳۰ | شایسته‌گزینی یا لیاقت‌مندی در انجام وظیفه |
|  | ۲/۸۳۰ | ۱/۵۵۰ | ۴/۱۶۰ | ۳/۶۶۰ | ۳/۸۳۰ | ۲/۶۶۰ | ۳/۶۶۰ | ۴/۱۶۰  | ۲/۵۰۰ | ۴/۲۰۰ | ایجاد توازن بین منابع و توزیع             |
|  | ۳/۸۳۰ | ۳/۶۶۰ | ۳/۸۳۰ | ۴/۲۰۰ | ۴/۸۳۰ | ۳/۱۶۰ | ۲/۶۶۰ | ۳/۸۳۰  | ۲/۸۳۰ | ۳/۸۰۰ | اصلاح ساختار سازمانی                      |
|  | ۲/۶۶۰ | ۴/۱۶۰ | ۳/۸۳۰ | ۲/۲۰۰ | ۳/۸۳۰ | ۲/۵۰۰ | ۳/۸۳۰ | ۴/۸۳۰  | ۳/۸۳۰ | ۳/۸۰۰ | پرورش افرادی توانمند و چندمهارته          |
|  | ۴/۱۶۰ | ۳/۸۳۰ | ۳/۸۳۰ | ۴/۲۰۰ | ۳/۸۳۰ | ۲/۸۳۰ | ۴/۲۰۰ | ۳/۸۳۰  | ۲/۵۰۰ | ۴/۰۶۰ | ایجاد سازمان‌های دانش‌محور                |
|  | ۳/۸۳۰ | ۴/۸۳۰ | ۴/۱۶۰ | ۳/۸۰۰ | ۲/۵۰۰ | ۳/۶۶۰ | ۳/۸۰۰ | ۴/۱۶۰  | ۳/۸۳۰ | ۳/۸۳۰ | آموزش و توسعه منابع انسانی                |
|  | ۳/۸۳۰ | ۴/۱۶۰ | ۳/۸۳۰ | ۳/۸۰۰ | ۲/۸۳۰ | ۴/۰۰۰ | ۳/۸۰۰ | ۴/۸۳۰  | ۳/۶۶۰ | ۴/۸۳۰ | سرمایه اجتماعی                            |
|  | ۲/۵۰۰ | ۳/۸۳۰ | ۳/۸۳۰ | ۴/۰۶۰ | ۳/۸۳۰ | ۳/۶۶۰ | ۴/۰۶۰ | ۳/۸۳۰  | ۲/۶۶۰ | ۳/۸۳۰ | برنامه‌ریزی یکپارچه                       |
|  | ۳/۸۳۰ | ۴/۸۳۰ | ۳/۸۳۰ | ۴/۲۰۰ | ۲/۶۶۰ | ۲/۶۶۰ | ۴/۱۶۰ | ۲/۵۰۰  | ۲/۵۰۰ | ۳/۸۳۰ | ترکیب جمعیتی                              |
|  | ۴/۱۶۰ | ۴/۱۶۰ | ۴/۱۶۰ | ۳/۸۰۰ | ۳/۵۰۰ | ۳/۱۶۰ | ۳/۸۳۰ | ۳/۸۳۰  | ۳/۸۳۰ | ۳/۸۳۰ | کیفیت محیطی زیست                          |

منبع: یافته‌های تحقیق

در ابتدا با استفاده از الگوریتم آنتروپی، وزن هریک از شاخص‌ها تعیین و با مشخص شدن وزن‌های تعدیل‌شده، براساس الگوریتم روش تاپسیس رتبه‌بندی شدند. طبق الگوریتم (۱) نخست باید ماتریس تصمیم‌گیری را انجام دهیم. با توجه به حجم بودن محاسبات الگوریتم ماتریس تصمیم‌گیری، از توضیح بیشتر آن صرف‌نظر شده است. نتایج حاصل پژوهش از به‌کارگیری الگوریتم تاپسیس در شناسایی و اولویت‌بندی راهبردهای مدیریت شهری مبتنی بر عدالت‌محوری در ماتریس تصمیم‌گیری ذیل و در جدول ۲ درج شده است. مقادیر  $X_1$  تا  $X_{10}$  نشان‌دهنده تعداد مدیران و کارشناسان مدیریت شهری است که با تکمیل پرسش‌نامه، برای رسیدن به نتایج تحقیق یاری رساندند و به‌صورت تصادفی در قالب ده دسته شش‌تایی طبقه‌بندی شدند. اعداد داخل جدول ۲ بیان‌کننده میانگین پاسخ پاسخ‌دهندگان در هر ستون جدول، براساس طیف لیکرت (میانگین اعداد ۱ تا ۵) است. الگوریتم روش تاپسیس هر دو فاصله‌گزینه از راه‌حل ایدئال مثبت و راه‌حل ایدئال منفی را هم‌زمان به‌وسیله گرفتن نزدیکی نسبی به راه‌حل ایدئال بررسی می‌کند؛ یعنی گزینه انتخابی باید دارای کمترین فاصله از راه‌حل ممکن باشد و درعین حال دورترین فاصله از راه‌حل ایدئال منفی را نیز داشته باشد. بعد از تشکیل ماتریس تصمیم، با استفاده از الگوریتم تاپسیس ماتریس تصمیم نرمال‌شده را ایجاد می‌کنیم که به‌صورت جدول ۳ درمی‌آید؛ یعنی با به کار بردن ماتریس قطری، ماتریس بی‌مقیاس‌شده وزنی (V) به دست می‌آید. هدف از ایجاد ماتریس نرمال، بی‌مقیاس کردن شاخص‌هاست. با توجه به زیاد بودن محاسبات ماتریس نرمالیزه‌شده، از آوردن ادامه روش محاسبات آن صرف‌نظر می‌گردد که در آن معیارهای مختلف دارای وزن‌های گوناگون هستند. نتایج در جدول ۴ نشان داده شده است. با توجه به حجم محاسبات حتی‌المقدور سعی شده جدول‌ها به‌صورت کلی و پشت‌سرهم آورده شود.

جدول ۴: ماتریس نرمالیزه‌شده راهبردهای مدیریت شهری مبتنی بر عدالت‌محوری

| زیرشاخص‌ها                     | X1     | X2     | X3     | X4     | X5     | X6     | X7     | X8     | X9     | X10    |
|--------------------------------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|
| ساختار مدیریت شهری             | ۰/۰۵۳۸ | ۰/۰۲۵۴ | ۰/۰۵۵۴ | ۰/۰۳۶۷ | ۰/۰۳۴۲ | ۰/۰۳۵۷ | ۰/۰۶۵۶ | ۰/۰۴۱۲ | ۰/۰۲۵۸ | ۰/۰۴۴۱ |
| تشکیلات دموکراتیک              | ۰/۰۳۹۱ | ۰/۰۳۶۹ | ۰/۰۶۱۵ | ۰/۰۴۱۴ | ۰/۰۳۶۹ | ۰/۰۵۹۱ | ۰/۰۳۵۷ | ۰/۰۴۹۱ | ۰/۰۴۶۳ | ۰/۰۳۶۹ |
| تمرکززدایی حکومت مرکزی         | ۰/۰۴۶۴ | ۰/۰۴۷۴ | ۰/۰۲۴۱ | ۰/۰۴۶۸ | ۰/۰۴۷۸ | ۰/۰۵۲۱ | ۰/۰۵۹۱ | ۰/۰۳۱۵ | ۰/۰۷۴۱ | ۰/۰۵۲۱ |
| اجرای مدیریت واحد شهری         | ۰/۰۳۶۷ | ۰/۰۵۴۷ | ۰/۰۳۶۱ | ۰/۰۴۴۱ | ۰/۰۵۶۸ | ۰/۰۶۳۱ | ۰/۰۵۲۱ | ۰/۰۵۱۰ | ۰/۰۴۱۲ | ۰/۰۶۱۹ |
| چابک‌سازی سازمان در شهرداری‌ها | ۰/۰۳۴۲ | ۰/۰۲۵۸ | ۰/۰۶۰۲ | ۰/۰۳۶۷ | ۰/۰۵۵۸ | ۰/۰۲۵۷ | ۰/۰۴۱۴ | ۰/۰۶۵۶ | ۰/۰۴۴۱ | ۰/۰۳۶۷ |
| توزیع برابر امکانات و خدمات    | ۰/۰۳۶۹ | ۰/۰۴۶۳ | ۰/۰۳۶۹ | ۰/۰۴۱۴ | ۰/۰۳۴۱ | ۰/۰۳۵۷ | ۰/۰۴۶۸ | ۰/۰۳۵۷ | ۰/۰۳۶۹ | ۰/۰۴۱۴ |



# شناسایی و اولویت‌بندی راهبردهای توسعه مدیریت شهری... مرتضی والی‌زاده و همکاران

10.22052/KASHAN.2025.254649.1112

| زیر شاخص‌ها                               | X1     | X2     | X3     | X4     | X5     | X6     | X7     | X8     | X9     | X10    |
|-------------------------------------------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|
| توزیع برابر فرصت‌ها                       | ۰/۰۴۷۸ | ۰/۰۷۴۱ | ۰/۰۵۴۱ | ۰/۰۴۶۸ | ۰/۰۳۴۲ | ۰/۰۴۱۲ | ۰/۰۶۱۹ | ۰/۰۵۹۱ | ۰/۰۵۲۱ | ۰/۰۴۶۸ |
| برقراری عادلانه مراودات با شهروندان       | ۰/۰۵۶۸ | ۰/۰۴۱۲ | ۰/۰۵۲۲ | ۰/۰۶۵۶ |        | ۰/۰۴۹۱ | ۰/۰۳۴۲ | ۰/۰۵۲۱ | ۰/۰۶۱۹ | ۰/۰۴۴۱ |
| عدالت فضایی شهر و شهرسازی                 | ۰/۰۵۵۸ | ۰/۰۴۹۱ | ۰/۰۵۶۴ | ۰/۰۳۵۷ | ۰/۰۵۲۲ | ۰/۰۳۱۵ | ۰/۰۳۶۹ | ۰/۰۶۵۶ | ۰/۰۳۶۷ | ۰/۰۵۳۴ |
| تخصیص عادلانه خدمات شهری                  | ۰/۰۳۴۱ | ۰/۰۳۱۵ | ۰/۰۷۱۴ | ۰/۰۵۹۱ | ۰/۰۵۶۴ | ۰/۰۵۱۰ | ۰/۰۴۷۸ | ۰/۰۳۵۴ | ۰/۰۴۱۴ | ۰/۰۶۱۹ |
| اجرای تعهدات شهرداری به شهروندان          | ۰/۰۵۶۹ | ۰/۰۵۱۰ | ۰/۰۴۷۳ | ۰/۰۵۲۱ | ۰/۰۷۱۴ | ۰/۰۴۱۲ | ۰/۰۵۶۸ | ۰/۰۶۵۵ | ۰/۰۴۶۸ | ۰/۰۳۶۷ |
| شناخت نیازهای شهروندان                    | ۰/۰۶۱۵ | ۰/۰۶۳۱ | ۰/۰۶۵۶ | ۰/۰۶۵۶ | ۰/۰۵۲۲ | ۰/۰۶۲۳ | ۰/۰۵۵۸ | ۰/۰۲۴۸ | ۰/۰۲۵۷ | ۰/۰۴۱۴ |
| شفافیت قراردادهای                         | ۰/۰۲۵۴ | ۰/۰۲۵۷ | ۰/۰۳۵۷ | ۰/۰۳۵۷ | ۰/۰۵۶۴ | ۰/۰۳۶۸ | ۰/۰۳۴۱ | ۰/۰۶۱۹ | ۰/۰۳۳۶ | ۰/۰۴۶۸ |
| مساوات و برابری در ارائه خدمات            | ۰/۰۴۴۱ | ۰/۰۳۳۶ | ۰/۰۵۹۱ | ۰/۰۵۹۱ | ۰/۰۷۱۴ | ۰/۰۵۶۸ | ۰/۰۳۴۲ | ۰/۰۳۶۷ | ۰/۰۴۱۰ | ۰/۰۶۱۹ |
| تلاش برای کارآمدی منابع                   | ۰/۰۳۶۱ | ۰/۰۴۱۰ | ۰/۰۵۲۱ | ۰/۰۵۲۱ | ۰/۰۴۳۸ | ۰/۰۵۵۸ | ۰/۰۵۹۱ | ۰/۰۴۱۴ | ۰/۰۴۱۴ | ۰/۰۵۶۴ |
| شایسته‌گزینی یا لیاقت‌مندی در انجام وظیفه | ۰/۰۳۶۷ | ۰/۰۴۱۴ | ۰/۰۶۵۶ | ۰/۰۶۳۱ | ۰/۰۶۳۲ | ۰/۰۳۴۱ | ۰/۰۵۲۱ | ۰/۰۴۶۸ | ۰/۰۲۵۷ | ۰/۰۷۱۴ |
| ایجاد توازن بین منابع و توزیع             | ۰/۰۴۱۴ | ۰/۰۴۶۸ | ۰/۰۳۵۷ | ۰/۰۲۵۷ | ۰/۰۲۵۸ | ۰/۰۵۶۹ | ۰/۰۶۵۶ | ۰/۰۶۱۹ | ۰/۰۴۶۲ | ۰/۰۴۷۳ |
| اصلاح ساختار سازمانی                      | ۰/۰۴۶۸ | ۰/۰۶۱۹ | ۰/۰۶۶۷ | ۰/۰۳۳۶ | ۰/۰۳۲۱ | ۰/۰۶۱۵ | ۰/۰۵۷۴ | ۰/۰۶۲۶ | ۰/۰۷۴۵ | ۰/۰۶۵۶ |
| پرورش افرادی توانمند و چندمهارته          | ۰/۰۴۴۱ | ۰/۰۴۱۴ | ۰/۰۴۲۸ | ۰/۰۴۴۱ | ۰/۰۳۶۷ | ۰/۰۲۵۴ | ۰/۰۶۵۶ | ۰/۰۲۵۸ | ۰/۰۶۱۹ | ۰/۰۵۹۵ |
| ایجاد سازمان‌های دانش‌محور                | ۰/۰۳۶۷ | ۰/۰۴۶۸ | ۰/۰۶۵۶ | ۰/۰۳۶۹ | ۰/۰۴۱۴ | ۰/۰۵۶۸ | ۰/۰۳۵۷ | ۰/۰۴۶۳ | ۰/۰۳۶۷ | ۰/۰۴۵۱ |
| آموزش و توسعه منابع انسانی                | ۰/۰۶۳۱ | ۰/۰۴۲۱ | ۰/۰۳۵۷ | ۰/۰۵۲۱ | ۰/۰۴۶۸ | ۰/۰۵۵۸ | ۰/۰۵۹۱ | ۰/۰۷۴۱ | ۰/۰۴۱۴ | ۰/۰۳۵۴ |
| سرمايه اجتماعي                            | ۰/۰۲۵۷ | ۰/۰۴۱۴ | ۰/۰۵۹۱ | ۰/۰۶۱۹ | ۰/۰۴۴۱ | ۰/۰۳۴۱ | ۰/۰۵۲۱ | ۰/۰۴۱۲ | ۰/۰۴۶۸ | ۰/۰۵۶۵ |
| برنامه‌ریزی یکپارچه                       | ۰/۰۳۳۶ | ۰/۰۵۹۵ | ۰/۰۵۲۱ | ۰/۰۳۶۷ | ۰/۰۳۶۷ | ۰/۰۵۶۹ | ۰/۰۶۵۶ | ۰/۰۲۵۸ | ۰/۰۶۱۹ | ۰/۰۲۴۸ |
| ترکیب جمعیتی                              | ۰/۰۴۱۰ | ۰/۰۶۱۹ | ۰/۰۶۵۶ | ۰/۰۴۱۴ | ۰/۰۴۱۴ | ۰/۰۶۱۵ | ۰/۰۳۵۷ | ۰/۰۴۶۳ | ۰/۰۳۶۷ | ۰/۰۶۶۵ |
| کیفیت محیطی زیست                          | ۰/۰۶۳۱ | ۰/۰۴۱۴ | ۰/۰۳۵۷ | ۰/۰۴۶۸ | ۰/۰۴۶۸ | ۰/۰۲۵۴ | ۰/۰۵۹۱ | ۰/۰۷۴۱ | ۰/۰۴۱۴ | ۰/۰۴۱۲ |

منبع: یافته‌های تحقیق



جدول ۵: ضریب وزنی شاخص‌ها با الگوریتم آنتروپی

| شاخص‌ها                    | X1     | X2     | X3     | X4     | X5     | X6     | X7     | X8     | X9     | X10    |
|----------------------------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|
| ساختار و تشکیلات           | ۰/۰۹۵۴ | ۰/۱۷۶۸ | ۰/۱۱۶۲ | ۰/۰۴۱۹ | ۰/۰۹۱۰ | ۰/۰۶۵۴ | ۰/۰۸۰۴ | ۰/۲۲۹۹ | ۰/۰۵۲۹ | ۰/۱۳۲۴ |
| توزیع منابع و درآمد        | ۰/۰۱۵۰ | ۰/۰۰۲۴ | ۰/۰۱۹۷ | ۰/۰۱۴۷ | ۰/۲۰۰۷ | ۰/۰۶۳۰ | ۰/۰۷۷۴ | ۰/۲۵۷۲ | ۰/۰۵۵۲ | ۰/۰۸۸۵ |
| مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی  | ۰/۰۲۴۲ | ۰/۰۹۸۶ | ۰/۰۲۶۶ | ۰/۰۳۲۱ | ۰/۰۹۵۲ | ۰/۰۵۲۰ | ۰/۰۸۱۵ | ۰/۰۸۰۸ | ۰/۱۲۰۶ | ۰/۰۲۴۲ |
| چابک‌سازی سازمان شهرداری   | ۰/۲۳۳۸ | ۰/۰۷۵۷ | ۰/۰۱۷۰ | ۰/۰۵۵۷ | ۰/۰۶۴۲ | ۰/۱۷۵۲ | ۰/۰۲۶۱ | ۰/۰۴۱۲ | ۰/۰۳۳۵ | ۰/۰۳۶۲ |
| محرك‌های توسعه پایدار شهری | ۰/۲۳۳۸ | ۰/۰۷۵۷ | ۰/۰۱۷۰ | ۰/۰۵۵۷ | ۰/۰۶۴۲ | ۰/۱۷۵۲ | ۰/۰۲۶۱ | ۰/۰۴۱۲ | ۰/۰۳۳۵ | ۰/۰۳۶۲ |

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۶: مجموعه نقاط ایدئال مثبت، منفی، ضریب نزدیکی و رتبه‌بندی نهایی

| شاخص                       | زیرشاخص                                   | Di <sup>+</sup> | Di <sup>-</sup> | CLI    | رتبه |
|----------------------------|-------------------------------------------|-----------------|-----------------|--------|------|
| ساختار و تشکیلات           | ساختار مدیریت شهری                        | ۰/۰۸۸۱          | ۰/۰۱۷۳          | ۰/۸۳۵۴ | ۲    |
|                            | اجرای مدیریت واحد شهری                    | ۰/۰۵۳۶          | ۰/۰۶۲۶          | ۰/۴۶۱۳ | ۳    |
|                            | تمرکززدایی حکومت مرکزی                    | ۰/۰۹۶۴          | ۰/۰۱۶۷          | ۰/۸۵۲۳ | ۱    |
|                            | تشکیلات دموکراتیک                         | ۰/۰۳۸۱          | ۰/۰۹۴۶          | ۰/۲۸۷۰ | ۵    |
|                            | چابک‌سازی سازمان در شهرداری‌ها            | ۰/۰۴۶۴          | ۰/۰۶۴۸          | ۰/۴۰۸۰ | ۴    |
| توزیع منابع و درآمد        | عدالت فضایی شهر و شهرسازی                 | ۰/۰۴۱۹          | ۰/۰۹۳۸          | ۰/۳۰۸۹ | ۵    |
|                            | توزیع برابر فرصت‌ها                       | ۰/۰۷۹۶          | ۰/۰۴۸۸          | ۰/۶۱۹۷ | ۱    |
|                            | برقراری عادلانه مراودات با شهروندان       | ۰/۰۴۳۱          | ۰/۰۸۶۶          | ۰/۳۳۲۵ | ۴    |
|                            | توزیع برابر امکانات و خدمات               | ۰/۰۸۰۷          | ۰/۰۵۹۷          | ۰/۵۷۴۸ | ۲    |
|                            | تخصیص عادلانه خدمات شهری                  | ۰/۰۴۹۸          | ۰/۰۸۱۰          | ۰/۳۸۰۷ | ۳    |
| مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی  | اجرای تعهدات شهرداری به شهروندان          | ۰/۰۱۳۵          | ۰/۰۸۷۹          | ۰/۱۳۲۸ | ۵    |
|                            | شناخت نیازهای شهروندان و اهتمام برای رفع  | ۰/۰۴۲۹          | ۰/۰۵۰۴          | ۰/۴۵۹۹ | ۴    |
|                            | شفافیت قراردادهای                         | ۰/۰۸۶۵          | ۰/۰۱۴۴          | ۰/۸۵۶۸ | ۱    |
|                            | مساوات و برابری در ارائه خدمات            | ۰/۰۸۰۰          | ۰/۰۱۷۲          | ۰/۸۲۲۸ | ۲    |
|                            | تلاش برای کارآمدی منابع                   | ۰/۰۴۶۵          | ۰/۰۴۵۳          | ۰/۴۶۱۰ | ۳    |
| چابک‌سازی سازمان شهرداری   | اصلاح ساختار سازمانی                      | ۰/۰۳۲۵          | ۰/۰۸۹۰          | ۰/۲۶۹۲ | ۵    |
|                            | ایجاد توازن بین منابع و توزیع             | ۰/۰۵۵۵          | ۰/۰۹۹۶          | ۰/۳۵۷۷ | ۳    |
|                            | شایسته‌گزینی یا لیاقت‌مندی در انجام وظیفه | ۰/۰۴۲۷          | ۰/۰۷۷۵          | ۰/۳۵۵۳ | ۴    |
|                            | پرورش افرادی توانمند و چندمهارته          | ۰/۰۶۹۷          | ۰/۰۶۹۰          | ۰/۵۰۲۵ | ۲    |
|                            | ایجاد سازمان‌های دانش‌محور                | ۰/۱۰۴۱          | ۰/۰۲۸۶          | ۰/۷۸۴۵ | ۱    |
| محرك‌های توسعه پایدار شهری | آموزش و توسعه منابع انسانی                | ۰/۰۳۴۸          | ۰/۰۳۱۲          | ۰/۵۲۷۳ | ۴    |
|                            | سرمایه اجتماعی                            | ۰/۰۳۸۹          | ۰/۰۲۰۲          | ۰/۶۴۷۸ | ۳    |
|                            | برنامه‌ریزی یکپارچه                       | ۰/۰۴۴۴          | ۰/۰۱۶۱          | ۰/۷۳۴۴ | ۱    |
|                            | ترکیب جمعیتی                              | ۰/۰۴۳۰          | ۰/۰۲۲۲          | ۰/۶۵۹۷ | ۲    |
|                            | کیفیت محیطی زیست                          | ۰/۰۲۶۷          | ۰/۰۴۴۳          | ۰/۳۷۶۲ | ۵    |

منبع: یافته‌های تحقیق



در مرحله بعد، مجموعه نقاط ایدئال مثبت و منفی  $di+$  و  $di-$  به دست خواهد آمد. نقاط ایدئال مثبت و منفی، فاصله از ایدئال‌های مثبت و منفی را نشان می‌دهند. بنابراین، هرچه فاصله شاخص‌ها از ایدئال مثبت کمتر و از ایدئال منفی بیشتر باشد، از اولویت بالاتری برخوردار خواهند بود؛ در نهایت ضریب نزدیکی ( $CLi^*$ ) که بیانگر درجه اهمیت شاخص‌هاست محاسبه می‌گردد. مجموعه نقاط ایدئال مثبت، منفی، ضریب نزدیکی و رتبه‌بندی نهایی متغیرها در جدول ۵ آورده شده است. از سوی دیگر با مطالعه نتایج تحقیق در جدول ۵ ملاحظه می‌شود که عدد ۱ در ستون رتبه به‌عنوان زیرشاخص اولویت نخست در هر شاخص محسوب می‌شود؛ به‌طوری‌که زیرشاخص‌های تمرکززدایی حکومت مرکزی، توزیع برابر فرصت‌ها، شفافیت قراردادهای، ایجاد سازمان‌های دانش‌محور و برنامه‌ریزی یکپارچه بیشترین اجزای تأثیرگذاری و رتبه‌های نخست پژوهش را کسب کردند. تشکیلات دموکراتیک، عدالت فضایی شهر و شهرسازی، اجرای تعهدات شهرداری به شهروندان، اصلاح ساختار سازمانی و کیفیت محیطی زیست به‌ترتیب عواملی هستند که کمترین تأثیر را بر راهبردهای مدیریت شهری مبتنی بر عدالت‌محوری دارند. با توجه به مطالب ذکرشده این عوامل می‌تواند در مدیریت شهری مبتنی بر عدالت‌محوری نقش مهم داشته باشد.

## ۷. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و اولویت‌بندی راهبردهای مدیریت شهری مبتنی بر عدالت‌محوری در شهر کاشان انجام شد؛ به‌نحوی‌که در بخش اول با مرور ادبیات پژوهش و در بخش دوم با روش دلفی سه مرحله‌ای راهبردهای مدیریت شهری مبتنی بر عدالت‌محوری شناسایی گردید. سپس با استفاده از الگوریتم تاپسیس نسبت به اولویت‌بندی راهبردهای احصاشده اقدام گردید. زیرشاخص‌های تمرکززدایی حکومت مرکزی، توزیع برابر فرصت‌ها، شفافیت قراردادهای، ایجاد سازمان‌های دانش‌محور و برنامه‌ریزی یکپارچه بیشترین اجزای تأثیرگذاری و رتبه‌های نخست پژوهش را کسب کردند. تشکیلات دموکراتیک، عدالت فضایی شهر و شهرسازی، اجرای تعهدات شهرداری به شهروندان، اصلاح ساختار سازمانی و کیفیت محیطی زیست به‌ترتیب عواملی هستند که کمترین تأثیر را بر راهبردهای مدیریت شهری مبتنی بر عدالت‌محوری دارند. با توجه به مطالب ذکرشده این عوامل می‌تواند در مدیریت شهری مبتنی بر عدالت‌محوری نقش مهم داشته باشد. نتایج تحقیق نشان داد عوامل راهبردی مؤثر بر مدیریت شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی در شهرداری کاشان عبارت است از: اصلاح ساختار سازمانی، مقابله با فساد اداری، به‌کارگیری عدالت جنسیتی، به‌کارگیری راه‌های ارتقای سطح رفاه اجتماعی، به‌کارگیری راهکارهای مشروعیت مدیریت شهری،

ارتقای دیپلماسی شهری، جذب، بازتوزیع و بهره‌وری منابع انسانی، توزیع عادلانه ثروت، طراحی و بازآفرینی شهری و ایجاد شهر خلاق، کارآفرینی و هوشمندی و پاسخ‌گویی. نتایج به‌دست‌آمده با مطالعات اسکندری و همکاران (۱۴۰۰)، کمان‌رودی و همکاران (۱۴۰۰)، رجبی و همکاران (۱۳۹۹)، الماسی و همکاران (۱۳۹۸)، یغفوری و همکاران (۱۳۹۶) همخوانی دارد.

در تبیین این نتایج که راهبردهای لازم برای بهبود سطح مدیریت شهری با رویکرد عدالت‌محوری نیازمند آنیم تا راهبردهای مختلفی را مورد توجه قرار دهیم. راهبردهایی که بتواند کارایی و اثربخشی مدیریت شهری را بهبود ببخشد. راهبردهایی همچون اصلاح ساختار سازمانی مدیریت شهری که امروزه بیش از هر زمان دیگری مورد انتظار است. به نظر می‌رسد برای رسیدن به این اهداف، مدیریت منابع انسانی کارآمد و مؤثر، برای مدیریت شهری بسیار اهمیت دارد که اهمیت ساختار سازمانی را دوچندان می‌سازد. این باید بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ سازمانی باشد و باید به هسته کسب‌وکار مرتبط باشد؛ چراکه برای هماهنگی مناسب کار و جریان وظایف و مسئولیت‌ها، درک اهمیت ساختار سازمانی در مدیریت شهری بسیار مهم است. همچنین اهمیت حیاتی این چارچوب خاص به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از کل فرهنگ سازمانی و محیط کار قابل توجه است، زیرا این امر منافع مختلف مانند افزایش سطح بهره‌وری و کارایی کارکنان را به ارمغان می‌آورد. به‌کارگیری عدالت جنسیتی، یکی دیگر از راهبردهایی است که می‌تواند نقش مهمی در توسعه مدیریت شهری عدالت‌محور باشد؛ چراکه تمامی انسان‌ها بدون هیچ‌گونه تمایزی از حق برابری در برابر قانون برخوردارند و نباید در هیچ زمینه با یکدیگر تبعیض داشته باشند و بر این پایه برابری و رهایی از تبعیض از زمره اصول پایه‌ای قانون‌های بین‌المللی حقوق بشر به شمار می‌رود. اصلی‌ترین هدف عدالت جنسیتی دستیابی به عدالت میان زنان و مردان برای تضمین رسیدن به توسعه پایدار محسوب می‌شود. این مقوله اگرچه در نهادهای حقوقی و اجتماعی موضوعی تازه قلمداد می‌شود و در عرصه تئوریک بسیار مورد توجه قرار گرفته، در حوزه‌های اجرایی آن، به‌سبب اختلاط در فرهنگ‌ها و پالایش نکردن مبانی آن، با چالش‌هایی روبه‌رو بوده که نیازمند تبیینی درست در عرصه گرایش‌ها و نگرش‌های متکی بر فرهنگ بومی و اسلامی است؛ به‌ویژه آنکه استحکام نهاد خانواده از اساسی‌ترین اهداف قانون‌گذار اسلامی محسوب می‌شود. رویارویی با تبعیض جنسیتی و تلاش برای تحقق برابری میان زنان و مردان در عرصه‌های مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی، در دستور کار بسیاری از نهادهای سازمان ملل متحد قرار دارد که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به این موضوع می‌پردازند. ضمن اینکه به‌کارگیری راه‌های ارتقای سطح رفاه



## شناسایی و اولویت‌بندی راهبردهای توسعه مدیریت شهری...، مرتضی والی‌زاده و همکاران

10.22052/KASHAN.2025.254649.1112

اجتماعی نیز می‌تواند شهروندان را در سطح رفاهی بالاتری قرار دهد؛ چراکه رفاه و تأمین اجتماعی به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی مطرح می‌شود. بنابراین دامنه آن از اقدامات و نیت خیرخواهانه فردی فراتر رفته است و به‌عنوان حق فردی در کشور مطرح می‌شود؛ در نتیجه تکلیفی الزامی برای دولت‌ها ایجاد می‌کند و به‌این‌ترتیب مقوله تأمین اجتماعی وارد نظام‌های دولتی و عمومی کشورها می‌شود.

با توجه به یافته‌های تحقیق و راهبردهای مطروحه در این تحقیق، موارد زیر برای توصیه مدیریت شهری عدالت‌محور در کاشان سفارش می‌شود:

- با توجه به اهمیت بالای فرهنگ در شهر خلاق، برنامه‌ریزان شهری باید رویکردی فرهنگی در برنامه‌ریزی‌هایشان داشته باشند و از منابع فرهنگی شهر برای توسعه آن استفاده کنند.

- ایجاد شورایی در محله‌های کاشان برای مشارکت در سطح خرد؛
- ارزش و اعتبار قائل شدن به نظرات و خواسته‌های ساکنان؛
- به‌کارگیری راهکارهای ارتقای سطح رفاه شهری و کیفیت زندگی شهری در کاشان؛
- استفاده از تجربه و کارایی ریش‌سفیدان در ایجاد انسجام محلی؛
- پذیرش تصمیمات صحیح شهری توسط شهروندان؛
- دوام و بقای عدالت جنسی در کل شهر و محلات؛
- ایجاد حس تعلق به مکان زندگی؛
- اصلاح ساختار سازمانی بر مبنای حکمرانی مردم‌سالار؛
- به‌کارگیری عدالت جنسیتی؛
- به‌کارگیری راهکارهای ارتقای سطح مشروعیت مدیریت شهری؛
- جذب، بازتوزیع و ارتقای بهره‌وری منابع منطقه کاشان؛
- توزیع عادلانه ثروت و امکانات شهری؛
- ایجاد نهادها و سازمان‌های غیردولتی و استفاده از این نهادهای مردمی در حل مسائل و مشکلات شهر؛
- گسترش شبکه‌های اطلاع‌رسانی و سامانه‌های ارتباطی برای ارائه نظرات و پیشنهادات شهروندان به مدیران شهری؛

- التزام عملی هرچه بیشتر مدیران و مسئولان مدیریت شهری به پاسخ‌گو بودن در مقابل شهروندان و داشتن عملکرد شفاف؛
- پیوند بیشتر انجمن‌های شهری به‌ویژه شورای شهر با شهروندان از راه افزایش برگزاری نشست‌ها، گردهمایی‌ها و سمینارها و بهره گرفتن از دیدگاه‌های شهروندان در تنظیم آیین‌نامه؛
- ارتقای سطح مشارکت شهروندان در امور عمومی و مدیریت شهری از طریق نهادهای سازگی فرهنگ مدیریت محله و شورایاری‌ها؛
- اشاعه فرهنگ پاسخ‌گویی در برابر شهروندان و افزایش روحیه انتقادپذیری در تمامی سطوح سازمانی؛
- نهادهای سازگی فرهنگ رفتار توأم با احترام با شهروندان و کارکنان و تکریم آنان به‌عنوان سرمایه‌های اصلی مدیریت شهری؛
- ایجاد تحول اساسی و بنیادی در نظام برنامه‌ریزی، مدیریتی و اجرایی امور شهر به‌گونه‌ای که زمینه برای هماهنگی سازمان‌های متعدد دخیل در شهر فراهم شود؛
- تلاش و فعالیت وسیع در زمینه آموزش شهروندان کاشانی و ارتقای فرهنگ شهرنشینی و اصول شهروندمداری و تغییر دیدگاه و باور شهروندان از تماشاچی به ناظر و مشارکتی امور شهر؛
- تلاش در جهت ارتقای فرهنگ مشارکت‌جویی در مدیران و مسئولان و ارتقای فرهنگ مشارکت‌پذیری برای شهروندان؛
- ارائه عملکرد سالانه بودجه و برنامه‌های شهر در سطح شهر و اطلاع‌رسانی به عموم مردم برای اعتمادسازی شهروندان و جلب مشارکت آن‌ها.
- برگزاری نشست‌ها، همایش‌ها و میزگردهای علمی و انتقادی از وضعیت شهر کاشان و برنامه‌های شهر برای رسیدن به برنامه‌های مطلوب توسعه و عمران شهر.

### پی‌نوشت‌ها

1. Wu
2. Fan & Cheng
3. Hwang & Yoon



## منابع

- اسکندری، هانیه، داداش‌کریمی، یحیی، و حجتی، عبدالله. (۱۴۰۰). شناسایی عوامل مؤثر بر حکمرانی رفاه عمومی با رویکرد توسعه عدالت اجتماعی: یک پژوهش کیفی. *انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، ۱۴ (۲)، ۳۰۸-۲۹۹.
- اصغری‌پور، مجید. (۱۳۹۷). *تصمیم‌گیری چندمعیاره*. انتشارات دانشگاه تهران.
- افشارنیا، اعظم، زبردست، اسفندیار، و طلاچیان، مرتضی. (۱۴۰۰). تبیین مفهوم عدالت فضایی در اجرای طرح‌های جامع شهری (نمونه موردی: شهر گلپایگان). *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۹ (۴)، ۱۰۰۸-۹۸۱.
- امانپور، سعید، حسینی، نبی‌الله، و ملکی، سعید. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل خدمات شهری با رویکرد عدالت فضایی در کلان‌شهر اهواز. *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۷ (۲۵)، ۶۸-۵۵.
- باقری میاب، شهلا، کریمی‌کیا، محمدصادق. (۱۴۰۰). مدلیابی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی پدیده حاشیه‌نشینی در اهواز. *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۳ (۲)، ۵۸۴-۵۶۱.
- پرچمی جلال، مجید، زبردست، اسفندیار، و فصیحی، حمید. (۱۳۹۸). شناسایی و رتبه‌بندی ابعاد و معیارهای مؤثر در مدیریت سبک پروژه‌های شهری و ارائه مدل مفهومی برای تعریف سبک پروژه‌های شهری. *فصلنامه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، ۲۲ (۴)، ۷۰-۵۷.
- تابعی، نادر، موحد، علی، تولایی، سیمین، کمان‌رودی کجوری، موسی (۱۳۹۶). بررسی نقش عدالت فضایی در مدیریت شهری (محدوده مطالعه: محلات منطقه ۶ تهران). *فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی*، ۶ (۲)، ۳۶-۲۳.
- جاوید، علیرضا. (۱۳۹۰). شاه‌کلیدی توسعه شهری: تأمین مالی و درآمدی. *اقتصاد شهری*، ۳ (۱۰)، ۹۹-۹۵.
- رجبی، سجاد، ولی‌زاده، رضا، ستارزاده، داریوش، پناهی، علی، و محبوبی، قربان. (۱۴۰۰). تحلیل پراکنش فضایی خدمات عمومی شهری از دیدگاه عدالت اجتماعی در ساختار فضایی کلان‌شهر تبریز. *نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۵ (۷۸)، ۱۷۷-۱۵۹.
- صمدی، علی، احمدی، قادر، و ساکت حسنلوئی، میثم. (۱۴۰۲). بازاندیشی در مفهوم حق به شهر و ارتباط آن با شهرسازی عدالت‌محور (مورد پژوهی: تحلیل تطبیقی محلات هفت‌آسیاب و شیشه‌گرخانه شهر ارومیه). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۸ (۲)، ۲۷-۱۵.

- طهماسبی‌زاده، فرشاد و خادم‌الحسینی، احمد. (۱۳۹۷). تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در مناطق شهری (مطالعه موردی: مناطق شهری اصفهان). فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۷ (۲۶)، ۱۷-۲۸.
- عباسی، خیام، و موسوی، سیده مریم. (۱۳۹۷). تبیین جامعه‌شناختی عوامل اثرگذار بر نگرش مردم نسبت به عملکرد مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهرداری منطقه یک اهواز در سال ۱۳۹۶). جامعه‌شناختی شهری، شماره ۲۷، ۱۵۵-۱۸۲.
- عزیزی دانالو، سمانه، و مجتبی‌زاده خانقاهی، حسین. (۱۳۹۹). ارائه مدل توزیع عادلانه خدمات شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی (مطالعه موردی: منطقه ۱۱ شهر تهران). فصلنامه شهر پایدار، ۳ (۴)، ۷۵-۹۰.
- قلعه‌نوئی، محمود، شمس، مجید، و ملک‌حسینی، عباس. (۱۴۰۱). بررسی لایه‌های ذهنی عدالت فضایی شهری در شهر جدید پرند. جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱۱ (۴۲)، ۲۲-۸.
- قلی‌پور، آرین. (۱۳۹۲). مدیریت شهری. تهران: انتشارات منشور سمیر.
- کاوه‌پور، یاسین، اقبالی، ناصر، و حمزه، فرهاد. (۱۴۰۱). ارائه مدل مدیریت شهری اجتماع‌محور در شهر اهواز. مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۱۲ (۴)، ۵۹-۷۴.
- کمان‌رودی کجوری، موسی، پرزادی، طاهر، آگاه، فرهاد، مؤمنی بیدزرد، آذیتا، و شفیعی، فاطمه. (۱۴۰۰). ارزیابی و رتبه‌بندی شکوفایی شهری محلات منطقه ۱۸ تهران. مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۲۳ (۵)، ۲۵-۶۶.
- لطیفی، غلامرضا. (۱۳۹۱). مدیریت شهری. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- الماسی مفیدی، حسین، زندمقدم، محمدرضا، و زیویار، پروانه. (۱۳۹۸). بررسی وضعیت عدالت توزیعی در دسترسی به خدمات شهری (مطالعه موردی: شهر بومهن). فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۰ (۱)، ۷۹-۹۴.
- معین، محمد. (۱۳۷۱). فرهنگ معین. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نادری، بابک، پناهی، علی، تیموری، ایرج، و ولیزاده، رضا. (۱۴۰۲). شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های کلیدی مؤثر بر تحقق عدالت فضایی از منظر شهرهای خلاق (مطالعه موردی: شهر بناب). مهندسی جغرافیایی سرزمین، ۷ (۳)، ۶۱۵-۶۳۲.



نیک‌پور، عامر، مهرعلی‌تبار، مرتضی، رضازاده، مرتضی، و الهقلى، فاطمه. (۱۳۹۷). توزیع فضایی خدمات بهداشتی - درمانی از منظر عدالت اجتماعی در شهرستان‌های مازندران. فصلنامه جغرافیا، ۸ (۴)، ۱۵۸-۱۴۸.

یغفوری، حسین، قاسمی، سجاد، و قاسمی، نرگس. (۱۳۹۶). بررسی عدالت فضایی در توزیع خدمات با تأکید بر مدیریت شهری در محلات منطقه ۱۹ تهران. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳۲ (۳)، ۱۲۸-۱۱۴.

Sünter, E., Yörük, T., Şekerci, R., & Karatas, S. (2020). Reflection of Education Administrators' Ethical Values on Organizational Culture: Case of Plato and Kant. *World Journal of Education*, 10, 89.

Titahelu, J.A., Irwansyah, I., Awaludin, H., & Ashri, M. (2015). Strengthening Pelagandong Alliance Based on John Rawls' Theory of Justice. *Hasanuddin Law Review*, 1, 417-429.

Wu, A. M. (2018), breaking down the fence for social justice? Evidence based on inequality of access to urban green space in Beijing's central metropolitan area, *Journal of Urban and Regional Analysis*, 10(2), 199-215.

Fan, Z. & Cheng, J. (1997). The study on urban extension through RS & GIS. *Remote Sense Information*, 3, 12-16.

Miller, M. J., Sendrowitz, K., Connacher, C., Blanco, S., de La Pena, C. M., Bernardi, S., & Morere, L. (2009). College students' social justice interest and commitment: A social-cognitive perspective. *Journal of Counseling Psychology*, 56(4), 495.

Rawls, J. (1971). *A theory of justice*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

## Resources

Afsharnia, A., Zebardast, Esfandiar, A., Talachian, M. (2021). Explaining the concept of spatial justice in the implementation of comprehensive urban plans (Case Study: Golpayegan City). *Geography of Urban Planning Research*, 9(4), 908-981, DOI: <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2021.320480.1478>. [In Persian]

Akbari, M. & Rezaei, M. R. (2018). Evaluation of land application changes in district 3 of Isfahan metropolis, *Quarterly Journal of Urban Research and Planning*, 9(34), 93-104, DOI: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285229.1397.9.34.7.8>. [In Persian]

Almasi Mofidi, H., Zand Moghaddam, M.R., & Ziviar, P. (2022). Investigating the status of distributive justice in access to urban services case study: Boomehan City. *Geography and Regional Planning*, 10(1), 79-94, DOI: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22286462.1398.10.37.5.4>. [In Persian]

Amanpour, S., Hosseini Shahparian, N., & Maleki, S. (2016). Spatial analysis of the levels of urban services in Ahvaz metropolitan areas with an emphasis on social justice, *Geographical Urban Planning Research*, 4(3), 417-495, DOI: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516735.1396.7.25.5.8>. [In Persian]

Azizi Danaloo, S., & Mojtazadeh Khanghahi, H. (2021). Presenting a model for the equitable distribution of urban services based on social justice case study:

- District 11 of Tehran, *Quarterly Journal of Sustainable City*, 3(4), 75-90, DOI: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.24766631.1399.3.4.6.7>. [In Persian]
- Bielska, A., Wendland, A., & Delnicki, M. (2020). Possibilities for the development of building plots with an unfavorable structure in the context of spatial justice: A Case Study of Poland. *Sustainability*, 1-19, DOI: <https://doi.org/10.3390/su12062472>.
- Carvalho, L.M.d. & Bógus, C.M. (2020). Gender and social justice in urban agriculture: A network of agricultural and environmental women farmers in Paulo, complexity and the politics of measuring cities. *Cities*, 63, 92-97, DOI: <https://doi.org/10.3390/socsci9080127>.
- Ghalehnoei, M., Shams, M., & Malek Hosseini, A. (2010). Investigating the mental layers of urban spatial justice in the new city of Parand. *Geography and Environmental Studies*, 11(42), 8-22, DOI: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20087845.1401.11.42.1.0>. [In Persian]
- Gulsrud, N.M., & Steiner, H. (2022). Justice and the pandemic city: How the pandemic has revealed social, urban, and data injustices, and how a narrative approach can unlock them. *Frontiers in Sustainable Cities*, 1-5, DOI: <https://doi.org/10.3389/frsc.2022.838084>.
- Kaman Rudi Kojouri, M., Parizadi, T., Agah, F., Momeni Bidzard, A., & Shafiei, F. (2021). Evaluation and ranking of urban prosperity in the neighborhoods of district 18 of Tehran. *Journal of Studies in Human Settlements Planning*, 23(5), 25-66, DOI: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.25385968.1400.16.4.5.4>. [In Persian]
- Kavehpour, Y., Eghbali, N., Hamzeh, Farhad. Presenting a community-based urban management model in Ahvaz. *Journal of Spatial Planning*, 12(4), 59-74, DOI: <https://doi.org/10.30488/gps.2022.349936.3559>. [In Persian]
- Lai, L. W., Chau, K., & Cheung, P. A. C. (2018). Urban renewal and redevelopment: Social justice and property rights with reference to Hong Kong's constitutional capitalism. *Cities*, 74, 240-248, DOI: <https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.12.010>.
- Mensah, J., & Tucker-Simmons, D. (2021). Social (In)justice and rental housing discrimination in urban Canada: The case of ethno-racial Minorities in the Herongate community in Ottawa. *Studies in Social Justice*, 81-101, DOI: <https://doi.org/10.26522/ssj.v15i1.2239>.
- Naderi, B., Panahi, A., Teymouri, Iraj, Valizadeh, R. (2021). Identifying and analyzing the key components affecting the realization of spatial justice from the perspective of creative cities (Case study: Bonab city, geoengineering of the land), 7(3), 615-632, DOI: 10.22034/jget.2023.154401. [In Persian]
- Nasiri Handehkhaleh, E., Esmaeili, F., Younesi Sandi, R., & Nezafat Takle, H. (2021). Assessing the social sustainability of urban neighborhoods with an emphasis on the land use composition index (Case study of district 15 of Tehran). *Geography and Planning*, 25(78), 363-376, DOI: <https://doi.org/10.22034/gp.2021.42922.2744>. [In Persian]
- Nikpour, Amer, Mehralitabar, Morteza, Rezazadeh, Morteza, and Al-Haghli, Fatemeh (2018). Spatial distribution of health care services from the perspective of social justice in Mazandaran cities. *Geography Quarterly*, 8(4), 148-158, DOI: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22286462.1397.8.4.8.1>. [In Persian]
- Rafiiian, M., Ghasemi, I., & Nozari, K. (2019). Discourse analysis of spatial justice in the urban management policy document (Case Study: Tehran), *Journal of*



- Urban Social Geography*, 6(1), 71-89, DOI: 10.22103/JUSG.2019.1979. [In Persian]
- Rajabi, S., Valizadeh, R., Sattarzadeh, D., Panahi, A., & Mahboubi, Gh. (2021). Analysis of the spatial distribution of urban public services from the perspective of social justice in the spatial structure of Tabriz metropolis. *Geography and Planning*, 25(78), 159-177, DOI: <https://doi.org/10.22034/gp.2021.43357.2752>. [In Persian]
- Samadi, A., Ahmadi, G., & Saket Hasanlouei, M. (2022). Rethinking the concept of the right to the city and its relationship with justice-based urbanism case study: A Comparative Analysis of Haft Asyab and Shishagarkhaneh Neighborhoods of Urmia City, *Journal of Human Settlements Planning Studies*, 18(2), 15-27, DOI: 20.1001.1.25385968.1402.18.2.2.1. [In Persian]
- Seabright, P., Stieglitz, J., & Van der Straeten, K. (2021). Evaluating social contract theory in the light of evolutionary social science. *Evolutionary Human Sciences*, 3, 1-22, DOI: <https://doi.org/10.1017/ehs.2021.4>.
- Sünter, E., Yörük, T., Şekerci, R., & Karatas, S. (2020). Reflection of education administrators' ethical values on organizational culture: case of Plato and Kant. *World Journal of Education*, 10, 89-97, DOI: <https://doi.org/10.5430/wje.v10n5p89>.
- Tabei, N., Movahed, A., Tavalai, S., Kaman Rudi Kojouri, M. (2017). Investigating the role of spatial justice in urban management (Study area: neighborhoods of district 6 of Tehran), *Quarterly Journal of Spatial Planning*, 6(2), 23-36, DOI: <https://doi.org/10.22108/sppl.2016.21649>. [In Persian]
- Tahmasebizadeh, Farshad & Khadem Hosseini, A. (2018). Spatial analysis of social justice in urban areas (Case study: Isfahan urban areas), *Geography and Environmental Studies*, 7(26), 17-28, DOI: 10/1325468/9652.188.8672. [In Persian]
- Taylor, R.S. (2021). Reading rawls rightly: A theory of justice at 50. *Polity*, 53, 564-571.
- Titahelu, J.A., Irwansyah, I., Awaludin, H., & Ashri, M. (2015). Strengthening Pela-Gandong alliance based on John Rawls' theory of justice. *Hasanuddin Law Review*, 1, 417-429.
- Van Santen, E. (2019). Inclusive peace mediation in the city: spatial segregation of violence and urban politics of 'social' inclusion in gang truces. *Third World Thematics: A TWQ Journal*, 4, 201 – 219, DOI: <https://doi.org/10.1080/23802014.2019.1666029>.
- Varsi, Hamidreza, Ghader Rahmati, Safar, & Bastanifar, Iman. (1989). Investigating the effects of urban services distribution on population spatial imbalance, case study: Isfahan urban regions. *Journal of Geography and Development*, 5(9), 91-106, DOI: <https://doi.org/10.31365.6/6913860.906>. [In Persian]
- Wu, A. M. (2018). Breaking down the fence for social justice? Evidence based on inequality of access to urban green space in Beijing's central metropolitan area. *Journal of Urban and Regional Analysis*, 10(2), 199-215, DOI: <https://doi.org/10.1177/2399808318793139>.
- Yaghfour, H., Ghasemi, S., & Ghasemi, N. (2017). A study of spatial justice in the distribution of services with an emphasis on urban management in the neighborhoods of district 19 of Tehran. *Geographical Research Quarterly*, 32(3), 114-128, DOI: <http://dx.doi.org/10.29252/geores.32.3.114>. [In Persian]



## Identifying and Prioritizing Justice-Based Urban Management Development Strategies with an Emphasis on the City of Kashan

**Morteza Valizadeh**

Ph.D. Student in Public Administration, Department of Human Resources, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran (Corresponding Author); Email: mortezavaalizadeh@gmail.com

**Alireza Shirvani**

Professor, Department of Management, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran. Email: baleandisheh@gmail.com

**Mashallah Valikhani**

Assistant Professor, Department of Management, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran. Email: info@dehaghan.ac.ir

Received: 27/05/2024

Accepted: 30/08/2024

### Extended Abstract

#### Introduction

Today's cities are considered as the greatest achievements of human culture and civilization. A justice-oriented perspective in terms of urban management form is one of the most fundamental pillars of urban governance. Accordingly, the present study aims to implement justice-based urban management strategies in the municipalities of Isfahan province with a focus on the city of Kashan. Cities have recently faced an undesirable cycle of socio-economic and environmental inequalities as a result of inefficient political, economic, and spatial policies; unprecedented challenges such as poverty, informal settlement, declining quality of life, income gaps, social disintegration, and injustice in the distribution of urban services, which have endangered the health and well-being of the urban communities, have created duality and imbalance in the space. Social justice has many definitions, but they all have one commonality--that governments have a duty to create equal political and social opportunities for all citizens--and this affirms the rights of people to receive social services from the state.

#### Methodology

One of the features of this research is the presentation of an applied model, especially the development of basic strategies for the realization of social justice in the municipality of Kashan. However, by examining the structures and functions of municipalities in Isfahan province, it can be concluded that municipalities have different textures and structures in terms of economic, social, political, cultural dimensions. However, it is certain that the achievement of social justice, of macro and general strategies such as the reformation of administrative structures, combating corruption, gender justice, and the promotion of urban diplomacy and urban regeneration are general and binding for all municipalities. The present study was an applied one in terms of purpose and a descriptive one in terms of method.



The approach of this research was a qualitative-quantitative one. The statistical population of the study included all experts and experts in urban management. Its deployed Delphi--a systematic approach to obtain opinions and professional judgments from a group of experts on a topic or a question. In order to maintain the validity of the research and taking into account the drop of respondents during the study and after filtering and applying the desired indicators, a list of 21 people was announced. Based on the data obtained from the Delphi cycles and different parts of the questionnaire in each round, statistical indices, minimum maximum, mean, exponent, and standard deviation were calculated. The distribution of the questionnaire according to the Delphi method was done in three stages; in each stage, the items that had the condition of an average above 3 were presented in the next round, and the components with an average less than 3 were excluded from the following rounds of the questionnaire.

### Results

Deploying Delphi, periods, statistical, minimum, maximum, mean, exponential and standard deviation indices were calculated. The distribution of the questionnaire was done in three stages, and in each stage the items that had the condition of the average game of 4 were brought in the second round. Items other than those were eliminated. Finally, the consensus of experts in each round was calculated.

#### Delphi first round

In this first round of the panel, 35 effective strategies on urban management with a social justice approach were identified with the average of game number 4; in total, 35 factors were proposed; since some factors were the same as the factors having been mentioned in the research background, they were removed or combined, and new factors were added for the next round.

#### Dom Delphi role

In this round, the panelists identified 25 factors from 35 components that had been analyzed in the previous studies, and the panel members who had had a great and high impact on the effective strategy on urban management with a social justice approach. As a result, a total of 25 factors were identified as high and very high; the average of less than 4 were excluded.

#### Third round of Delphi

In the third round, the panelists expressed their opinion on the effective strategy on urban management with a social justice approach. In this study, Delphi was conducted in three rounds, so that the standard deviation of the response of the panel members in the first round, regarding the importance of effective strategy on urban management with a social justice approach, was calculated 0.74. The value of the standard deviation in this round--as calculated by the consensus of experts--was 0.66; in the second round, the standard deviation was 0.54, and the Kendall coefficient was 0.74. Finally, in the third round, the standard deviation was 0.42, and the Kendall coefficient was also agreed upon. The consensus of experts was calculated to be 0.80.

Based on the results of the TOPSIS algorithm, the sub-indicators of central government decentralization, equal distribution of opportunities, transparency of contracts, creation of knowledge-based organizations, and integrated planning were the most influential components, having the first ranks in the research. Democratic organization, urban spatial justice and urban planning, implementation of municipal



obligations to citizens, reform of organizational structures, and environmental quality were the factors that had the least impact on justice-based urban management strategies, respectively.

### Conclusion

The results of this study showed that the strategic factors, affecting urban management based on social justice in Kashan Municipality were: reforming the organizational structure, confronting administrative corruption, applying gender justice, applying ways to improve the level of social welfare, applying strategies of legitimacy of urban management, promoting urban diplomacy, attracting, redistributing, and increasing the productivity of human resources, the fair distribution of wealth, urban design, and the regeneration as well as creation of a creative city enjoying entrepreneurship, intelligence, and accountability. The results were consistent with the studies of Eskandari et al. (2021), Kaman Roodi et al. (2021), Rajabi et al. (2020), Almasi et al. (2019), Bandarabad et al. (2018), Ahadnejad (2016), Yaghfour and Kashefi (2016), and Bijkarak et al. (2018). Based on the results, it can be stated that in order to develop justice-based urban management, adopting strategies such as decentralization of central government, equal distribution of opportunities, the transparency of contracts, the creation of knowledge-based organizations, and integrated planning can be useful.

**Keywords:** municipal organization agility and drivers of sustainable urban development urban management strategies, resource and income distribution, responsibility and accountability, structure and organization,

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

دوره ۱۷، شماره ۲ (پیاپی ۳۳)، صفحات: ۱۵۹-۱۸۸

مقاله علمی پژوهشی

## جایگاه باغچه و حوض آب در حیاط مرکزی و تأثیر آن‌ها در تأمین روشنایی خانه‌های منتخب تاریخی - قاجاری کاشان

ارسلان آزادی‌فر\*

علی عمرانی‌پور\*\*

فرشید مصباح\*\*\*

### چکیده

بهره‌مندی از روشنایی طبیعی در خانه‌های تاریخی کاشان باعث شکل‌گیری حیاط‌های مرکزی شده است. یکی از فاکتورهای سنجش عملکرد حیاط مرکزی در هدایت نور به فضاهای مجاور آن، فاکتور ضریب نور روز یا DF آن فضاهاست. فاکتور نور روز تابع عواملی از جمله انعکاس مصالح حیاط مرکزی است؛ لذا مهم است جایگاه حوض‌های آب و باغچه‌ها به‌عنوان جزئی از اجزای تشکیل‌دهنده آن در هدایت نور برای فضاهای مجاور مورد ارزیابی قرار گیرد. لذا این پژوهش با دیدی کمی و با روش تحقیق تشریحی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی، عملکرد هدایت نور حوض‌های آب و باغچه‌ها را در نمونه‌های منتخب از خانه‌های تاریخی کاشان مورد ارزیابی قرار می‌دهد. مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که کف حیاط‌ها از آجر، حوض آب و باغچه‌ها پوشیده شده است. همچنین میزان گستردگی استفاده از این موارد یادشده متفاوت است؛ لذا برای فهم ارتباط این تنوع با هدایت نور، شاخص مقطع پلانی یا SAR به‌عنوان شاخص عملکرد نورگیری حیاط، در هر کدام از نمونه‌ها بررسی گردید سپس نتایج این بخش با مجموع مساحت باغچه و حوض آب نسبت به مساحت کل حیاط مقایسه شد. یافته‌ها نشان می‌دهد در نمونه‌هایی که شاخص مقطع پلانی SAR از مقادیر توصیه‌شده کمتر است، میزان مجموع پوشش حوض آب و باغچه‌ها به مساحت کل حیاط افزایش دارد و برعکس. بنابراین می‌توان چنین دریافت که گستردگی پوشش باغچه‌ها و حوض آب در کف حیاط در راستای افزایش نور در فضاهای مجاور حیاط‌های مرکزی از طریق انعکاس بیشتر نور است.

**کلیدواژه‌ها:** حیاط مرکزی، حوض آب، باغچه، روشنایی طبیعی، کاشان، خانه تاریخی.

\* استادیار، گروه معماری، واحد بین‌المللی اروند، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران / Arsalan.azadifar@iau.ac.ir

\*\* دانشیار، گروه معماری، دانشکده‌های هنرهای زیبا، دانشگاه تهران؛ نیز گروه معماری، دانشگاه کاشان، ایران، نویسنده مسئول /

A.omrani@ut.ac.ir

\*\*\* استادیار، گروه معماری، واحد بین‌المللی اروند، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران / Farshid.mesbah@iau.ac.ir

## ۱. مقدمه

کاشان با طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۲۷ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۳ درجه و ۵۹ دقیقه شمالی در ارتفاع ۳/۹۸۲ متری از سطح دریاهای آزاد قرار گرفته است. این شهر از شمال به کویر مرکزی ایران و شهرستان قم، از جنوب به شهرستان‌های نطنز، برخوار و میمه، از مشرق به دشت کویر و از مغرب به شهرستان محلات محدود می‌شود. این شهرستان به دلیل داشتن طیف وسیعی از خانه‌های تاریخی قاجاری، به اذعان بسیاری از پژوهشگران، در نهایت تکامل مفهوم خانه و فضای سکونت در بستر معماری تاریخی ایران قرار دارد (معماریان، ۱۳۸۷: ۳۵۱-۳۶۶). در گذشته، نور روز منبع اصلی روشنایی در ساختمان‌ها بوده و استفاده از آن به عنوان بخشی از یک راهبرد روشنایی یکپارچه و کنترل شده مورد توجه معماران قرار داشته است (Garcta & Omar, 2023). بنابراین نور روز یکی از مؤلفه‌های اصلی در شکل‌گیری اجزا و عناصر معماری بوده و همین عامل باعث شده که به عنوان یکی از عوامل بنیادی در معماری شناخته شود (فلامکی، ۱۳۸۴: ۳۰۴-۳۱۲). تعدد حیاط‌های مرکزی در خانه‌های تاریخی کاشان نیز با توجه به اهمیت نور در معماری، یکی از راه‌های تأمین روشنایی طبیعی در این خانه‌ها بوده است؛ به گونه‌ای که این خانه‌ها به سبب وجود حیاط‌های متعدد به گونه‌های یک‌حیاطه، دو حیاطه، سه حیاطه و چندحیاطه دسته‌بندی شده‌اند (فرخیار، ۱۳۹۲). حیاط مرکزی یکی از مهم‌ترین روش‌هایی است که با گسترش عمق پلان‌ها، معماران به آن دست پیدا کرده‌اند (قیابکلو، ۱۳۹۴: ۱۲۱)؛ حیاط‌هایی که به عنوان عامل هدایت‌کننده نور دارای تنوع در هندسه، تناسبات و مصالح مورد استفاده در آن‌ها هستند. حوض‌های آب متنوع و باغچه‌های فراوان مورد استفاده در این خانه‌ها را می‌توان از زمره این مصالح عنوان کرد. در طراحی بهینه حیاط مرکزی به منظور تأمین نور مناسب برای فضاهای مجاور آن، عوامل متعددی مانند فرم، تناسبات، هندسه و مصالح مورد استفاده در ساختار آن یعنی دیوارها و کف حیاط بسیار مؤثر هستند (Berardi & Wong, 2014: 97). مصالح از طریق ضریب انعکاس نور از روی سطوح خود می‌توانند در بهره‌گیری از نور برای فضاهای مجاور حیاط مرکزی نقش‌آفرینی کنند (Movehhdia et al., 2024).

ازسویی، با نگاهی اجمالی می‌توان دریافت که ابعاد و سطح گستردگی آب‌نماها و فضای سبز در حیاط مرکزی خانه‌های تاریخی کاشان یکسان نیست و این درحالی است که حوض‌ها و باغچه‌ها در پژوهش‌های گوناگون موضوعی منحصر به اقلیم معرفی شده و به ارتباط این اجزا و نور پرداخته نشده است؛ بنابراین مهم می‌نماید این تنوع در رابطه با میزان بهره‌گیری از نور طبیعی



از طریق این حیاط‌ها برای فضاهای مجاورشان مورد پژوهش قرار گیرند، زیرا همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد، انعکاس مصالح در نورگیری فضاهای مجاور حیاط بسیار مؤثر است. لذا هدف این پژوهش ارزیابی شناخت ارتباط حوض آب و باغچه‌ها در هشت خانه از خانه‌های تاریخی کاشان است که پوشش‌دهنده تمام گونه‌های حیاطدار از این خانه‌ها باشد. بنابراین عملکرد اقلیمی و هدایت نور حیاط مرکزی در این خانه‌ها با استفاده از روابط تناسبی و تحلیل نظری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا مشخص گردد این حیاط‌ها چه میزان عملکرد اقلیمی و هدایت نور متناسب با استانداردهای تعیین‌شده را داشته‌اند و نتایج به‌دست‌آمده، با گستردگی حوض‌های آب و باغچه‌ها در حیاط خانه‌های انتخاب‌شده چه رابطه‌ای دارند. تا از طریق آن بتوان رابطه حوض آب و باغچه‌ها به‌عنوان مصالح مورد استفاده در کف حیاط با هدف تأمین و هدایت نور به فضاهای مجاور حیاط مرکزی را شناخت.

## ۲. پرسش‌های پژوهش

الف) عملکرد هدایت نور حیاط‌های مرکزی در خانه‌های مورد پژوهش به‌منظور تأمین نور مناسب برای فضاهای مجاور آن چگونه بوده است؟  
ب) حوض آب و باغچه‌ها به‌عنوان بخشی از ساختار حیاط مرکزی خانه‌های موضوع پژوهش با تأمین نور مناسب برای فضاهای مجاور آن چه رابطه‌ای دارند؟

## ۳. روش و مراحل پژوهش

این پژوهش با رویکردی کمی و با روش تحقیق تشریحی با مرور منابع کتابخانه‌ای و تحلیل مشاهدات و برداشت‌های میدانی در سه مرحله ذیل به بررسی موضوع مورد نظر می‌پردازد:  
مرحله نخست با مرور منابع کتابخانه‌ای پارامترهای مؤثر بر نورگیری در بناها، مانند ضریب نور روز DF و عوامل هندسی و تناسبی مانند شاخص ابعاد مقطع یا SAR که با عملکرد هدایت نور حیاط مرکزی مرتبط است معرفی می‌گردد؛ سپس با توجه به کیفیت‌های اقلیمی حیاط مرکزی در زمینه فراهم آوردن آسایش فیزیکی برای ساکنان کمیت‌های مرتبط با آن مانند PAR و  $R_1$  تشریح می‌شوند.

در مرحله دوم، با توجه به گستردگی و تعدد خانه‌های تاریخی کاشان سعی گردیده این پژوهش بر هشت خانه از خانه‌های تاریخی کاشان با شرایطی که در ادامه به آن اشاره خواهد شد متمرکز گردد. دلایل انتخاب خانه‌های موضوع پژوهش عبارت‌اند از: ۱. داشتن سلامت فیزیکی؛ ۲.

دسترسی به آن‌ها برای برداشت‌های میدانی؛ ۳. حداقل تغییر در آن‌ها با توجه به گذر زمان و مرمت‌های غیراصولی؛ ۴. دارا بودن گونه‌های یک‌حیاطه، دو‌حیاطه، سه‌حیاطه و چندحیاطه گونه‌های مختلف این خانه‌ها از نظر تعداد حیاط. بنابراین هشت خانه انتخاب گردید که سالم بوده و امکان دسترسی به آن‌ها برای نگارندگان وجود داشت و براساس اطلاعات میراث‌فرهنگی کمترین تغییرات را در مرمت توسط آن سازمان داشته‌اند. همچنین شامل طیف تمام گونه‌های دارای یک حیاط، دو حیاط، سه حیاط و چند حیاط بودند. در این مرحله سعی شد با برداشت‌های میدانی از خانه‌های انتخاب‌شده پلان‌های موجود آن‌ها که از منابع معتبر دریافت شده‌اند تکمیل شده و سه‌بعدی‌های دقیق نرم‌افزاری از آن‌ها تهیه شود تا بتوان از طریق آن، درک درستی از تعداد و ابعاد حیاط‌ها صورت پذیرد.

مرحله سوم، شامل تحلیل خانه‌های انتخاب‌شده براساس اطلاعات مرحله نخست است؛ لذا در گام نخست میزان عملکرد هندسی و تناسباتی حیاط مرکزی یعنی شاخص SAR در جذب نور و میزان پاسخ‌گویی اقلیمی حیاط مرکزی در قالب بررسی دو شاخص PAR و  $R_1$  در خانه‌های مورد نظر، با توجه به شرایط اقلیمی منطقه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سپس میان مجموع مساحت باغچه‌ها و حوض آب به مساحت کل کف حیاط با داده‌های به‌دست‌آمده از تحلیل‌های نوری و اقلیمی مقایسه‌هایی در قالب ارائه جدول صورت می‌پذیرد تا بتوان میان آن‌ها نسبت‌های منطقی را استخراج نمود.

شایان ذکر است از آن‌جهت عملکرد اقلیمی حیاط مرکزی در خانه‌های انتخاب‌شده در این پژوهش مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت که بسیاری، وجود حوض آب و باغچه با پوشش سبز را به‌صورت انحصاری مرتبط با عملکرد اقلیمی حیاط می‌دانند؛ لذا نگارندگان با ارزیابی این موضوع سعی دارند عامل نور را نیز به‌عنوان عاملی مهم در وجود این عناصر در حیاط مرکزی بررسی کنند.



تصویر ۱: برداشت میدانی از خانه‌های منتخب تاریخی کاشان

## ۳-۱. معرفی نمونه‌های انتخابی

جدول ۱ معرف خانه‌های انتخاب شده از خانه‌های تاریخی کاشان است که موضوع این پژوهش هستند. شایان ذکر است که پلان‌ها براساس اطلاعات دریافتی از میراث فرهنگی کاشان و منابع مکتوب مانند کتاب گنج‌نامه و کتاب صد خانه صد پلان و براساس برداشت‌های میدانی، بازبینی و ترسیم مجدد شده‌اند و سه‌بعدی‌ها نیز برای درک دقیق حیاط‌ها و تناسب آن‌ها توسط نگارندگان تهیه شده است.

جدول ۱: معرفی نمونه‌های انتخابی از خانه‌های تاریخی کاشان و گونه آن‌ها

| نام بنا                           | پلان موقعیت حیاط و فضاهای سبز و آب‌نما | حجم کلی بنا |
|-----------------------------------|----------------------------------------|-------------|
| خانه سجادی<br>گونه<br>یک حیاطه    |                                        |             |
| خانه گلی زاده<br>گونه<br>یک حیاطه |                                        |             |
| خانه باکوچی<br>گونه<br>دو حیاطه   |                                        |             |
| خانه آل یاسین<br>گونه<br>دو حیاطه |                                        |             |

| نام بنا                          | پلان موقعیت حیاط و فضاهای سبز و آب‌نما | حجم کلی بنا |
|----------------------------------|----------------------------------------|-------------|
| علاقه‌بند<br>گونه<br>سه حیاطه    |                                        |             |
| برج‌ردی‌ها<br>گونه<br>سه حیاطه   |                                        |             |
| طباطبایی‌ها<br>گونه<br>چند حیاطه |                                        |             |
| عباسیان<br>گونه<br>چند حیاطه     |                                        |             |



#### ۴. پیشینه پژوهش و مبانی نظری

هرچند تاکنون پژوهشی درخصوص ارتباط حضور باغچه‌ها و حوض‌های آب و نقش آن‌ها در هدایت نور به فضاهای مجاور حیاط مرکزی صورت نپذیرفته، پژوهش‌هایی با ارزیابی عملکرد حیاط‌های مرکزی و قواعد مرتبط با آن در تأمین نور فضاهای مجاور و تحلیل حضور روشنایی طبیعی در خانه‌های تاریخی کاشان مسبوق به سابقه است.

##### الف) پیشینه از دیدگاه قواعد مرتبط با عملکرد مناسب حیاط مرکزی در هدایت نور

قیابکلو (۱۳۹۴) برخی اصول و قواعد مرتبط با نورگیری ساختمان‌ها ازجمله مفاهیمی چون ضریب نور روز، اصول طراحی بازشوها و حیاط‌ها را معرفی و همچنین برخی روش‌های بهره‌گیری از نور طبیعی را بیان نموده است. بیکر<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۹۳) سعی در ایجاد قوانینی ساده برای محاسبه نور روز دریافتی از حیاط‌هایی مرکزی با فرم‌های رایج مربع و مستطیل داشته‌اند؛ دستاورد آن‌ها نموداری است که با نام نمودار Baker شناخته می‌شود و هدف از آن تخمین DF به‌دست‌آمده برای فضاهای مجاور حیاط‌های مستطیل و مربع‌شکل با تناسبات گوناگون است. این نمودار امروز راهنمای بسیاری از طراحان معمار است. براردی و وانگ<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) با نگاهی تحلیلی و به کمک شبیه‌سازی نرم‌افزاری به تأثیر تغییرات مساحت حیاط و تأثیر ارتفاع حیاط در فرم‌های مربع و مستطیل و دایره به‌عنوان فرم‌های پایه در طراحی حیاط مرکزی می‌پردازند و بهینه‌ترین حالت ممکن از حیاط‌های مرکزی برای نورگیری فضاهای مجاور را معرفی می‌کنند. آیزلوود<sup>۳</sup> (۱۹۹۵) به بررسی نور روز در فضاهای مجاور کف حیاط مرکزی پرداخته و ضریب نور روز در فضاهای مجاور کف حیاط مرکزی را نسبت به تغییرات آن مصالح آن بررسی کرده است؛ به‌گونه‌ای که نتیجه می‌گیرد که مصالح کف فضا با ضریب انعکاس بالا نسبت به مصالح دیوارهای حیاط مرکزی تأثیر بیشتری در روشن نمودن فضاهای نزدیک به کف حیاط مرکزی دارد. شارپلس و لث<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) با معرفی یک شاخص مهم در نورگیری حیاط مرکزی مانند شاخص مقطع نوری SAR سعی در بررسی تغییرات نور ورودی و نور رسیده به کف حیاط مرکزی داشته‌اند. آن‌ها همچنین شاخص پلانی نور یا PAR را نیز به‌عنوان شاخص آسایش اقلیمی معرفی کرده‌اند؛ اما در این میان، SAR شاخصی مهم در راستای نورگیری فضاهای نزدیک به کف حیاط مرکزی است.

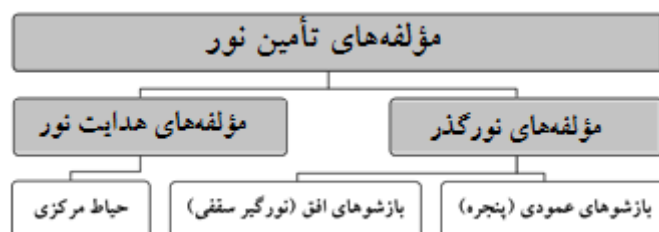
##### ب) پیشینه از دیدگاه بررسی نور طبیعی در خانه‌های تاریخی کاشان

طاهباز و همکاران (۱۳۹۴) با استفاده از برداشت‌های میدانی و تحلیل‌های نظری، حضور نور در خانه عامری‌های کاشان را تحلیل نموده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد نور در فضاهای این خانه

متناسب با استاندارد فعالیت‌های عمومی بوده است. آزادی‌فر و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه نورگیرهای سقفی در خانه بروجردی‌ها با استفاده از تحلیل‌های نظری راندمان نورگیرهای سقفی را محاسبه نموده‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد نورگیرهای این بنا در استفاده از نور طبیعی برای فضاهای داخلی مناسب بوده‌اند. همچنین آزادی‌فر و همکاران (۱۴۰۰) با تحلیل حیاط‌های مرکزی در هشت نمونه از خانه‌های تاریخی کاشان با اصول و قواعد CIBE نشان می‌دهد که این خانه‌ها از منظر طراحی تناسبات، هندسه و ابعاد حیاط چه عملکردی داشته‌اند و طبق نمودار بیکر هر حیاط چه DF را برای فضاهای مجاور آن می‌تواند فراهم کند.

#### ۴-۱. حیاط مرکزی عاملی شناخته‌شده در هدایت نور به فضاهای داخلی

برای تأمین نور در بنا نیاز است که ضریب روشنایی مناسبی برای بنا تأمین شود؛ ازاین‌رو، اجزای ساختمان که مرتبط با تأمین نور هستند، به دو عامل کلی قابل تقسیم‌اند: ۱. عوامل هدایت‌کننده نور؛ ۲. عوامل نورگذر؛ که هر دو در تأمین نور مناسب برای ساختمان مؤثرند (CIBSE, 1999). ازطرفی، برای اینکه این دو عامل عملکرد مناسبی داشته باشند، نیاز است دارای اصول، قواعد و ضوابط مشخصی باشند. بارزترین وجه مؤلفه‌های هدایت نور، که نور را از فضای بیرونی به درون ساختمان هدایت می‌کنند، حیاط‌ها هستند. حیاط، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر معماری بومی، تنوع زیادی به خود گرفته است (Piriyaee et al., 2022) که پرکاربردترین نوع آن در معماری تاریخی کاشان حیاط‌هایی با خصوصیت چهار طرف بسته یا حیاط مرکزی است. عوامل نورگذر، عناصری هستند که نور را از یک محیط نوری به محیط نوری مجاور انتقال می‌دهند، مانند پنجره‌ها و پنجره‌های سقفی (طاهباز و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۲-۷۳). مصالح مورد استفاده در حیاط‌های مرکزی هم اهمیت ویژه‌ای دارند؛ چنان‌که کف این حیاط‌ها دارای تنوع بسیار زیادی از انواع اجزا و عناصر معماری است؛ اجزایی همچون باغچه‌ها و حوض‌های آب که درصدهای متفاوتی از مساحت حیاط را به خود اختصاص داده‌اند (نیازی مطلق و اکبری، ۱۳۹۸: ۹۵-۹۸).



نمودار ۱: مؤلفه‌های تأمین نور در معماری



#### ۲-۴. حضور نور روز در فضای معماری و مفهوم ضریب نور روز

نور روز ترکیبی از نور خورشید، نور آسمان و نور بازتاب‌شده از زمین و اجسام اطراف است. نور آسمان، نوری است که بر اثر برخورد پرتوهای خورشید به مولکول‌ها و ذرات معلق در هوا پخش می‌شود (CIBSE, 1999). یکی از معتبرترین راه‌های سنجش نور روز در فضا، مفاهیم ضریب نور روز و متوسط ضریب نور روز است (احدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۳). ضریب نور روز بیان‌کننده این مسئله است که یک پنجره، بدون در نظر گرفتن جهت تابش، چه میزان پتانسیل روشن نمودن فضای داخلی را دارد و چه درصدی از نور روز وارد نقطه معینی از اتاق می‌شود (مهدوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۲). این نور مجموعه‌ای از نورهای تابیده‌شده و بازتابیده‌شده است (رابطه ۱) (قیابکلو، ۱۳۹۴: ۵۳).

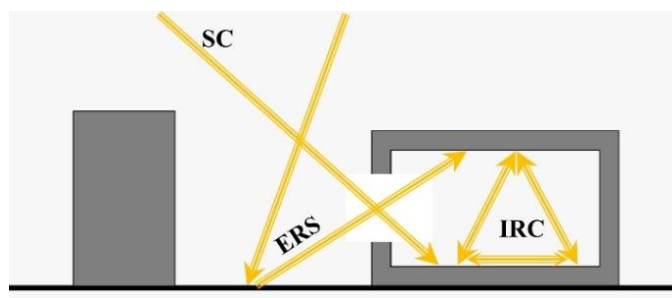
$$DF = SC + ERC + IRC \quad (\text{رابطه ۱})$$

$DF^5$  = ضریب نور روز (برحسب درصد)

$SC^6$  = جزء آسمان (بخشی از آسمان که از نقطه مورد نظر در داخل قابل رؤیت است).

$ERC^7$  = جزء بازتاب‌شده خارجی

$IRC^8$  = جزء بازتاب‌شده داخلی (نوری که از طریق پنجره وارد می‌شود و با انعکاس از سطوح داخلی به نقطه مورد نظر می‌رسد).

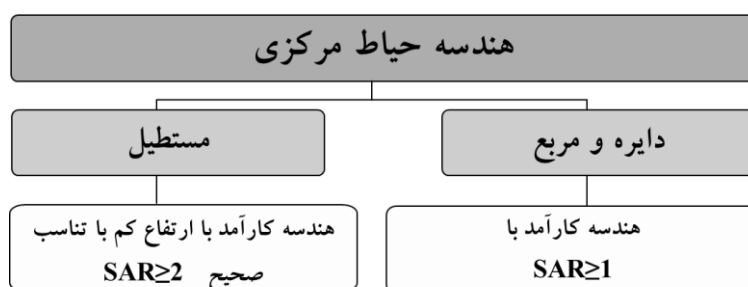


شکل ۱: عوامل مشخص‌کننده نور روز در یک فضای بسته (قیابکلو، ۱۳۹۴: ۵۴)

#### ۳-۴. شاخص ابعاد مقطع (SAR) در حیاط مرکزی و ارتباط آن با نورگیری

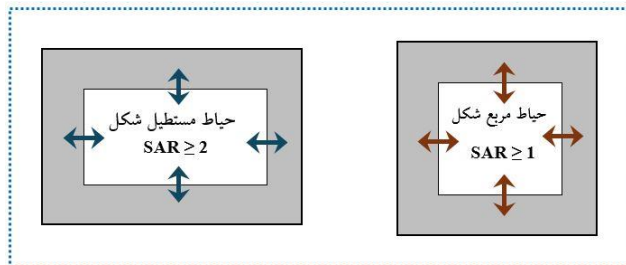
به‌طور کلی، هنگامی که شکل و هندسه حیاط مرکزی توسط معمار تعیین می‌گردد، میزان نور درون حیاط و فضاهای مجاورش به خصوصیات تناسباتی آن ارتباط دارد (Samant, 2011)؛ به‌گونه‌ای که ضریب نور روز در فضاهای مجاور حیاط از طریق رابطه با سطح نور در حیاط مرکزی بیان می‌شود (Kim & Boyer, 1986). براساس پژوهش‌های صورت‌گرفته، حیاط‌های مرکزی با هندسه‌های

مربع، مستطیل و دایره با تناسبات گوناگون، عملکردی متفاوت در نورگیری برای فضاهای مجاورشان دارند (Aizlewood, 1995). این تفاوت به تناسبات خاص این فرم‌ها مرتبط است. یکی از خصوصیات تناسباتی مرتبط با نورگیری حیاط مرکزی در تأمین نور فضاهای مجاور، شاخص ابعاد مقطع آن حیاط یا  $SAR^1$  است (Berardi & Wang, 2014). حال اگر ابعاد مطلق یک حیاط مرکزی چهارضلعی با طول (L)، عرض (W) و ارتفاع (H) نمایش داده شود، شاخص ابعاد مقطعی یا SAR از نسبت عرض به ارتفاع حیاط مرکزی قابل تعریف است. به عبارتی  $SAR=W/H$  (Sharples & Lash, 2007). آنچه این پژوهش‌ها نشان می‌دهند، این است که گرچه اشکال دایره‌ای و مربع کارآمدترند (با شرط  $SAR \geq 1$ )، ملاحظات گوناگون طراح را ملزم به استفاده از طرح‌های مستطیل شکل می‌نماید؛ لذا برای حیاط‌های مرکزی مستطیل شکل برای تأمین نور مورد نیاز فضاهای مجاور حیاط مرکزی باید  $SAR \geq 2$  باشد (Oretskin, 1982).



نمودار ۲: عملکرد نورگیری حیاط مرکزی با هندسه مربع، دایره و مستطیل

ازسویی، پژوهش‌های صورت گرفته تاکنون چنین بیان می‌دارند که با افزایش میزان SAR یا همان نسبت ابعاد مقطعی، میزان ضریب نور روز در کف حیاط افزایش می‌یابد؛ هرچند که این افزایش خطی و یکنواخت نیست به گونه‌ای که با کاهش میزان SAR از ۲ به سمت ۱ نورگیری حیاط مرکزی کاهش می‌یابد و این نورگیری در  $SAR=1$  در حالت قابل قبولی قرار می‌گیرد و با کاهش از ۱ به سمت اعداد اعشاری اندکی نسبت به حالتی که  $SAR=1$  کاهش نشان می‌دهد. پس با افزایش میزان SAR نورگیری در حیاط به‌ویژه در کف و فضاهای پایین بهتر بوده و سایه‌اندازی دیوار مقابل بر روی بازشوها در سوی دیگر دیوار کمتر می‌شود (Ghasemi et al., 2015).



شکل ۲: شاخص SAR توصیه شده برای حیاط‌های مرکزی مربع و مستطیل برای هدایت نور مناسب به فضاهای مجاور

#### ۴-۴. مصالح در حیاط مرکزی و تأثیر بر ضریب نور روز فضاهای مجاور آن

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، از عوامل تعیین‌کننده ضریب نور روز که نسبت مستقیم با خصوصیات مصالح مورد استفاده در حیاط مرکزی دارد، IRC یا جزء بازتاب‌شده خارجی است (زارع و حیدری، ۱۳۹۳: ۵۴). در یک حیاط مرکزی با ابعاد مشخص، مقدار نوری که به پایین‌ترین طبقه می‌رسد، با خصوصیات و ضریب انعکاس نور سطوح مصالح مورد استفاده در حیاط مرکزی رابطه مستقیم دارد. نوری که به انتهای حیاط وارد می‌گردد و در ادامه امکان نفوذ به فضاهای مجاورش را پیدا می‌کند، حاصل انعکاس نور از سطح مصالح مورد استفاده در دیوارهای پیرامونی و کف حیاط است که عامل روشنایی در اتاق‌های پایینی و میانی حیاط مرکزی می‌شود (قیابکلو، ۱۳۹۴: ۱۲۱-۱۲۲). اما از این میان بهتر است که مصالح انتخاب‌شده برای کف حیاط مرکزی متناسب با ضریب انعکاس مورد نیاز در راستای تأمین نور فضاهای مجاور حیاط باشد. هرچه کف حیاط دارای ضریب انعکاس بالاتری باشد، فضاهای مجاور آن روشنایی بیشتری دریافت می‌کنند (CIBSE, 1999).

#### ۴-۵. شناخت ضریب انعکاس عناصر و مصالح به‌کاررفته در حیاط مرکزی

انعکاس مصالح همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد، یکی از مؤثرترین عوامل تأثیرگذار بر DF یا فاکتور نور روز است. از میان جداره‌ها مصالح کف از اهمیت بیشتری برخوردارند. لذا برای افزایش DF در فضاهای مجاور حیاط مرکزی از مصالح با ضریب انعکاس بالاتر در کف حیاط استفاده می‌گردد (Alizwood, 1995). عموماً مصالح استفاده‌شده در کف بناهای تاریخی آجر کف، حوض آب و باغچه‌ها و فضاهای سبز هستند (نیازی مطلق جوقنایی و اکبری، ۱۳۹۸: ۹۵). هرکدام از عناصر یادشده دارای ضریب انعکاس خاص خود هستند که با توجه به تأثیر بیشتر انعکاس نور از کف حیاط مرکزی بر DF اهمیت آن‌ها را بر نورگیری فضاهای اطراف حیاط مرکزی قابل درک است.

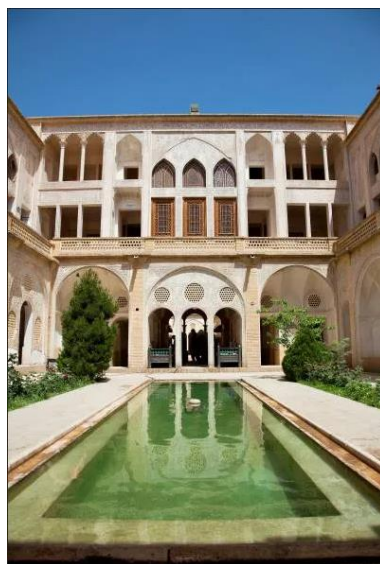
##### ۱. حوض آب: یکی از عناصر موجود در کف حیاط‌ها در ابنیه تاریخی حوض آب است.

حوض‌ها عموماً در خانه‌های تاریخی در مرکز حیاط و در راستای دو محور عمود بر هم قابل

شناسایی هستند (فرشچی و مجیدی، ۱۴۰۰: ۹۹). حوض آب از دو طریق بر DF فضاهای مجاور حیاط مرکزی مؤثر است: ۱. مصالح استفاده‌شده در بدنه حوض‌ها که با توجه به نحوه آب‌بندی آن‌ها عموماً کاشی با رنگ آبی آسمانی روشن یا ساروج سفید است؛ که ضریب انعکاس کاشی به رنگ آبی روشن با سطح صاف و نزدیک به صیقلی بین ۳۵ تا ۴۵ درصد و ساروج سفید با ضریب انعکاس ۳۰ تا ۴۰ درصد می‌توانند بر DF فضاهای مجاور حیاط مرکزی مؤثر باشند (معاونت نظارت راهبردی نشریه ۶۵۴، ۱۳۹۲: ۲۴)؛ ۲. آب موجود در حوض که ضریب انعکاس آن با توجه به زاویه تابش نور متفاوت است که در شهرستان کاشان با عرض جغرافیایی ۳۳ درجه زاویه تابش از ۳۳.۵ درجه در دی‌ماه تا ۸۰ درجه در تیرماه در نوسان است (رازجویان، ۱۳۸۸).



تصویر ۱: حوض آب در خانه بروجردی‌ها با پوشش کاشی آبی روشن (حاجی‌قاسمی، ۱۳۷۵)



تصویر ۲: حوض آب در خانه عباسیان با پوشش ساروج سفید



جایگاه باغچه و حوض آب در حیاط مرکزی و تأثیر آن‌ها در تأمین روشنایی...، ارسال آزاد فر و همکاران

جدول ۲: ضریب انعکاس نور در زاویه‌های مختلف تابش آن به سطح آب (هالیدی و همکاران، ۱۳۹۹)

| زاویه تابش                          | ۰  | ۱۰ | ۲۰   | ۳۰   | ۴۰   | ۵۰   | ۶۰ | ۷۰   | ۸۰   | ۸۹ | ۹۰  |
|-------------------------------------|----|----|------|------|------|------|----|------|------|----|-----|
| ضریب انعکاس<br>(برحسب درصد)         | ۲  | ۲  | ۲/۱  | ۲/۲  | ۲/۵  | ۳/۴  | ۶  | ۱۳/۵ | ۳۴/۵ | ۹۰ | ۱۰۰ |
| بخش انرژی عبور کرده<br>(برحسب درصد) | ۹۸ | ۹۸ | ۹۷/۹ | ۹۷/۸ | ۹۷/۵ | ۹۶/۶ | ۹۴ | ۸۶/۵ | ۶۵/۵ | ۱۰ | ۰   |

۲. **باغچه‌ها:** برای باغچه نیز با پوشش معمول چمن و گل و درختان سبز با توجه به رنگ سبز آن‌ها ضریب انعکاس نور از حدود ۲۵ تا ۴۰ درصد است (معاونت نظارت راهبردی نشریه ۶۵۴، ۱۳۹۲: ۲۴). به عبارتی می‌توان چنین بیان داشت که انعکاس نور طبیعی از سطح باغچه‌ها با توجه به رنگ سبز گیاهان موجود در آن ارزیابی شده است.

۳. **آجر کف‌پوش:** عمده کف فضای حیاط با آجر پوشیده شده است. رنگ این آجرها زرد کدر بوده و سطحی زیر و غیرصیقلی دارد. ضریب نور این آجرها حدوداً بین ۱۰ تا ۱۵ درصد است (همان).

جدول ۳: متوسط ضریب انعکاس مصالح کف حیاط مرکزی به صورت تقریبی

(معاونت نظارت راهبردی نشریه ۶۵۴، ۱۳۹۲: ۲۴)

| ردیف | مصالح                                      | درصد ضریب انعکاس                 |
|------|--------------------------------------------|----------------------------------|
| ۱    | آجر با رنگ زرد کدر با سطح غیرصیقلی         | ۱۰ تا ۱۵                         |
| ۲    | کاشی با رنگ آبی روشن (آسمانی) و لعاب صیقلی | ۳۵ تا ۴۵                         |
| ۳    | چمن و عناصر سبز                            | ۲۵ تا ۴۰                         |
| ۴    | ساروج سفید (مشابه گچ سفید)                 | ۳۰ تا ۴۰                         |
| ۵    | آب حوض                                     | با توجه به ضریب کاشی و ساروج حوض |

به عبارتی می‌توان چنین بیان داشت که در هر صورت، انعکاس نور طبیعی از سطح باغچه‌ها و حوض آب بیش از انعکاس نور از سطح آجری است که کف حیاط در خانه‌های تاریخی کاشان با آن پوشیده شده است.

۴-۶. **تناسبات حیاط مرکزی در اقلیم‌های چهارگانه برای دریافت نور روز بهینه و آسایش فیزیکی در فضاهای مجاور آن**

در شکل‌گیری تناسبات حیاط مرکزی برای تأمین نور مناسب، توجه به شرایط خاص اقلیمی و تأمین آسایش فیزیکی انسان در آن مناطق هم باید مد نظر قرار گیرد؛ به گونه‌ای که برای تأمین هر دو

این موارد یعنی تأمین نور مناسب و آسایش اقلیمی، مجموعه‌ای از نسبت‌ها برای دستیابی به عملکرد کارآمد در تابستان و زمستان در هر اقلیم توصیه شده است (Cartwright, 1986). جدول ۳ و روابط (۲) و (۳) ابعاد و تناسبات مناسب حیاط مرکزی را به منظور عملکرد مناسب آسایش فیزیکی، در اقلیم‌های گوناگون بیان کرده است؛ با این هدف که میزان جنبه اقلیمی بودن استفاده از فضای سبز و حوض آب در حیاط‌های مرکزی ارزیابی گردد و بتوان تصور صحیح‌تری از کاربرد این اجزا در حیاط مرکزی داشت. به بیان دیگر مشخص گردد قرارگیری آن‌ها در راستای آسایش اقلیمی بوده است یا جبران کمبود نور طبیعی در فضاهای اطراف حیاط مرکزی.

$$R_1 = \frac{P}{H} \quad 4 \leq R_1 \leq 8 \quad (\text{رابطه ۲})$$

$$R_2 = \frac{W}{L} \quad 0.3 \leq R_2 \leq 1 \quad \text{یا } PAR^1 \quad (\text{رابطه ۳})$$

جدول ۴: تناسبات حیاط در اقلیم‌های چهارگانه برای دریافت نور بهینه و آسایش فیزیکی مناسب

(Muhaisen, 2006)

| موقعیت               | تناسبات محیط به ارتفاع | تناسبات کشیدگی عرض به طول |
|----------------------|------------------------|---------------------------|
| آب‌وهوای گرم و مرطوب | $3 \leq R_1 \leq 7$    | $0.2 \leq R_2 \leq 1$     |
| آب‌وهوای گرم و خشک   | $4 \leq R_1 \leq 8$    | $0.3 \leq R_2 < 1$        |
| آب‌وهوای معتدل       | $7 \leq R_1 \leq 10$   | $0.5 \leq R_2 \leq 1$     |
| آب‌وهوای سرد         | $7 \leq R_1 \leq 10$   | $0.5 \leq R_2 \leq 1$     |

## ۵. تحلیل خانه‌های منتخب

تاکنون سعی شد چارچوب نظری مرتبط با عملکرد نوری حیاط مرکزی و عوامل مؤثر بر این عملکرد در ارتباط با حضور فضاهای سبز و آب تشریح گردد. این چارچوب می‌تواند معیاری در جهت سنجش عملکرد نوری حیاط مرکزی خانه‌های موضوع پژوهش و چگونگی حضور عناصر سبز و حوض‌های آب در آن‌ها باشد. در ادامه، این خانه‌ها تحلیل خواهند شد و یافته‌ها ذیل جدول مرتبط با هر بخش ارائه می‌گردد.

### ۵-۱. تحلیل شاخص نور SAR و شاخص‌های اقلیمی PAR و $R_1$

در بررسی خانه‌های موضوع پژوهش دو نوع شکل هندسی در حیاط‌ها قابل شناسایی است: ۱. مربع با گوشه‌های پخ‌دار در خانه باکوچی، علاقه‌بند و طباطبایی‌ها؛ ۲. مستطیل که در تمام نمونه‌ها قابل مشاهده است. همچنین، چنان‌که پیش‌تر بیان شد، برخی متغیرها و نسبت‌ها در میزان عملکرد



نوری و اقلیمی حیاط مرکزی مؤثرند؛ از جمله SAR که مرتبط با نورگیری حیاط مرکزی بوده، و PAR،  $R_1$  که با عملکرد اقلیمی حیاط مرتبط است. لذا برای مشخص کردن عملکرد حیاط در دو بخش هدایت نور و پاسخ‌گویی اقلیمی در خانه‌های موضوع پژوهش ابتدا ابعاد دقیق حیاط‌ها به‌صورت طول (L)، عرض (W) و ارتفاع (H) از طریق مشاهدات میدانی برداشت شده است؛ سپس با قرار دادن ابعاد برداشت‌شده در هریک از روابط ارائه‌شده برای دو شاخص SAR و PAR،  $R_1$  عملکرد هدایت نور و اقلیمی آن‌ها محاسبه می‌گردد که در جدول ۵ نتایج ذکر شده است.

جدول ۵: نتایج عددی حاصل از تحلیل شاخص نوری SAR و شاخص‌های اقلیمی PAR،  $R_1$

| نام بنا               | (SAR)<br>W/H | (PAR)<br>W/L | $\frac{(R_1)}{P/H}$ | ارتفاع حیاط<br>(H) | عرض حیاط<br>(W) | طول حیاط<br>(L) |
|-----------------------|--------------|--------------|---------------------|--------------------|-----------------|-----------------|
| خانه سجادی            | ۱/۵          | ۰/۷۲         | ۶                   | ۸/۵                | ۱۲/۶۵           | ۱۷/۵            |
| خانه گلی‌زاده         | ۰/۸          | ۰/۷          | ۴                   | ۹                  | ۷/۱۸            | ۱۰/۲۶           |
| آل یاسین (y)          | ۱/۲۹         | ۱            | ۵                   | ۵/۴                | ۷               | ۷               |
| آل یاسین ( $Y_1$ )    | ۳/۳۷         | ۰/۶۱         | ۱۷                  | ۵/۴                | ۱۸/۲            | ۲۹/۶            |
| باکوچی (y)            | ۲            | ۱            | ۸                   | ۳/۷۱               | ۷/۶۶            | ۷/۶۶            |
| باکوچی ( $Y_1$ )      | ۱/۶          | ۰/۸۳         | ۸                   | ۸/۲                | ۱۳/۶۴           | ۲۱/۶            |
| علاقه‌بند ( $Y_1$ )   | ۱/۵          | ۰/۵          | ۷                   | ۴                  | ۷/۷۶            | ۷/۷۶            |
| بروجردی (y)           | ۱/۶۶         | ۰/۳          | ۱۴                  | ۹                  | ۱۵              | ۴۹/۵            |
| بروجردی ( $Y_1$ )     | ۲/۲          | ۰/۶۶         | ۱۱                  | ۹                  | ۲۰              | ۳۰              |
| بروجردی ( $Y_2$ )     | ۱/۱          | ۰/۴          | ۸                   | ۹                  | ۱۰              | ۲۸              |
| طباطبایی‌ها y         | ۳/۵۴         | ۰/۷۶         | ۱۶                  | ۷/۳                | ۲۵/۹            | ۳۴              |
| طباطبایی‌ها ( $Y_1$ ) | ۱/۸          | ۰/۵۳         | ۱۰                  | ۷/۳                | ۱۳/۲            | ۲۵              |
| طباطبایی‌ها ( $Y_2$ ) | ۱/۷۱         | ۱            | ۶                   | ۷/۳                | ۱۲/۵            | ۱۲/۵            |
| طباطبایی‌ها ( $Y_3$ ) | ۱/۷          | ۰/۷۱         | ۸                   | ۷/۳                | ۱۲/۴۶           | ۱۷/۴۴           |
| طباطبایی‌ها ( $Y_4$ ) | ۰/۸۱         | ۱            | ۳                   | ۹/۲                | ۷/۵             | ۷/۵             |
| عباسیان y             | ۱/۱۷         | ۰/۶۶         | ۵                   | ۹                  | ۱۰/۶            | ۱۴/۲            |
| عباسیان ( $Y_1$ )     | ۱/۲۷         | ۰/۷۴         | ۶                   | ۹                  | ۱۱/۴۳           | ۱۷/۳۷           |
| عباسیان ( $Y_2$ )     | ۱/۹۱         | ۱            | ۷                   | ۴/۸                | ۹/۲             | ۹/۲             |
| عباسیان ( $Y_3$ )     | ۱/۲۵         | ۱            | ۵                   | ۴/۸                | ۶               | ۶               |

با نگاهی به جدول ۵، می‌توان دریافت که در حیاط مربع در خانه طباطبایی‌ها SAR کمتر از ۱ بوده که عملکرد مناسبی از جهت نورگیری ندارد. همچنین برخی حیاط‌های مستطیل در خانه گلی‌زاده، با کوچی، بروجردی‌ها، طباطبایی‌ها، عباسیان SAR کمتر از ۲ بوده که نور مناسبی را برای فضاهای مجاور حیاط مرکزی تأمین نمی‌کنند. از طرفی، میزان مناسب مقادیر  $R_2$  یا PAR،  $R_1$  برای حیاط مرکزی در شهر کاشان که عملکرد اقلیمی مناسب داشته باشد  $4 \leq R_1 \leq 8$  و PAR یا  $0.3 \leq R_2 < 1$  که با مشاهده خانه‌های تحلیل‌شده طبق جدول ۵، تمام حیاط‌های مرکزی از این نسبت تبعیت کرده‌اند به جز حیاط  $Y_1$  خانه آل یاسین، حیاط  $y$  و  $Y_1$  خانه باکوچی، حیاط  $y$  و  $Y_1$  خانه بروجردی‌ها و حیاط  $y$  و  $Y_1$  خانه طباطبایی‌ها که نسبت  $R_1$  مطابق استاندارد بوده ولی نسبت  $R_2$  آن‌ها یا PAR آن‌ها از نسبت توصیه‌شده تبعیت نمی‌کند.

## ۲-۵. بررسی نسبت مجموع مساحت باغچه و حوض آب به مساحت کل کف حیاط

### مرکزی

یکی از راه‌های دریافت نور روز در فضاهای اطراف حیاط مرکزی، استفاده از مصالح با ضریب انعکاس بالا برای هدایت نور روز به فضاهای جانبی حیاط مرکزی است. کف حیاط‌های مرکزی در خانه‌های موضوع پژوهش عموماً از آجر پوشیده شده است که ضریب انعکاس ۱۰ تا ۱۵ درصدی دارد. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، عوامل گوناگونی در دریافت نور روز توسط حیاط مرکزی مؤثرند؛ از جمله هندسه، تناسبات از طریق شاخص SAR و مصالح کف حیاط در صورتی که هر کدام از این عوامل متناسب با نیاز نوری فضاهای اطراف حیاط نباشند، می‌توان با تقویت نقش دیگر عوامل، نور مناسب فضاهای اطراف حیاط را تأمین نمود. یکی از این راه‌ها استفاده از مصالح با ضریب انعکاس زیاد است که در خانه‌های موضوع پژوهش استفاده از باغچه با چمن، گل و درخت‌های درون آن و حوض آب نشان‌دهنده این مورد است. لذا با توجه به گستردگی و تنوع استفاده از باغچه و حوض آب در این خانه‌ها، سعی بر این گردید ابعاد حیاط‌ها، باغچه‌ها و حوض‌های آب به صورت دقیق برداشت شوند. همچنین تلاش شده است اطلاعات به دست آمده از برداشت‌های صورت گرفته در قالب مساحت حیاط‌ها، مساحت باغچه‌ها و مساحت حوض‌های آب در قالب جدول ۶ ارائه گردد. در ادامه در این جدول سعی شده مجموع مساحت‌های باغچه و حوض آب به دلیل ضریب انعکاس نور بیشتر نسبت به آجر کارشده در کف حیاط به مساحت کل کف حیاط به صورت درصدی دقیق ارائه شود.



جایگاه باغچه و حوض آب در حیاط مرکزی و تأثیر آن‌ها در تأمین روشنایی...، ارسال آزاد فر و همکاران

جدول ۶: مقایسهٔ مجموع مساحت فضاهای سبز و حوض آب به مساحت کف هر حیاط در خانه‌های منتخب

تاریخی کاشان

| نام بنا                       | مساحت حیاط | مساحت حوض | مساحت باغچه | مجموع مساحت حوض و باغچه نسبت به مساحت کل حیاط |
|-------------------------------|------------|-----------|-------------|-----------------------------------------------|
| خانهٔ سجادی                   | ۲۲۱/۳۷     | ۲۵        | ۴×۲۵        | ۵۶ درصد                                       |
| خانهٔ گلی‌زاده                | ۱۱۵        | ۱۰        | ۲×۶         | ۲۰ درصد                                       |
| آل یاسین (Y)                  | ۴۹         | ۴         | –           | ۸/۲ درصد                                      |
| آل یاسین (Y <sub>1</sub> )    | ۵۳۲        | ۲۰        | ۴×۱۸        | ۱۷/۲ درصد                                     |
| باکوچی (Y)                    | ۵۸/۶۶      | ۴         | –           | ۶/۸ درصد                                      |
| باکوچی (Y <sub>1</sub> )      | ۲۲۳        | ۱۰        | ۲×۴۰        | ۴۰/۳ درصد                                     |
| علاقه‌بند (Y <sub>1</sub> )   | ۶۰/۲       | –         | –           | –                                             |
| بروجردی (Y)                   | ۶۰۰        | ۹۳/۵      | ۴×۴۰        | ۳۰ درصد                                       |
| بروجردی (Y <sub>1</sub> )     | ۷۴۲/۵      | ۱۳/۵      | ۱۸۹+(۲×۳۷)  | ۳۷ درصد                                       |
| بروجردی (Y <sub>2</sub> )     | ۲۸۰        | –         | ۲×۳۰        | ۲۰ درصد                                       |
| طباطبایی‌ها Y                 | ۸۲۴        | ۶۰/۲۵     | ۶×۱۳/۸۰     | ۱۷/۵ درصد                                     |
| طباطبایی‌ها (Y <sub>1</sub> ) | ۳۳۰        | ۱۹/۱۰     | ۴×۱۱/۸      | ۲۰ درصد                                       |
| طباطبایی‌ها (Y <sub>2</sub> ) | ۱۴۴        | ۱۱        | ۲×۹         | ۲۰ درصد                                       |
| طباطبایی‌ها (Y <sub>3</sub> ) | ۲۴۱/۳      | ۱۱/۶۵     | ۲×۹/۲       | ۱۸/۵ درصد                                     |
| طباطبایی‌ها (Y <sub>4</sub> ) | ۵۶/۲۵      | –         | –           | –                                             |
| عباسیان Y                     | ۱۰۵/۵۲     | ۲۲/۶۳     | ۲×۱۲/۶۰     | ۴۵ درصد                                       |
| عباسیان (Y <sub>1</sub> )     | ۱۹۷/۴۰     | ۲۴/۲      | ۲×۲۸/۶      | ۴۲ درصد                                       |
| عباسیان (Y <sub>2</sub> )     | ۸۴/۶۴      | ۸         | –           | ۱۰ درصد                                       |
| عباسیان (Y <sub>3</sub> )     | ۳۶         | ۴         | –           | ۱۰ درصد                                       |

همان‌گونه که در جدول ۶ قابل‌مشاهده است، مساحت باغچه‌ها و حوض‌های آب در هرکدام از خانه‌ها متفاوت است و مجموع مساحت حوض و باغچه به مساحت کل حیاط نیز متنوع است؛ به‌گونه‌ای که در برخی از آن‌ها این نسبت، گاهی زیاد و گاهی کم است. حال در ادامه سعی می‌گردد با مقایسهٔ اطلاعات جداول ۵ و ۶ ارتباط آن‌ها را با عملکرد نورگیری حیاط مرکزی ارزیابی گردد.

## ۶. یافته‌های پژوهش

برای درک بهتر یافته‌های پژوهش نیاز است که اطلاعات دو جدول ۵ و ۶ با یکدیگر مقایسه شوند. همان‌گونه که در جدول ۵ نمایش داده شد، شاخص SAR برای مشخص شدن عملکرد هدایت نور حیاط مرکزی برای فضاهای مجاور آن و دو شاخص  $PAR$ ،  $R_1$  در رابطه با عملکرد اقلیمی برای هر خانه مورد ارزیابی قرار گرفت؛ که با توجه نتایج به‌دست‌آمده، میزان شاخص SAR برای هر نمونه از خانه‌ها، از میزان استاندارد توصیه‌شده یعنی  $SAR \geq 1$  برای حیاط‌های مربع‌شکل و  $SAR \geq 2$  برای حیاط‌های مستطیل‌شکل در برخی از نمونه‌های منتخب بیشتر و برای برخی کمتر بوده است. همچنین شاخص‌های عملکرد اقلیمی برای اکثر خانه‌ها مطابق با میزان استاندارد توصیه شده است. به‌جز در ۵ حیاط از ۳ نمونه خانه تحلیل‌شده. ازسویی دیگر، همان‌گونه که در جدول ۶ قابل ملاحظه است، نسبت مجموع مساحت باغچه و حوض آب به مساحت کل حیاط‌ها در آن‌ها با تنوع همراه است به‌گونه‌ای که این نسبت از حداقل  $6/8$  درصد تا  $56$  درصد قابل مشاهده است. حال در ادامه و در جدول ۷ مقایسه‌ای میان داده‌های به‌دست‌آمده از تحلیل جدول‌های ۵ و ۶ که شامل شاخص SAR به‌عنوان عامل مشخص‌کننده عملکرد حیاط مرکزی در هدایت نور به‌سمت فضاهای مجاور آن و دو شاخص اقلیمی  $PAR$ ،  $R_1$  با نسبت مجموع مساحت باغچه و حوض آب به مساحت کل کف حیاط‌های مرکزی در خانه‌های تحلیل‌شده ارائه گردیده است. بنابراین در هر ردیف از جدول ۷ می‌توان با مقایسه هر خانه، تغییرات شاخص SAR و  $PAR$ ،  $R_1$  با تغییرات نسبت مجموع مساحت باغچه و حوض آب به مساحت کل حیاط را ملاحظه کرد.

جدول ۷: مقایسه نسبت‌های به‌دست‌آمده از تحلیل عملکرد هندسی و تناسبی حیاط مرکزی در نورگیری آن با

نسبت مجموع مساحت فضاهای سبز و حوض آب به مساحت کل کف حیاط

| نسبت مجموع مساحت باغچه و حوض آب به مساحت کل حیاط | عملکرد اقلیمی    |                  | عملکرد هندسی و تناسبی<br>حیاط مرکزی در هدایت نور | نام بنا            |
|--------------------------------------------------|------------------|------------------|--------------------------------------------------|--------------------|
|                                                  | $(R_1)$<br>$P/H$ | $(PAR)$<br>$W/L$ | SAR<br>اندازه‌گیری شده                           |                    |
| ۵۶ درصد                                          | ۶                | ۰/۷۲             | ۱/۵                                              | خانه سجادی         |
| ۲۰ درصد                                          | ۴                | ۰/۷              | ۰/۸                                              | خانه گلی‌زاده      |
| ۸/۲ درصد                                         | ۵                | ۱                | ۱/۲۹                                             | آل یاسین (۷)       |
| ۱۷/۲ درصد                                        | ۱۷               | ۰/۶۱             | ۳/۳۷                                             | آل یاسین ( $Y_1$ ) |



| نسبت مجموع مساحت باغچه و حوض آب به مساحت کل حیاط | عملکرد اقلیمی  |              | عملکرد هندسی و تناسبی حیاط مرکزی در هدایت نور | نام بنا                       |
|--------------------------------------------------|----------------|--------------|-----------------------------------------------|-------------------------------|
|                                                  | $(R_1)$<br>P/H | (PAR)<br>W/L | SAR<br>اندازه‌گیری شده                        |                               |
| ۶/۸ درصد                                         | ۸              | ۱            | ۲                                             | باکوچی (y)                    |
| ۴۰/۳ درصد                                        | ۸              | ۰/۸۳         | ۱/۶                                           | باکوچی (Y <sub>1</sub> )      |
| فاقد باغچه و حوض آب                              | ۷              | ۰/۵          | ۱/۵                                           | علاقه‌بند (Y <sub>1</sub> )   |
| ۳۰ درصد                                          | ۱۴             | ۰/۳          | ۱/۶۶                                          | بروجردی (y)                   |
| ۳۷ درصد                                          | ۱۱             | ۰/۶۶         | ۲/۲                                           | بروجردی (Y <sub>1</sub> )     |
| ۲۰ درصد                                          | ۸              | ۰/۴          | ۱/۱                                           | بروجردی (Y <sub>2</sub> )     |
| ۱۷/۵ درصد                                        | ۱۶             | ۰/۷۶         | ۳/۵۴                                          | طباطبایی‌ها y                 |
| ۲۰ درصد                                          | ۱۰             | ۰/۵۲         | ۱/۸                                           | طباطبایی‌ها (Y <sub>1</sub> ) |
| ۲۰ درصد                                          | ۶              | ۱            | ۱/۷۱                                          | طباطبایی‌ها (Y <sub>2</sub> ) |
| ۱۸/۵ درصد                                        | ۸              | ۰/۷۱         | ۱/۷                                           | طباطبایی‌ها (Y <sub>3</sub> ) |
| فاقد فضای سبز و حوض آب                           | ۳              | ۱            | ۰/۸۱                                          | طباطبایی‌ها (Y <sub>4</sub> ) |
| ۴۵ درصد                                          | ۵              | ۰/۶۶         | ۱/۱۷                                          | عباسیان y                     |
| ۴۲ درصد                                          | ۶              | ۰/۷۴         | ۱/۲۸                                          | عباسیان (Y <sub>1</sub> )     |
| ۱۰ درصد                                          | ۷              | ۱            | ۱/۹۱                                          | عباسیان (Y <sub>2</sub> )     |
| ۱۰ درصد                                          | ۵              | ۱            | ۱/۲۵                                          | عباسیان (Y <sub>3</sub> )     |

با توجه به جدول ۷، دو شاخص اقلیمی PAR و  $R_1$  برای هر خانهٔ منتخب تاریخی محاسبه شد. در اکثر موارد حیاط‌ها از نسبت اقلیمی توصیه‌شده یعنی  $0.3 \leq PAR \leq 1$  و  $0.4 \leq R_1 \leq 8$  تبعیت می‌کنند به‌جز در حیاط  $y_1$  خانهٔ آل یاسین، حیاط y و  $y_1$  خانهٔ بروجردی‌ها و طباطبایی‌ها که نسبت  $R_1$  در آن‌ها مطابق نسبت توصیه‌شده بوده ولی شاخص PAR در آن‌ها از نسبت توصیه‌شده تبعیت نمی‌کند. این مسئله نشان‌دهندهٔ این است که عملکرد اقلیمی این حیاط‌ها اندکی نامناسب است. با مقایسهٔ تغییرات مجموع نسبت مساحت حوض آب و باغچه‌ها به مساحت کل حیاط با شاخص اقلیمی PAR می‌توان مشاهده کرد حیاط‌هایی که PAR آن‌ها از میزان توصیه‌شده کمتر است، نسبت مجموع مساحت باغچه و حوض آب به مساحت کل حیاط از ۱۷/۵ درصد تا ۳۷ درصد متغیر است، درحالی‌که این تغییرات برای حیاط‌هایی که از نظر اقلیمی عملکرد مناسبی دارند،

از حدود ۷ درصد تا ۵۶ درصد متغیر است؛ لذا ارتباط منطقی و خاصی میان عملکرد اقلیمی حیاط‌ها، باغچه و حوض آب در نمونه‌های انتخابی نمی‌توان یافت.

همچنین با توجه به جدول فوق و بررسی شاخص SAR در آن‌ها مشخص است که برخی نمونه‌ها از عملکرد مناسبی برای نورگیری فضاهای مجاور حیاط مرکزی برخوردارند به‌جز خانه گلی‌زاده، حیاط  $y_1$  خانه باکوچی، حیاط  $y$  و  $y_2$  خانه بروجردی‌ها، حیاط  $y_1$  و  $y_2$  و  $y_3$  خانه طباطبایی‌ها و حیاط  $y$  و  $y_1$  خانه عباسیان، که میزان SAR تا حدودی کمتر از مقادیر استاندارد توصیه‌شده هستند. کف حیاط‌ها عمدتاً از آجر با ضریب انعکاس نور بین ۱۰ تا ۱۵ درصد، حوض آب با ضریب انعکاس نوری حدودی بیش از ۳۵ تا ۴۵ درصد و باغچه با اجزای سبز آن با ضریب انعکاس نوری بین ۲۵ تا ۴۰ درصد پوشیده شده است. اما آنچه مشخص است نسبت مجموع مساحت باغچه و حوض آب در هر خانه، به مساحت کل حیاط متغیر است. با توجه به جدول ۷ می‌توان دریافت که حیاط‌هایی که عملکرد هدایت نور مناسبی دارند در مقایسه با حیاط‌هایی که عملکرد هدایت نور مناسبی ندارند، مجموع مساحت حوض آب و باغچه به مساحت کل حیاط متفاوت است. به این صورت که حیاط‌های با عملکرد هدایت نور مناسب نسبت مجموع مساحت حوض و باغچه به مساحت کل حیاط از ۲۰ درصد کمتر است و حیاط‌های با عملکرد نامناسب هدایت نور این نسبت از ۲۰ درصد بیشتر است و در برخی خانه‌ها این نسبت تا ۵۶ درصد می‌رسد. لذا می‌توان چنین بیان داشت در خانه‌های تحلیل‌شده که شاخص SAR حیاط آن‌ها از میزان استاندارد تعیین‌شده تبعیت کرده باشد، کف حیاط از آجر با ضریب انعکاس نور کم (بین ۱۰ تا ۱۵ درصد) پوشیده شده و مجموع مساحت باغچه و حوض آب به مساحت کل حیاط کمتر از ۲۰ درصد است و در نمونه‌هایی که شاخص SAR حیاط آن‌ها پایین‌تر از میزان استاندارد تعیین شده است، نسبت مجموع مساحت باغچه سبز و حوض آب (با ضریب انعکاس میانگین بیش از ۴۰ درصد) به مساحت کل کف حیاط از ۲۰ درصد بیشتر است و در واقع سطح این حیاط‌ها با مصالح با انعکاس نوری بیشتری پوشیده شده‌اند.

## ۷. نتیجه‌گیری

اهمیت استفاده از نور و روشنایی طبیعی به‌گونه‌ای بوده که معماری تاریخی ایران به‌ویژه معماری خانه‌های تاریخی کاشان را تحت‌تأثیر قرار داده است. یکی از این تأثیرات، استفاده از روش‌های متنوع در تأمین و هدایت نور به فضاهای داخلی بوده است. حیاط مرکزی به‌عنوان الگوی رایج معماری این خانه‌ها یکی از این دستاوردهاست. حیاط‌های مرکزی برای اینکه عملکرد مناسبی در



هدایت نور به فضاهای مجاور خود داشته باشند، دارای اصول و قواعدی ویژه هستند؛ قواعدی که هندسه و تناسبات و مصالح مورد استفاده در آن‌ها به‌ویژه مصالح مورد استفاده در کف حیاط را شامل می‌شود.

عمده مصالح مورد استفاده در کف حیاط مرکزی در خانه‌های تاریخی کاشان عبارت‌اند از: حوض‌های آب که به‌سبب وجود آب و کاشی‌های آبی روشن و یا ساروج سفید با سطح صاف و یکنواخت ضریب انعکاس نسبی ۴۰ درصد، باغچه‌های پوشیده از درخت و گل‌ها با ضریب انعکاس حدودی ۳۰ تا ۴۰ درصد و آجرهای مناسب کف با ضریب انعکاس ۱۰ تا ۱۵ درصد؛ اما میزان استفاده و تنوع بهره‌گیری از این عناصر در بناهای گوناگون متفاوت است. لذا در این پژوهش سعی گردید این مقوله در ۸ مورد از خانه‌های تاریخی شهر کاشان از طریق تحلیل‌های نظری ارزیابی گردد. شایان ذکر است در اکثر پژوهش‌های صورت‌گرفته بر کیفیت اقلیمی این اجزا و عناصر تأکید شده است. بنابراین پژوهش بر ۳ مرحله متمرکز گردید. نخست با تحلیل دو شاخص اقلیمی  $PAR$  و  $R_1$  میزان پاسخ‌گویی اقلیمی حیاط‌های مرکزی ارزیابی شد؛ در بخش دوم برای ارزیابی عملکرد هدایت نور حیاط‌های مرکزی خانه‌های انتخاب‌شده شاخص هندسی و تناسباتی یعنی شاخص مقطعی نور یا  $SAR$  بررسی گردید و در گام سوم با توجه به تنوع حوض‌های آب و باغچه‌ها در نمونه‌های منتخب نسبت مجموع مساحت باغچه‌ها و حوض آب به مساحت کل حیاط محاسبه شد.

عملکرد حیاط مرکزی در اکثر خانه‌های تحلیل‌شده مناسب اقلیم منطقه بوده و در مواردی که این عملکرد مناسب نبوده است، ارتباطی میان تغییرات مجموع مساحت حوض آب و باغچه با شاخص‌های  $PAR$  و  $R_1$  به‌عنوان عامل‌های سنجش عملکرد اقلیمی در نمونه‌های موردی تحلیل شده یافت نشد.

اما با محاسبه نسبت شاخص مقطعی نور یا  $SAR$  برای هریک از این خانه‌ها و مقایسه نتایج به‌دست‌آمده با  $SAR$  توصیه‌شده یعنی  $SAR \geq 1$  برای حیاط‌های مربع‌شکل و  $SAR \geq 2$  برای حیاط‌های مستطیل‌شکل مشخص گردید برخی آن‌ها از این نسبت تبعیت کرده‌اند؛ پس می‌توان چنین بیان داشت که عملکرد هدایت نور مناسبی دارند و برخی دیگر از نمونه‌ها از این نسبت‌ها تبعیت نکرده‌اند. اما تغییرات مجموع مساحت حوض آب و باغچه در این نمونه‌ها جالب توجه است؛ به‌گونه‌ای که در اکثر نمونه‌هایی که  $SAR$  از مقادیر توصیه‌شده و استاندارد بیشتر است، میزان نسبت مجموع مساحت حوض آب و باغچه به مساحت کل حیاط، بین ۶/۸ درصد تا ۱۷/۵ درصد



است و در مجموع می‌توان گفت که کمتر از ۲۰ درصد مساحت کف حیاط‌ها به فضای سبز و حوض آب اختصاص داده شده است؛ درحالی‌که این نسبت برای حیاط‌هایی که شاخص SAR محاسبه شده کمتر از استاندارد توصیه شده است، بیش از ۲۰ درصد و تا ۵۶ درصد متغیر است. اما آنچه در نهایت می‌توان دریافت این است که در نمونه‌های انتخابی خانه‌های تاریخی کاشان، عملکرد نامناسب هندسه و تناسبات حیاط مرکزی در هدایت نور به فضاهای مجاور آن با استفاده از مصالح با ضریب انعکاس نور بیشتر در کف حیاط مرکزی یعنی حوض آب و فضای سبز جبران شده است. لذا نیاز است نتایج این پژوهش در مرمت و احیا این خانه‌ها و دیگر خانه‌های تاریخی کاشان که در دوران معاصر با گسترش صنعت گردشگری مورد توجه ویژه قرار گرفته‌اند، با دقت بیشتر و نگاهی خاص به اجزا و عناصر موجود در آن‌ها مانند حوض‌ها و فضاهای سبز و سایر اجزای این بناها همراه باشد؛ زیرا این خانه‌ها میراثی ارزشمند از فرهنگ خانه‌سازی در تاریخ معماری ایران بوده و با آن‌ها می‌توان اهمیت و جایگاه استفاده از روش‌های ساده اما مهم در دریافت روشنایی طبیعی در گذشته این سرزمین را درک نمود تا الگویی مناسب برای خانه‌سازی دوران معاصر باشند.

## پی‌نوشت‌ها

1. Baker
2. Berardi & Wang
3. Aizlewood
4. Sharples & Lash
5. Daylight Factor = DF
6. Sky Components = SC
7. Externally Reflected Components = ERC
8. Internally Reflected Components = IRC
9. Section Aspect Ratio = W/H
10. Plan Aspect Ratio = W/H

## منابع

- آزادی‌فر، ارسلان، عمرانی‌پور، علی، مسعودی‌نژاد، مصطفی، و وفامهر، محسن. (۱۴۰۰). بازخوانی هندسه و تناسبات حیاط مرکزی در دستیابی به نور مناسب روز در خانه‌های تاریخی کاشان. معماری پایدار، ۹ (۱)، ۷۷-۹۷. doi:10.22061/jsaud.2021.6468.1671
- آزادی‌فر، ارسلان، عمرانی‌پور، علی، مسعودی‌نژاد، مصطفی، و وفامهر، محسن. (۱۳۹۹). بازشناسی عملکرد نورگیرهای سقفی بر معماری خانه‌های تاریخی کاشان (مطالعه موردی: خانه



بروجردی‌ها). مطالعات محیطی هنرستان حصار، ۹ (۳۳)، ۱۰۹-۱۲۴.

doi: 10.29252/hafthesar.9.33.109

احدی، امین‌اله، مسعودی‌نژاد، مصطفی، و پیریایی، آرمین. (۱۳۹۵). طراحی صحیح پنجره به‌منظور دستیابی به میزان نور روز مناسب در خانه‌های آپارتمانی شهر تهران. هویت شهر، شماره ۲۵، ۴۱-۵۰.

حاجی‌قاسمی، کامبیز. (۱۳۷۵). گنج‌نامه دفتر یک خانه‌های کاشان. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

رازجویان، محمود. (۱۳۸۸). آسایش در پناه معماری همساز با اقلیم. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

زارع، فائزه و حیدری، شاهین. (۱۳۹۳). طراحی معماری با بهره‌گیری از روشنایی طبیعی رویکردی در طراحی کتابخانه برای شهر تهران. هویت شهر، ۹ (۲۴)، ۵۵-۶۴.

طاهباز، منصوره، جلیلیان، شهربانو، موسوی، فاطمه، و کاظم‌زاده، مرضیه. (۱۳۹۴). نور در خانه‌های سنتی ایران. معماری و شهرسازی آرمانشهر، شماره ۱۵، ۷۱-۸۱.

فرخ‌یار، حسین. (۱۳۹۲). صد خانه صد پلان (ویژگی‌های معماری خانه‌های قدیمی در بافت تاریخی اقلیم گرم و خشک). کاشان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان.

فرشچی، حمیدرضا و مجیدی، مرتضی. (۱۴۰۰). بررسی نظام معماری و تناسب هندسی حیاط مرکزی و جداره‌های آن در خانه‌های تاریخی کاشان (مورد مطالعه: ده خانه تاریخی دوره قاجار کاشان). فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، شماره ۲، ۹۴-۱۱۳.

doi:10.52547/ciauj.6.2.95

فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۸۴). ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری. تهران: انتشارات فضا.

قیابکلو، زهرا. (۱۳۹۴). مبانی فیزیک ساختمان. تهران: جهاد دانشگاهی.

معاونت نظارت راهبردی. (۱۳۹۲). مبانی و ضوابط طراحی روشنایی و مهندسی روشنایی (نشریه شماره ۶۵۴). تهران: امور نظام فنی.

معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۷). سیری در مبانی نظری معماری. تهران: انتشارات سروش و دانش.

مهدوی‌نژاد، محمدجواد، طاهباز، منصوره، و دولت‌آبادی، مهناز. (۱۳۹۵). بهسازی تناسبات و نحوه استفاده از رف نور در معماری کلاس‌های آموزشی. نشریه هنرهای زیبا، ۲۱ (۲)، ۸۱-۹۲.

نیازی مطلق جونقانی، نازنین و اکبری، حسن. (۱۳۹۸). بازشناسی ویژگی‌های کالبدی و عناصر طبیعی حیاط‌های مرکزی در خانه‌های تاریخی شهر اصفهان. دوفصلنامه علمی معماری اقلیم گرم و خشک، شماره ۹، ۸۳-۱۰۰.

هالیدی، دیوید، رزینیک، رابرت، و واکر، جرل. (۱۳۹۹). مبانی فیزیک: شاره‌ها، موج‌ها، مبانی نور و فیزیک جدید. ترجمه محمدابراهیم ابوکاظمی. تهران: انتشارات اشراقی.

Aizlewood, M. (1995). The daylighting of atria. *A critical review*, 101(2), 841-857.

Baker, A. F., Fanchiotti, A., & Steemers, K. (1993). *Daylighting in architecture a european reference book*. London: James and James.

Berardi, U. & Wang, T. (2014). Daylitghing in an atrium-type high performance house. *Building and Environment*, Vol. 76, 92-104. doi:org/10.1016/j.buildenv.2014.02.008.

Cartwright, V. (1986). Sizing atria for daylighting. *Second International Daylighting Conference*. CA: Long Beach.

CIBSE. (1999). *Daylighting and window design, dorcheste*. London: Friary press.

Garcta, F. & Omar, O. (2023). *Sustainable performance in public*. Solar Energy.

Ghasemi, M., Kandar, M., & Noroozi, M. (2015). Investigating the effect of well geometry on the daylight performance in the adjoining spaces of vertical top-lit atrium building. *I Indoor ndoor and and Built uilt Environmen*, Vol. 25, 934-948. doi:10.1177/1420326X15589121.

Kim, K. & Boyer, L. (1986). Development of daylight prediction methods for atrium design. *Proceedings from the International Daylighting Conference 2*, Long Beach, C.A.

Movehedi Nia, M., Nikpour, M., & Jahanshahi Javaran, E. (2024). Evaluation of Quality of Daylight in a Contemporary Residential Building with a Central Courtyard in Kerman, Iran. *Iranica Journal of Energy and Environment*, 15(3), 294-302. doi:org/10.5829/ijee.2024.15.03.08.

Muhaisen, a. (2006). shsding simulation of the courtyard from in different climatic regions. *Building and environment*, Vol. 41, 1731-1741. doi:10.1016/j.buildenv.2005.07.016.

Oretskin, B. (1982). Studying the efficiency of lightwells by means of models under an artificial sky. *Proceedings of the Seventh ASES Passive Conference*. Knoxville, TX.

Piriyaei, M., Mofidi Shemirani, S., & Sabernejad, J. (2022). Morphological Analysis of the Central Courtyard of Indigenous Residential Buildings in Hot-Arid Regions Case Study: Yazd City. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, Vol. 15, 29-39. doi:10.22034/AAUD.2021.265165.238.

Samant, S. (2011). A critical review of articles published on atrium geometry and surface reflectances on daylighting in an atrium and its adjoining spaces. *Architectural Science Review*, Vol. 53, 145-156. doi:org/10.3763/asre.2009.0033.

Sharples, S., & Lash, D. (2007). Daylight in atrium buildings: a critical review. *Architectural Science Review*, 50(4), 301-312. doi:10.3763/asre.2007.5037.

## References

Aizlewood, M. (1995). The daylighting of atria. *A critical Review*, 101(2), 841-857.  
Azadifar, A., Omrani-Pour, A., Masoudinejad, M., & Vafamehr, M. (2021). Revisiting the geometry and proportions of central courtyards in achieving



- appropriate daylight in historic houses of Kashan. *Sustainable Architecture*, 9(1), 77–97. <https://doi.org/10.22061/jsaud.2021.6468.1671>. [In Persian]
- Azadifar, A., Omrani-Pour, A., Masoudinejad, M., & Vafamehr, M. (2020). Recognizing the performance of roof skylights on the architecture of historic houses in Kashan (Case study: Boroujerdi House). *Haft-Hesar Environmental Studies*, 9(33), 109–124. <https://doi.org/10.29252/hafthesar.9.33.109>. [In Persian]
- Ahadi, A.-A., Masoudinejad, M., & Piriaei, A. (2016). Proper window design for achieving appropriate daylight levels in apartment houses of Tehran. *City Identity*, 25, 41–50. [In Persian]
- Baker, A. F., Fanchiotti, A., & Steemers, K. (1993). *Daylighting in architecture a european reference book*. London: James and James.
- Berardi, U. & Wang, T. (2014). Daylighting in an atrium-type high performance house. *Building and Environment*, 76, 92-104. [doi:org/10.1016/j.buildenv.2014.02.008](https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2014.02.008).
- Cartwright, V. (1986). Sizing atria for daylighting. *Second International Daylighting Conference*. CA: Long Beach.
- CIBSE. (1999). *Daylighting and window design, dorchester*. London: Friary press.
- Farshchi, H., & Majidi, M. (2021). Study of architectural system and geometric proportions of central courtyards and their facades in historic houses of Kashan (Case study: Ten Qajar-era historic houses). *Culture of Islamic Architecture and Urbanism*, 6(2), 94–113. <https://doi.org/10.52547/ciauj.6.2.95>. [In Persian]
- Falamaki, M.-M. (2005). *Roots and theoretical trends in architecture*. Tehran: Faza Publications. [In Persian]
- Farkhiyar, H. (2013). *One hundred houses, one hundred plans: Architectural characteristics of old houses in historic contexts (Hot and dry climate)*. Kashan: Islamic Azad University, Kashan Branch. [In Persian]
- Garcta, F. & Omar, O. (2023). *Sustainable performance in public*. Solar Energy .
- Ghasemi, M., Kandar, M., & Noroozi, M. (2015). Investigating the effect of well geometry on the daylight performance in the adjoining spaces of vertical top-lit atrium building. *Indoor and Built Environmen*, 25, 934-948. [doi:10.1177/1420326X15589121](https://doi.org/10.1177/1420326X15589121).
- Ghiabaklou, Z. (2015). *Fundamentals of building physics*. Tehran: Jihad Daneshgahi. [In Persian]
- Strategic Supervision Department. (2013). *Fundamentals and regulations of lighting design and engineering* (Publication No. 654). Tehran: Technical Affairs Office. [In Persian]
- Haji-Ghasemi, K. (1996). *Ganjnameh: A notebook of Kashan houses*. Tehran: Shahid Beheshti University Press. [In Persian]
- Halliday, D., Resnick, R., & Walker, J. (2020). *Fundamentals of physics: Fluids, waves, optics, and modern physics (M. E. Aboukazemi, Trans.)*. Tehran: Eshraghi Publications. [In Persian]
- Kim, K. & Boyer, L. (1986). Development of daylight prediction methods for atrium design. *Proceedings from the International Daylighting Conference 2*, Long Beach, C.A.

- Mahdavi-Nejad, M.-J., Tahbaz, M., & Dolat-Abadi, M. (2016). Optimizing proportions and the use of light shelves in classroom architecture. *Journal of Fine Arts*, 21(2), 81–92. [In Persian]
- Memarian, G. (2008). *A journey through the theoretical fundamentals of architecture*. Tehran: Soroush and Danesh Publications. [In Persian]
- Movehhedi Nia, M., Nikpour, M., & Jahanshahi Javaran, E. (2024). Evaluation of Quality of Daylight in a Contemporary Residential Building with a Central Courtyard in Kerman, Iran. *Iranica Journal of Energy and Environment*, 15(3), 294-302. doi:org/10.5829/ijee.2024.15.03.08.
- Muhaisen, a. (2006). shsding simulation of the courtyard from in different climatic regions. *Building and environment*, 41, 1731-1741. doi:10.1016/j.buildenv.2005.07.016 .
- Niazi-Motlagh Joonqani, N., & Akbari, H. (2019). Recognizing physical characteristics and natural elements of central courtyards in historic houses of Isfahan. *Biannual Journal of Architecture in Hot and Dry Climates*, 9, 83–100. [In Persian]
- Oretskin, B. (1982). Studying the efficiency of lightwells by means of models under an artificial sky. *Proceedings of the Seventh ASES Passive Conference*. Knoxville, TX.
- Piriyaee, M., Mofidi Shemirani, S., & Sabernejad, J. (2022). Morphological Analysis of the Central Courtyard of Indigenous Residential Buildings in Hot-Arid Regions Case Study: Yazd City. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 15, 29-39. doi:10.22034/AAUD.2021.265165.238.
- Razjouyan, M. (2009). *Comfort under climate-responsive architecture*. Tehran: Shahid Beheshti University Press. [In Persian]
- Samant, S. (2011). A critical review of articles published on atrium geometry and surface reflectances on daylighting in an atrium and its adjoining spaces. *Architectural Science Review*, 53,145-156. doi:org/10.3763/asre.2009.0033.
- Sharples, S., & Lash, D. (2007). Daylight in atrium buildings: a critical review. *Architectural Science Review*, 50(4), 301-312. doi:10.3763/asre.2007.5037
- Tahbaz, M., Jalilian, S., Mousavi, F., & Kazemzadeh, M. (2015). Daylight in traditional Iranian houses. *Arman-Shahr Architecture and Urban Planning*, 15, 71–81. [In Persian]
- Zare', F., & Heidari, S. (2014). Architectural design utilizing natural light: An approach to library design in Tehran. *City Identity*, 9(24), 55–64. [In Persian]



## The Role of Gardens and Water Pools in Central Courtyards and their Impacts on Daylighting in Selected Historical Houses Qajar Era in Kashan

**Arsalan Azadifar**

Assistant Professor, Department of Architecture, Arv.C., Islamic Azad University, Abadan, Iran. Email: Arsalan.azadifar@iau.ac.ir

**Ali Omranipour**

Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Fine Arts, University of Tehran, Iran. Associate Professor, Department of Architecture, University of Kashan, Iran (Corresponding Author); Email: A.omrani@ut.ac.ir

**Farshid Mesbah**

Assistant Professor, Department of Architecture, Arv.C., Islamic Azad University, Abadan, Iran. Email: Farshid.mesbah@iau.ac.ir

Received: 19/11/2024

Accepted: 01/03/2025

### Extended Abstract

#### Introduction

Kashan, a city situated at an elevation of 982.3 meters, is renowned for its historical Qajar-era houses, which embody the evolved concept of “home” in Iranian architecture. In the past, daylight served as the primary source of illumination and constituted a fundamental element in the architectural design of these residences. The central courtyards—ranging from single to multiple in number—played a crucial role in providing natural lighting for these houses. Acting as conduits for daylight, these courtyards exhibited considerable diversity in geometry, proportions, and materials, including features such as water pools and garden plots. Multiple factors, including form, proportion, geometry, and the materials used for courtyard walls and flooring, influenced the optimization of daylight penetration, notably the light reflectance properties of these materials. This research investigates the relationship between water pools and garden plots as well as the utilization of natural light in eight historical houses of Kashan. The study evaluates the climatic performance of central courtyards as well as their daylight-channeling capacity through theoretical analysis and proportional relations. It aims to determine the correlation between the size of pools and gardens with the degree of light distribution and climatic performance, thereby identifying the role of these elements in supplying and directing daylight into the spaces adjacent to the central courtyard.

### Methodology

This research adopted a quantitative approach along with a descriptive research method, combining the review of library sources with the analysis of field observations and measurements. This study was conducted in three stages:

Stage 1. Literature Review: at this stage, the key parameters influencing daylight performance were identified; these parameters included the daylight factor (DF) and the section aspect ratio (SAR), both of which were associated with the ability of central courtyards to channel natural light. In addition, physical comfort parameters such as PAR and  $R_1$ , which indicated the climatic qualities of central courtyards, were introduced.

Stage 2 . Case Selection and Field Survey: eight historical houses in Kashan were selected based on criteria such as structural integrity, accessibility for field documentation, minimal alterations (caused by the passage of time or inappropriate restorations), and the representation of courtyard typologies (single-, double-, triple-, and multi-courtyard houses). At this stage, existing architectural plans were verified and completed through field surveys, and precise, digital three-dimensional models were produced to ensure an accurate understanding of the number of courtyards, their dimensions, and spatial characteristics.

Stage 3. Data Analysis: the geometric and proportional performance of central courtyards was evaluated, using the SAR index to assess daylight reception. However, the climatic performance was examined through the PAR and  $R_1$  indices, taking into account the specific climatic conditions of the region. Subsequently, the combined surface area of garden plots and water pools was compared with the total courtyard floor area. These values were, then, analyzed alongside daylighting and climatic performance data to establish logical proportional relations.

It is worth noting that by assessing the climatic performance of the central courtyard, this study not only highlights the role of water pools and garden plots in environmental regulation but also emphasizes the importance of daylight as a determining factor in the inclusion as well as functional significance of these elements in the courtyard design.

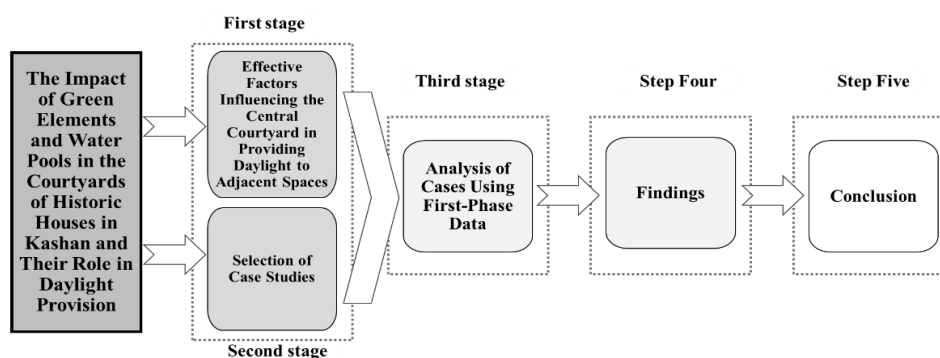


Chart 1: Research stages



### Findings

The collected data were compared and analyzed to enhance the understanding of the research outcomes. The section aspect ratio (SAR), which indicated the daylight-channeling performance of the central courtyard for adjacent spaces, was calculated alongside the climatic indices PAR and  $R_1$ , which evaluated the environmental performance of each house. The results showed that SAR values in some houses exceeded the recommended standards ( $SAR \geq 1$  for square-shaped courtyards and  $SAR \geq 2$  for rectangular courtyards). In contrast, in others, they fell below these thresholds. Similarly, the climatic performance indices in most cases conformed to the recommended ranges ( $0.3 \leq PAR \leq 1$  and  $0.4 \leq R_1 \leq 8$ ). Exceptions were observed in courtyard  $y_1$  of the Āl-e Yāsīn House, and courtyards  $y$  and  $y_1$  of the Borujerdi and Tabātabāei Houses, where the  $R_1$  ratio was within the acceptable range, but the PAR index did not meet the recommended standards. In addition, the ratio of the combined surface area of garden plots and water pools to the total courtyard area varied considerably across the selected houses, ranging from a minimum of 8.6% to a maximum of 56%. When comparing these ratios with the PAR index, it was found that courtyards with substandard PAR values had garden-and-pool ratios between 17.5% and 37%. In contrast, the ratio ranged from 7% to 56% in courtyards with adequate climatic performance. This suggests that, within the studied samples, no consistent or direct correlation exists between the climatic performance of courtyards and the extent of garden and pool coverage. According to the SAR analysis, most houses provided sufficient daylight access to spaces adjacent to the central courtyard, except in a few cases where the SAR was below the recommended level. The courtyard floors were primarily covered with brick (10–15% reflectance), water pools (35–45% reflectance), and garden plots (25–40% reflectance). A key finding was that the ratio of garden and pool area to the total courtyard surface demonstrating an inverse relationship with daylight-channeling performance: courtyards with adequate daylight-channeling (standard SAR); the combined ratio of garden and pool areas was less than 20%. In courtyards with inadequate daylight-channeling (low SAR), the ratio exceeded 20%; in some cases, it reached 56%. In conclusion, houses with standard SAR values typically incorporated larger brick-paved surfaces with lower reflectance and allocated less area to gardens and pools. Conversely, houses with lower SAR values exhibited greater coverage by reflective surfaces such as garden plots and water pools.

### Conclusion

The findings of this study reveal that in the examined historic houses of Kashan, the inadequate geometric configuration and proportions of central courtyards in channeling daylight to adjacent spaces were compensated through the use of courtyard flooring materials with higher light reflectance, particularly water pools and garden plots. Accordingly, the results of this research should be carefully considered in the restoration and revitalization of these residences, as well as other historical houses of Kashan, which, in the recent decades, have gained increasing attention due to the expansion of tourism industry. Such efforts require particular attention to the existing architectural components and elements—such as pools, green spaces, and other structural features—whose functional and cultural



significance extend beyond their aesthetic value. These houses represent a valuable legacy of domestic architecture in Iran, offering insight into the traditional application of simple yet effective strategies for harnessing natural daylight. Recognizing and preserving these approaches can provide meaningful lessons and serve as a model for contemporary housing design.

**Keywords:** central courtyard, garden plot, historical houses, Kashan, natural daylighting, water pool.

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۳  
دوره ۱۷، شماره ۲ (پیاپی ۳۳)، صفحات: ۲۰۷-۱۸۹  
مقاله علمی‌ترویجی

## بررسی مفهوم عشق در مثنوی طاق‌دیس از دیدگاه روان‌شناسی مثبت‌نگر

سعیده نعمت‌اللهی\*

تقی اژه‌ای\*\*

### چکیده

پژوهش حاضر با نگرشی میان‌رشته‌ای، پیوند عمیقی بین محبت در مثنوی طاق‌دیس و علم بهزیستی را بررسی کرده است. این مطالعه با واکاوی مفهوم عشق در سروده‌های این مثنوی و مقایسه آن با مفاهیم سایکولوژی مثبت، نشان می‌دهد که عشق انگیزه‌ای قدرتمند است که نه تنها به رهایی از قیود نفسانی کمک می‌کند، بلکه به تکامل معنوی و نیل به اوج نیز می‌انجامد. عشق روحانی برترین گونه محبت بوده و نقش اساسی در متن طاق‌دیس ایفا می‌کند، اما موانعی همچون نفس‌پرستی، هراس و تعلق می‌توانند سد راه این عشق شوند. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که تمرین‌هایی مانند سپاسگزاری و یاری رساندن به دیگران می‌توانند به تقویت عشق کمک کنند؛ هرچند با محدودیت‌هایی نظیر طبیعت کیفی اطلاعات و تمرکز بر یک اثر مشخص مواجه است. ابتکار این پژوهش در ترکیب مفاهیم عرفانی و روان‌شناسی مثبت‌نگر و ارائه یک الگوی فراگیر برای شناخت ارتباط بین عشق و طاق‌دیس نهفته است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

**کلیدواژه‌ها:** طاق‌دیس، عشق حقیقی، روان‌شناسی مثبت‌نگر.

\* کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، گروه ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول،

mailto:saideahp@gmail.com

\*\* دانشیار گروه ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، t.ejeh@lit.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۶

## ۱. مقدمه

عشق، محوری‌ترین مفهوم در ادبیات عرفانی بوده و نه تنها یک احساس انسانی، بلکه نیرویی کیهانی و زبان‌گویای سلوک روحانی است که در سراسر متون عرفانی فارسی و عربی، از سنایی و عطار تا مولوی و ابن عربی، به مثابه جوهره هستی و تنها راه رستگاری ترسیم شده است. این مفهوم، در بستر عرفان اسلامی، فراتر از تعاریف رمانتیک یا روان‌شناختی، به‌عنوان اصل بنیادین آفرینش، محرک تکامل روح و نردبان وصال به حقیقت مطلق تفسیر می‌شود.

عشق ودیعه‌ای ازلی و بی‌انتهاست که پروردگار در وجود همه کائنات قرار داده است. هستی موجودات، با عشق ممکن می‌شود (صابری و محمدیگی، ۱۳۹۷: ۷). مفهوم عشق، به‌مثابه یکی از اساسی‌ترین و بغرنج‌ترین تجربه‌های بشری، همواره دست‌مایه‌ای گیرا برای صاحب‌نظران، هنرمندان و اهل معرفت بوده است. از دیرباز، آدمیان در تکاپوی فهم چیستی عشق، کارکرد آن در حیات و اثرات آن بر روح آدمی بوده‌اند و این کاوش در آثار ادبی، فلسفی و عرفانی بسیاری مثل مثنوی مولانا و آثار سنایی بازتاب یافته است.

## ۱-۱. طرح مسئله

در سال‌های اخیر، با افزایش توجه به جنبه‌های مثبت زندگی، علم بهزیستی به‌عنوان رویکردی نوین در روان‌شناسی شکل گرفته است. این رویکرد به‌جای تمرکز بر مشکلات و اختلالات روانی، به توانمندی‌ها، فضایل و تجربه‌های مثبت انسان می‌پردازد. محبت، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع شادی، رضایت از زندگی و معنویت، در مرکز توجه این نگرش قرار دارد. لیمون و مک ماهون<sup>۱</sup> نیز ابراز محبت و اهمیت دادن به نزدیکان و دوستان را از توانایی‌های برجسته انسان می‌دانند (۱۳۹۲: ۲۱۵).

## ۲-۱. اهداف و ضرورت پژوهش

این پژوهش با هدف گسترش آگاهی در قلمرو روان‌شناسی مثبت و پربرسازی دانش در این زمینه طراحی شده است. از یک‌سو، با بهره‌گیری از ابزارهای روان‌شناسی مثبت، تفسیری نوین و ژرف‌اندیشانه از مثنوی طاق‌دیس ارائه می‌دهد که زوایای پنهان این اثر ادبی را در پرتو مفاهیمی همچون محبت و بهزیستی آشکار می‌سازد. از سوی دیگر، یافته‌های این مطالعه با کشف پیوندهای نظری بین مفاهیم عرفانی و اصول روان‌شناسی مثبت، به کاربردی‌سازی این دانش در زندگی روزانه می‌پردازد. این دستاوردها نه تنها به درک عمیق‌تر از نقش محبت در سلامت روان و سکون باطنی



### بررسی مفهوم عشق در مثنوی طاق‌دیس از دیدگاه روان‌شناسی...، سعیده نعمت‌اللهی و تقی ازهای

منجر می‌شود، بلکه راهکارهای ملموسی برای بهبود مناسبات اجتماعی، ارتقای رضایت از زندگی و دستیابی به تعالی فردی در اختیار جوامع انسانی قرار می‌دهد. بدین ترتیب، این نوشتار پلی میان نظریه‌پردازی علمی، تحلیل ادبی و کاربری عملی ایجاد می‌کند.

#### ۳-۱. سوالات پژوهش

- محبت در طاق‌دیس و از نظر نراقی چه جایگاهی دارد و چه نقشی را ایفا می‌کند؟
  - چگونه مهر می‌تواند به گسستن قیود و محدودیت‌های انسان مدد رساند و عشق را در زندگی جاری ساخت؟
  - چه موانعی در مسیر نیل به عشق در طاق‌دیس موجود است؟
  - برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، از مبانی نظری روان‌شناسی مثبت و مفاهیم اساسی آن مانند شادمانی، خرسندی از زندگی، معنویت و قوای روانی استفاده می‌گردد. همچنین، مفهوم باطنی عشق نیز در این پژوهش مد نظر قرار می‌گیرد.
- در ادامه این نوشتار، نخست به واکاوی مفهوم محبت در طاق‌دیس پرداخته شده و سپس، کارکرد عشق در سایکولوژی مثبت و پیوند آن با خوشبختی مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان نیز به تحلیل رابطه میان عشق و طاق‌دیس و ارائه راه‌هایی برای شکوفایی عشق پرداخته می‌شود.

#### ۴-۱. پیشینه پژوهش

باینکه مثنوی طاق‌دیس یکی از آثار ادبی عرفانی به شمار می‌رود و به دلیل شباهتی که با مثنوی مولانا دارد اهمیت پیدا می‌کند، از دیده‌ها پنهان مانده درحالی‌که دارای جایگاه بلاغی والا و همچنین نکات روان‌شناسانه بسیار و جنبه‌های دیگری است که می‌تواند نظر پژوهشگران را به خود جلب کند، اما پژوهش‌های انجام‌شده درباره این مثنوی بسیار اندک است.

در بررسی پژوهش‌های مرتبط با موضوع تلفیق روان‌شناسی مثبت‌نگر و دیدگاه احمد نراقی در مثنوی طاق‌دیس، می‌توان به نقاط قوت و ضعف یا شباهت‌ها و تفاوت‌ها پرداخت.

۱. پایان‌نامه اخلاقیات و عرفان در مثنوی طاق‌دیس: این پژوهش با تمرکز بر فضایل و رذایل اخلاقی، به یکی از ابعاد مهم اندیشه نراقی پرداخته است. این پژوهش می‌تواند یک منبع غنی برای شناخت بهتر فضایل اخلاقی مطرح شده در مثنوی طاق‌دیس باشد. باین‌حال، این پژوهش به طور مستقیم به ارتباط بین اخلاقیات و روان‌شناسی مثبت‌نگر نپرداخته است. اما مبحث فضایل و رذایل یکی از مباحث مهم در اندیشه و باور انسان است و از این‌رو پژوهشی مفید بوده است.

۲. مقاله «تحلیل اندیشه‌های مثبت‌گرایانه در مثنوی معنوی»: این مقاله با تحلیل مفاهیم مثبت‌نگری همچون ایمان و اعتقاد، توکل، عشق، صبر در برابر سختی‌ها، امید به آینده، خوش‌بینی، اعتماد به نفس و... در مثنوی معنوی، گامی مهم در جهت تلفیق ادبیات عرفانی و روان‌شناسی مثبت‌نگر برداشته است. با این حال، این پژوهش به‌طور خاص به مثنوی طاق‌دیس نپرداخته و تفاوت‌های موجود بین این دو اثر را نادیده گرفته است.

۳. مقاله «مقایسه مثنوی طاق‌دیس و مثنوی معنوی»: این مقاله به مقایسه دو مثنوی پرداخته و نقاط اشتراک و تفاوت‌های آن‌ها را بررسی کرده است، اما تحلیل مفاهیم روان‌شناسی مثبت‌نگر را در بر ندارد. مقاله می‌توانست با بررسی جنبه‌های دیگری مانند سبک بیان، انتخاب واژگان یا تحلیل‌های غیرعرفانی، جامع‌تر و اثربخش‌تر باشد.

این پژوهش برخلاف پژوهش‌هایی که یا صرفاً به مثنوی معنوی پرداخته‌اند یا مقایسه‌های صرفاً ادبی و بلاغی میان طاق‌دیس و مثنوی معنوی داشته‌اند، به‌طور مشخص به تحلیل مؤلفه‌های روان‌شناسی مثبت در طاق‌دیس و تلفیق آن با دیدگاه‌های احمد نراقی می‌پردازد؛ موضوعی که تاکنون به شکل جامع و مستقلی بررسی نشده است.

## ۱-۵. روش پژوهش

با توجه به اینکه روش تحقیق در این مقاله کیفی است، خوانش هریک از قسمت‌های مثنوی طاق‌دیس، انتخاب برخی کلمات و اجزای تشکیل‌دهنده متن براساس روش روان‌شناسی مثبت‌نگر و توصیف کیفی داده‌ها قسمت زیادی از فعالیت‌ها را در کاربست چهارچوب نظری تحقیق بر روی متن ادبی مورد مطالعه تشکیل می‌دهد.

ابزار گردآوری داده‌ها فیش است و منابعی که داده‌های مورد نیاز از آن‌ها جمع‌آوری می‌شوند شامل کتب، مجلات و به‌کلی منابع کتابخانه‌ای و همچنین پایگاه‌های اینترنتی است؛ داده‌های فراهم‌آوری شده با این روش، مورد تحلیل و ارزیابی دقیق قرار گرفته و سامان‌دهی شده و سپس به دو روش کلی قیاسی و استقرایی، تجزیه و تحلیل گردیده است.

## ۲. مبانی نظری

تعبیر عشق و محبت در معنای ماوراءالطبیعه، در فلسفه، الهیات، عرفان و تصوف وارد شده است؛ عشقی که شالوده و پایه خلقت محسوب می‌شود. عشق در مباحث عرفانی و حتی کلامی و فلسفی، با روندهای گوناگونی مورد بحث واقع شده که سرانجام به یک نقطه مشترک همگرا گردیده‌اند. در



این پهنه، ادب فارسی و به‌ویژه سروده‌های فارسی، بی‌نصیب نمانده است.

عشق چیست؟ «لذتی شیرین که به‌خاطر زیبایی حس می‌شود، همچنین یک احساس عمیق، گرایشی لطیف و کششی قوی که به هیچ موجود و فکری محدود نمی‌شود و می‌تواند در جاهای غیرمنتظره پیدا شود. این دوست داشتن زیاد می‌تواند خیلی فرق کند و نشانه‌های زیادی داشته باشد. گاهی، عشق بیش از حد به چیزی، حالتی تند و عجیب پیدا می‌کند که هم حرف دارد و هم خطرناک است، و گاهی هم حس شادی و خوشبختی می‌دهد» (معین، ۱۳۸۳: ۴۷). اما درکل، عشق و مهر مفاهیمی عمیق و جهانی‌اند که ریشه‌های زبانی و فرهنگی متعددی دارند. برخلاف نظر رایج که واژه «عشق» را عربی می‌دانند، پژوهش‌های نوین نشان می‌دهد این واژه از زبان اوستایی برگرفته شده است؛ زبانی که با سانسکریت و دیگر زبان‌های هندواروپایی هم‌ریشه است و در متون مقدس آیین زرتشتی به کار رفته است. درحالی‌که زبان‌های سامی مانند عربی و عبری کلمات مشابهی برای مفاهیم محبت و عشق دارند، در ادبیات فارسی و فرهنگ‌های کهن منطقه، «عشق» بار معنایی و تاریخی متفاوتی دارد که با زبان اوستایی و فرهنگ ایرانی پیوند خورده است (عمید، ۱۳۸۹: ۸۴). فرزانه‌مرد سخن و قلم، حکیم ابوالقاسم فردوسی، که برای پاسداری از زبان فارسی (در گستره فارسی‌زبانان) از به کار بردن واژه‌های عربی دانسته و هوشمندانه پرهیز می‌کرد، واژه عشق را به‌آسانی و با انگیزه به کار می‌برد و واژه‌ای دیگر را جایگزین آن نمی‌کرد.

برخی چنین گفته‌اند که در قرآن فقط از فرمانبرداری و پرستش خداوند برای شوق به بهشت و ترس از جهنم یاد شده، نه برای عشق به او. بنابراین، فرمانبرداری و پرستش خدا به‌خاطر عشق به او، یک نوآوری صوفیانه است (نصر، ۱۳۹۰: ۲۴۷؛ هدایتی، ۱۳۹۵: ۷۸). اگرچه واژه «عشق» به‌صورت لفظی در قرآن ذکر نشده است، مفاهیم نزدیک و هم‌معنایی در این متن مقدس به چشم می‌خورد که بر دوست داشتن خدا و پیامدهای آن تأکید دارند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۶۵). عشق به‌معنای یک رابطه عمیق و بی‌وقفه است که عاشق در آن خواستار دیدار معشوق، همراهی مداوم و رفتارهای خشنودکننده برای معشوق است.

مارتین سلیگمن<sup>۲</sup> به‌عنوان بنیان‌گذار روان‌شناسی مثبت‌نگر، به‌جای تمرکز صرف بر درمان بیماری‌های ذهنی، بر توانایی‌ها و استعدادهای انسان تأکید دارد. او معتقد است که پس از جنگ جهانی دوم، روان‌شناسی عمدتاً معادل درمان اختلالات ذهنی شده و توجه به جنبه‌های مثبت زندگی نادیده گرفته شده است. نگرش مثبت در روان‌شناسی به انسان می‌آموزد که زیستن خوب، بهره‌گیری روزانه از توانمندی‌ها و صفات نیک است که به شادمانی حقیقی می‌انجامد. این شادمانی

نه تنها طول عمر و سلامت فرد را افزایش می‌دهد، بلکه به او کمک می‌کند تا بهتر با دشواری‌ها مواجه شود و احساسات منفی را کاهش دهد (Seligman, 2011: 25-38).

با تحلیل و تلفیق این دو دیدگاه می‌توان دریافت که عشق، به عنوان نیرویی بنیادین، هم در متون دینی و عرفانی به عنوان عاملی معنوی و اخلاقی مطرح است و هم در روان‌شناسی مثبت‌نگر به عنوان منبعی قدرتمند برای رشد و سلامت روانی شناخته می‌شود. این رویکرد میان‌رشته‌ای، چارچوب نظری جامعی را برای بررسی عشق فراهم می‌آورد که می‌تواند به درک عمیق‌تر از تأثیر آن بر بهزیستی روانی و معنوی انسان بینجامد.

پس در هر دو حوزه، چه در بستر مذهبی و چه در روان‌شناسی مدرن، پرورش انگیزه‌های درونی مثبت، چه عشق به خداوند و چه استفاده از استعدادهای فردی، عاملی کلیدی در رسیدن به زندگی توأم با رضایت و مقاومت در برابر چالش‌ها شناخته می‌شود. این نگرش‌ها نشان می‌دهند که پایدارترین شکل فرمانبرداری، پرستش یا شادمانی، زمانی محقق می‌شود که از عمق احساسات و توانایی‌های اصیل انسان سرچشمه بگیرد، نه از اجبارهای بیرونی یا ترس از پیامدهای منفی.

این دیدگاه، شش منش بنیادین را در بر می‌گیرد که عبارت‌اند از: فرزاندگی و دانایی، دلیری، مهربانی و عشق، دادگری، اعتدال، معناجویی و تعالی.

این منش‌ها باید سه ویژگی بنیادین زیر را دارا باشند:

- تقریباً در تمامی تمدن‌ها ارزشمند شمرده شوند؛
- ذاتاً ارزشمند باشند، نه به عنوان ابزاری برای دستیابی به مقاصد دیگر؛
- دارای گستردگی باشند. روش‌های گوناگونی برای رسیدن به هریک از این منش‌ها وجود داشته باشد که سلیگمن این روش‌ها را توانایی می‌نامد.

در این نگرش، مهربانی و عشق از جمله اساسی‌ترین عناصر بهروزی و شادکامی به شمار می‌روند. این منش به آدمی یاری می‌رساند تا با دیگران و جهان پیرامون خود پیوندی ژرف‌تر برقرار سازد، معنایی عمیق‌تر در زندگی بیابد و از پیچ‌وخم‌های زندگی با امیدواری گذر کند. نیک‌خواهی، سپاسگزاری، بخشایش، هوش اجتماعی، دوراندیشی، خلاقیت، بذله‌گویی، جذابیت، دادگری، خودمهارگری، احتیاط و فروتنی، توانایی‌هایی هستند که می‌توانند سرچشمه عشق باشند (سلیگمن، ۱۳۹۵: ۲۶۶).

در نگاه نخست، عشق ممکن است موضوعی مرتبط‌تر با روان‌شناسی اجتماعی یا روابط میان‌فردی به نظر آید؛ اما سلیگمن نشان می‌دهد که عشق چگونه می‌تواند بر تمامی جوانب زندگی



## بررسی مفهوم عشق در مثنوی طاق‌دیس از دیدگاه روان‌شناسی...، سعیده نعمت‌اللهی و تقی ازهای

10.22052/KASHAN.2025.256448.1139

ما اثر بگذارد و در نهایت به ارتقای سطح شادکامی ما کمک کند (همان، ۱۳۹۵: ۲۶۶). در عرفان نیز عشق را نیرویی ارزشمند به شمار می‌آورند:

دیلمی در تحلیل خود، عشق را به ۱۱ مرحله (مقام) تقسیم می‌کند که نشان‌دهنده سیر تدریجی تکامل روحانی در عرفان صوفیانه است. او نخستین کسی است که چنین دسته‌بندی نظام‌مندی از عشق ارائه داده و در کتابش اشاره می‌کند که «محبت» با نام‌های مختلفی متناسب با مراتبش بیان می‌شود، اما معنای یکسانی دارد. مراحل عشق از نگاه او به شرح زیر است:

۱. الفَت: نزدیکی دل‌ها یا پیوند روحی؛
۲. اَنَس: افزایش الفت و رسیدن به مرحله دیدار؛
۳. وُد/مودت: صمیمیت و پیوند عمیق؛
۴. مَحَبَت: عشق راستین با لذت پایدار و یاد همیشگی محبوب؛
۵. خُلَّت: اوج محبت؛
۶. شَوَق: اشتیاق فراوان برای یاد کردن محبوب؛
۷. شَغَف: نفوذ محبت به قلب؛
۸. اِسْتَهْتار: غرق شدن در ذکر محبوب و بی‌توجهی به دیگران؛
۹. وَلَه: از دست دادن خرد از شدت اندوه؛
۱۰. هِیْمَان: از دست دادن صبر به دلیل آتش عشق؛
۱۱. عشق: جوششی که تمام وجود را فرامی‌گیرد و فراموشی همه چیز جز معشوق (دیلمی، ۱۹۶۲: ۲۰-۲۲).

این سلسله‌مراتب، ساختاری منظم و هماهنگ با احوال باطنی عارف را نشان می‌دهد که عشق را به عنوان والاترین مرحله، هدف نهایی سلوک روحانی معرفی می‌کند.

سلیگمن، عشق را نیرویی قدرتمند در زندگی انسان می‌داند. او معتقد است که عشق به دیگران، عشق به خود و عشق به زندگی، می‌تواند انگیزه‌ای قوی باشد تا فرد به اهداف دست پیدا کند و از زندگی لذت ببرد. عشق به دیگران، باعث ایجاد روابط عمیق و معنادار می‌شود که به نوبه خود، احساس تعلق و امنیت را در انسان تقویت می‌کند (سلیگمن، ۱۳۹۵: ۱۱۵).

در باب این موضوع در قرآن این گونه آمده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰). دوست داشتن دیگران، گویای این است که آدمی، تمامی انسان‌ها را زاده یک گوهر می‌شمارد و برایشان ارزش قائل است. مهرورزی به خود، به انسان کمک می‌کند

تا به توانمندی‌های خود آگاه شود و برای بالندگی فردی کوشش کند و عشق به هستی، سبب می‌شود که از تک‌تک لحظات زندگی لذت ببرد (سلیگمن، ۱۳۹۵: ۲۶۶). در این باره نیز قرآن عشق متقابل بین خدا و بنده مطرح می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (مائده: ۵۴). این آیه یکی از آیاتی است که به‌زیبایی، به موضوع عشق بین خدا و بنده می‌پردازد. در این آیه، خداوند به مؤمنان راستین وعده می‌دهد که گروهی را جایگزین کسانی که از دین برگشته‌اند خواهد کرد؛ گروهی که نه تنها خداوند آن‌ها را دوست دارد، بلکه آن‌ها نیز خداوند را دوست دارند. «یحبهم و یحبونه» جمله‌ای است که بر این عشق متقابل تأکید می‌کند. این عشق، یک رابطه دوطرفه است که در آن، هم خداوند به بندگان عشق می‌ورزد و هم بندگان، خداوند را دوست دارند.

سلیگمن همچنین روابط سالم میان افراد را یکی از اساسی‌ترین عوامل اثرگذار بر شادکامی می‌داند. او بر این باور است که داشتن پیوندهای نیرومند و صمیمی با دیگران، به ما حس وابستگی و پشتیبانی می‌بخشد و ما را در رویارویی با دلشوره و دشواری‌ها، توانمندتر می‌سازد. عشق در روابط میان‌فردی، به گونه‌های گوناگونی نمایان می‌شود، از جمله عشق به خانواده، دوستان، همسر و اجتماع.

سلیگمن، یافتن معنا در زندگی را، از دیگر اجزای مهم شادکامی تلقی می‌کند. او معتقد است که هنگامی که به زندگی معنا بخشیده شود، احساس هدفمندی و خشنودی بیشتری پدید می‌آید. عشق می‌تواند به انسان یاری رساند تا معنای زندگی را بیابد. برای نمونه، عشق به خانواده می‌تواند به ما انگیزه دهد تا برای فردای آنان بکوشیم، یا عشق به یک آرمان والا می‌تواند ما را یاری کند تا در زندگی به چیزی یا کسی بزرگ‌تر از خودمان خدمت کنیم (همان: ۲۶۶).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عشق، اثری نیکو بر تندرستی روان دارد. کسانی که پیوندهای عاشقانه استوار و سالمی دارند، معمولاً کمتر دچار افسردگی، دلشوره و دیگر مسائل روانی می‌شوند. مهرورزی به خویشان نیز به فرد کمک می‌کند تا با خودباوری بیشتری به زندگی بنگرد و در برابر فشارهای روانی، پایداری بیشتری نشان دهد. سرانجام، سلیگمن، عشق را به‌عنوان یک توانایی نیرومند و مثبت در زندگی آدمی می‌نگرد. او باور دارد که عشق می‌تواند به افراد یاری رساند تا به خواسته‌های خود برسند، روابط نیرومندتری بسازند، معنای زندگی را دریابند و در نهایت، زندگی شادتر و خشنودکننده‌تری داشته باشند. با پروراندن عشق در زندگی خویش،

می‌توان به جایگاه والاتری از شادکامی دست یافت (همان: ۲۴۲). در مورد عشق انسان به خدا قرآن در این باره این‌طور مطرح می‌کند: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (آل عمران: ۱۳۲). اطاعت از دستورات خدا، نشان‌دهنده تسلیم کامل انسان در برابر او و پذیرش ولایت اوست که از نشانه‌های بارز عشق به خداست.

### ۳. بحث و یافته‌های پژوهش

#### ۳-۱. ویژگی‌های عشق در مثنوی طاق‌دیس

عشق به‌مثابه نیرویی پیش‌برنده: عشق به‌عنوان توانی باطنی شناسانده می‌شود که آدمی را به‌سوی والایی و نیکبختی رهنمون می‌سازد و همانا عشق خداوند به انسان بوده که موجب عشق انسان به خداوند گشته؛ بدین معنا که معشوق، خود عاشق بوده است در مثنوی طاق‌دیس، احمد نراقی با نگاهی ژرف به رابطه دوسویه «عاشق» و «معشوق» می‌پردازد و مرزهای ظاهری این دو مفهوم را در هم می‌شکند.

|                              |                                |
|------------------------------|--------------------------------|
| هر که شد معشوق عاشق نیز هست  | در دل او عشق شورانگیز هست      |
| عشق عاشق هم ز جذب عشق اوست   | گشته پیدا وین کشاکش هم از اوست |
| کهر با عاشق بود لیک ای عمو   | کاه را بنگر که آید سوی او      |
| این سخن را گر همی‌خواهی بیان | رو یحیی‌بهم و یحیوننه بخوان    |

(نراقی، ۱۳۹۴: ۲۸)

این ابیات گواه این اندیشه است که در ساحت عشق حقیقی، تمایز بین عاشق و معشوق رنگ می‌بازد؛ چراکه معشوق راستین (خداوند) خود سرچشمه عشق است و عاشقی را نه نشانه نیاز، بلکه جلوه کمال وجودی او می‌داند. نراقی با الهام از آموزه‌های وحدت وجود، عشق را جریانی پیوسته و دوطرفه ترسیم می‌کند که هم عاشق را می‌سوزاند و هم معشوق را در هیئت عاشق مشتاق آشکار می‌سازد و بیان می‌کند که عشق الهی، ذاتاً شورآفرین است؛ تا جایی که حتی معشوق به‌ظاهر آرام نیز در باطن، سرشار از اشتیاقی آتشین است. این نگاه، بازتابی از مفهوم «فنا» در عرفان است که در آن، عاشق و معشوق در دریای هستی حق، یگانه می‌شوند.

عشق و معرفت: معرفت در مثنوی طاق‌دیس به هم پیوسته‌اند و هر دو برای رسیدن به کمال ضروری هستند. جان باید آماده پذیرش عشق باشد.

|                            |                       |
|----------------------------|-----------------------|
| عشق خود شهباز و رحمانی بود | آشیانش جان روحانی بود |
|----------------------------|-----------------------|

(همان: ۳۵۵)



عشق و عمل: عشق صرفاً یک حس نیست؛ بلکه نیازمند کردار نیز هست. عاشق راستین کسی است که به گفته‌ها و ادعاهای خود جامه عمل بپوشاند.

هرکه عشق شمع چون پروانه داشت      ز آتش سوزان آن پروا نداشت  
هرکه دل از عشق روشن باشدش      آتش معشوق گلشن باشدش  
(همان: ۳۰۰)

### ۲-۳. اهمیت عشق در مثنوی طاق‌دیس

راه رسیدن به خدا: عشق به منزله نزدیک‌ترین و بی‌واسطه‌ترین مسیر برای وصال به خداوند شناسانده می‌شود و عاشق در برابر توان الهی، هیچ نیرویی از خود ندارد.

جان فدای تیغ او و تیر او      گردن من بسته زنجیر او  
(همان: ۲۶۱)

منع آرامش و سعادت: عشق به انسان آسایش و بهروزی درونی هدیه می‌بخشد.  
عشق چون بر سینه پابرجای شد      پخته و جذاب و روح‌افزای شد  
(همان: ۱۸۶)

عامل وحدت و همبستگی: عشق بر اثر کشش معشوق پدید می‌آید و تمامی آدمیان در این دل‌بستگی سهیم‌اند.

عشق عاشق هم ز جذب عشق اوست      گشته پیدا وین کشاکش هم از اوست  
(همان: ۲۸)

لی<sup>۳</sup> (۱۹۷۳: ۲۲۱) مدل چرخه‌ای عشق را معرفی می‌کند که در آن تنها سه رنگ زرد، قرمز و آبی وجود دارد و از این‌رو سه گونه آغازین عشق نیز هست. این سه گونه عبارت‌اند از: عشق به یک فرد آرمانی، عشق به مثابه یک سرگرمی و عشق به سان یک رفاقت.

استرنبرگ<sup>۴</sup> (۱۹۸۶: ۱۹۰) با ارائه فرضیه سه‌گانه عشق، آن را آمیزه‌ای از سه مؤلفه نزدیکی، خواش و پیمان می‌داند که ترکیب‌های گوناگون این سه مؤلفه، گونه‌های مختلف عشق را پدید می‌آورد و هنگامی که تمامی مؤلفه‌ها به گونه‌ای متوازن حضور داشته باشند، جامع‌ترین نوع عشق شکل می‌گیرد.

تقریباً تمامی آثار آموزشی عرفانی، بخشی را به گفت‌وگو درباره مهر و عشق اختصاص داده و پیرامون آن سخن رانده‌اند: محبت، بنیاد و اساس طریق حق تعالی و از مواهب است و نه از مکاسب



## بررسی مفهوم عشق در مثنوی طاق‌دیس از دیدگاه روان‌شناسی...، سعیده نعمت‌اللهی و تقی اژه‌ای

10.22052/KASHAN.2025.256448.1139

(هجوی، ۱۳۸۷: ۴۵۱). در رساله قشیریه نیز آمده: محبت جوشیدن دل بود و برخاستن او و به هم برآمدن او به وقت تشنگی او به دیدار محبوب (قشیری، ۱۳۷۴: ۵۵۷).

عشق می‌تواند راستین یا دروغین باشد. عشق روحانی و حقیقی، عاشق را از خودخواهی‌های می‌بخشد و گرایش و میل را به بیرون از هستی‌اش معطوف می‌سازد و وجودش را گسترش می‌دهد و جز خشنودی به تقدیر الهی و سرسپردگی در برابر فرمان معشوق مطلق، چیزی در ذهن و اندیشه‌اش نیست. هرچه عشق به امور معنوی فزونی یابد، نیرومندتر می‌گردد؛ چراکه جان آدمی با این امور هم‌سنگ است. آنچه آموزه‌های اسلامی بر آن تأکید دارند، مهرورزی است، نه صرفاً بر پایه دارایی‌های ظاهری و جسمانی طرف مقابل، بلکه براساس ویژگی‌های معنوی و تناسب روحانی است که ظاهر و جسم را هم زیر پوشش خود قرار می‌دهد و در مسیر کمال، انسان را به عشق الهی پیوند می‌دهد (پهلوان شمسی، ۱۴۰۱: ۸۲). عشق حقیقی، عشق‌ورزی به معبود ازلی را توصیه می‌کند اما عشق مجازی، عشق به مسائل ناپایدار است. یکی از معایب عشق مجازی این است که در این نوع از عشق، حتی وصال به معشوق نیز نمی‌تواند انسان را در برابر تفکرات مخرب و نگرانی‌ها حمایت کند و مشکل دقیقاً از جایی آغاز می‌شود که انسان پس از رسیدن به این هدف احساس می‌کند هنوز به آن چیزی که تصور می‌کرده و هدف غایی او بوده، نرسیده است و مجدداً تلاش می‌کند به اهدافی دیگر دست یابد؛ اما هیچ هدف مادی به‌طور کامل نمی‌تواند روح و روان او را ارضا کند.

مولانا این‌گونه دل‌بستگی‌ها را عشق به فانی می‌شمارد و باور دارد که بارزترین ویژگی این نوع عشق، ناپایدار بودن آن است و درمقابل، عشق راستین و مهرورزی به معبود ازلی را سفارش می‌کند:

عشق بر مرده نباشد پایدار      عشق را بر حی جان‌افزای دار  
(مولانا، ۱۳۸۶، ج ۵: ۳۲۷۲)

همچنین:

زانکه عشق مردگان پاینده نیست      زانکه مرده سوی ما آینده نیست  
(همان، ج ۱: ۲۱۸)

مولانا عشق‌های مجازی و غیرالهی را جان‌کدنی بی‌حاصل می‌داند:

هرچه جز عشق خدای احسن است      گر شکرخواهی است آن جان‌کندن است  
(همان، ج ۵: ۳۲۷۲)

این گونه دل‌بستگی‌ها و عشق‌ها که انسان را آرام می‌کند، با رنگ باختن و تکراری شدن آن خاصیت خود را از دست می‌دهد. برخی دانشمندان روان‌شناسی نیز ریشه تمام نگرانی‌های انسان را جدا شدن انسان از عشق حقیقی می‌دانند؛ از جمله مازلو<sup>۵</sup> در این باره می‌گوید: «درک این جدایی باعث بروز اضطراب می‌شود. درحقیقت جدایی، یعنی بریدن از هرچیز، بدون اینکه توانایی استفاده از نیروی انسانی خود را داشته باشیم» (Maslow, 1962).

مولانا در حکایت شاه و کنیزک بر این باور است که عشق کنیزک به زرگر، نمادی از همین گونه دل‌بستگی‌هاست و در سیر داستان و روایت، رفته‌رفته ثابت می‌کند که این عشق‌ها و وابستگی‌ها، آن گم‌شده انسان نیستند و اگرچه به‌طور موقت او را آرام می‌بخشند، با کم‌رنگ و یکنواخت شدنشان، این گونه دل‌بستگی‌ها و عشق‌ها، خاصیت خود را از دست می‌دهند. شماری از دانشمندان روان‌شناسی نیز ریشه تمامی دل‌نگرانی‌های انسان را، جدا افتادن او از عشق حقیقی می‌دانند؛ از جمله فروم<sup>۶</sup> در این خصوص می‌گوید: «فهم این جدایی، سبب بروز اضطراب می‌گردد. در واقع جدایی، یعنی گسستن از هرچیز، بی‌آنکه توان بهره‌گیری از نیروی انسانی خویش را داشته باشیم» (فروم، ۱۳۶۶: ۱۸).

از دید مولانا نیز عامل اصلی اضطراب و نگرانی نوع بشر، جدا شدن از منبع عشق حقیقی است:

از نیستان تا مرا بریده‌اند      از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند

(مولانا، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲)

مولانا معتقد است سرانجام این عشق‌های مجازی بر اثر ریاضت، مداومت و مراقبت می‌تواند به عشق حقیقی تبدیل شود و بدین ترتیب تمام آلام روحی انسان را درمان کند. او معتقد است:

عاشقی گر زین سر و گر زان سر است      عاقبت ما را بدان سر رهبر است

(همان‌جا)

مولانا معتقد است که این احساس درونی در صورت تسلط بر نفس فرودین و خاکی بشر با تفویض جهنده‌ترین و مثبت‌ترین هیجانات روحی و روانی، او را به بالاترین مقامات معنوی می‌رساند و این انتقال و تحول از ابتدایی‌ترین وضعیت آغاز و به نهایی‌ترین شکل می‌انجامد:

جان‌های بسته اندر آب و گل      چون رهند از آب و گل‌ها شاد دل

در هوای عشق حق رقصان شوند      همچو قرص بدر بی‌نقصان شوند

چشمان در رقص و جان‌ها خود      وانک گرد جان از آن‌ها خود مپرس

(مولانا، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵۸)



## بررسی مفهوم عشق در مثنوی طاق‌دیس از دیدگاه روان‌شناسی...، سعیده نعمت‌اللهی و تقی اژه‌ای

برای تحول از عشق مجازی به عشق حقیقی باید به‌جای ضدیت و سرکوب، آن را پیرایش کرد و اگر به‌جای مخفی و سرکوب کردن به آن جهت متعالی داده شود، آن‌گاه نفس روند تکاملی خود را طی می‌کند و بدین ترتیب از مرحله آمارگی عبور کرده و به مرحله لوامگی انتقال می‌یابد (مصطفوی، ۱۳۹۷: ۸۴).

خاصیت عشق حقیقی این است که شادی و غم دنیوی را بی‌معنی و مفهوم می‌کند و امید و سرسبزی نهفته در آن به‌گونه‌ای است که در صورت استقرار سالک در این مرحله، شادی او، شادی واقعی و پایداری است که هیچ‌یک از ناملایمات دنیوی و حتی درونی و روانی نمی‌تواند این شادی تحت تأثیر قرار دهد. در تفکر مولانا، شادی‌ها و غم‌های دنیوی که در روان‌شناسی مثبت‌نگر مطرح است اصلاتی ندارند، زیرا در این مرحله سالک به درجه‌ای می‌رسد که ستم و نیکی و رنج و تألم در نظر او یکی می‌شود:

باغ سبز عشق کو بی‌متهاست      جز غم و شادی درو بس میوه‌هاست  
عاشق زین هر دو حالت برتر است      حادثان میرند و حقشان وارث است  
(مولانا، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۷۹۳)

مولانا معتقد است با وجود عشق، کوچک‌ترین نگرانی و ترسی در دل انسان جای ندارد و عشق واقعی سالک را به بالاترین درجه استقامت می‌رساند:

ترس مویی نیست اندر پیش عشق      جمله قربانند اندر کیش عشق  
(همان، ج ۵: ۲۵۷۰)

عشق هم به‌معنای دوست داشتن دیگران و هم دوست داشته شدن توسط آن‌هاست و همچنین به‌معنای اهمیت دادن به روابط صمیمی و نزدیک با دیگران نیز هست (بدری، ۱۳۹۰: ۲۷ به نقل از پرثمر و جعفرزاده).

عشق در مثنوی طاق‌دیس بسیار ارزشمندتر از یک احساس صرف است. ملا احمد نراقی، عشق را نیرویی محرک و راهی برای رسیدن به کمال و نزدیکی به خداوند معرفی می‌کند. در این اثر، عشق به‌عنوان یک مفهوم گسترده و چندوجهی مطرح می‌شود. نراقی عشق را نیرویی قدرتمند و همه‌جانبه توصیف می‌کند که ابعاد مختلف زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. منظور از چندوجهی بودن عشق در این عبارت، این است که عشق در مثنوی طاق‌دیس دارای جنبه‌های مختلف و متنوعی است که از یکدیگر جدا نیستند. عشق الهی، به‌عنوان بالاترین سطح عشق، انسان را به‌سوی پروردگار سوق می‌دهد. عشق به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، وسیله‌ای (واسطه) برای

تقرب به خداوند است، و عشق به انسانیت، تجلی ارتباط عمیق و معنوی با همه انسان‌ها به عنوان مخلوقات الهی محسوب می‌شود. این سه سطح از عشق، سلسله‌مراتبی معنوی را شکل می‌دهند که از خالق آغاز شده، به واسطه‌های مقدس می‌رسد، و در نهایت به همه هستی گسترش می‌یابد.

گلشن و گلخن بر عاشق یکیست      گلخن و گلشن نمی‌داند که چیست  
(همان: ۲۸۰)

#### ۴. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکردی میان‌رشته‌ای و با تکیه بر تحلیل کیفی، موفق شد پیوندهای عمیق میان مفاهیم محبت و عشق در مثنوی طاق‌دیس و آموزه‌های علم بهزیستی و روان‌شناسی مثبت‌نگر را آشکار سازد. بررسی دقیق اشعار ملا احمد نراقی نشان داد که عشق در این منظومه، صرفاً یک احساس گذرا یا هیجان انسانی نیست، بلکه نیرویی الهی و محرک برای حرکت به‌سوی کمال، رهایی از قیود نفسانی و دستیابی به تعالی روحانی است. عشق در طاق‌دیس، با الهام از آموزه‌های عرفانی، جوهره هستی و رمز رستگاری انسان معرفی می‌شود؛ مفهومی که در سه سطح عشق الهی، عشق به پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع) و عشق به انسانیت تجلی یافته و ساختاری سلسله‌مراتبی و پویا دارد. این نگاه، با آموزه‌های مولانا و دیگر عرفای بزرگ هم‌راستا بوده و تأکید می‌کند که عشق حقیقی، انسان را از خودمحوری و دل‌بستگی‌های مادی و زودگذر رهایی می‌بخشد و او را به‌سوی آرامش، رضایت و وصال با حقیقت مطلق سوق می‌دهد.

در این مسیر، پژوهش حاضر نشان داد که موانعی همچون نفس‌پرستی، هراس، وابستگی‌ها و تعلقات دنیوی می‌توانند سد راه تکامل عشق شوند. اما با پرورش فضیلت‌هایی مانند سپاسگزاری، یاری به دیگران، بخشش و مهربانی، که هم در روان‌شناسی مثبت‌نگر و هم در متون عرفانی مورد تأکید قرار گرفته‌اند، می‌توان بر این موانع غلبه کرد و عشق را به مرحله‌ای متعالی رساند. تحلیل تطبیقی میان مفاهیم مثنوی طاق‌دیس و اصول روان‌شناسی مثبت‌نگر، نشان داد که تمرین‌های عملی همچون شکرگزاری و کمک به دیگران، نه تنها به تقویت عشق و محبت درونی می‌انجامد، بلکه نقش مهمی در ارتقای سلامت روان، افزایش رضایت از زندگی و بهبود روابط اجتماعی ایفا می‌کند. ازسوی دیگر، پژوهش حاضر با مرور پیشینه مطالعاتی، به خلأ موجود در پژوهش‌های مرتبط با مثنوی طاق‌دیس و تلفیق آن با روان‌شناسی مثبت‌نگر اشاره کرد و نشان داد که تاکنون کمتر به این زاویه از تحلیل پرداخته شده است. این امر، اهمیت و ابتکار پژوهش حاضر را دوچندان می‌سازد، زیرا توانسته است الگویی نوین و فراگیر برای فهم و پرورش عشق حقیقی ارائه دهد؛ الگویی که



## بررسی مفهوم عشق در مثنوی طاق‌دیس از دیدگاه روان‌شناسی...، سعیده نعمت‌اللهی و تقی ازه‌ای

10.22052/KASHAN.2025.256448.1139

می‌تواند هم در ساحت نظری و هم در عرصه عملی، راهگشای پژوهشگران، مربیان، مشاوران و علاقه‌مندان به حوزه‌های ادبیات، عرفان و روان‌شناسی باشد.

درنهایت، نتایج این پژوهش تأکید می‌کند که عشق، در هر سه سطح الهی، انسانی و اجتماعی، نیرویی بنیادین برای رشد و شکوفایی فردی و جمعی است. عشق حقیقی، همان گونه که در مثنوی طاق‌دیس و آموزه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر بازتاب یافته، عامل اصلی معنا بخشی به زندگی، ایجاد انگیزه، غلبه بر مشکلات و دستیابی به شادی پایدار است. این عشق، انسان را به خودشناسی، خداشناسی و دیگرشناسی می‌رساند و از او فردی متعهد، مهربان و مسئول می‌سازد که می‌تواند در مسیر تعالی فردی و اجتماعی گام بردارد.

هرچند این پژوهش با محدودیت‌هایی نظیر تمرکز بر یک اثر ادبی و کیفی بودن اطلاعات مواجه بوده است، نتایج آن می‌تواند الهام‌بخش مطالعات بعدی در حوزه‌های میان‌رشته‌ای باشد و راهکارهایی عملی برای ارتقای کیفیت زندگی، بهبود روابط انسانی و دستیابی به آرامش و رضایت پایدار ارائه دهد. امید است که این پژوهش، گامی مؤثر در جهت تلفیق دانش‌های انسانی و معنوی و ترویج فرهنگ عشق، محبت و بهزیستی در جامعه باشد.

## پی‌نوشت‌ها

1. Lemon & McMahon
2. Martin Seligman
3. lee
4. Sternberg
5. maslow
6. Forum

## منابع

قرآن کریم.

- بدری، بهار. (۱۳۹۰). بررسی مؤلفه‌های روان‌شناسی مثبت در بوستان و گلستان سعدی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- پهلوان شمسی، فاطمه. (۱۴۰۱). ابوالفضل رشیدالدین میبدی و تفسیرش از عشق حقیقی و مجازی. مطالعات زبان و ادبیات غنایی، ۱۳ (۴۶)، ۶۸-۸۵.



- دیلمی، ابوالحسن علی بن محمد. (۱۹۶۲). *عطف الالف المالوف علی اللام المعطوف*. حقه و قدمه ج.ک. واده. قاهره.
- سلیگمن، مارتین ای. پی. (۱۳۹۵). *شادمانی درونی (روان‌شناسی مثبت‌گرا در خدمت خشنودی پایدار)*. تهران: دانژه.
- صابری، علی و محمدیگی، شاهرخ. (۱۳۹۷). *زبان عشق در ادب فارسی*. فصلنامه هنر زبان، ۷ (۳)، ۲۸-۷.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. تهران: اسلامی عمید، حسن. (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: امیرکبیر
- فروم، اریک. (۱۳۶۶). *هنر عشق ورزیدن*. ترجمه پوری سلطانی. تهران: مروارید.
- قشیری نیشابوری، ابوالقاسم. (۱۳۷۴). *ترجمه رساله قشیری*. تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. تهران: علمی و فرهنگی.
- لیمون، آوریل و مک ماهون، گلادیانا. (۱۳۹۲). *مثبت‌اندیشی*. ترجمه مهدی دوایی و شیرین کوهپایه. تهران: سخن.
- مصطفوی، مهدی. (۱۳۹۷). *تحلیل روان‌شناختی عشق از منظر عرفان اسلامی*. تهران: سمت.
- معین، محمد. (۱۳۸۳). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: امیرکبیر.
- نراقی، ملا احمد. (۱۳۹۴). *مثنوی طاق‌دیس به همراه منتخبی از غزلیات عالم ربانی*. به کوشش حسن نراقی. تهران: امیرکبیر.
- نصر، سید حسین. (۱۳۹۰). *اسلام و معنویت: چشم‌اندازی از درون*. تهران: حکمت
- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان. (۱۳۸۷). *انتشارات علمی و فرهنگی*.
- هدایتی، محمدرضا. (۱۳۹۵). *عشق الهی در قرآن و سنت*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- Lee, G. A. (1973). *The color of love and exploration of the ways of loving*. Don Mills. Ontario New Press.
- Maslow, A. H. (1962). *Toward a psychology of being*. Princeton, NJ: Van Nostrand.
- Seligman, M.E.P. (2011). *Flourish: A visionary new understanding of happiness and well being*. New York: free press.
- Sternberg, R. j. (1986). A triangular theory of love. *Psychological Review*, No. 93, 119-135, Oxford university press.



## References

- Amid, H. (2010). *Amid Persian dictionary*. Tehran: Amirkabir. (In Arabic)
- Badri, B. (2011). An investigation of the components of positive psychology in Sa'di's *Bustan* and *Golestan*. Master's thesis, Faculty of Psychology, Allameh Tabataba'i University. (In pershian)
- Dailami, Abu'l-Hasan 'Ali ibn Muhammad. (1962). *'Atf al-Alif al-Ma'luf 'ala al-Lam al-Ma'tuf*. Edited and introduced by J.K. Wada. Cairo. (In Arabic)
- Fromm, E. (1987). *The Art of Loving* (P. Soltani, Trans.). Tehran: Morvarid.
- Hedayati, M. R. (2016). *Divine love in the Quran and Sunnah*. Tehran: Research Institute for Islamic Culture and Thought. (In pershian)
- Hujwiri, Abu'l-Hasan 'Ali ibn 'Uthman. (2008). *Kashf al-Mahjub*. Tehran: Tahuri. (In pershian)
- Lymon, A., & McMahon, G. (2013). *Positive thinking* (M. Davaie & Sh. Koohpaye, Trans.). Tehran: Sokhan. (In pershian)
- Moein, M. (2004). *Moein Persian dictionary*. Tehran: Amirkabir. (In pershian)
- Mostafavi, M. (2018). *A psychological analysis of love from the perspective of Islamic mysticism*. Tehran: Samt. (In pershian)
- Naraqi, M. A. (2015). *Taqdis Masnavi with a selection of ghazals of the divine scholar*. Edited by H. Naraqi. Tehran: Amirkabir. (In pershian)
- Nasr, S. H. (2011). *Islam and spirituality: An insider's perspective*. Tehran: Hekmat. (In pershian)
- Pahlevan Shamsi, F. (2022). Abu'l-Fadl Rashid al-Din Maybudi and his interpretation of true and metaphorical love. *Studies in Lyric Language and Literature*, 13(46), 68-85. (In pershian)
- Qushayri al-Nishaburi, Abu'l-Qasim. (1995). *Translation of Al-Risala al-Qushayriyya* (B. Foruzanfar, Ed.). Tehran: Elmi va Farhangi. (In pershian)
- Saberi, A., & Mohammadbeigi, Sh. (2018). The language of love in Persian literature. *Art of Language Quarterly*, 7(3), 7-28. (In pershian)
- Seligman, M. E. P. (2016). *Authentic happiness: Positive psychology in the service of lasting fulfillment*. Tehran: Danjeh.
- Tabataba'i, S. M. H. (1995). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Tehran: Eslami. (In Arabic)



## An Investigation of the Concept of Love in Taghdis' Masnavi from the Perspective of Positive Psychology

**Saideh Nematollahi**

PhD students of Persian Literature, Department of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author); Email: saideahp@gmail.com

**Taghi Ejei**

Associate Professor of Persian Literature, Department of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran. t.ejeh@ltr.ui.ac.ir

Received: 20/12/2024

Accepted: 16/12/2024

### Extended Abstract

#### Introduction

Love is a central concept in mystical literature, representing a powerful cosmic force that transcends ordinary human emotions. It vividly expresses the spiritual path toward enlightenment and ultimate union with divine. This idea of love prominently appears in both Persian and Arabic mystical texts, including the timeless works of eminent mystics and poets such as Sanai, Attar, Rumi, and Ibn A'rabi. These texts portray love as the essence and foundation of existence itself, underpinning the entire cosmos. Within the framework of Islamic mysticism, love is understood to transcend mere romantic feelings or psychological states; it is considered to be the fundamental basis of creation, the driving force behind the perfection of the soul, and the ultimate truth guiding all beings toward spiritual fulfillment. This study critically examines the concept of love as articulated in *Taqdis Masnavi*, a significant mystical work, specifically from the perspective of positive psychology—a relatively new psychological approach that underscores human strength, virtues, and positive experiences rather than mere mental disorders or pathology. By integrating the rich heritage of classic mystical literature with insights from contemporary psychological theories, this research aims to uncover new and meaningful dimensions of love's pivotal role in fostering spiritual growth, psychological well-being, and holistic human flourishing.

#### Materials and Methods

This research employs a descriptive-analytical methodology that combines a detailed content analysis of classic Persian and Arabic mystical texts, focusing primarily on *Taqdis Masnavi*. The textual analysis methodically examined mystical expressions, allegories, and symbolism related to key concepts such as love, happiness, spirituality, and psychological strength as embedded within the text. This study deployed Martin Seligman's influential model of positive psychology (2011), which emphasized well-being, moral virtues, and the cultivation of personal strength as the foundations for flourishing. Through a qualitative content analysis, the research identified and elucidated central themes, connecting the mystical dimensions of love to psychological well-being factors, including life satisfaction, emotional resilience, and positive interpersonal relationships. Furthermore, the study



explored how spiritual virtues—such as gratitude, altruism, forgiveness, and kindness—served as essential resources, enabling individuals to overcome various emotional and spiritual obstacles to growth. Data were systematically gathered through comprehensive literature reviews of both classic mystical texts and contemporary psychological scholarship. This process facilitated rich interdisciplinary insights bridging Islamic mysticism and positive psychological constructs. Ultimately, this interdisciplinary approach significantly advances our understanding of love as a transformative power with profound implications for mental health, spiritual development, and holistic human flourishing.

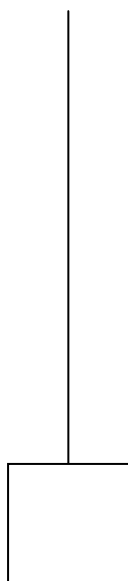
### Results

This study revealed that love in *Taqdis Masnavi* functioned as a multi-dimensional force that nurtures both psychological and spiritual health. Divine love, love for the Prophet and holy family, and the universal love for humanity—as the manifestations of God’s creativity—form a spiritual hierarchy that guides the soul’s ascent. The emotional experiences of love transcend transient pleasures and pains, embodying a stable, pure joy that withstands internal and external adversities. By mastering egoistic desires and cultivating positive traits, love transforms from a mere emotion into an enduring spiritual reality. The study’s findings aligned with Islamic mystical insights and positive psychology’s features, highlighting how love fostered meaning, positive social bonds, and emotional resilience. Obstacles such as selfishness, fear, and worldly attachments are identified as barriers to love’s growth, while practical virtues enhance spiritual and psychological development. Love is shown to strengthen social cohesion by promoting empathy and forgiveness, which improves mental health and social well-being. This integrative framework offered novel interventions to enhance life satisfaction through the cultivation of love-centered virtues.

### Conclusion

The study concludes that interpreting love in *Taqdis Masnavi* through the lens of Positive Psychology provides a valuable framework for enhancing spiritual fulfillment and psychological well-being. Love is portrayed as a profound catalyst for spiritual transformation and enlightenment as well as a powerful force for strengthening emotional resilience and nurturing social harmony among individuals and communities. The conscious practice of virtues such as gratitude, compassion, and forgiveness—qualities that are deeply rooted in the text—helps individuals overcome psychological barriers and emotional challenges. This enables them to achieve lasting happiness, inner peace, and meaningful connections with others. This integration of classic mystical literature with the theory of contemporary positive psychology effectively enhances mental health, turning love into a transformative power, promoting holistic healing and growth. This research emphasizes the importance of interdisciplinary approaches that bridge up the gap between ancient traditions of wisdom and current scientific understandings, ultimately pave the way for the emergence of a comprehensive human being, on both individual and collective levels.

**Keywords:** positive psychology, spirituality, Taqdis (sanctification), true love, well-being.



## ABSTRACTS

- 50 ► A Study of the Historical Background of Khwaja Tajuddin in Kashan
- 69 ► Historical Study of the Role of Abu al-Rreza Rawandi in the Narration of Nahjul-Balagha
- 97 ► Examining the Role of Social Factors Affecting the Tendency to Commit Crime among Youth (Case Study: Students of University of Kashan)
- 127 ► Designing a Model for Entrepreneurial Competency in Kashan's Machine-Made Carpet Supply Chain: A Mixed Approach
- 156 ► Identifying and Prioritizing Justice-Based Urban Management Development Strategies with an Emphasis on the City of Kashan
- 185 ► The Role of Gardens and Water Pools in Central Courtyards and their Impacts on Daylighting in Selected Historical Houses Qajar Era in Kashan
- 206 ► An Investigation of the Concept of Love in Taghdis' Masnavi from the Perspective of Positive Psychology